

دَارُ وُجَّةٍ

دولسمه گزیه
د ۱۳۴۸ کال = د کب میاشت



مضامین این شماره

		اخبار اردو
۱	جگر ن عاطفی	سالیکه گذشت
۳	برید جنرال خلیق	توقعات همکاریهای بین المللی .
۵	دگروال فهیمی	مناطق فرود آمدن پولوهای آینده
۱۱	تورن جلا لی	پالیسی ویتنامی ساختن جنگت .
۱۳	دگروال ترین	نظارت و کنترل .
۱۵	لمری برید من محمد معروف	طیاره سلا چیست که .
۱۸	احمد صدیق حیا	ابوعبیده سرباز فداکار .
۲۰	لمری برید من نجیب الله	الکساندر مترو سولوف .
۲۵	دو هم برید من عبدالاحمد	جریان تکامل دانش کیهانی
۳۶	لمری برید من محمد الله یار	دشوروی او چکوسلوا کی و سالی .
۴۰	جگر ن رسول	رول و وظایف مدافعه هوائی
۴۵	دو هم برید من عبدالرحیم	ژول سزار
۵۰	شعر و ادب
۵۲	تورن ازرق	انتریستکا یا قاره ششم
۵۴	مغهوم سره رودی	دراديو اکتيف په ضد مبارزه
۶۰	لمری برید من ظریف صدیقی	برتراندراسل .
۶۱	دکتور خوشدل	رژیم غذایی
۶۴	تورن بیدار	توریزم در افغانستان
۷۵	اداره	مصارف تسلیحاتی .
۷۸	چخان سوری	بیلا نس قوای نظامی
۸۶	دگر من سید عثمان	حقوق و جزای عسکری
۸۹	دگروال محمد اسمعیل	حرکات و ستر و اخفا
۹۱	عاطفی	مشاهیر جهان در خلال تاریخ
۹۳	در جهان عسکری
۱۰۱		اخبار اردو
۱۰۲		مشغولیت های فکری



شتر حرومی جلد

والاحضرت افخم شهزاده احمد شاه حین مسافرت شان به نیپال : در این فوتو جلالتمآب نور احمد اعتمادی صدراعظم و ستر جنرال خان محمد وزیر دفاع ملی که جهت وداع در میدان هوائی بین المللی آمده بودند نیز دیده می شوند .

سفر والا حضرت شهزاده احمد شاه به نیپال



والا حضرت شهزاده احمد شاه و همسر محترمه شان والا حضرت خاتول بدعوت اعلیحضرت سهندرا پادشاه نیپال و خانواده سلطنتی آلكشور جهت اشتراك در مراسم عروسی والا حضرت بیر ندر ا ولیعهد نیپال صبح ۱۰ روز پنجشنبه ۷ حوت ۱۳۴۸ بمسوب کت مندو عزیمت نمودند .

والا حضرت شهزاده محمد نادر ، بعضی از اعضای خاندان جلیل سلطنتی پناغلی نور احمد اعتمادی صدراعظم ، و خانم محترمه شان، معاونین صدارت بعضی از اعضای کابینه ، مامورین عالیرتبه عسکری و ملکی در میدان هوائی بین المللی کابل جهت وداع حاضر بودند .

والا حضرت شهزاده احمد شاه با مشایعین وداع کرده و متعاقب آن در حالیکه ستر جنرال خان محمد وزیر دفاع ملی با ایشان همراه بود سلام گارد احترام را قبول و آنرا معاینه کردند . در جمله همراهان شان برید جنرال عبدالغنی بچیث یاور نظامی با والا حضرت همراه بود .

طبق هك خبر دیگر والا حضرت شهزاده احمد شاه با همسر محترمه شان والا حضرت خاتول روز ۲۵ حوت ۱۳۴۸ بعد از اشتراك در محفل عروسی والا حضرت ولیعهد نیپال بدلهی جدید بایتخت هند موصلت کردند .

میرمن اندیرا گاندهی صدراعظم هند، پناغلی دیش سنگه وزیر خارجه ، سکرتر نظامی رئیس جمهور هند به

نماینده گی از وی، بعضی از اعضای کور دیپلوماتیک، مامورین عالیرتبه نظامی و ملکی، شارژدافیر و اعضای سفارت افغانی و افغانهای مقیم دهلی از والا حضرتین در میدان هوائی پالم استقبال نمودند .

والا حضرت شهزاده احمد شاه پس از آنکه موزیک سرود ملی افغانستان و هند را نواخت، گارد احترام را که مرکب از قوای سه گانه بحری، بری و هوایی هند بود، معاینه کردند .

والا حضرت شهزاده احمد شاه و همسر محترمه شان والا حضرت خاتول روز ۲۶ حوت ۱۳۴۸ بسا پناغلی وی دی گری رئیس جمهور هند در قصر ریاست جمهوری ملاقات کردند . همچنین والا حضرت شهزاده احمد شاه و والا حضرت خاتول از منزل جواهر لعل نهرو که بمرکز یادبود نهرو مبدل شده است دیدن کردند .

بتاریخ ۲۷ حوت ۱۳۴۸ ساعت دونیم بعد از ظهر بوقت دهلی طیاره حامل والا حضرتین از میدان هوائی پالم دهلی بمسوب افغانستان پرواز کرد در میدان هوایی دهلی، معاون رئیس جمهور هند، بعضی از جنرالهای اردوی آن کشور و روسای کور دیپلوماتیک مقیم دهلی و افغانهای مقیم هند با والا حضرتین وداع کردند .

والا حضرت شهزاده احمد شاه و همسر محترمه شان والا حضرت خاتول

که برای اشتراك در مراسم عروسی والا حضرت ولیعهد نیپال بدعوت اعلیحضرت سهندرا پادشاه آنکشور به کت مندو رفته بودند ساعت سه ونیم بعد از ظهر دیروز توسط طیاره دآریانا افغان هوایی شرکت بکابل موصلت فرمودند .

والا حضرتین در راه بازگشت بوطن چند روزی در هند اقامت داشتند . والا حضرت شاهدخت بلقیس والا حضرت شهزاده محمد نادر، والا حضرت لیلما، والا حضرت مارشال شاه ولیخان غازی فاتح کابل، والا حضرت سردار عبدالوالی پناغلی نور احمد اعتمادی صدراعظم، ستر جنرال خان محمد وزیر دفاع ملی انجنیر محمد بشیر لودین وزیر داخله پوهاند دکتور عبدالله واحدی والی کابل پناغلی نورستانی بناروال سرپرست کابل در نزدیک طیاره والا حضرتین را استقبال کردند .

والا حضرت شهزاده احمد شاه گارد احترام را معاینه و سلام گارد را قبول فرمودند، درین هنگام ستر جنرال خان محمد وزیر دفاع ملی با والا حضرت شهزاده همراه بود .

والا حضرت شهزاده احمد شاه بعداً طرف صفوف دیگر مستقبلین که شامل بعضی از اعضای کابینه ، جنرال های اردوی شاهانه مامورین عالیرتبه ، بعضی از اعضای شورا ، شارژدافیر و اعضای سفارت کبرای هند در کابل بود ، رفته باهریک احوال پرسی نمودند .

ستر جنرال خان محمد وزیر دفاع ملی پس از یک مسافرت به ایالات متحده امریکا بوطن عودت فرمودند



ستر جنرال خان محمد
وزیر دفاع ملی هنگام
بازگشت با دگر جنرال
لوی درستیز در میدان
هوایی بین المللی کابل

ستر جنرال وزیر دفاع ملی و خانم
محترمه شان در راه مراجعت بوطن
بنابعد عوت وزیر دفاع هند یک شب را
در هند نیز توقف نمودند و بتاريخ ۶
حوت بوطن باز گشتند.

در میدان هوایی بین المللی کابل
بعضی از اعضای کابینه، دگر جنرال
غلام فاروق لوی درستیز و عدّه
از جنرالهای اردوی شاهانه، و بناغلی
نیومن سفیر کبیر ایالات متحده امریکا
متعین کابل با خانم شان از وزیر دفاع
ملی استقبال کردند.

وزیر دفاع ایالات متحده امریکا
در مرکز وزارت دفاع آنکشور ملاقات
کرده و بعداً با سکرترهای بحریه و هوایی
ایالات متحده امریکا ملاقات های
تعارفی بعمل آورد.

جلالتآب خان محمد وزیر دفاع
ملی در ایام اقامت شان از موسسات
موناثراکت های اپولو و دیگر تاسیسات
کیهانی در کیپ کنیدی و از وسایط
قضائی و از حربی پوهنتون ایالات متحده
امریکا دیدن فرمودند.

ستر جنرال وزیر دفاع ملی و خانم
محترمه شان که بنابعد عوت قبلی حکومت
ایالات متحده امریکا بتاريخ ۸ دلو
۱۳۴۸ عازم آنکشور شده بودند
مع الخیر یکا بل عودت کردند.

هنگامیکه وزیر دفاع ملی از
نیویارک بمیدان هوایی واشنگتن مواصلت
کردند از طرف بناغلی میلوین لیرد
وزیر دفاع ایالات متحده امریکا
استقبال گردید.

وزیر دفاع ملی افغانستان بعد از
مواصلت به واشنگتن باملون لیرد

مسافرت جلالتمآب وزیر دفاع یوگوسلاویا به افغانستان



سترنجنرال خان محمد وزیر دفاع ملی و بناغلی وزیر دفاع
یوگوسلاویا هنگام قبول سلام گارد احترام

در سالون نورستان هوتل انتر کانتنتل
صرف گردید .

بناغلی وزیر دفاع یوگوسلاویا
ساعت سه بعد از ظهر بقصر دلکشا رفته
به کتاب مخصوص امضاء نمود متعاقباً
به مزار اعلیحضرت شهید سعید رفته
اکلیل گل گذاشت .

ساعت چهار بعد از ظهر بناغلی
نور احمد اعتمادی صدراعظم بناغلی
نیکولا لیوبی چیچ وزیر دفاع یوگوسلاویا
رادرقصر وزارت امور خارجه بحضور

مقیم کابل و خانمش در میدان هوایی
بین المللی کابل از آنها استقبال
کردند .

بناغلی وزیر دفاع یوگوسلاویا
د حالیکه سترجنرال خان محمد وزیر
دفاع ملی باوی همراه بود گارد احترام
را معاینه و سلام گارد احترام را
پذیرفتند .

بناغلی نیکولا لیوبی چیچ وزیر
دفاع یوگوسلاویا قان چاشت را بدعوت
سترنجنرال خان محمد وزیر دفاع ملی

جلالتمآب نیکولا لیوبی چیچ وزیر
دفاع جمهوریت سوسیالیستی یوگوسلاویا
و خانمش در رأس یک هیأت ساعت
۱۲ و ۴ ظهر روز یکشنبه ۲۴ حوت
۱۳۴۸ بدعوت سترجنرال خان محمد
وزیر دفاع ملی در راه عزیمت از هند
به کشورش وارد کابل شد .

سترنجنرال خان محمد وزیر دفاع
ملی و خانمش ، دگرجنرال لوی درستیز
و خانمش ، عدّه از جنرالهای اردوی
شاهانه ، بناغلی سفیر کبیر یوگوسلاویا



پناغلی اعتمادی صدراعظم وزیر دفاع یوگوسلاویا را بحضور پذیرفتند ستر جنرال خان محمد وزیر دفاع ملی نیز حضور دارند

ستر جنرال خان محمد وزیر دفاع ملی و خانم شان، عده از جنرالان اردوی شاهانه پناغلی سفیر کبیر یوگوسلاویا و خانمش در میدان هوایی بین‌المللی کابل با آنها وداع کردند.

پناغلی وزیر دفاع یوگوسلاویا در اثنای عزیمت، از توقف چند ساعت خویس در افغانستان اظهار رضایت نموده و مراتب امتنان خویس را به خیر نگار ما ابراز داشت.

درین محفل دیگر جنرال غلام فاروق لوی درستیز و خانم شان، عده از جنرالان اردوی شاهانه و آتش‌های نظامی ممالک متجابه مقیم کابل با خانمهای شان اشتراک ورزیده بودند.

پناغلی نیکولایووی چیچ و وزیر دفاع یوگوسلاویا و خانم شان بعد از ختم مسافرت یکروزه در حوالی ساعت هفت شام بصوب یوگوسلاویا عزیمت کردند.

پذیرفتند درین موقع ستر جنرال خان محمد وزیر دفاع ملی و پناغلی سفیر کبیر یوگوسلاویا متعین کابل حضور داشتند.

ساعت پنج و نیم عصر دعوتی از طرف پناغلی سفیر کبیر یوگوسلاویا و خانمش در منزل وی با افتخار پناغلی وزیر دفاع آن کشور که در آن ستر جنرال خان محمد وزیر دفاع ملی و خانم شان حضور داشتند ترتیب داده شده بود که

نویسنده: فیض محمد (عاطفی)
مدیر مجله اردو

سالیکه گذشت...

با ختم این شماره یکسال دیگر بر عمر نشریه ما افزوده شد و اکنون در آستانه سال دیگری قرار داریم. مجله اردو نشریه رسمی و سابقه دار و کهن سال اردوی قهرمان افغان است و از نیم قرن باینطرف در راه تنویر اذهان منسوبین اردو و خوانندگان ارجمند خویش در داخل و خارج کشور نقش برجسته و گران بهائی را بعهده داشته است. این ماموریت تاریخی را مجله موجوده طی سالیان متمادی در ساحات مختلف علمی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، مسلکی و ادبی با توجه به تاریخ پرافتخار کشور و مردم ماحتمی المقدور بنحو شایسته ای انجام داده است. استقبال فراوان و تشویق های گرم و پر حرارت علاقمندان و خوانندگان مجله همیشه پشتیبان روحیه فعالیت و سعی و کوشش کارکنان این نشریه بوده است و تیراژ بی سابقه و حتی بینظیر مجله اردو در داخل وطن و در پهلوئی دیگر جراید مملکت، ما را بآینده تابناک آن زیاده تر امیدوار میسازد.

البته کار نشرات و مطبوعات موضوعیست که رابطه مستقیم با ذهن و شعور و احساسات خوانندگان دارد و اگر محتویات و مواد یکجگریده مطابق سلیقه و ذوق و تمنیات شان نباشد ذاقه از آن رویگردان میشوند اینک گفتیم استقبال روزافزون خوانندگان مایه تقویت روحی ما است، از همین لحاظ بود که می بینیم بلند رفتن تیراژ مجله علامت مشخص و انکار ناپذیر توجه و علاقه خوانندگان باین مجله است.

باوصف آن وظیفه نشراتی و طباعی
 کاریست که توقف پذیر نبوده و
 مساعی ممتد و دامنه دار و پیگیر و
 همه جانبه را لاینقطع ایجاب مینماید
 درینصورت کارکنان مجله بازهم
 وظیفه با ارزش خود را در صف
 دیگر جراید وطن بخوبی میدانند و
 درك میکنند که کار پرزحمت و پر
 حرارتی را بعهده دارند افتخار داریم
 که مطالب و مضامین این نشریه طوری
 تهیه و احضار و نشر و تعمیم میگردد
 که در جهت سلامت فکری و استحکام
 مبانی اخلاقی و بالخاصه تقویت
 اساسات اسلامی و موضوعاتی که
 جنبه علمی و جدید دارد بکار میرود
 و نیز از افراط و تفریط و مسائلیکه
 موجب انحراف ذهنی و تحریف
 عقاید مسلمه باشد، جداً جلوگیری
 می شود مجله اردو نشریه ایست که
 همه کس در هر سن و مسلک و در
 هر زمینه و موضوعی میتواند مطالب
 با ارزش و صحیحی را از آن استخراج
 نماید و بر معلومات خویش بیفزاید.
 البته هیچ کاری در جهان ما بی
 نقص و عیب نیست، نواقصی هم در
 کار و امور نشراتی ما وجود دارد که
 بپشتکار و زحمت کشی های مداوم
 و رهنمائی های قیمتدار از باب بصیرت
 اردو تدریجاً بر رفع آن ها کوشیده
 میشود و ما یقین داریم در آینده بلکه

بتوانیم مجله را از شکل موجوده
 خوبتر و خواندنی تر بسازیم درینجا
 وظیفه اهل قلم و نویسندگان منور
 و با فضیلت اردو و دوستان این مجله
 است که با ما از راه تعاون و همکاری
 پیش آیند و با طرح مطالب جالب و
 تهیه مضامین تازه و بسویژه عالیتر
 مجله اردو را بیش از پیش دلچسپ
 و خواندنی بسازند.
 ما در عین حال که سال ۱۳۴۸
 را پشت سر می گذاریم وظیفه خود
 میدانیم از همکاریهای صمیمانه
 نویسندگان و همکاران قلمی مجله
 صمیمانه سپا یگزارای کنیم و امیدواریم
 بتأیید خداوند متعال و یگانه در سال
 نو قدحهای مؤثری در راه انکشاف
 مسایم نشر و تعمیم مجله اردو برداشته
 بتوانیم و دوستان و علاقمندان
 مجله اردو از مطالعه مطالب
 نشریه ما زیاده تر محظوظ
 گردند و برگنجینه مطالعات و
 اطلاعات عمومی ایشان جواهر
 قیمتدار علم و فن افزون گردد.

دوستی! ...

یکی از مطمئنترین شواهد دوستی که کسی میتواند بدیگری
 عرضه بدارد، این است که به نرمی خطای او را بگوید و
 بالاتر از آن این است که شنونده به این اظهار عیب خود
 باشکبائی گوش فرا دهد و به اصلاح خطای خود برخیزد.
 (بولور)

هیچ چیز آن اندازه بزرگ نیست که از انجام دادن
 آن برای دو ستم ترس داشته باشم و نیز چیز چندان کوچک نیست
 که انجام دادن آن را برای وی ناچیز بشمارم (سرب میدلی)

از دوستانی که به ما مهر میورزند، به محاسن خود
 پی میبریم و از دشمنانی که بما کینه میورزند، به نقایص
 خود آشنا میشویم خصلت واقعی خود را نمیتوانیم از طریق
 دوست تشخیص بدهیم. وی مانند آینه ای است که نفس
 ما آن را کدر میکند و خاصیت انعکاس آنرا از میان می برد.
 (ریشر)

توقعات همکاری‌های بین‌المللی

در سطح ماه

شباهت به همکاری‌های قطب جنوبی

تتبع و نگارش : برید جنرال ارکان حرب عبدالقدیر خلیق

قسمت دوم

حقیقتاً فی مابین این دو پروگرام که یک سلسله مساعی بشر را در قسمت تدقیقات علمی نشان میدهد بسا اهداف موازی و مشترکی در حصار ریسرچ‌های ساینس‌های جیوفزیک (Geophysical) نقلیات، تکنیک‌های ساختمانی، پرابلم‌های پالیدن و نجات دادن پرسونل مشغول این فعالیت‌ها و تنظیم پروگرام‌ها موجود می‌باشد. در پروژه‌های انکشافی قطب جنوب و مسافرت‌های مهتابی یگانه قوه محرکه و احساساتی (Molinfion) همانا تعقیبات دوامدار علمی و ساینسیکی (Scientific) می‌باشد زیرا هیچیک منبع استحصالاتی و اقتصادی قابل استفاده، مفادی را در آینده قریبی بار آورده نمیتواند بلکه مصارفاتی بکار است تا در پرتو مصارف مالی منبع مذکور به تولیدات اقتصادی خویش آغاز نماید. اینهم نقلیه قابل یاددهانی است که درین دو پروژه سهمی که توسط دست بشر در حال جریان می‌باشد، یعنی در پروژه تدقیقات در سطح ماه و تدقیقات علمی فعلیه در قطب جنوبی هیچیک نقطه جالب‌تر از این نیست که بشر در پرتو همکاری‌های متقابل استفاده‌های خوبی را صاحب میگردد. خاصاً از زمره ممالکی که درین همکاری‌ها سهم ارزنده را دارا می‌باشند اضلاع متحده امریکا و اتحاد جماهیر شوروی می‌باشند که امید قوی می‌رود که هر دوی این ممالک در دهه‌های آینده در سطح ماه نیز از اشتراک مساعی همدیگر استفاده‌های شایانی را مینمایند. اما همین همکاری‌های امروزه بشر که از ابتدای آغاز تدقیقات علمی در قطب جنوبی آغاز یافته است به زودی و سهولت بدست نیامده بلکه درین راه و برای بدست آوردن این مأمول مساعی زیادی در گذشته به خرج داده شده است

هیچیک تشبیهی بین کشفیات ماه و پروگرام موجوده قطب جنوبی دارای انترست بزرگتری نسبت به مقایسه همکاری بین ملت‌هایی که درین قطب مشغول فعالیت‌های انکشافی اند میباشد و هم میتوان ادعا نمود که یکی از مثالهای برجسته‌ترین این همکاری‌ها همانا همکاری فی مابین اتحاد جماهیر شوروی و اضلاع متحده امریکا در محوطه قطب جنوبی بشمار میرود. همچنان گفته میتوانیم که همکاری‌های این دو مملکت اول جهانی در دهه‌های آینده در قسمت کیهان نوردی و تدقیقات علمی در سطح ماه یک نمونه و مثال برازنده همکاری بین‌المللی محسوب خواهد شد؛ که اینهمه نمونه برازنده است که بشریت میتواند از کمک‌های همدیگر برای انکشاف دادن و کشف اسرار خاقت برای استفاده بشری مستفید و مستفیض گردیده و از خونریزی‌های اولاد بشر که معدومیت خود آن در آن مستور میباشد خود داری لازمه بعمل آید.

درین مقاله کوچک می‌خواهم شمه از اثرات فلیپ سمیت (Philip Smith) مدیر پروگرام‌های حوائج صحرائی و کواردناسیون را در اداره پروگرام قطب جنوبی نیشنل ساینس فوندیشن (Natinol Science Foandation) جهت مزید معلومات قارئین گرام تقدیم نمایم.

درین اواخر مباحثات زیادی در قسمت مشأ بهت دادن کشفیات و تدقیقات علمی قطب جنوبی با سفر بشر به مهتاب که در همین تازگی ها آغاز یافته است، بعمل آمده و بدین صورت حوزه‌های علمی جهان را بخود مشغول و معطوف گردانیده است. اما اگر این کیفیت را از نگاه حقیقت مورد بررسی قرار دهیم.

همچنان باید متیقن بود که آغاز این همکاریها در سفرهای بعدی ماه نیز به زودی میسر شده نخواهد توانست و لازم است که یک سلسله مساعی لازمه نیز به خرج داده شود تا شاهد موفقیت در این ساحه به آغوشی کشانیده شود. زیرا دور از حقیقت خواهد بود که بدون عرقریزی این مامول کافه عالم بشریت به صورت مفت و رایگان و بدون صرف انرژی بدست آمده بتواند؛ وهم باید علاوه نمود که در عوض آنها در صورتیکه تشبیه تدقیقات قطب جنوبی و کشفیات مهتاب جامه حقیقت را در برداشته باشد، ما بایست معتقد این امر باشیم که مساعی مشترک بین المللی در قسمت سفرهای مهتاب تا به سالهای ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ قهמידه و درک شده نخواهد توانست و در آنوقت است که بشر از یک زمان مرحله اکتشافی بسوی یک ساحه قابلیت های علمی اوپراسیونی آلات و وسائل تخنیکی عالیتر و پیچیده تر حرکت خواهد نمود. وهم درین وقت دلائل ساینفیکی، برای تطبیق و اجرای پروگرام های طویل المدت مطالعات ماه، نسبت به آنچه که امروز احساس میشود، واضحتتر و آشکارا تر خواهد شد.

امروز قطب جنوبی را بنام براعظم هم آهنگی بین المللی ممالیکه در آنجا مشغول کار و فعالیت میباشند، یاد می کنند. وهم بایست علاوه نمود که این براعظم منجیث همکاریهای ریسرچ های تهدهای علمی شهرت خوبی را دارا میباشد، زیرا در قطب مذکور بسا اکتشافات و ریسرچ های ساینفیکی پی هم صورت میگیرد و هم از طرفی بایست تذکر داد که هیچیک از سیاستهای علمی و اکسپدیشن های (Expeditions) طول سال وهم آهنگی های بین المللی که درین ساحه بظهور رسیده، نیست که ارتباط تاریخی به قطب جنوبی نداشته باشد. چنانچه تا به اواخر دهه ۱۹۵۰ مناقشاتیکه بین ممالک مختلف جهان اساس بر خلافی ها را تشکیل داده بود، تماماً بر بالای کشفیات و ریسرچ ها (Researches) و فعالیت های علمی که در قطب جنوبی انجام می یافت، استناد می نمود. کشفیات بر اعظم قطب جنوبی نه بر بالای اهداف بین المللی بلکه بر روی انترست های ملی و تجارتنی صورت می گرفت و هم علاوه برین ریسرچ های ساینفیکی در بسا سیاحت های اکتشافی ملی یکک هدف اصلی نه بلکه هدف فرعی را تشکیل می داد.

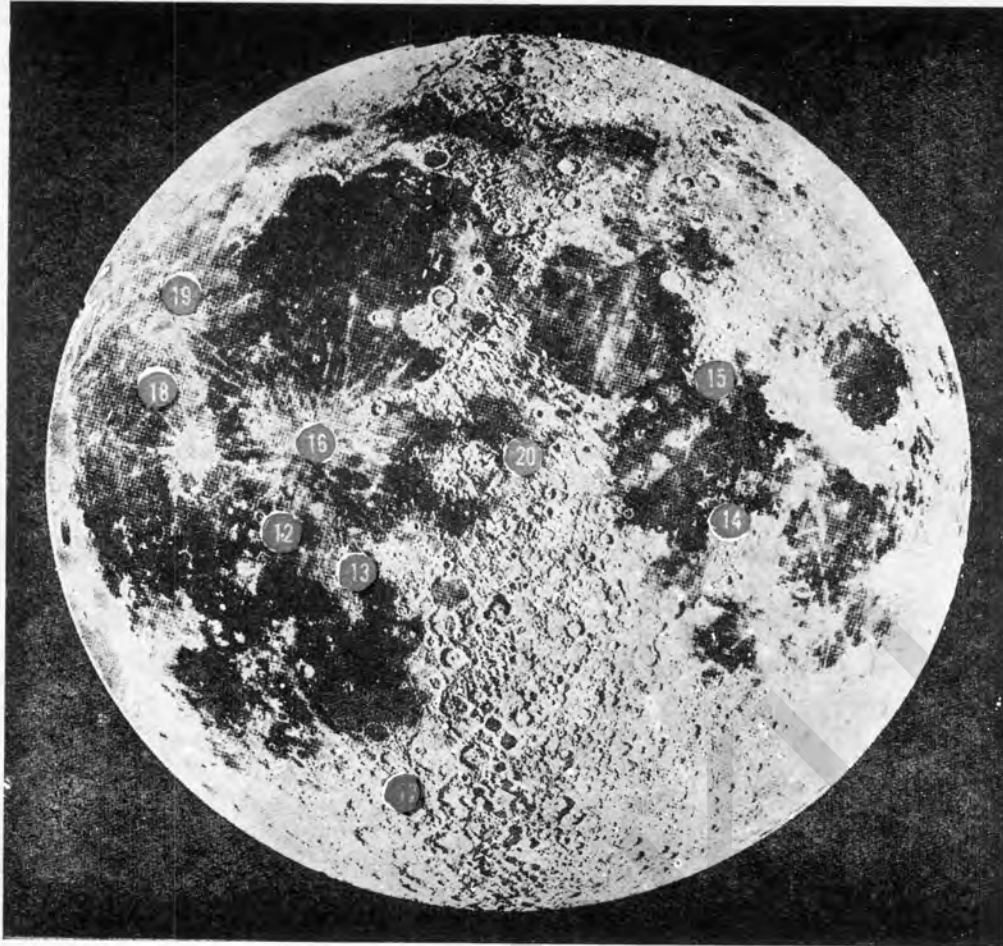
عصر قهرمانی (The Heroic Age)

گرچه کپتان جیمز کوک (Captain James Cook) و دیگر بحیر پیمایان قرن هژده در جستجوی کشف حاشیه ساحلی بر اعظم قطب جنوبی بودند، ولی اولین و مهمترین کشفیات ساحلی قطب جنوبی از طرف سیلرها (Sealers) یعنی شکارچیان سیل (Seal) صورت گرفت، اینها از مره فعال ترین مردمانی بودند که در حوالی جزیره نمای قطب جنوبی، که یکک ساحه مناسب برای حرکت کشتی های عاری از وسایط یخ شکن می باشد، مشغول فعالیت می بودند.

ساینس دانانیکه در ین سیاحت های سیلنگ (Sealing) سهم می گرفتند عبارت از آنهایی بودند که هدف اساسی و نخستین آنها ریسرچ های ساینفیکی نبودند بلکه آنها در قبال سیلها (Seals) بودند چنانچه جیمز ایٹس (James Eights) و ایلینی (Aldang) دو نفر جیولوجست ها (علمای جیولوجی) (Geologists) نیویارکی که در یکک سیاحت سال ۱۸۲۹ اشتراك داشتند، به وطن خویش عودت نموده و اظهار داشتند که هر آن ملتی که اشخاص آن تا کنون بیرق ملی خود را در پرتو جسارت های قابل وصف توانسته است به دورترین نقطه کره ارض برساند، این موفقیت آن تا وقتی ارزشی را دارا نخواهد بود، که یک سیاحت قطب جنوبی را انجام نداده باشد. وقتا سیل ها (Seals) در دهه ۱۸۳۰ یکلی استثمار گردید، توجه ثانوی بسوی نهنک (Whales) معطوف ساخته شده که در انحال بعوض اینک کشفیات در عمق اراضی قطب جنوبی ادامه بیابد بر عکس بسوی ابچار یعنی دور از قطب جنوبی بر گردانیده شد.

بعد ها سیاحت های قطب جنوبی توسط اعزام وقتاً فوقتاً هیئت های شوروی در سال ۱۸۲۰ در فرانسه و برتانیه و امریکا (۴۱ - ۱۸۳۴) صورت گرفت این سیاحت ها در امتداد قابل ملاحظه حواشی ساحلی قطب جنوب پیش رفته و کشفیات سهم جیولوجیکی و مشاهدات ساینفیکی بدست آمد. چنانچه تمامی موفقیت های ممالک مختلف جهانی که در طول قرن هژدهم میلادی نصیب آنها گردیده بود در کنفرانس بین المللی سال (۱۹۵۹) از طرف نمایندگان شان توضیحات داده شد. همچنان نمایندگان ممالیکه به این سیاحت های قطبی اشتراك ورزیده بودند، فعالیت های خویش را بحیثیک علاقه تاریخی و عنعنوی و انمود ساخته و خود را در قسمت اشتراك نمودن به کنفرانسی که در آن چوکات و اساسات موافقتنامه بین المللی در حصه سهم گیری کشفیات قطبی احضار می شد، ذیحق می پنداشتند. برای بار اول تاسیس یک پایگاهی که در براعظم قطب جنوبی بعمل آمد همانا وقتی بوده که قرن هژده جای خود را به قرن ۱۹ ترک داده و عصر قهرمانی (The Heroic Age) قطب جنوبی آغاز یافت. این عصر قهرمانی بر اعظم در حقیقت زمان و عصر و دور ملی (nationalistic) بوده این دوره با سیاحت های (Expeditions) نوردنز کچولد (Nordenskjold)، کپتان سکاٹ (Captain Scott) و انوندسن (Amundsen) آغاز یافته و تا به سیاحت های بایرد (Byrd)، ایلسورته (Ellsworth) و ریسرچر (Gitcher) که سیاحت شوآن لیند (Schwabenland) او اندکی، قبل از شروع حرب دوم جهانی برای المانها فرصت این را دست داد که قلب بر اعظم منجمد جنوبی را شکافته و اسرار این وادی یخ بسته را به جهانیان آشکار گرداند. یکی از بزرگترین سیاحت هائیکه تا امروز در تاریخ بر اعظم یخ بندان جنوبی ترتیب، پلان گذاری و تحت (بقیه در صفحه ۵۶)

دگروال محمد امین
(فرهیمی)



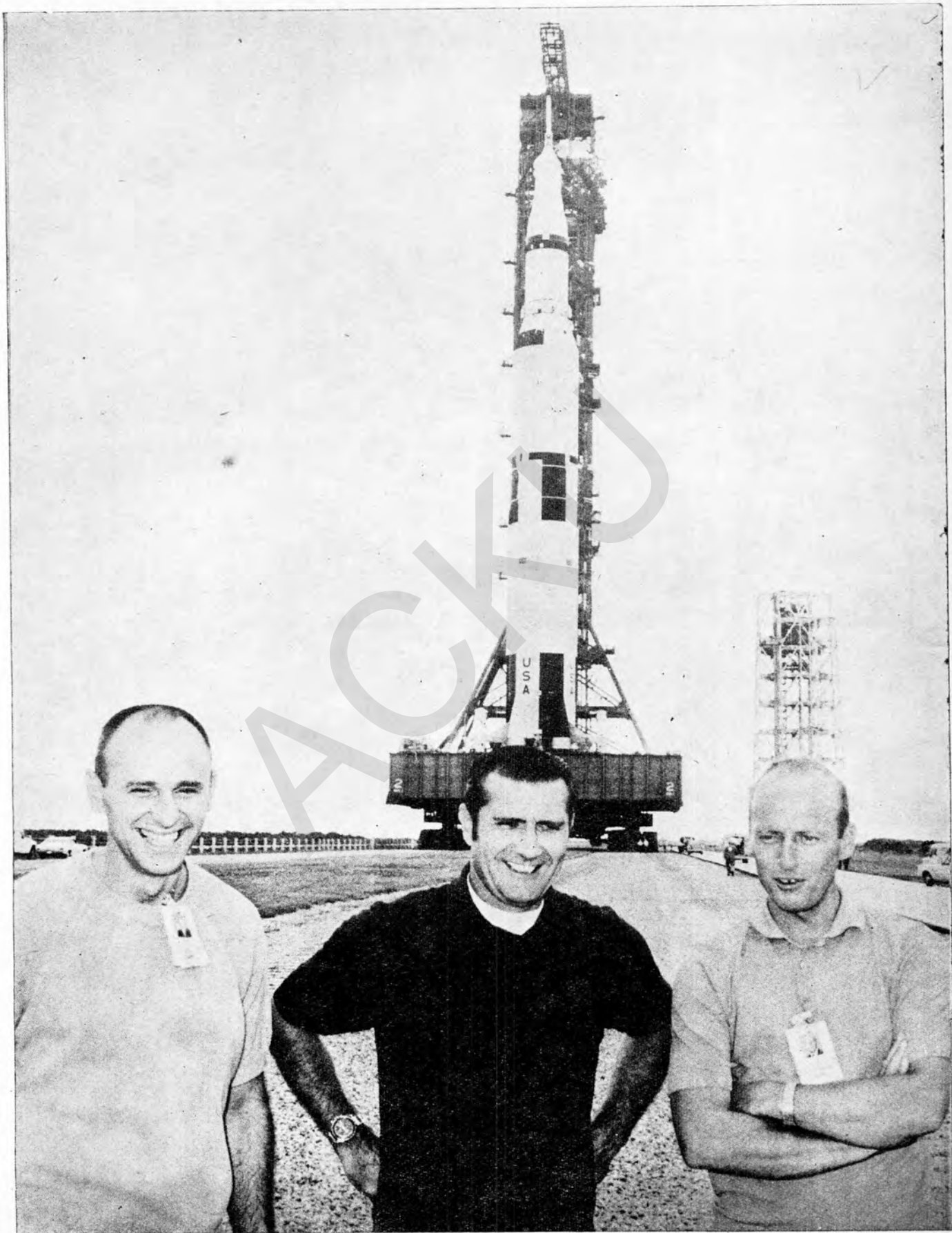
مناطق فرو آمدن اپولو

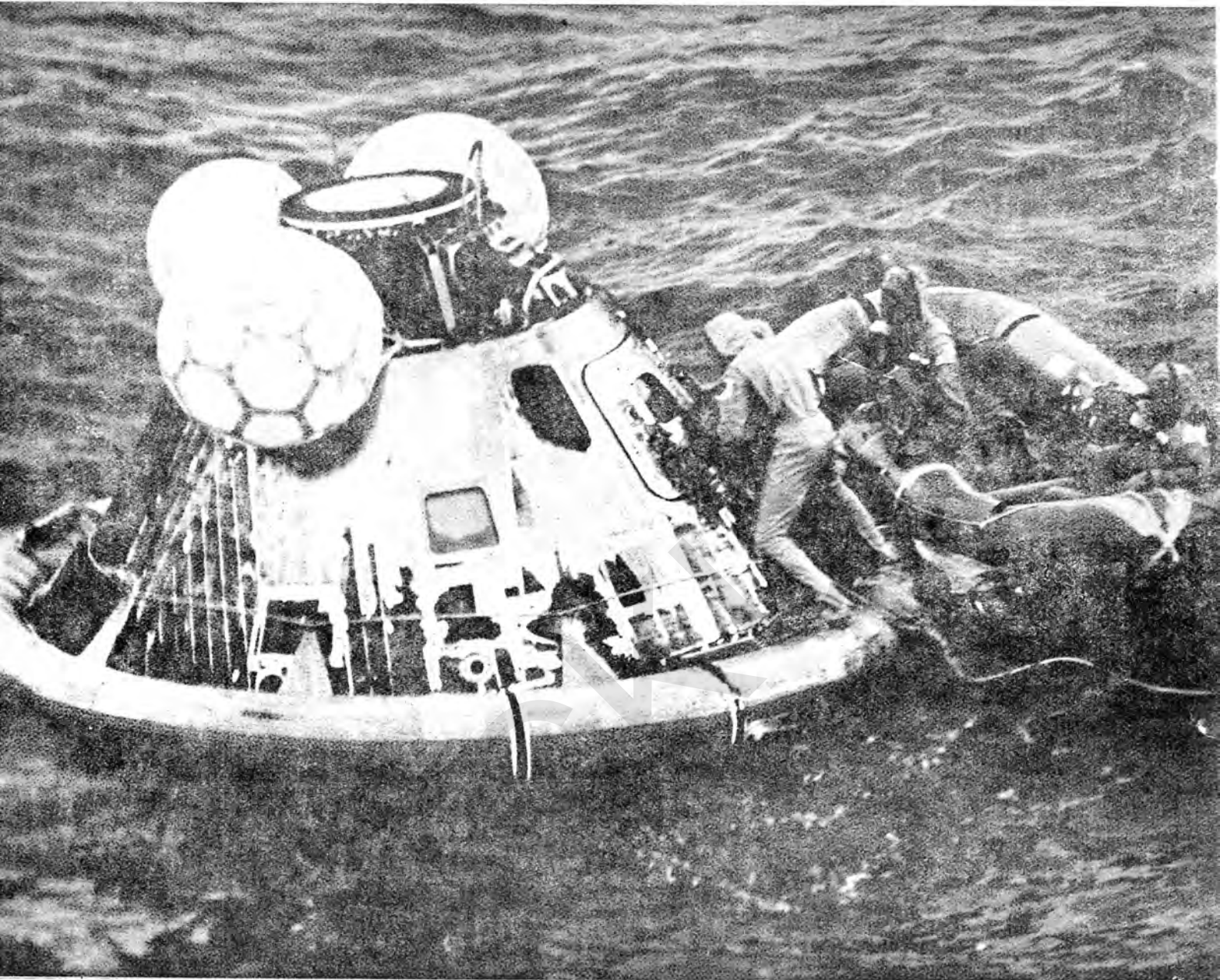
های آینده بر کره ماهتاب

در جریان سه سال آینده - دسته‌های سه نفری کیهان‌نوردان اضلاع متحده امریکاء بوقفه‌های چهار ماهه بر سطح کره ماهتاب پیاده خواهند شد - اولین سفر کیهانی در این دوره هشت روز رامانند (اپولو ۱۱ جولای ۱۹۶۹) دربر خواهد گرفت تا بر سطح کره ماهتاب پیاده گردند .

زمان حرکت دودسته دیگر بر سطح کره ماهتاب بالترتیب از ۲۲ ساعت یعنی (سفر اپولو ۱۱) تا ۷۰ ساعت که آغاز سفر اپولو ۱۶ در سال ۱۹۷۱ است - وقت را دربر خواهد گرفت .
زمانی را که کیهان‌نوردان در اثنای پیاده شدن بر سطح کره ماه در حین

فعالیت شان ایجاب مینماید اصغری از سه ساعت که در حین پیاده شدن آرمسترانگ والدین دربر گرفت آغاز گردیده این زمان نظر به حرکت و طی مسافه طولانی تریکه در اثنای پیاده شدن احتوا خواهد نمود توسعه و تزئید یافته میتواند .
اپولو ۱۱ : در زمان پیاده شدن





کیهان نوردان درحالیکه سفینه کولمبیا را پس از فرود آمدن در بحر الکاهل ترک می گویند

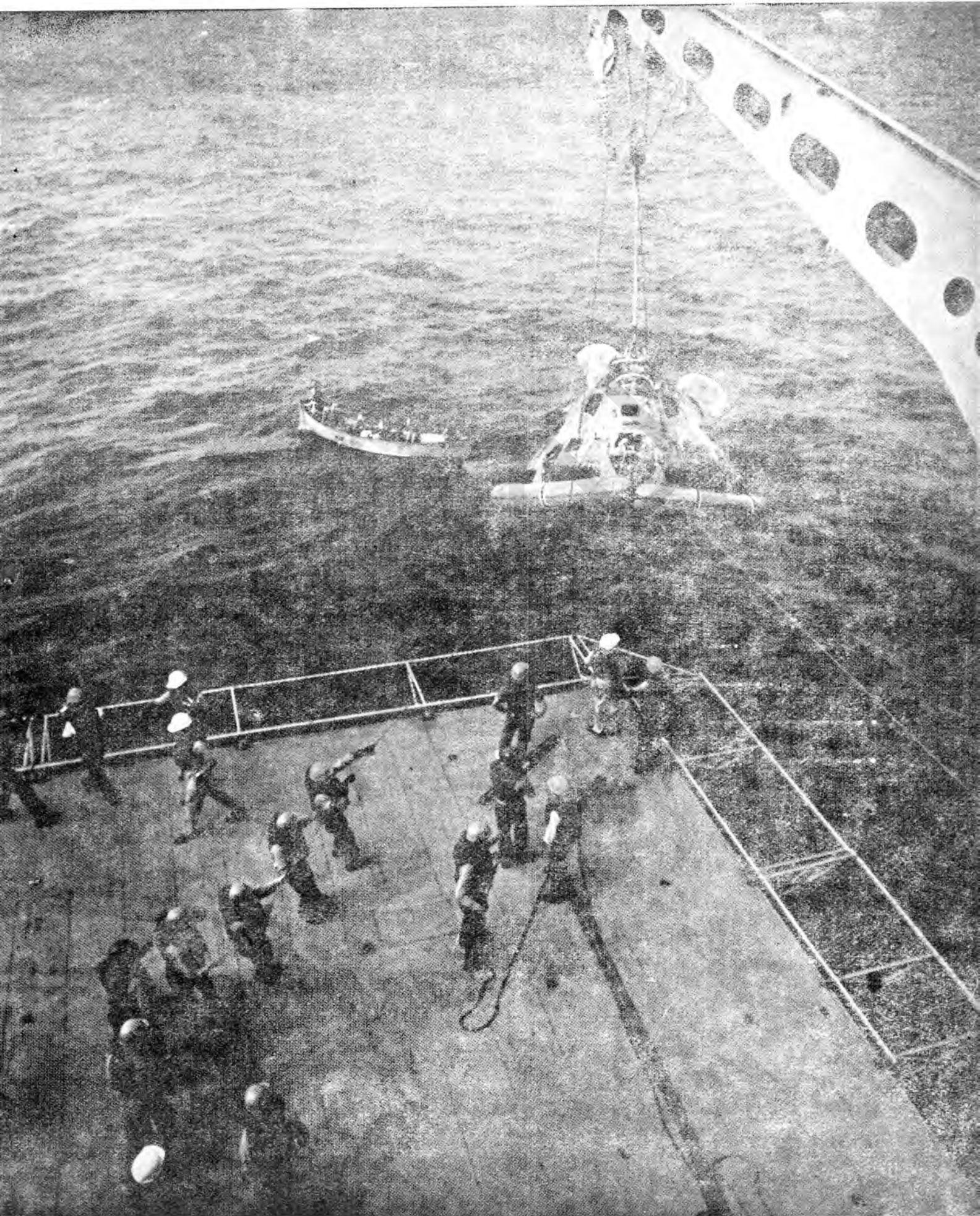
اپولوی ۱۲ بحیث قوماندان سفینه وظیفه دار بوده - دوم ریچارد F گاردن ۳۹ ساله والن L بین ۲۷ ساله این کیهان نورد برای اولین مرتبه سفر کیهانی خویش را موفقانه اجرا نمود .

نظر به تجویزیکه گرفته شده بود گاردن بداخل سفینه بحیث کماند مادیول باقیماند - درحالیکه کونراد

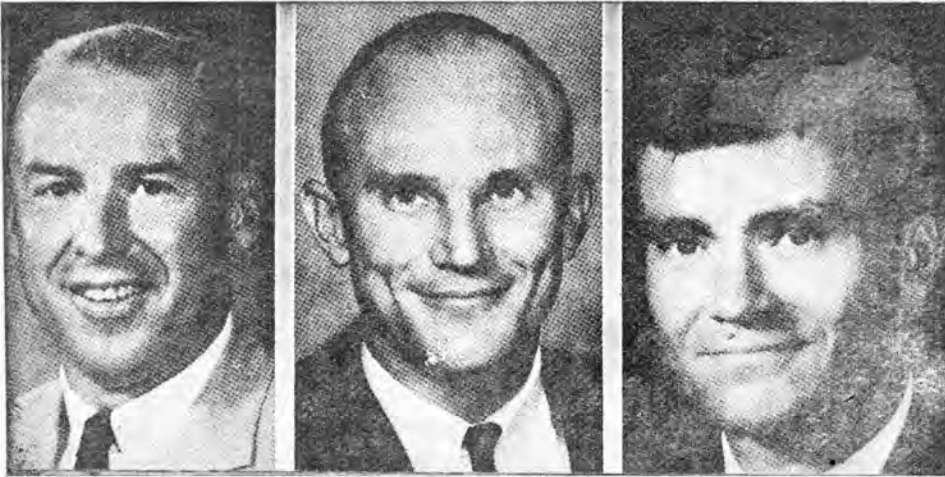
از سفینه صرف (۶۰) متر در سطح ماهتاب حرکت کرده است .
اپولوی ۱۲: درنومبر سال ۱۹۶۹ سرنشینان اپولوی ۱۲ دراثنای پیاده شدن بر کره ماهتاب دوچند وقت وزمان را نسبت به اپولوی ۱۱ در راه پیاده شدن بر کره ماه صرف نمودند کیهان نورد انیکه برای اجرای این سفر انتخاب گردیدند عبارت انداز :

چارلس کونراد ۳۹ ساله که پرواز های دوامدار کره زمین را در سال ۱۹۶۵ و ۱۹۶۶ اجرا و در

→ کیهان نوردان اپولوی ۱۲
 ۱۲ نومبر ۱۹۶۹ از چپ بر است :
 الن بین مودیول پیلوت، ریچارد -
 گاردن کماند مودیول پیلوت
 چارلس کونراد - قوماندان



و الن بین به سطح کره ماهتاب پیاده شدند- و متعاقباً به جستجو و تفحص سر ویر ۳ امریکا که در اپریل ۱۹۶۷ بر سطح ماه قرار داده شده بود پرداختند لحظه بعد از پیاده شدن بر سطح ماهتاب کمره و آلات دست داشته شان (۶۳۰۰) قطعه فوتوهای مختلف سطح کره ماهتاب را با بعضی از مواد آن بزمین فرستاد .



کیهان نوردان اپولوی (۱۳) که در آغاز سال ۱۹۷۰ به پرواز خواهند پرداخت از چپ بر است : جیمز لول قوماندان ، توماس متنگلی کمندمودیول پیلوت فرید هایس مودیول پیلوت

کیهان نوردان اپولوی ۱۲ برای اولین مرتبه خود را به سر ویر نزدیک و در فضای فاقد آب و هوای سطح کره ماهتاب قرار گرفتند - کیهان نوردان مذکور که عبارت اند از کونراد والن بین در زمان حرکت و پیاده شدن بر سطح کره ماهتاب مجبور شدند تا دو باره جهت اخذ آکسیجن و تهیه قوه الکتریکی به سفینه برگردند. پس از اجرای عملیه فوق دوباره به سطح کره ماهتاب پیاده و به قدم زدن شروع نمودند و مدت سه ساعت باین وظیفه ادامه نمودند - اقامت این کیهان نوردان به شمول صرف طعام بین ۲۸ الی ۳۲ ساعت و وقت را در بر گرفت .



کیهان نوردان اپولوی (۱۴) که در اواسط ۱۹۷۰ به پرواز می پردازند از چپ بر است : الان شیپرد قوماندان ، ستوارت روسا ، کمندمودیول پیلوت ، ایگر متچل ، لوتر مودیول پیلوت

→ سفینه کولمبیا که به مسافت ۱۶۰۰ کیلومتر در قسمت جنوب غربی بحر السکا هل فرود آمده بساحل کشیده میشود.

کیهان نوردان اپولوی

۱۳-۱۴۱۵

این کیهان نوردان وظایف خویش را در سال ۱۹۷۰ آغاز و به فعالیت خواهند گذشت.

اینها وظیفه دارند تا درباره اوصاف جیو لو جیکی سطح کره ماهتاب تفحصات نموده و معلومات لازمه را با خود بیاورند و هم امکانات بدست آوردن فواید و بهره برداری را از نقطه نظر ساینتیفکی و تکنالوجی و اسکان موقتی انسان ها را در سطح کره ماهتاب مطالعه و جستجو خواهند نمود.

امریکا می خواهد سفینه اپولوی ۱۳ خود را در مارچ سال ۱۹۷۰ در مناطق فرامار و به اراضی و مناطق مرتفع و هموار سطح کره ماهتاب پیاده نمایند.

اپولوی ۱۴: در جولای ۱۹۷۰ به پرواز کیهانی خویش آغاز خواهد نمود هدف از پرواز این سفینه عبارت از پیاده شدن در نقاط سنگزار و اراضی کوهستانی سطح کره ماهتاب است.

اپولوی ۱۵: پرواز کیهانی خود را در نوامبر ۱۹۷۰ آغاز می نماید مقصد ازین پرواز پیاده نمودن کیهان نوردان است برای مدت (۷۰) ساعت بر سطح کره ماهتاب و وظیفه

دارند تا معلومات لازمه از مناطق کوپرنیکس - که یکی از نقاط جالب و مهم سطح کره ماهتاب محسوب می شود بدست آورده فوتوها و تصاویر مختلف فرو رفتگی ها و سنگلاخ های این مناطق را بر زمین مخابره و ارسال بدارند.

اپولوی ۱۸-۱۹-۲۰: این سه پرواز کیهانی آخرین که حامل کیهان نوردان می باشد شامل اخذ معلومات و ریسرچ مفصل نقاطی است که می خواهند مواد خام را در تپه های ماریوس و

وادی های سکروتر و اراضی بنام هنجس ریل بدست بیاورند •
اپولوی ۱۹ در اواسط یا اواخر سال ۱۹۷۲ به پرواز کیهانی خویش شروع خواهد نمود - هدف ازین پرواز کیهانی و فرودن آمدن بر سطح کره ماهتاب این است تا موجودیت آب را که احتمالاً بر حسب نظریات علمای ساینس - این آب طور منجمد در قسمت های تحتانی وادی سکروتر در سطح ماهتاب موجود باشد تدقیق و جستجو بدارند .

**پیام تبریک ریچارد نیکسن رئیس جمهوری آمریکا
به کیهان نوردان اپولوی ۱۴ (ارمسترانگ و الدرین) در کره ماهتاب**

نیل و بوز - من باشما از سالون بیضوی قصر ایض تبلیغونی حرف میزنم و این حقیقتاً یک مخابره مهم تاریخی بی سابقه که الان صورت گرفته محسوب میگردد .

« من کاملاً طوریکه لازم است از اظهار خوشی و افتخاریکه ازین موفقیت بزرگ شما بمن و همه ما و جهانیان دست داده - عاجزم - من یقین دارم در این خوشی و افتخار بزرگ امریکائیان، تمام مردمان جهان سهم داشته باشند .

« زیرا موفقیتی که نصیب شما گردیده این است که کائنات را جزء از جهان بشریت گردانیده است » زمانیکه شما از بحیره آرام از سطح کره ماهتاب حرف میزنید - مساعی ما را در راه بدست آوردن صلح و سلم جهان در کره ارض دو چندان می سازد ، در این لحظه قیمتدار تاریخی عالم بشریت ، تمام مردمان کره زمین یک جسم واحدی را حقیقتاً تشکیل نموده اند .

آیا پالیسی ویتنامی

ساختن جنگ ویتنام به نتیجه پیش بینی شده خواهد انجامید؟

نو یسنده
تورن ارکان حرب
علی احمد جلالی

هائی به فعالیت اندازند که بزودترین فرصت ثمر میدهد مثلاً باز کردن بارها ورستورانها، هتلها تهیه موتورهی کرائی و تکی و حتی خانه ها و منازل کرائی و غیره تسهیلاتی که نظر به تقاضای فعلی خارجیها در آنکشور ضروری پنداشته می شوند. روی این اصل بعوض اینکه سرمایه های شخصی و ملی در راه تاسیس منابع و فابریکات و سایر پروژه های ملی بکار افتد در تهیه وسایل و تسهیلات لازم برای اعاشه و آباته خارجیها به فعالیت آمده است. روی این اصل در شرایط فعلی که تقریباً نیم میلیون عسکر امریکائی در ویتنام جنوبی موجود میباشد عده زیادی از مردم ویتنام کارهای سودمند و فایده آوری پیدا کرده اند که بتدریج سوئیه زندگانی و خواسته های آنها را بلند تر برده است. از بیجاست که دیده میشود شرایط جنگ در سالهای اخیر چه نوع تحولات اجتماعی را در ویتنام جنوبی از تلاشهای اقتصادی گرفته تا ذهنیت های اخلاقی و ایده لوژیکی بار آورده است. روی این اساس اکنون این سوال به میان می آید که آیا با تطبیق شدن پروگرام ویتنامی ساختن جنگ ویتنام چه تحولات و تغییرات اساسی در شرایط و اوضاع اجتماعی ویتنام جنوبی خواهد آمد و با خارج شدن قوای نظامی امریکا از آنکشور بوجود وضعیت اقتصادی مردم تا کدام اندازه زیر تاثیر قرار خواهد گرفت. اگر این موضوعات را با تحولات سیاسی و نظامی که تعقیب ویتنامی ساختن جنگ ویتنام محتمل می باشد بصورت یک کلیه واحد مدنظر بگیریم آنگاه تاثیر مجموعی ویتنامی ساختن جنگ بر ویتنام جنوبی یک سوال خیلیها بر جسته و مورد بحث و مطالعه میباشد و در نتیجه به این پرابلم بر می خوریم که آیا ویتنامی ساختن جنگ ویتنام امکان دارد؟ و آیا پروگرام امریکا درین مورد کاملاً تطبیق شده خواهد توانست و نتیجه آن بپیش بینی های که اکنون صورت گرفته است مطابقت خواهد داشت؟

نسل امروزه ویتنام از جوانانی تشکیل یافته که در میان سروصدای جنگ دنیا آمده و در آشوب آتش و خونریزی بزرگ شده اند، برای آنها غرش طیارات حربی و صدای اسلحه آتشین از خصوصیات روزمره زندگانی ویتنام بشمار میرود. آنها هر روز از ماجراهای تازه ایکه جنگ بدنبال دارد باخبر می شوند و خانوادهها از کسان خود که درین جنگ متوالی از بین رفته اند حکایتها دارند، همان جنگی که اینکه سالهاست مردم آن سرزمین را در وضع بخصوص محافظه داشته و از پهنای شالیزارها تا اعماق جنگلات انبوه آنکشور را مورد تاثیرات مهیب خود قرار داده است. موجودیت چنین وضع ناگوار که از سالهای زیادی به اینطرف برپهلوی متعدد زندگانی اجتماعی مردم ویتنام موثر واقع شده طبعاً ساختمان اجتماعی کتلزهای ویتنامی را شکل مشخصی داده است، شکلی که با حوادث جاری در آن کشور جور می آید و مردم پلان های زندگی خود را در چوکات آن تنظیم مینمایند. مثلاً از روزیکه قوای نظامی امریکا برای اشتراک درین جنگ به ویتنام جنوبی آمده است تقاضا برای خدمت بیشتر و تسهیلاتی که متناسب به زندگانی امریکائیا است اوج گرفته و عده زیادی از مردم برای دریافت کار به شهرها و پایگاههای نظامی مهاجرت ورزیده اند. بوجود آمدن رستورانهای بزرگ، بارها مغازه ها و غیره و غیره روز بروز بنا بر احتیاجات تازه واردین افزایش یافته و اکثر مردم ویتنام که در کشت زارها و روستاهای خود چندان بهبودی احساس نمیکردند برای دریافت کار به همین مراکز رو آورده اند و در آنجا شامل کار شده اند. امروز شهرسیگون یکی از پرنفوسترین مناطق جهان (نظر به تناسب ساحه آن) به حساب می آید، در شهرها و قصبیات دیگریکه در اطراف پایگاه های نظامی واقع شده اند نیز همین پرابلم بنظر می خورد. با موجود بودن چنین شرایط اکثر مردم کوشش میکنند سرمایه و قدرت کار خود را در زمینه

چندی قبل سال نوی ویتنامی آغاز یافت و اینکه دو سال کامل از تعرض عمومی ویتکانگ بر تاسیسات و پایگاه های قوای نظامی امریکا و ویتنام جنوبی میگذرد که در اواخر سال ۱۹۶۸ صورت گرفت. از آنوقت تا کنون تحولات زیادی در جنگ ویتنام وجود آمده است که مهم ترین آنها عبارت از قطع شدن بمباردمان طیارات امریکائی بر خاک ویتنام شمالی، آغاز مذاکرات صلح ویتنام در پاریس و تصمیم ریچارد نکسن رئیس جمهور امریکا مبنی بر بیرون کشیدن قوای نظامی امریکا از ویتنام جنوبی میباشد که در قبال پالیسی ویتنامی ساختن جنگ ویتنام همچنان ادامه دارد. علاوه بر طول دو سال گذشته میزان تلفات قوای ویتنام جنوبی و امریکا کمتر نشان داده شده است و فعالیت ویتکانگ و قوای ویتنام شمالی زیادتر در ردیف تصادمات محلی و منطوقی در حساب آمده است. در طول یکسال گذشته که ریچارد نکسن در مورد عقب کشیدن قوای امریکا از ویتنام جنوبی به یک سلسله فعالیت های عملی دست زده است. در قسمتی از مسئولیت های جبهه از دوش قوای امریکائی که تا کنون در سه نوبت خاک ویتنام جنوبی را ترک داده است بر عهده قطعات قوای نظامی ویتنام ساختن جنگ ویتنام نکته های مشکوکی موجود میباشد. معده ریچارد نکسن رئیس جمهور امریکا تعداد زیادی از هموطنان خود را قناعت داده است که با بکار بردن این پالیسی یکی از مهمترین پرابلم های آنکشور را حل نموده میتواند ولو کنفرانس صلح ویتنام در پاریس به نتایج مطلوبی هم منتهی نگردد. ولی موضوع مورد سوال اینست که آیا پالیسی ویتنامی ساختن ویتنام این معضله را حل کرده خواهد توانست؟ تردیدی نیست که رئیس جمهور امریکا و مشاورانش عقیده دارند که پالیسی مذکور پرابلم مصروفیت جنگی امریکارا در ویتنام حل نموده میتواند ولی آنچه محقق است تا کنون صرف قسمت های ساده و آسان این پالیسی به صحنه عمل آمده است در این اواخر یکدسته سه هزار نفری پیاده بحری امریکا خاک ویتنام را بقصد وطن شان ترك گفتند این تعداد شامل سومین دسته از سربازان امریکائی میباشد که باید تا آخر ماه اپریل سال جاری از ویتنام جنوبی به امریکا انتقال داده شوند و وقتیکه اینکار عملی شود تعداد سربازان امریکارا در ویتنام جنوبی به مرحله پائینترینی خواهد رسید که در دو سال گذشته در آنکشور موجود بوده است. ولی هنوز عقب کشیدن قوای امریکا از ویتنام جنوبی در مراحل ابتدائی خود قرار دارد و هر قدر تطبیق این پالیسی جلو تر رود پرابلم های بیشتری در مقابل آن عرض وجود خواهد کرد و تا آخر به همین سادگی پایان نخواهد یافت.

یکی از عواملی که بر پالیسی ویتنامی ساختن جنگ ویتنام تأثیری می اندازد عبارت از کیفیت اردوی ویتنام جنوبی میباشد جای شک نیست که اردوی ویتنام جنوبی نسبت به سابق بزرگتر و تا اندازه بهتر شده است ولی هنوز هم قابلیت های

مسلکی آن در اجرای وظایف مستقلانه و پیشبرد فعالیت های نظامی بطور مستقل امتحان نشده است و یک موضوع مورد بحث را تشکیل میدهد و تا زمانیکه این اردو به تنهایی خود با جنگی که در آن موجود است مقابل نگردد نمیتوان حقایق مثبت و قاطع را در باره قابلیت های مسلکی آن اظهار داشت. به همین ترتیب اگر چه موقف سیاسی نکون و ان تیو رئیس جمهور ویتنام جنوبی نسبت به گذشته به اندازه قابل ملاحظه تقویت یافته است ولی با تحولات اجتماعی و اقتصادی که در ویتنام جنوبی روی کار است هنوز هم نمی توان با قاطعیت کامل قبول کرد که موقف و ان تیو بطور مستقل پس از خروج قوای نظامی امریکا ویا در طول آن همچنان مستقر باقی خواهد ماند زیرا اکنون ویتنام نه تنها با پرابلم های سیاسی و نظامی مواجه است بلکه دیر یازود پهلوی های حیات اجتماعی و اقتصادی ویتنام جنوبی با روی کار آمدن مراحل تطبیق پالیسی ویتنامی ساختن جنگ ویتنام نیز پرابلم های تازه و بزرگی را آورده میتواند درین ضمن نمیتوان ویتکانگ و ویتنام شمالی را نادیده گرفت و اگر چه فعالیت های آنها نسبت به گذشته کمتر شده است ولی بدون هیچگونه تردید در برابر پالیسی ویتنامی ساختن جنگ ویتنام قدرت این گروه ها بحیث نیرو های بسیار موثر بحساب می آید و این احتمال موجود است که فعالیت اکتیف ویتکانگ ویا ویتنام شمالی در فرصتی تطبیق پالیسی ویتنامی ساختن جنگ ویتنام را به ناکامی مواجه سازد و بنا بر آن نمی توان فرض کرد که شرایط و اوضاع سیاسی، نظامی اقتصادی و اجتماعی در داخل ویتنام جنوبی همیشه برای تطبیق شدن مراحل مختلف پالیسی مذکور مساعد و موافق خواهد بود هر گاه مداخله جدی ویتنام شمالی و ویتکانگ در ساحت سیاسی و نظامی پیشرفت پروگرام ویتنامی شدن جنگ را به رکود مواجه سازد آنوقت بلا تردید بر پالیسی خارجی ریچارد نکسن رئیس جمهور امریکا نیز تأثیر قابل ملاحظه وارد خواهد آورد زیرا پالیسی ویتنامی ساختن جنگ ویتنام قسمت مهم همان مشی را تشکیل میدهد که میتوان آنرا دکتورین ریچارد نکسن نامید. طبق دکتورین نکسن امریکا باید از بکار انداختن قوای نظامی اش در ساحت جهان اشترک در جنگ دیگران امتناع ورزد و در عین زمان خود را از یک موقف تجرید شده هم دور نگهدارد و بنا بر آن باید یک راه معتدل تر و وسطی را برای خود انتخاب نماید که عبارت خواهد بود از تاسمین یک سپر ذروی در برابر قدرت بزرگ متقابل و تاسمین مشوره و مسلمات نظامی به متحدین به شکلی که متحدین مذکور باید قدرت بشری را در جنگ های خود خودشان تمهیه نموده و با کوسک های نظامی امریکا از حیث مشوره های عسکری و مسلمات نظامی آنرا تقویه بخشند روی این اساس اگر پالیسی ویتنامی ساختن جنگ ویتنام به ناکامی گراید ریچارد نکسن دو راه در پیش خواهد

(بقیه در صفحه ۶۹)

نظارت و

کنترول

تعلیم

و

تربیه

نیروهای اکتیف بشر، رویدادهای تازه عصر نوین در تمام شقوق حیات تحولاتی را بوجود آورده است که در برابر آن میتوان تجزیه و ساختمان بسیار پیچیده اتوم رادردیف علمی درجه دوم قرارداد. زیرا علما و دانشمندان عالیقدر بشر بسرعت تیوری انرژی فوتون را بمنظور سفرهای طولانی در ساحه بیکران کهکشان تحت بررسی و مطالعه دقیق و عمیق جدی خود را قرار داده اند که هم آهنگی درین تحول بزرگ و فعالیت های جدی در تمام ساحه های مختلف حیات هر ملت و جمعیت را وادار میسازد تا در داخل یک نظم و نسق قابل ملاحظه

خورد ترین زمان دست داشته خود را رایگان از دست نداده در تحت یک پلان منظم شب روز در تلاش و کوشش باشد تا هم آهنگی به کاروان تمدن سیر انکشاف خود را پیموده باشد خوشبختانه ملت نجیب افغان درین اواخر در تحت قیادت شاه بزرگ خویش مراحل تکامل خود را روز بروز میپیماید. که این حرکت و جنبش آینده بس امید بخش را در دل و دماغ هر فرد افغانستان بسیار عزیز زنده می سازد.

چون انکشاف در تمام ساحه های حیات بدون صلح و امنیت به هیچ یک از جامعه بشری میسر شده نمیتواند. لذا جهت تأمین آن نیرومند بودن یک امر لازمی و ضروری است.

جهت تقویه نیروی مادی و معنوی رساننده ها و وظایف بسی مهم را بدوش دارند که آنها معلمین نظارت کننده ها و قوماندانان اردومی باشند که مساعی متداوم آنها در متکامل ساختن جامعه عسکری و غیره یک نقش بس مهم دارد. چون در اردو اکثرأ عهده معلمی را ضابطان و خور د ضابطان جوان بدوش دارند برای نیل بمرام مطلوب نظر البته مساعی معلمین اردومی باید از طرف قوماندان های با تجربه و غیر معطل اوشان دایم تحت نظارت و کنترول قرار گیرد. که البته این ذوات اشخاصی می باشند که در هر رشته معلومات مکفی را دارا و از هر جهت نمونه مثال میباشند.

یک نظارت کننده برای اینکه تمام امور را به شکل واقعی ملاحظه نموده باشد بعضاً قواعد را باید تحت نظر داشته باشد و آن را در حین نظارت رعایت نماید.

۱- نظر دقت کنترول شونده را بطرف خود نباید جلب نمود.

۲- بدون اطلاع قبلی بصورت آتی و غیر مترقبه نظارت باید شود.

۳- در حین نظارت هیئت عمو می فعالیت نظارت شونده را مد نظر باید گرفت نه اینکه انبیا که از یک الی دو نفر اخذ مینماید.

۴- یک نظارت کننده زیاد تر بالای

آن نقاطیکه خودش بان معلومات زیاد تر دارد با فشاری نباید کرد.

۵- در برابر ما دو نان یک نظارت کننده به نوت نمودن نقصان ها اقدام نباید کرد. تا حسن اعتماد مادونان را ضعیف نساخته باشد.

۶- نظارت کننده از مداخله های که سبب ضیاع وقت شود خود داری مینماید. در صورت ملاحظه بعضاً موضوعات قابل تذکر در اخیر تطبیق پروگرام وقت جداگانه را صرف باید نمود (بعضاً نقاط بسیار مهم).

۷- از محافظه عزت نفس و حیثیت و شرف معلم و نظارت شونده در محضر مادونان نظارت کننده یک مسئولیت تام دارد.

۸- نقصانات ملاحظه شده را با علل آن در حالیکه شکل رهنمائی در افاده نموده باشد بحال امر جداگانه بمرجع نظارت شونده ابلاغ مینماید.

برای ازاله و بر طرف نمودن نقصانهای که بملاحظه رسیده است علاوه بر تبلیغ به اقدام آتی نیز متوصل باید شد.

- جهت رفع نقصانها و مشکلات عائده کنفرانس های لازمه را دائر نمودن.

- اطراف ضعیف معلمین را در حالیکه بان وظایف لازمه بدهد اصلاح نمودن. چرا که نظارت کننده تنها تنه تقید کننده نه بلکه معاونت کننده در خصوص اصلاح شقوق و مشکلات میباشد.

- جهت تکامل نمودن سویه معلوماتی بملاحظه عصر تاسیس کورس های لازمه را داخل زمانها و سویه های لازمه در نظر باید داشت.

نظارت تعلیم و تربیه بصورت عمومی روی موضوعات ذیل در نظر گرفته میشود:

- محل درس

- معلم

- متعلمین و یا افراد

- تعلیم و تربیه

محل درس

- ۱- با تعلیم و درسیکه داده میشود مطابق است .
- ۲- سایر مالز مه و لوازم و اشیای که نظر دقت مداومین را بخود جلب و از موضوع درسی آنها را منحرف سازد در محل درس به مشاهده میرسد .
- ۳- برای نشستن تمام مداومین يك محل مناسب است .

۴- هر کدام مداومین معلم و وسایل تعلیمی را بخوبی دیده میتوانند .
در خصوص معلم :

۱- بدرس خود خوب احضارات گرفته است ؟

۲- درس و تعلیم را به شوق و ذوق قابل ملاحظه اجرا میکنید ؟

۳- قیافه معلم بدرسیکه میدهد مطابقت دارد ؟

۴- تون صدای آن موافق به مقصد است و شکل خطابه آن خوب است ؟

۵- بعضاً عادت های که نظر دقت را بخود جلب کند در معلم موجود است ؟

۶- رویه و طرز حرکت آن همراه مداومین صمیمی است ؟

۷- از مالز مه و وسایل درسی بطور حاکم بر حسب مرام استفاده نموده میتواند ؟

در خصوص تعلیم و تربیه :

۱- درس یا تعلیم در زمان معینه آن شروع شده است .

۲- درس یا تعلیم بصورتیکه شاید یک بدیگر ارتباط داده شده است .

۳- در جریان درس پرنسیب های تعلیم و تربیه رعایت میشود .

۴- تمثیل ها و یادروس عملی مطابق به مقصد اجرا میشود . و وقت کافی در آن مدنظر گرفته شده است .

۵- مالز مه و وسایل درسی که استعمال میشود مفید و کافی است .

۶- برای معلمین و افراد وظایف داده و سوالات لازمه بعمل می آید .

۷- سیمینار های که اجرا می شود خوب اداره می شود آیا وقت را ضایع نمی کند . . . !

در خصوص معلمین و افراد :

۱- معلمین و افراد در برابر درس معلم علاقه نشان میدهند .

۲- از معلم بطور آزادانه سوالات می نمایند .

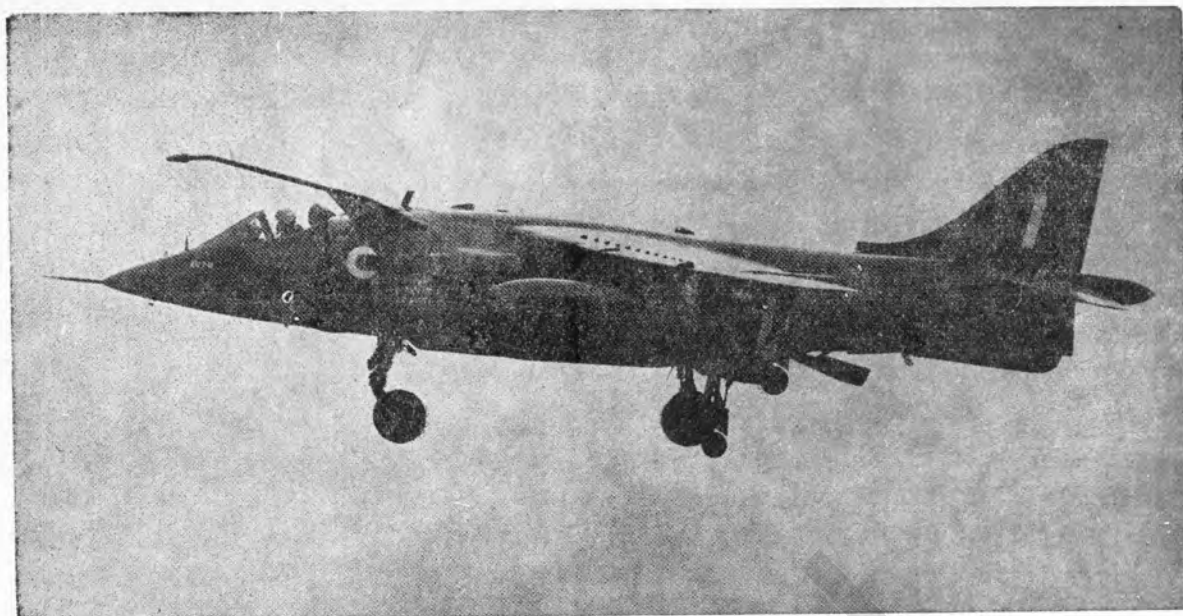
۳- خصوصیات که به آن دانانده شده آیا می آموزند .

که در اثر آن باید نظارت کنند باین عقیده واصل شود ، که بصورت عمومی موافق بمقصد درس یا تعلیم دوام نمود و مقصد اصلی را تأمین نمود . نکات ضعیف معلم کدام است آیا نقاط که قابل ایقاظ است یا موجود است یا خیر باین شکل نظارت لازمه بعمل آمده و در ساحت آن روز بروز جهت انکشاف سوییۀ ذهنی معلم و متعلم کوشش لازمه می شود . در غیر آن اگر بدون از نظارت تمام فعالیت های مادون خود سر گذاشته شود ، البته واضح که از جریان امور بی خبر اطراف ضعیف و قوی فعالیت های مادون هافهمیده نشده در آن حال تعلیم و تربیه به شکل متکامل مراحل خود را پیموده نخواهد توانست .

جدول نظارت و کنترل

درجه وسطی	اسم معلم نظارت شونده
دیرینه (۱۰۰ الی ۱۵)	کنترل کننده
بینه (۸۴ الی ۶۵)	موضوعات که کنترل می شود
متنخنی (۶۴ الی ۵۰)	تاریخ و ساعت
ضعیف (۴۹ یا کمتر)	

ملاحظات	نمبر	خصوصیاتیکه کنترل می شود
		با تعلیم و درسیکه داده می شود مطابق است .
		سائرمالز مه و لوازم و اشیای که نظر دقت مداومین را بخود جلب و از موضوع درسی آنها را منحرف سازد در محل درس به مشاهده میرسد ؟
		برای نشستن تمام مداومین يك محل مناسب است ؟
		هر کدام مداومین معلم و وسایل تعلیمی را بخود دیده میتوانند ؟
		بدرس خود خوب احضارات گرفته است ؟
		درس و تعلیم را به شوق و ذوق قابل ملاحظه اجرا می نماید ؟
		قیافه معلم بدرسیکه میدهد مطابقت دارد ؟
		تون صدای آن موافق بمقصد است یا شکل خطا به آن جواب است ؟
		بعضاً عادت های که نظر دقت را بخود جلب کند در معلم موجود است ؟
		رویه و طرز حرکت آن همراه مداومین صمیمی است ؟
		از مالز مه و وسایل درسی بطور حاکم بر حسب مرام استفاده نموده میتواند ؟
		درس یا تعلیم در زمان معینه آن شروع شده است ؟
		درس یا تعلیم بصورتیکه شاید یک بدیگر ارتباط دیده شده است ؟
		در جریان درس پرنسیب های تعلیم و تربیه رعایت می شود ؟
		تمثیل ها و یادروس عملی مطابق به مقصد اجرا می شود و وقت کافی در آن مدنظر گرفته شده است ؟
		مالز مه و وسایل درسی که استعمال میشود مفید و کافی است ؟
		برای معلمین و افراد وظایف داده و سوالات لازمه بعمل می آید ؟
		سیمینار های که اجرا می شود خوب اداره می شود آیا وقت را ضایع نمی کند ؟
		معلمین و افراد در برابر درس و تعلیم علاقه نشان میدهند ؟
		از معلم بطور آزادانه سوالات می نمایند .
		خصوصیات که به آن دانانده شده آیا می آموزند ؟
		درس و یا تعلیم و تربیه بمقصد عمومی درس را مطابق پلان تأمین نموده میتواند ؟
		اطراف ضعیف درس کدام ها است . . .
		موضوعاتی که تکرار آن لازمی است . . .
		رئیس اعضا اعضا



طیاره هریه در حال پرواز بسوی نیویارک

طیاره سلاحیست

که بمقاصد مختلف استعمال میشود

تتبع و انگارش: امیری بریدمن محمد معروف پیلوت

مستحکم ترین اهداف توسط بم های ثقیل که از طیارات پرتاب می شوند میتوان از بین برد!

تاحال هیچ نوع سلاح مانند طیارات درحرب های امروزی مؤثر نیست. اگرچه راکت های بلستیکی تایک اندازه میتوانند به وقت کم و فاصله دور اهداف خود را تحت تاثیر قرار بدهند ولی راکت های بلستیکی مثل طیارات نمی توانند اهداف خود را بطور دقیق تحت تاثیر بگیرند. تاثیرات راکت بلستیکی در صورتیکه توسط طیارات پرتاب شوند خیلی زیاد است. توسط راکت های که به طیارات نصب می شوند میتوان هر نوع اهداف را تحت تاثیر گرفت. راکت های پیکه از طیارات پرتاب می شوند و توسط اشعه راداری و یا پیلوت به هدف رهنمائی

در محاربات امروزی طیارات نسبت سرعت و حمل اسلحه زیاد و پرواز به مسافه های دور دست اهمیت بسیار بارز دارد. و به نسبت صفات زیادی که دارد از عهده اجرای هر گونه وظائف بر آمده می تواند. در این مضمون راجع به وظائفیکه از یک طیاره حربی گرفته میشود. بطور مختصر یاد آوری میشود.

بطور مثال: اهداف کوچک و مشکل که توسط دیگر سلاح از بین بردن آن ممکن نیست توسط طیارات شکاری خیلی آسان از بین برده می شوند بر علاوه اهدافیکه در جوار شهرها واقع باشند بدون آنکه صدمه زیاد به مناطق غیر نظامی برسد توسط طیارات بمبارد شکاری تخریب می شوند و همچنان

می‌شوند می‌توانند خود را در هر نوع شرایط متر و لوژی تحت آتش قرار بدهند و همچنان راکت‌های که از هوا به زمین پرتاب می‌شوند حینی دقیق اهداف خود را نشانه می‌گیرند. در آینده قریب راکت‌های بم‌های هوایی را در قواء هوایی خواهد گرفت!

طیارات در حرب سرد نیز حصه می‌گیرند مثلاً وقتیکه درجه آمادگی خوب و تعداد پرواز زیاد باشد و نوکریوالی هوایی بطور منظم در قوای هوایی جریان داشته باشد دشمن متحمل را به هراس می‌اندازد مورال قوای دوست را تقویه

می‌کند و اگر حرب سرد به حرب گرم تبدیل شود طیارات به هر نوع وظائف آمده است چه حرب محدود باشد یا وسیع طیارات وظائف مختلف را اجرا کرده و به قوای عسکر قدرت و جرئت می‌بخشد در قوای عسکری طیاره یگانه وسیله ایست که میتوان بواسطه آن داخل خاک دشمن قوت های دشمن را کشف کرد. و اگر طیارات کشف با سلاح مجهز باشد وقتیکه قوت‌های دشمن را در حال فعالیت کشف کند فوراً به آنها حمله نموده و قبل از آنکه آنها دست به فعالیت بزنند از بین برده میشوند.

طیاره یگانه اسلحه ایست که قابلیت از بین بردن اهداف متحرک و اهدافیکه موقعیت خود را تغییر میدهند دارد.

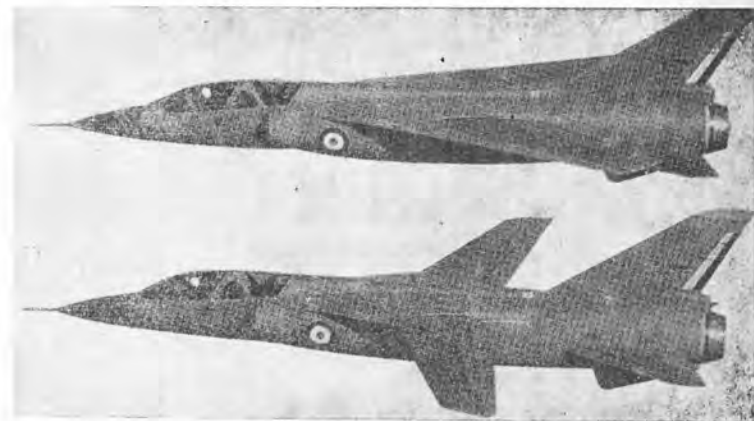
در حرب عمومی دوم و محاربه کوریا زمانیکه طیارات برای کشف یک میدان هوایی و یا یک ذخیره اسلحه و غیره اهداف مهم ارسال میشدند. اگر میدان هوایی به حال فعالیت دیده میشد فوراً به آن حمله نموده و آنرا از بین می‌بردند و همچنان ذخائر و دیگر اهداف مهم را، و اگر اهدافی را کشف میگردند که از عمده تخریب آن بر آمده نمی‌توانستند آنرا راپور داده تا برای از بین بردن آن طیارات با اسلحه سقیلتر داخل فعالیت شوند.

در حرب‌های وسیع وظائف طیارات قوای هوایی و راکت‌های دافع هوا تقریباً مشابه است، اما طیارات می‌توانند طیارات بمبارد مان دشمن را در داخل خاک دشمن دفع طرد نموده و از بین ببرند در قواء استراتژیکی طیاره یگانه وسیله ایست که میتواند بم‌های بسیار ثقیل را به اهداف دور دست برساند. اهمیت زیاد طیارات درین نیست که میتوانند اسلحه زیاد را مناطق دور دست و حمل و نقل می‌نماید بلکه در آنست که چندین هدف را در یک پرواز بطور دقیق تحت آتش قرار میدهند. چون طیارات قدرت مانور زیاد دارند و فاصله ای زیاد را می‌پیمایند بواسطه استفاده از اراضی به پروازهای پخش به اهداف خود از راه‌های غیر مستقیم میتوانند حمله کنند بدینصورت یک تیم کوچک طیارات میتواند اهداف بسیار مهم و مخفی را تخریب کند در حالیکه از راکت‌های بلاستیکی این کار ساخته نیست.

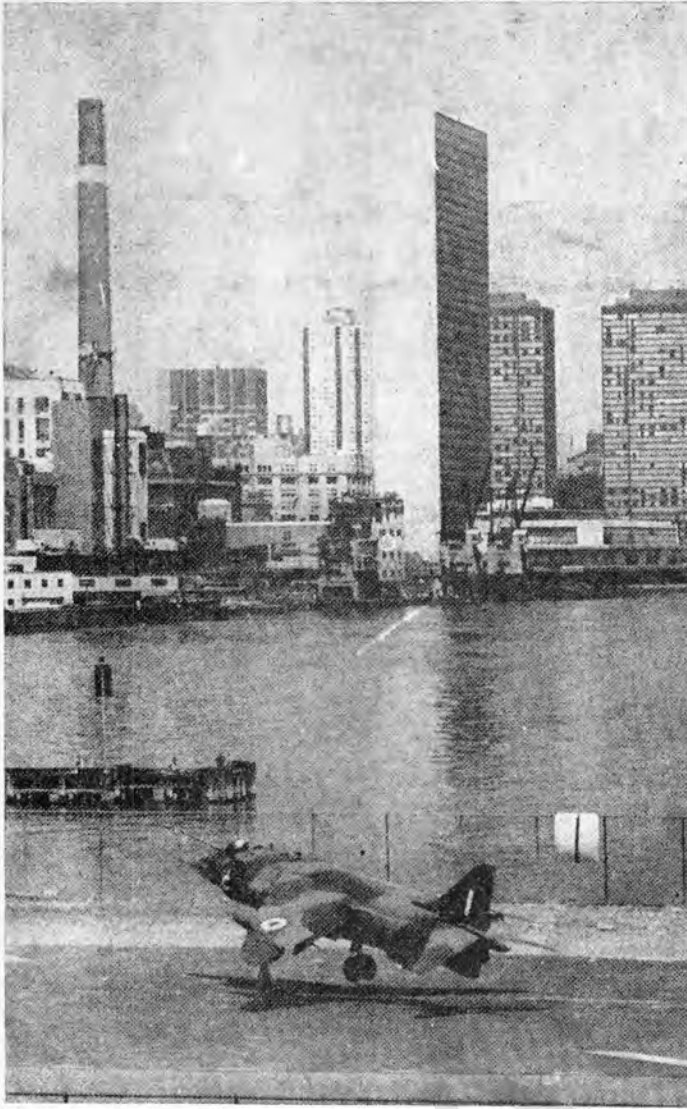
در میدان حرب حملال موثر بالای طیارات دشمن و بدست آوردن سلطه هوایی تنها بواسطه طیارات ممکن است در حرب‌های وسیع تنها بواسطه طیارات میتوان حملات هوایی دشمن را خنثی ساخت و طیارات دشمن را در هوا و زمین تحت تاثیر قرار داد و مراکز راکت‌های زمین به هوا و مراکز

می‌شوند می‌توانند خود را در هر نوع شرایط متر و لوژی تحت آتش قرار بدهند و همچنان راکت‌های که از هوا به زمین پرتاب می‌شوند حینی دقیق اهداف خود را نشانه می‌گیرند. در آینده قریب راکت‌های بم‌های هوایی را در قواء هوایی خواهد گرفت!

طیارات در حرب سرد نیز حصه می‌گیرند مثلاً وقتیکه درجه آمادگی خوب و تعداد پرواز زیاد باشد و نوکریوالی هوایی بطور منظم در قوای هوایی جریان داشته باشد دشمن متحمل را به هراس می‌اندازد مورال قوای دوست را تقویه



طیارات میراث ۳ و ۴ در حال پرواز و برخاست عمودی



طیاره جت هریر (*Harrier*) قوای هوایی بریتانیا که مسافت نیویارک و لندن را در مدت ۶ ساعت ۱۱ دقیقه ۵۷ ثانیه پیموده است در حال نشست در عقب ساختمان مؤسسه ملل متحد در نیویارک این طیاره قابلیت نشست و برخاست عمودی را داشته در هر جای نشسته میتواند

کماهی کردن ناممکن است طیارات یگانه واسطه ایست که میتواند فعالیت دشمن را در ساحه محاربه محدود بسازد و از رسانیدن مالز مهیات و پرسونل به ساحه محاربه جلوگیری کند و ترانسپورت هوایی و زمینی دشمن را فلج بسازد در حرب عمومی دوم ۶۰۰۰۰ عراده جات ۴۳۰۰۰ عدد قطارریل و ۳۶۰ پل بواسطه طیارات از بین برده شد.

در حرب های معاصر همیشه کوشش میشود که زمان محاربه را کوتاه و ساحه آنرا کوچک بسازند چنانکه باید در مرحله اول بدشمن ضربات پیهم وارد نموده و دشمن از اکمالات عاجز بماند این تکنیک همیشه حرب را محدود می سازد ازین نقطه نظر یک اردو به طیارات ضرورت دارد همچنان آمادگی قوای ستراتیژیکی هوایی همیشه دشمن را در هر اس نکم میدهد و هیچ وقت دشمن نمیتواند محاربه را وسعت بدهد.

نسبت خواص، سرعت، و قابلیت مانور خود طیارات یک اسلحه با ارزش برای اردوی مدرن می باشد.

رادار را از بین برد در میدان حرب طیارات میتوانند وظائف خود را تغییر دهند مثلاً یک طیاره دفع و طرد بر علاوه اهداف هوایی بالای اهداف زمینی نیز موثر واقع میشود. بر علاوه بدست آوردن سلطه هوایی و دفع و طرد طیارات در میدان حرب به حمایه مستقیم قوت های زمینی می پردازد و طیارات ترانسپورت حمل و نقل و سائط و پرسونل را به وقت بسیار کم انجام میدهد.

سبب تلفات زیاد آلمان ها از سال ۱۹۴۳ به بعد استعمال طیارات تکنیکی در مساعی مشترک با قوت های زمینی در یوروپ از طرف متحدین بود در حرب عمومی دوم تقریباً اضافه تر از ۵۰۰۰ تانک بواسطه طیارات از بین رفت در حرب کوریا ۶۶۵ پرواز به مقصد مساعی مشترک با قوت های زمینی اجرا شد که خیلی موثر واقع شد تجار بیکه ازین حرب بدست آمده است نشان میدهد که بدون کمک طیارات حرب را

ابو عبیده سر باز فدا کار اسلام

سر باز رشیدی گره می فرموده همیشه خدای خرد را بیاد داشته باشید

حضرت ابو عبیده رض از همان روز به (امین العله) ملقب و معروف شدند .

بعد از رحلت حضرت رسول اکرم ص که در سر انتخاب خلیفه در میان مسلمین اختلاف پدید آمده بود ، حضرت ابو عبیده رض در رفع آن اختلافات ، خدمات مفیدی را انجام دادند از آن جمله حضرت ابو بکر صدیق رض و حضرت عمر رض را نشان داد . به خلافت یکی ازین دو نفر راضی هستم بهر کدام آنها میخواهید ، بیعت نمائید .

بزرگترین خدمات حضرت ابو عبیده رض در زمان حضرت ابو بکر صدیق و حضرت عمر رضی الله تعالی عنهم بوجود آمد در بعضی مواقع خودشان تنها سه سالار لشکر اسلام بوده و در وقت های دیگر در معیت حضرت خالد بن ولید رض ، صفحات شام را تماماً فتح نمود ، به کشور اسلامیة الحاق کردند .

حضرت ابو عبیده رض درین صفحات بقدر پنج سال توقف نموده به تدابیر امور و تنظیم کارها پرداخت ، شب و روز اجتهاد نموده ، در اصلاح مملکت و بهبودی خلق می کوشید تمام مردم شام از تدبیر ، عدالت و مراحم او بغایت معنون و راضی بودند حتی زمانی که پادشاه قدیم و عمه دین شان (هرقل) آنها را دوباره به فرمان برداری و اطاعت خود دعوت کرد ، شامیان قبول نکرده خدمت و جانفشانی را در راه دین خدا بر همه چیز ها ترجیح دادند .

حضرت ابو عبیده رض در سایه اجتهاد و همت عالی خود بواسطه دیگران نیز مسلمین را معاونت های شایان رسانیده است چنانچه از جمله آنها زمانی که در مدینه قحط و گرسنگی شدیدی پدید آمده بود ، از طرف شام چهار هزار شتر معلو از غله گرد آورده ، به مدینه منوره روانه کرد . هنگامی که در شام امارت داشت ، با آنکه از غنایم و مالیات مختلفه مبالغ هنگفتی جمع می شد ، در خوراک و پوشاک

حضرت ابو عبیده بن جراح رضی الله تعالی عنه یکی از مجاهدین نامدار اسلام و هم یکی از عشره مبشره بوده نسب مبارک شان ۴ حضرت عامر بن عبدالله ، بن جراح ، بن هلال ، بن وهیب ، بن ضیه ، بن حارث ، بن نهر است که در (نهر) بانسب شریف حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله وصحبه وسلم اتصال می یابد .

حضرت ابو عبیده در زمان جاهلیت از خادمان فعال اجتماع بوده و در سایه فکر رسای خود حق را از باطل بخوبی تمیز می داد ازین رو بمحض اینکه از حضرت پیغمبر محبوب اسلام ص درباره دین مبین و قرآن مجید یکبار معلومات لازمه را شنیدند حقیقت را دریافته و بدون چون و چرا ایمان آوردند .

حضرت ابو عبیده رض بمملکت حبش ، سپس به مدینه منوره هجرت نموده در جمیع محاربات با حضرت رسول اکرم ص حاضر بود در سایه قهرمانی و مهارت شان در فنون حرب ، اهل اسلام استفاده های معنوی نمودند و صمیمانه درین راه خدمت می فرمودند چنانچه وقتی در جنگ تاریخی احد صبر و ثبات ورزیده ، حلقه های آهنین زره و یاتیری که بروی مبارک حضرت رسالت مآب ص فرو رفته بود بدنشان خویش کشیده بیرون آورد تا اینکه در اثر این اخلاص دودندان مبارک کش شکسته افتاد و این شکستگی را دلیل درستی کار های دین و دنیای خود می شمرد و این حادثه در عقیدت و ارادتش اثرات مثبتی وارد نمود .

حضرت ابو عبیده رض با کمال رشادت در خدمت دین مبین اسلام کوشیده آرزو داشت جان و سر و مال خود را در راه اعتلای کلمنه الله و حصول رضای الهی و رسول مقبولش صمیمانه فدا کاری کند ازین جهت حضرت رسول السقین ص در شان این مرد بزرگوار فرموده اند : (هر امتی را امینی است و امین این امت ابو عبیده میباشد .)

غایت صرفه جوئی و اقتصاد را مرعی داشته بی تکلف معیشت می کرد بعضی ها که او را به معیشت خوب توصیه می کردند در جواب آنها می فرمود: « انسان نباید فقط برای خوب خوردن و خوب پوشیدن بکوشد بلکه سعی ورزد تا اعمال آیکو و صالحه را نیز انجام برساند . »

می گویند روزی حضرت فاروق اعظم رضی الله عنه در سفر شام ، بخانه حضرت ابو عبیده رض وارد شده بود ، چون اسباب خوراک و پوشاک او را خیلی ساده و خالی از همه گونه تکلف یافتند ، فرمودند : (ای ابو عبیده ! بجز از تو همه ما را دنیا و مال دنیا تغییر داد .) حضرت ابو عبیده رض ، تمام عمر خود را در توسعه ممالک اسلامیه ، در نشر و ترویج دین مبین در خدمت و یاری مسلمین صرف نمود ، بسبب او بسی از مردم بی بضاعت اشخاص دولتمند و مالدار شدند ولی خودش گاهی مال جمع نفرمود ، حتی معاشی که از بیت المال می گرفت ، قدر ضرورت خرج نموده متباقی را بفقرا و محتاجین انفاق می کرد و دیناری را برای خود نمی اندوخت .

وقتی حضرت فاروق اعظم رض که بر مسند خلافت اسلامی جلوس داشتند چهار صد طلا برای حضرت ابو عبیده رض فرستاد فرمودند که هنگام ضرورت و احتیاج می تواند خرج نماید ، ولی حضرت ابو عبیده رض طلا ها را در همان ساعت بین فقرا و مساکین تقسیم نمود ، سپس برای معاذین رض جبل نیز همین قدر طلا فرستاد او نیز فقط دو طلا بزنش داده ، باقی همه را بقربا احسان کرد ، حضرت عمر رض چون این واقعه را شنید ، خدای متعال را حمد و سپاس گفت که برای مسلمانان چنین اشخاصی که خیر و سخاوت را دوست میدارند و بقایده جامعه کوشش می کنند ارزانی و مرحمت فرموده است .

حضرت عمر رض از حضرت ابو عبیده رض بدرجه خشنود و راضی بود که بارها می گفت .

(اگر ابو عبیده زنده باشد ، پس از خودم خلافت را برای او وصیت خواهیم کرد .)

روزی حضرت عمر رض حاضرین را خطاب نموده ، فرمود ، شما چه می خواهید ، یکی عرض کرد من می خواهم خانه ای پر از زرداشته باشم و همه آنها را در راه خدا صرف نمایم . دیگری گفت ، من آرزو دارم خانه مملو از جواهرات داشته باشم و همه را برای غربا و بینوا یان صرف کنم ، آنگاه حضرت عمر فرمودند ، من میخواهم همین خانه پر از اشخاصی بمثل ابو عبیده بن جراح باشند تا برای دین اسلام خدمات مفیدی انجام بدهند حضرت ابو عبیده رض بلند قد لاغر اندام ، کم ریش ، خوش خلق ، راست قول ، عابد و زائد متواضع و حلیم ، عادل و با عاطفه بوده به تدبیر مفاکت و علم جنگ نیکومی دانستند نسبت بحضرت رسول ص محبت و عشق فوق العاده داشته ، همواره برای خشنودی خاطر مبارک رسالتماپی ص میگویند زیرا معتقد بود که

رضای الهی در رضای رسول او مضمّن میباشد دو امر و ارشادات حضرت رسول ص را بکمال دقت اطاعت و عمل می کرد ، چنانکه روزی حضرت رسول مقبول ص فرموده بودند .

(هر یکی از اصحابم را عمل سزاوار مواخذه است ، مگر ابو عبیده را .)

در یکی از محاربات ، عساکر عمر بن العاص و ابو عبیده بهمیدگر مخلوط شده بودند ، در باره بعضی تدابیر در میان آنها اختلاف پیدا شد ، ابو عبیده رض گفت ، در کار غیر مهمی نزاع و اختلاف روا نیست ، حضرت رسول اکرم ص فرمودند ، باتفاق حرکت نمائید و اختلاف نورزید ، حضرت ابو عبیده تا آخر عمرشان سردار لشکر شام بوده در سال ۱۸ هجری بمرض و با رحلت فرمودند ، در ینوقت سن شان ۵۸ رسیده بود ، از موصوف فرزند و نسلی نمانده است .

حضرت ابو عبیده رض هنگام بیماری مسلمانان را جمع کرده و صایای ذیل را بیان نموده ، ای مسلمانان ، من بشما بعضی مطالب را وصیت می نمایم که اگر بموجب آنها عمل نمائید از کار خیر و راه راست گاهی جدا نخواهید شد ، نماز های تان را در وقتش بخوانید زکوت های تانرا ادا نمائید در ماه رمضان روزه بدارید ، صدقات ناقله را بد هید ، به حج بروید ، یکدیگر را بخوبی و احسان دلالت کنید ، نسبت بهمیدگر تان خیر خواه باشید ، از خیانت خود داری نمائید بزندگی دنیا فریفته نشوید ، و خداوند متعال را همیشه بیاد داشته باشید . حضرت شان چون وفات یافتند ، حضرت معاذ بن رض جبل که بجای او امیر شده بود ، برخاسته این خطبه را خواند ؛ (ای برادران ! از تقصیر و گنا های تان از روی اخلاص توبه نمائید زیرا توبه با اخلاص را خدای متعال دوست دارد و بنده را مورد عفو و مغفرت خود قرار می دهد ، قرض و دین یکدیگر را بپز دازید ، اگر با یکدیگر نزاع و جنگ کرده اید آشتی نمائید ، زیرا مسلمانان سزاوار نیست که زیاده از سه روز با برادر مسلمان خود خفه باشید ، از حضور خداوند و روز قیامت حوقی بدلی داشته باشند) پس از ختم خطبه فوق مراسم دفن حضرت ابو عبیده رض محترم مانده صورت گرفت و آن سرباز امین و فداکار در جوار رحمت الهی مسکن گزین گردید .

حضرت ابو عبیده رض در سال اول هجرت با حضرت سعد بن معاذ رض عقدا خوت منعقد گردانید زیرا در سال مذکور در میان چهل و پنج نفر از مهاجران مکه معظمه و چهل و پنج نفر از انصار مدینه منوره عقد مواخات بسته شده بود . خلاصه حضرت ابو عبیده رض از افسران بزرگ اسلام بوده و در ردیف بزرگترین صحابه کرام و عشره مبشره قرار داشتند و تاریخ اسلام الی الابد نام نامی این بزرگواران را با احترام و قدر یاد آوری و تجلیل خواهد کرد .

هر سر بازی کند در راه حق

در قیامت حشر او با انبیاست



از کتاب «معیار شجاعت»
تألیف مارشال چویکوف

با قهرمانان معروف جهان آشنا شوید

الکساندر مترو سوف قویتر از مرگ

نام الکساندر مترو سوف قهرمان ملی اتحاد شوروی بگوش اکثری مردم جهان رسیده است . فداکاری او در تاریخ حرب جهانی دوم درج گردیده و در تاریخ مبارزه عظیم بخاطر نجات میهنش ثبت شده است . همچنان شاید مردمان کشورهای مختلف جهان نام این جوان فداکار و قهرمان را شنیده باشند و بدانند که او در راه صلح و در راه خوشبختی انسانهای روی زمین زندگی اش را فدا نموده است .
مترو سوف در شرایط سخت و مشقت باری زندگی مینمود، برای این نوجوان یتیم شده راه پیشبرد حیات مشکل و در عین زمان آموزنده بود .

در برورشگاه، جوانان خوردسال و یتیمان، در جائیکه او را بحیث یک جوان عصبی، قانون شکن و خودخواه تحت تربیه و مواظبت گیرفتند مترو سوف نمونه های زیاد از کارهای جالب و سرگرم کننده و مناسبات غمخوارانه و محبت آمیز مردمان را ملاحظه نمود .

آموزگاران و مربیون با تجربه و فهمیده بزودی در قلب الکساندر راه باز نمودند، امیال و آرزوهای باطنی او را با دقت و احتیاط زیاد به مجرای لازمه و به جهات لازمه سوق دادند و کنجکاوای حریصانه او را تسکین دادند .

الکساندر به سیر و سفر میل و علاقه شدیدی داشت، «ترو فیم دانیل اوویچ» یکی از مربیون وی بادلچسپی راجع به سیر و سیاحت قصه مینمود، او میگفت که انسان باید خیلی چیزها بداند تا یک بیکاره مفلوک و جاهل بار نیامده بلکه بصورت یک محقق دانشمند و عالم از همه چیز باخبر گردد .

او راجع به مشاغل زیادی سخن میزد، اما الکساندر مخصوصاً بسیار



الکساندر مترو سوف

علاقه داشت که راجع به قهرمانان مشهور مانند «چپایف» و «کوتوفسکی» و «شورس» و غیره برایش قصه نمایند.

یکی از استادان قدیمی کارگاه آهنگری «سرگیئی لفوفیچ» نه تنها به متروسوف بیاموخت که اثر آهنگری را درست و محکم نگهداشته پوزه جات را تکمیل و فلز را با مهارت و چابکی تاب بدهد، بلکه آرزو بکند، شکل بدهد، بیافریند و ایجاد نماید. این استاد در ضمن وظیفه عشق و علاقه به کار را به متروسوف تلقین نموده و همیشه راجع به ایجاد کنندگان و مخترعین ماشین های مختلفه مانند یابلوچکوف، پاپوف، ایوان پولوزنوف و غیره تعریف مینمود.

از اینجاست که برای الکساندر میل شدیدی و آرزوی متهوری پیدامیشود: انجنیر شدن و بوجود آوردن اینطوریک ماشینی که بکمک آن بتوان بادها و ابرها را اداره نمود.

بزودی احساس در افکار متروسوف بوجود آمد، مفکوره عزت نفس و حیثیت شخصی. اعتماد به نفس را درین جوان تلقین نمودند و او دانست که انسان تباه شده و اصلاح ناپذیری نبوده، بلکه مانند دیگران بخوبی تحصیل نموده میتواند کار خواهد کرد و بر مراتب از دیگران زندگی بهتری خواهد داشت. تروفیم دانیلوویچ همیشه تکرار میکرد.

- انسان باید داریم کوشش نماید که زندگی اش خوب و خوبتر گردد بهر اندازه ای که انسان عاقل و فهمیده باشد و دانشش زیاد گردد، بهمان اندازه مفادش و خیر و نکوئی اش به هموعانش میرسد.

و متروسوف میخواست انسانی باشد با این صفات، و درین راه او را در همه جا کمک مینمودند، در مکتب در کارگاه، در کلوپ و در هر جا.

اطرافیانش ذره به ذره آنچه خود داشتند در قابش جا میدادند و در مغزش تلقین مینمودند دانش و تجربه، عشق و محبت به هموعان و به خاک و وطن همه را با و تزریق نمودند.

هنگامیکه حرب شروع شد متروسوف هفده ساله بود. در یکی از مجالس مباحثات دسته جمعی بعد از سخنرانی معلمین و مربیون متروسوف نیز خواهش سخنرانی نمود، و گفت:

- جنگ بهمه ما و شما ارتباط می گیرد، ببینید ما و شما در این آب و خاک تغذیه میشویم، تعلیم میخوانیم و لباس دریافت میکنیم، کی اینها را ما میدهد؟ البته که وطن ما و ما نباید او را فراموش کنیم، بانیست از ودفاع کنیم او را. محافظه نمائیم فعلا در مقابل ما و شما یک وظیفه قرار دارد: نا بودی دشمن متجاوز!...

فابریکه موبل سازی ایکه متروسوف در آنجا کار میکرد، فرمایش های نظامی زیادی دریافت نمود، مانند ساختن صندوق های بارنامه برای مرمیات، بم های دستی مین ها و کار طوسها، تفنگ های تعلیمی و جالی های ستر و اخفا.

متروسوف آهنگر در کارگاه اژه های دستی و کلان نجاری، تیشه چاقو و آلات دیگر میساخت. وی با مقاومت خستگی ناپذیری همدروزه میزان و معیار کارش را تا ۱۵۰، ۲۰۰ و حتی ۳۰۰ فیصد بالاسی برد، تا اینکه نامش بزودی در تخته کارکنان ممتاز نوشته شد و همه بچه ها او را بنظر احترام دیده کوشش میکردند که با وی دوست شوند.

اما متروسوف به چیز دیگری فکر میکرد، همیشه برایش اینطور معلوم میشد که او به جبهه کمتر کمک میکند، بدین سبب او از مربی اش «تروفیم دانیلوویچ»

خواهش نمود که راجع به ارسال او به جبهه کوشش کرده و اقداماتی بنماید.

دانیلوویچ برایش گفت:

- بین ما عملاً برای جبهه زحمت میکشیم و کار میکنیم، تو اول خود را امتحان کن که برای امور سخت و طاقت فرسا حوصله و طاقت داری یا نه؟ و متروسوف خود را اینطور آزمایش کرد:

بارانهای خزان سرک هائبرا که از بالای آنها قطارهای موتر حامل صند و قهای مرمیات که در فابریکه ساخته شده بودند عبور میکردند با گل ولای عمیقی پوشانده بود. و در فابریکه تعداد صندوق های بارنامه خیلی زیاد شده بود متروسوف پیشنهاد کرد که صندوقهای را تا سرک عمومی بدوش بکشند، این پیشنهاد برای بعضی رفقایش غیر عملی معلوم شده و یکی از آنها گفت:

- ما نه اسب هستیم و نه ماشین درین گل ولای حتی آنها نیز صندوقها را حمل کرده نمیتوانند.

متروسوف عصبانی جواب داد:

- بلی ماشین نمیتواند، اسب نمیتواند، مگر ما میتوانیم و باید حمل نمائیم، زیرا به جبهه مرمی ضروری است. و بدون صندوقهای ما مرمیات برده شده نمیتوانند.

و هنگامیکه بچه ها صندوق بدوش در بین گل ولای پیش میرفتند، متروسوف از همه پیشقدمی میکرد و شوخی مینمود.

لحاجت و فراست متروسوف بهمه رفقایش بخوبی هویدا بود و آنها میدانستند که هرگاه او کاری را عزم نماید بهر قیمتی که میشود آنرا انجام خواهد داد. الکساندر به دوستی و آئین دوست یابی اهمیت و قیمت زیادی قائل بود و از اینرو رفقای زیادی داشت، اما راستی، شهامت توانائی و چالاکی او را در کار هیچیک از دوستانش دارا

بودند. او در فعالیت از همه چابکتر بود و در دوستی از همه با وفاتر. زمانیکه متروسوف به مدیریت مکلفیت نامه نوشته و طی آن خواهش اعزام به جبهه را نموده بود او مکتوبش را اینطور آغاز نمود: « شش ساله بودم که والدینم را از دست دادم، در وطنم از من مواظبت و غمخواری نمودند، درس خواندم و صاحب مسلک گردیدم، آهنگری بیا موختم. و من امروز مدیون اینهمه خوبی ها و فداکاری های وطنم و اجتماع خودم هستم. فعلاً که به خاک مانجاور شده و مملکت در خطر است، من میخواهم او را محافظه نمایم من هفتد ساله هستم و میتوانم سلاح در دست بگیرم من در جبهه بهتر از این جا خدمت خواهم کرد - مطمئناً از شما خواهشمندم که آرزوی مرا برآورده سازید و مرا که داو طلب جنگ هستم به جبهه بفرستید. » سه مرتبه مکتوبش را لاجواب گذاشتند اما بالاخره او به آرزویش رسید و با اعزام وی به جنگ موافقه نمودند.

آمرین متروسوف و استادان کارگاه در حالیکه تربیت یافته شانرا بطرف جبهه مشایعت مینمودند در سجل وی اینطور تحریر نمودند: « الکساندر متروسوف ماتفووویچ در سال ۱۹۲۴ در شهر (دنیرو پتروفسک) در یک فامیل کسبه کار بدنیآ آمده است، تحصیل وی تا صنف هفت در فابریکه موبیل سازی بحیث بسته کار و وظیفه داشت، به نسبت وظیفه شناسی صداقت و پشت کار متروسوف از تاریخ ۱۵ مارچ الی ۳ سپتمبر سال ۱۹۴۲ بحیث معاون مربی (استاد) تعیین شده بود. کار و فعالیت شدید و میل و علاقه زیادوی به تحصیل او را بکلی برای پیشبرد یک حیات آزاد و آرام آماده ساخته است. متروسوف

شخص باسپاین بود مناسبات حسنه دوستی و رفاهت را بخوبی برقرار نموده میتواند. »

متروسوف در گرمای گرم محاربات تعرضی قوای شوروی به جبهه رفت، کمی قبل از رسیدن الکساندر به جبهه محاربه بی سابقه و تاریخی ستالین گراد به دفع قوای دوست اختتام یافته، شکست و نابودی دسته جمعی دشمن شروع شده بود. سربازان شوروی از افراد گرفته تا جنرال و مارشال قهرمانی ها و فداکاری های زیادی از خود نشان میدادند. و اینک متروسوف میداند که تمام قهرمانان بمراتب شجاعتر از آنند که مانند مردمان خوب دیگر در نظر اول دیده میشوند و این فداکاران خطوط پیشترین جبهه، کسانیکه راجع بانها در اخبار خوانده و از رادیو شنیده بود، حالا در پهلوی وی قرار دارند.

قوماندانان و افرادی که دوش بدوش وی برای حفاظت خاک و رواندن دشمن متجاوز از وطن شان می جنگیدند در حقیقت دوستان و معلمین جدید الکساندر بشمار میرفتند که همه جنگ دیده، شجاع و باتجربه بوده و بسا تجارب جدیدی را بوی بیاموختند:

لوای پیاده نمبر ۹۱، جائیکه متروسوف وظیفه داشت، در تشکیل قطعات داو طلب « سپیر یاک » شامل بوده و یک سلسله محاربات شدید و موفقانه ایرا بداخل جبهه « کالینین » اجرا نموده بود.

یزودی رفقاً به متروسوف دل بستند، زیرا او همیشه پرنشاط ثابت قدم، خستگی ناپزیر و بشاش بوده، دوست داشت که آواز بخواند و دایم از رفقایش و دوستانش مواظبت و غم خوری صمیمانه ای مینمود. قوماندانان تولى ماشیندار تورن « آرتیوخوف » میخواست که برای تولى خویش افراد انتخاب نمایند

و بدین مناسبت اعلام نمود که برای وی بهترین، بسی اک تیرین و شجاعترین افراد لازم بوده و افزود: - اخطار میدهم! و اعلام میکنم که خدمت درین تولى مشکل خواهد بود! - هر کس طاقتش را ندارد، بهتر است خاموشی اختیار نماید. خوب! آیا بین شما کسی داوطلب داخل شدن درین تولى است!

اولتر از همه متروسوف داوطلب شد که به تولى وی رفته نشانزن شود... در رفتارهای طولانی و سخت هنگامیکه عساکر خسته و ناتوان، بانجهیزات سنگین بمشکل راه میرفتند متروسوف هر کس را بیک ترتیبی کهسک میکرد - طبراق یکسی را حمل مینمود و سلاح دیگری را از نزدش گرفته بدوش می کشید. در شب های زمستان در موله ها و استراحت گاهها، وقتیکه افراد مانده و خسته در روی برف از پا می افتادند و بخواب عمیق میرفتند، او نیمه های شب از خواب برمیخواست، آتش می افروخت و رفق را بنوبت بیدار مینمود که خود را گرم نمایند تا آنها رایخ نزنند و مریض نشوند.

در امورات خورد و بزرگ زندگی وی یک قانون عادی و خرد مندانه حکمروائی داشت و این قانون برای وی اینطور مفهوم داشت. (طوری زندگی کن که حیات تو برای محیط و جامعه ات سهولت و رفاه باریاورد) الکساندر متروسوف در جاده های نظامی، فلاکت و بدبختی های بزرگی را ملاحظه نمود که بواسطه دشمن سرسخت بوجود آمده بودند، قریه های ویران و سوخته قبرهای قربانیان محاربه و افراد تیر باران شده، بدار آویخته شده و یا زنده بگور شده، همه و همه را بچشم سردید، او بسیاری آوار گانی را میدید که خانه وفا میل خود را از دست داده و بی هدف بمقصد نامعلومی روان بودند.

متروسوف در آستانه یکی از محاربات تاریخی در جمع رفقاً اظهار داشت :

(چرا نازی‌ها از ما نفرت دارند و مردمان ما را بقتل میرسانند؟ آیا آنها صرف باین سبب که ما خاک خود را دوست داریم و در راه آن جا نفسانی میکنیم با ما دشمن شده اند؟

حقیقت بزرگی فعالیت خلاقه ما را منور ساخته و حیات خوش مارا روشن بخشیده اما دشمن میخواهد بمانزگ و نیستی ببار آورد و ما را غلام خود سازد، بناءً وظیفه مقدس ما کشتن بیرحمانه دشمن و آزاد ساختن وطن از یوغ اسارت وی میباشد، فعلاً وقتش رسیده است که ما در مقابل هر ذره خاک خود از دشمن انتقام بگیریم.

او امر قوماندالی را اجرا نموده و برای حفظ وطن و مردم خود و برای صلح خوشبختی تمام بشریت در روی زمین دشمن را خواهم کشت، و تا وقتی به نابودی دشمن دوام خواهم داد که بازوهایم قدرت نگهداری اسلحه را داشته و قلبم در پیش باشد) به کنهك که متروسوف بآن منسوب بود امر داده شد که حملات مقاومت مستحکم شده دشمن را بیک هجوم اشغال نماید، این محلات مقاومت در دهکده (چرنیوشکی) واقع بودند. این يك وظیفه مشکل و خطرناکی بود زیرا به مشکلات زیاد از بین اراضی جنگلزار و با طلاق سلاح و وسایط جنگی را میشد عبور داد و در محاربه نیز صرف سلاحی استعمال شده نمیتوانست که از بین دلدلزار های ضخیم عبور داده شده میتواندست.

در اطراف قریه چرنیوشکی دوشپانه روز جنگ دوام داشت و در اخیر قوای دوست موفق شد که فصبه را محاصره و مواضع آتش دشمن را تحت فشار بگیرد، تنها مانع و دشواری ای که باقی مانده بود دزوت

(تاسیس تدافعی چوبی وزمینی) مرکزی دشمن بود که توسط آتش سرسام آور خود اراضی را تحت تاثیر گرفته و هر کس سرخود را بلند مینمود از آنجا هدف مرمی قرار میگرفت.

به امر قوماندان شش نفر سر باز کوشش کردند که به دزوت نزدیک شوند و توسط بهم دستی فعالیت آنرا متوقف سازند مگر همه آنها نا کام مانده و ازین رفتند.

متروسوف وقوع ماندانش را يك موضوع بیش از همه اذیت مینمود امر سر قوماندانی اجرا شده، سر بازان بی هدف کشته شدند و زندگی افراد باقیمانده نیز در خطر است.

متروسوف ابروهارا درهم کشید در قیافه اش سایه يك تصمیم جدی و قطعی دیده میشد، او به آرامی اما جدی به قوماندان گفت :

خواهش منم بمن اجازه بدهید! - و قوماندان اجازه داد.

الکساندر ابتداء بطرف راست به زحف نمودن پرداخت، نه بطرف هدف بلکه به امتداد بته زارها و درین حین دهاجفت چشم او را تعقیب مینمودند که همه تحت آتش دشمن قرار داشته و حاضر بودند که با اولین امکان به هجوم بزرگی به پردازند، و متروسوف فعلاً امید آنها و قوه شان شمرده میشد همه فکر میکردند که خدا کند او موفق شود که تا به هدف زحف نماید.

مرمیات گاهی به پیشرویش و گاهی در عقبش برف را غریب مینمودند و زمانیکه شلیک مرمی برای لحظه ای از وی قطع می شد او کمی تفنگ خود را بلند نموده و يك ترپله کوچک اجرا میکرد و هنگامیکه دوباره باران مرمی شروع میشد او پرت نموده ستر و اخفا میکرد و نشانه‌های دشمن فکر میکردند که مرمی با و اصابت نموده و او ازین رفته، بدین ترتیب او لحظه به لحظه پیشرفت مینمود تا اینکه بالاخره به نزدیک (دزوت)

رسید، درین لحظه او بایست خیلی محتاط مینمود، زیرا دشمن یا او را ندیده بود و یا اینکه قصداً او را موقع داده بودند که بآنها نزدیک شود ماشیندار دشمن نیز به استقامت دیگری انداخت میکرد.

چشم الکساندر برای لحظه ای به اطرافش نظر انداخت مگر نزدیک بود از تعجب و وحشت جیغ بزند، زیرا دوست صمیمی اش (پیتر اندروشنکو) هم بطرف دشمن زحف مینمود و ماشیندار نیز به استقامت او توجه پیدا کرده بود حرکات (پیتر) توأم با چابکی و چالاکی نبود، او تصور مستقیم بطرف (دزوت) حرکت میکرد. (پیتر) خودش تصور نمیکرد که به هدف رسیده باشد و به زحف و ترپله دوام میداد، او بسوی دشمن میرفت و آتش دشمن را حقیر می شمرد تا اینکه به زندگیش خاتمه داد.

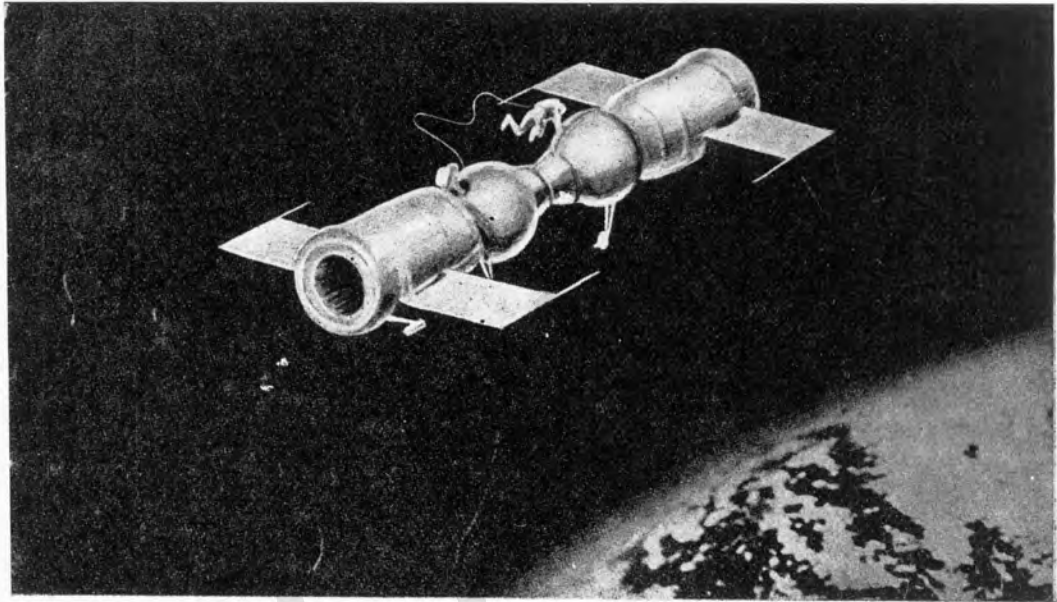
کدام قوه و کشش این عسکر عادی را پیش برد؟ او هر چه در قدرت داشت بکار برد که آتش دشمن را بسوی خود جلب نماید و به این ترتیب به دوستش کمک کند، کمک به متروسوف اینست قوه تزلزل ناپذیر دوستی و صمیمیت سر بازان، و اینست عشق آتشین به خلق و وطن. الکساندر متروسوف بحرکت دوام داد، او بهم های دستی اش را نیز با خود حمل مینمود بعداً به زانو بر خاست و بهم های رایگی بعد دیگری بالای (دزوت) انداخت بهم ها همه منقلب شدند.

و ماشیندار برای لحظه خاموش شده دوباره به آتش شروع کرد. اما همین فاصله به نفع متروسوف تمام شد و او خود را به چند متری سنگر رسانید و دوستش را که توسط مرمی دشمن بدانش سوراخ شده بود دید.

ماشیندار دوباره بالای عساکر به آتش باری شروع نموده بود و باید بهر ترتیبی که میشود او را خاموش ساخت او در اطرافش جستجو نمود که اگر کدام بهم دستی بیاید،

جریان تکامل دانش کیهانی

تتبع و نگارش: دوهم بریدمن عبد الاحمد



سیوز ششم که در این اواخر صفحه نویی را در تاریخ کیهانی باز نمود

از دهانه توپ فیر میشود ۵ ، ۱ تا ۳ کیلومتر در ثانیه سرعت دارد .

این سرعت گرچه بسیار کمتر از ۱۱ کیلومتر مطلوب است اما آن اندازه جالب است که توجه ما را به توپ بعنوان وسیله ای برای انجام پروازهای فضائی جلب کند .

این همان اندیشه ای بود که ژول ورن داستان نویس شهر فرانسوی آن را پایه داستان علمی خود بنام (سفر از زمین تا ماه) قرار داد . ژول ورن توپ علمی را شرح میدهد که در داخل زمین بصورت یک چاه عمودی به عمق ۲۵۰ متر ریخته شده بود . طبق محاسبه های او گلوله ای که از این توپ فیر شود حتماً خواهد رسید . ژول ورن مسافرین خود را در این گلوله جای داده بود .

ولی متأسفانه پرواز کیهانی که از پروازهای اخیر اپولو ۱۱ یازدهم دوازدهم و سیوزهای اتحاد شوروی بدست آمد آنطور که ژول ورن پیشنهاد کرده ممکن نیست . نکته مهم این نیست که ژول ورن در محاسبات خود اشتباه زیادی کرده و گلوله ای که از توپ وی فیر شود نه تنها به ماه نخواهد رسید

آنگاه که آدمی برای نخستین بار رابطه میان سرعت و نیروی چاذ به رادریافت گام او را از عالم افسانه به جهان دانش برداشت . روشن است که معنی این ایجاد دانش پرواز فضائی نبود بلکه مسئله دیگری بدخل میشد تا دانش کیهانی عملاً پیدا شود و آن چگونگی بدست آوردن سرعت های مطلوب است .

از نظر کلی حل این مسئله راه های گوناگون دارد ، مثلاً از لحاظ تئوری ساختن کمائی غول پیکر منجنیقی عظیم برای پرتاب جسمی بقضای کیهانی بکمک نیروی ارتجاعی (الاستیک) امکان پذیر است حتی میتوان از فلاخن و دستگاه های پرتاب که در قرون وسطی برای کشتودن دژها بکار میرفت استفاده کرد . ولی تئوری و جنبه نظری فضا چیز بیست . و تحقق عملی و فنی آن بکلی چیز دیگر است . نیازی بگفتن نیست که در عمل هیچ یک از این وسایل رضایت بخش نیست . زیرا چنین دستگاه های که استحکام لازم را داشته باشند قابل ساختن نیستند .

آیا نمیشود از توپ برای پرتاب اجسام بقضا استفاده کرد . این پرسش خود بخود پیش می آید زیرا میدانیم گلوله ای که

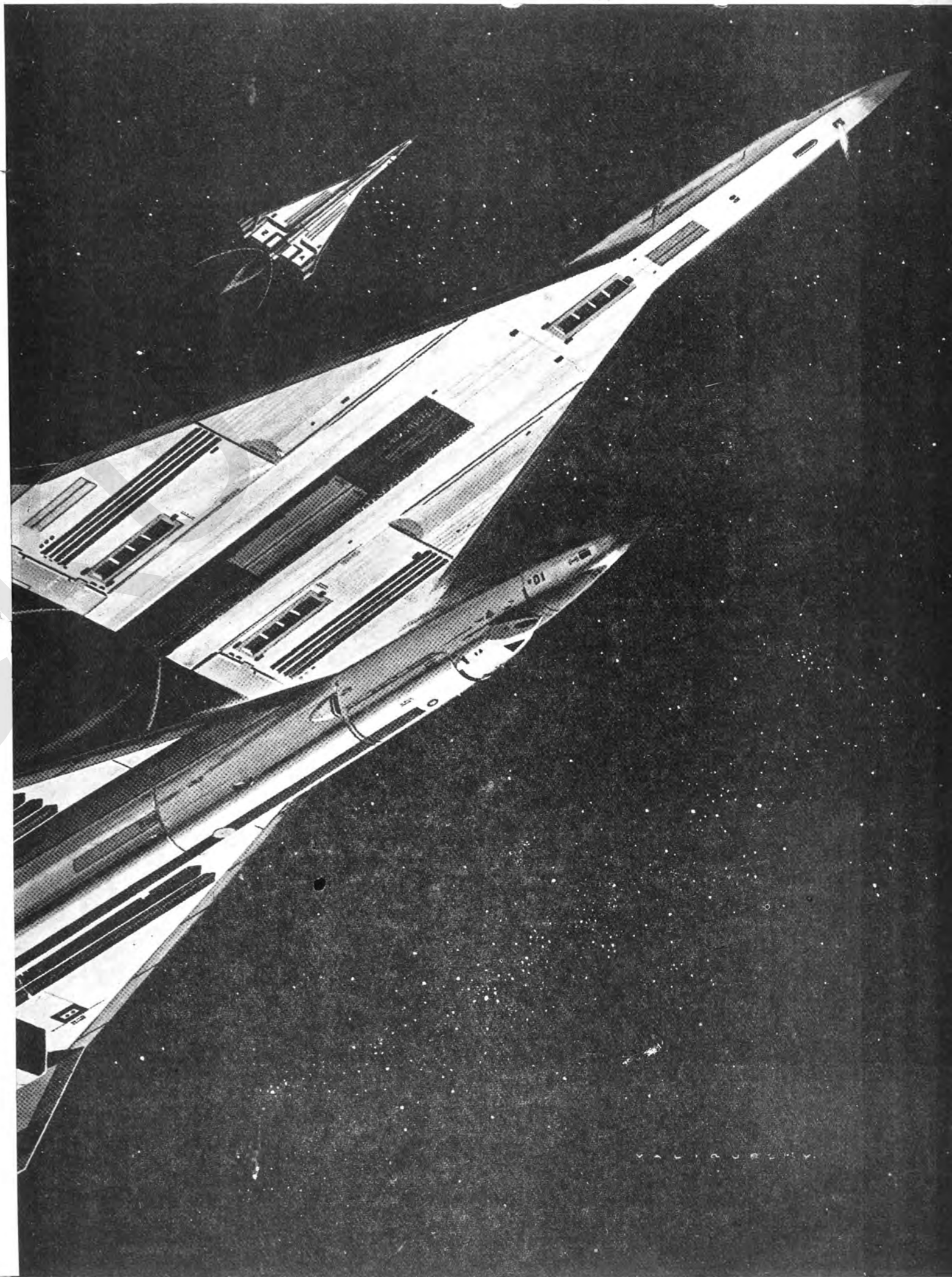
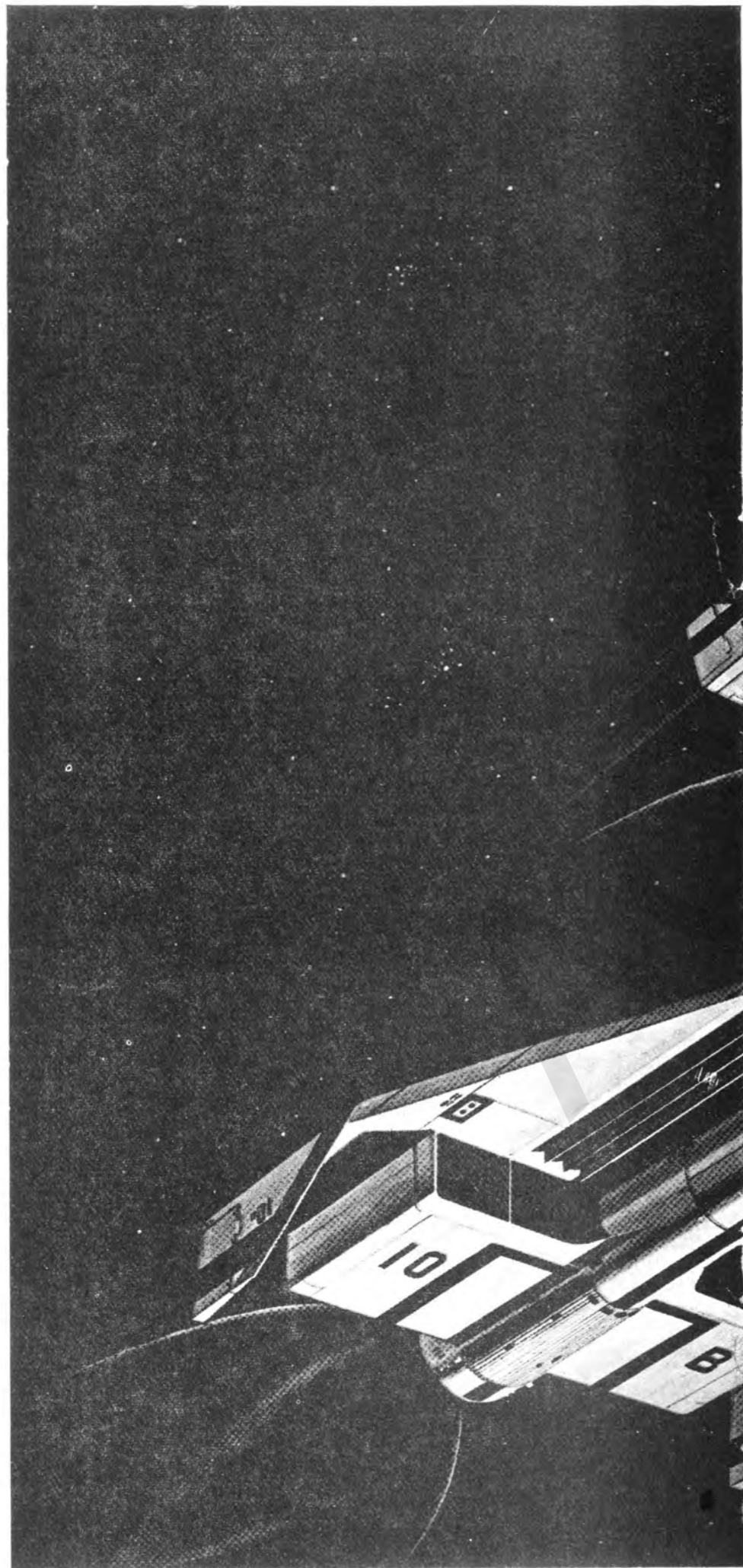
بلکه سرحدات جو زمین نیز بیرون نخواهد رفت. بلکه قوس کوچکی در جو زمین خواهد افتاد. این اشتباهی است که ممکن بود قابل اصلاح باشد. اگر ساختن چنین قوس ممکن بود می شد آنرا چنان محاسبه کرد که گویا آن به ماه برسد گرچه این کار با باروت های متد اولی غیر ممکن است حتی میتوانیم خطای دیگر ژول ورن را نادیده بگیریم و آن یکطرفه بودن مسافرت وی. بدون امکان بازگشت است زیرا در آن توپ دیگری نیست که گویا را دوباره بزمن باز گرداند.

اما این رویاهای کیهانی و داستان های تخیلی بعضی از نویسندگان بالاخره تحقق پیدا کرد. اما نه از همه بلکه عده ای از دانشمندانیکه سالها در این راه مساعی بخرج دادند و دقیقه ای روی پرواز های کیهانی محاسبه علمی بعمل آوردند.

مخصوصاً وقتی که آدمیان درباره آخرین اقیانوسی که تسخیر کرده بودند. دو باره اقیانوس هوا میاندیشند بحق احساس سر بلندی میکنند. طی قرون این اقیانوس پنجم که هر انسان زنده ای صرف نظر از جای زندگی خود در سواحل آن ساکن است بصورت آرزوی دست نیافتنی باقی مانده بود.

و با این وجود. در مقایسه با وظیفه ای که امروز در برابر آدمیان قرار گرفته. وظیفه ای که تمامی جریان تکامل دانش و فن در برابر ما نهاده است. وظیفه تسخیر آخرین اقیانوس فتح شده یعنی اقیانوس فضا. این پیروزی گذشته چقدر ناچیز است.

→ هر قدریکه از تاریخ کیهانی سپری می شود بهمان اندازه دانش و تکنیک در این جریان تکامل نموده و مسافه ها را کوتاهتر می سازد، در این فوتو نمونه ای از طیارات مافوق سرعت صوت ایالات متحده آمریکا را در آینده تمثیل می دهد



هر آنچه که باین کار بستگی دارد کاملاً بی سابقه و غیر عادیست . همه چیز در آن مستلزم تغییر تندی در مفاهیم قدیم است . همه کارهای آن بر پایه ترکیبی از تغیل بی بند و بار و هشمارانه ترین محاسبات استوار است .

و همانگونه که همه اقیانوس های تسخیر شده در مقایسه با آن پهناهای بیکران که هنوز باید مسخر شوند بر که های ناچیزی پیش نیستند . دشواریهایی هم که باید از پیش پابرداشته شوند بهمان اندازه شگوفند .

مسئله کشتی فضائی ، یعنی مسئله هدایت کشتی های کیهانی در راه های نامرئی فضا از لحاظ ماهیت . قبلاً پیچیدگی بس شگرفی داشت . این پرواز باید چگونه محاسبه می شد مسیر پرواز را باید چگونه برگزینیم که نیازی بمصرف اضافی سوخت نباشد و در عین حال بیش از اندازه بطول نیانجامد . چگونه میتوانیم هدف های دور دست خود را در فضا بیابیم . چگونه میتوانیم موقعیت خود را در آن تشخیص بدهیم و قتی که میلیونها کیلومتر از همه جهات ممکن فاصله داریم . اینها و بسیاری دیگر از مسایل کشتی فضائی باید اول حل شوند و گرنه سازمان دادن ساده ترین پرواز کیهانی غیر ممکن خواهد بود . وحل هر یک از این مسائل کاریست که نظیر آن راهرگز تا کنون دانش بشری بر عهده نگرفته است . اما این مسایل پیچیده نیز با نتایجیکه از پروازهای اخیر بدست آمده است در سابق موانعیکه در خط السیر کیهانوردان پیشبینی کرده بودند از حد زیاد بود از جمله بعضی از این موانع فوق العاده دانشمندان فضائی راه تشویش انداخته بود که اینکه به ترتیب هر کدام از این پیچیدگی ها را یاد آوری نموده و چگونه کیهانوردان موفق شدند . تا باین مشکلات فایق آیند بشکل خلاصه ذکر میکنیم .

۱- برخاستن و نشستن سفینه :

موضوع فرود آمدن سفینه کیهانی در سطح مهتاب یکی از معما ترین پیچیدگی های دانش فضا نوردی قهرمانان کیهانی بود . و درباره این احظت شورا انگیز که آدمی زمین . زادگاه خود را ترک میکند تا بایک جهش بزرگ خود را به جهان های دور دست برساند چه بسا در عالم تغیل اندیشیده اند و تصاویری از آن در ذهن خود نقش کرده اند . اما تصور این لحظت حساس پیش از پرواز در آمدن کشتی کیهانی با وداع های پر شور و آخرین تقاضا های آن از قبیل سلام رساندن به آشنایان مریخ نشین و غیره آسان تر از پیش بینی همه چیزهائی ضرور برای یک آغاز حرکت موفقیت آمیز است . موقعیکه سفینه برای آغاز حرکت آماده باشد آنرا احتمالاً در وضعی قائم قرار خواهند داد . و سفینه درین حالت بر روی شاسی خود که مانند طیاره مجهز به ضربه گیرهای نیرومند خواهد بود تکیه خواهد کرد . حالت عمومی سفینه از نقطه نظر استحکام آن مفید و مناسب است . نیروهائی که در آغاز حرکت و موقع فرود آمدن در طول محور سفینه اثر میکنند . چندین بار بزرگتر از وزن خود سفینه هستند . و باین جهت در محاسبه کشتی این بارهای طولی در نظر گرفته میشوند استحکام و ثبات سفینه که پوسته

بسیار نازکی دارد اشکارا در جهت عرضی کسافی نیست زیرا سفینه برای بار های بزرگ عرضی محاسبه نشده است و بنا بر این حالت افقی در آغاز حرکت مطلوب نیست و موقع فرود آمدن سفینه در سیارات بالخصوص آنها که عاری از جواند نیز در جهت قائم و بر روی چنین شاسی نگهدارنده ای عملی خواهد شد . سفینه بطور قائم پرواز خود را آغاز خواهد کرد . و بطور عمودی صعود نموده شروع باوج گرفتن خواهد نمود تا هر چه ممکن است زودتر از غلیظ ترین قشر که بیشترین مقاومت را در مقابل پرواز نشان میدهد بگذرد . در ارتفاع بین ۱۰ و ۲۰ کیلو متر مکانهای هدایت سفینه که تا این وقت صعود عمودی سفینه را حفظ میکردند پرواز را از حالت عمودی منحرف خواهد ساخت . کشتی در طول مسیری متجنی و بسوی خاور به پرواز خود ادامه خواهد داد . اما در خصوص حرکت سفینه در همه آثار مربوطه به فضا نوردی از ابتدا تا کنون - توجه زیادی باین مسئله مبذول شده است .

و این امر کاملاً اجبایی است زیرا یک سفینه کیهانی در هر لحظه پرواز خود باید باسانی قابل کنترل باشد برای هدایت سفینه در جوارها باید باسکانهای هوائی یا ائرو دینامیک نظیر آنهایکه در طیاره بکار میرود مجهز نمود . اما این مکانها هنگام پرواز در فضای هوا هیچ فایده ای نخواهند داشت از این گذشته حتی موقعیکه سفینه در جو پرواز میکنند این مکانها همیشه از عهده انجام وظیفه ای که با آنها محول شده بر نمی آیند مثلاً در آغاز حرکت موقعی که سرعت سفینه برای موثر بودن عمل سکانها غیر کافیست و نیز هنگام پرواز در قشرهای بالا و رفیق جو وضع چنین است .

باین دلیل سفینه نه تنها باسکانهای هوا بلکه هم چنین باسکانهای گاز یعنی سکانهای که در جریان گازهای گریزان از ماشین جای دارند مجهز خواهد شد . چرخش سکانهای گاز جریان جت را منحرف نموده فشارهای عرضی ایجاد خواهد نمود که جهت پرواز سفینه را تغییر خواهد دادند .

در بعضی موارد . بهین منظور ماشین به ترتیبی در راکت سوار شده است که قادر است تا حدودی بچرخد و بدین وسیله جهت کشتی را تغییر دهد .

اما این شیوه ها برای هدایت سفینه ای که در فضای برد مناسب نیستند زیرا بکار انداختن ماشین اصلی تنها بمنظور هدایت همیشه مندرج نیست و گاهی اصلاً غیر ممکن است . بنا بر این کنترل در فضا باید بر اصول دیگری استوار باشد . مثلاً میتوان یک ماشین پستون دار با سوخت مایع که کار سکان را انجام بدهد کار گذاشت . (اما باید بخاطر داشت که کشتن سفینه که بکمک این ماشین ها آغاز می شود اگر با ضربه ای در جهت مخالف متوقف نشود ادامه خواهد یافت) .

هم چنین میتوان از این مسئله که سفینه کیهانی را بی کمک نیروهای خارجی نمیتوان بگرد مرکز ثقلش چرخاند

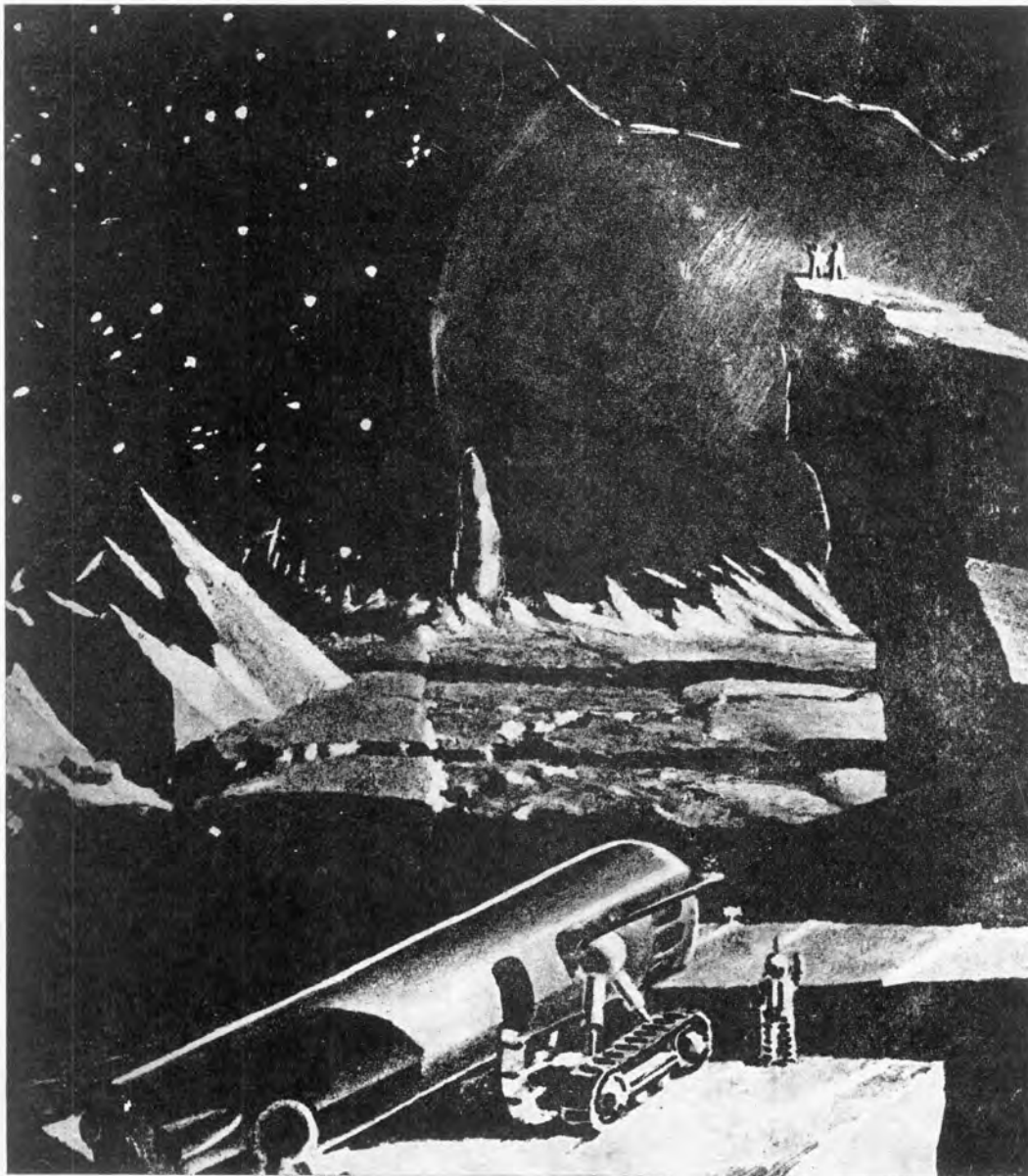
شود جست. این را صل بقاً مقدار حرکت زاویه ای گویند) باین جهت است که اگر جرمی در داخل سفینه در جهتی گردانده شود خود سفینه شروع بگشتن درجهت مخالف خواهد کرد. از اینجا نتیجه میگیریم که میتوانیم در داخل سفینه صفحه ای را که سرعت میچرخد در داخل آن کار بگذاریم بکنک این دستگاه میتوان کشتی را در جهت مطلوب چرخاند. باین ترتیب فقط میتوانیم کشتی را در طول مرکز ثقل آن بگردانیم. اما برای تغییر جهت پرواز سفینه نمی توان از ماشین بی نیاز بود.

باری به سفینه ای که در حال پرواز رهاش کردیم برگردیم. پرواز سفینه با قدرت ماشین در طول مسیر منحنی با سرعت دائم التزایدی ادامه خواهد داشت و بتدریج بمسیری تقریباً افقی تبدیل خواهد شد.

در ارتفاعی در حدود ۱۰۰ کیلومتر سفینه تقریباً بطور افقی - در حالیکه زاویه کوچکی با افق تشکیل میدهد پرواز

خواهد نمود. کشتی به پرواز خود بدینسان بگرد زمین ادامه خواهد داد تا سرعتش بسرعت دایره ای (در حدود ۹ ر ۷ کیلومتر در ثانیه) برسد. موقعی که سرعت آن از سرعت دایره ای در گذرد شروع بدور شدن از زمین خواهد نمود. مدت زمان آغاز حرکت سفینه یعنی مدت پرواز آن با قدرت ماشین. با اندازه شتاب آن در آغاز حرکت و سرعت مطلوب مشخص خواهد شد. بدیهی است هر قدر شتاب بیشتر و سرعت نهائی مطلوب کمتر باشد مدت آغاز حرکت که تا هتر خواهد بود ماهم اکنون در باره سرعت نهائی مطنوب سخن گفتیم. این سرعت نباید کمتر از سرعت گریز باشد اگر پرواز سریع السیری در همیشه باشد باید بمراتب بیش از آن باشد محتملاً سرعت نهائی بین دوسد زیر تغییر خواهد کرد. از سرعت گریز که در حدود ۱۱ کیلومتر در ثانیه است تا سرعت نهائی که ۷ ر ۱۶ کیلومتر در ثانیه است.

مقاومت هوا در برابر سفینه و کیهانی که بسرعت زیاد



مرکز آذینلی
آینده بشر در مهتاب

در پرواز است باز هم از سرعت خواهد گساست علیرغم کامیابی های ایر و دینامیک - این دانش پرواز در هوا - باز هم در مرحله کنونی محاسبه دقیق تلفات سرعت کشتی کیهانی غیر ممکن خواهد بود تکامل سریع تکتیک جهت محاسبه مقاومت جبهه ای طیارات را که با سرعتی نزدیک سرعت صوت و در ارتفاعی بیش از ۱۵ کیلو متر در پرواز باشند ضرور نموده است .

ایرو دینامیک سرعت های زیاد که بدین میک گازها موسوم است موقفانه از عهدۀ انجام این کار برمیاید اما پرواز يك سفینه کیهانی در شرایطی انجام خواهد شد که با شرایط پرواز تند روترین طیارات مدرن ارتفاعات بسیار متفاوت خواهد بود . تجارب اندوخته در سالهای اخیر . در آزمایش راکت های قاره پیما تا حدود زیادی برای این منظور هم بکار بردنیست . اما این تجربه هنوز اندک است . موقعیکه يك سفینه پیروز در می آید از حالات گوناگونی میگذرد که از سرعتها و ارتفاعات کم شروع شده به پرواز در ارتفاعات عظیم در جو بسیار رقیق و با سرعت سرسام آور کیهانی که برابره ها هزار کیلو متر در ساعت است میرسد . سرعتی بعرا تب پیش از سرعتهایی که تکتیک جدید بدان دست یافته است .

برای نشستن در مهتاب یا غر جسم سماوی دیگری که فاقد جویلی دارای میدان جاذبه مخصوص بخود است سرعت سفینه نسبت باین جسم باید بزرگ ماشین کاسته شود در فاصله کاملاً مشخصی از سطح این جسم سماوی که از پیش محاسبه شده است لازم است که ماشین سفینه روشن شود تا اینکه نیروی جت سرعت سفینه را تدریجاً به صفر برساند . اگر عمل بزرگ خیلی زود در فاصله زیاد از محل فرود آمدن شروع شود باعث اضافه مصرف قابل ملاحظه سوخت خواهد شد از لحاظ تئوری بهترین راه گرفتن سرعت سفینه بیکباره و متوقف کردن آنی بمجرد بر خورد بسطح سیاره است . اما البته این کار شدنی نیست بنابر این در متوقف کردن حداکثر از بعضی تئوری های نوین باید استفاده شود . اگر سیاره دارای جو باشد . حتی چنان جور قیقی چون مریخ ولی بالخصوص جو غلیظی مانند زمین وزره . قسمت قابل ملاحظه ای از مجموع عمل بر يك سفینه در هنگام فرود آمدن میتواند با استفاده از مقاومت این جو در برابر سفینه انجام پذیرد . از این راه مقدار معتنا بهی سوخت میتواند ذخیره شود .

اما چنین فرود آمدنی درست بمصداق (بازی با آتش است زیرا اندک اشتباهی در محاسبه اشتباهی از جانب سفینه بر سبب مشتعل شدن کشتی چون يك مشعل فروزان خواهد شد تا در بهترین حالات تنها چیزی که بسطح سیاره خواهد رسید بقایای سوخته و گداخته چیزی خواهد بود که زمانی يك سفینه کیهانی بود . سر نوشت شهاب ها که در جو (مشتعل) میشوند یعنی در اثر ضربات مالیکولهای هوا نابود میگردند . کیهان نورد سفینه کیهانی را که جرئت نماید بچنین فرود آمدنی تن دهد مانند کابوس هراس آوری آزا خواهد داد . باید بخاطر داشت که سرعت سفینه که بزمین نزدیک می شود .

۱ بر ۵ سرعت شهاب هایست که از فرط گداختگی بخار می شوند بسا بر این مقاومت هوا در برابر سفینه حتی اگر مشکل کشتی را همانند شهاب بدانیم ۱ بر ۲۵ مقاومت در برابر شهاب خواهد بود . از طرفی مقاومت جبهه ای هوا در برابر شهابها بعلت شکل نامنظم شان بعرا تب بیشتر خواهد بود . با این همه امکانات چنین فرود آمدنی نباید نادیده گرفته شود . کشفیات دقیق دانش همراه با کنترول بسی خطای خود کار چنین نشینی را مطلقاً بی خطر خواهد نمود .

عملی ترین راه هنگام فرود آمدن بر روی زمین آن خواهد بود که نیمی از سرعت کشتی را بکمک ماشین ونیمی دیگر را با باریک ائیرودنیا میکک تقلیل دهیم . طرح واقع بینانه تری آن خواهد بود که بخصوص در آغاز کار - سرعت ایده آل کشتی در بر خاستن از زمین ۵-۶ کیلومتر در ثانیه بادر نظر گرفتن لزوم بزرگ ماشین در فرود آمدن بیشتر بگیریم و بعبارت ساده تر مقدار بیشتری سوخت با خود همراه ببریم .

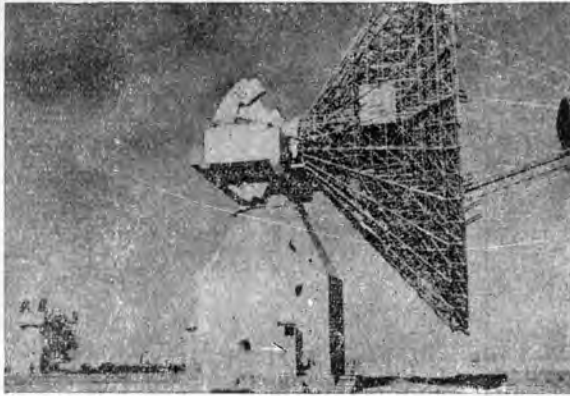
این مصرف سوخت موقعیکه تمام ویا تقریباً تمام عمل بزرگ سفینه با مقاومت ائیرودنیا میکک انجام پذیرد به حداقل خواهد رسید ولی این امر هنگامی سیر خواهد شد که دانش پیشرفت بیشتر میکنند . که پدیده هدایت حرارت در شرایط پرواز فضائی در قشر های بالا می جو مورد بررسی قرار گیرد . موقعیکه مصالح ساختمانی پایه دار در برابر سرما تولید شوند و سیستم های خنک کننده تکمیل گردند . بکار بردن این مصالح تنها برای قسمت های معینی از سطح بالها کفایت خواهد کرد برای چنین فرود آمدن سفینه باید شکل ائیرودنیا میکک کاملتری داشته باشد و این موقعی شدنی است که اندیشه تبدیل سفینه بیک کشتی فضائی استفاده شود . بموجب این اندیشه سفینه در نزدیک شدن بزمین خود را از همه آن قطعات که غیر ضرورست خلاص خواهد کرد و تبدیل بیک کشتی فضائی کوچک خواهد شد . که فقط جایگاهی برای سر نشینان بالها و فرامینی خواهد داشت . ممکن است خردمندانۀ باشد که کشتی بر روی سطح دریاچه ای فرود آورده شود .

باحتمال زیاد میتوان هنداشت که قوماندان سفینه در نزدیک شدن به زمین در هر نقطه ای از سطح آن میتواند فرود آید . این بدان معنی است که کشتی میتواند عیناً مانند طیاره ای که از میدان هوایی برمیخیزد و در آن می نشیند از میدان هوایی کیهانی خود برخیزد و در آن فرود آید .

و یادانشمندان گاهی گمان میکردند چون سطح مهتاب فوق العاده نرم بوده و از یک نوع پودر گرد و خاک مخصوص ساخته شده است بمجرد نشستن سفینه در مهتاب سفینه مکن است فرود برود و یا بکلی تخریب و مشتعل شود در آنصورت عودت کیهان نوردان ممکن شده نمیتواند اما پرواز اهلوی یازده این معنی را نیز حل ساخت .

بر توها یا شعاع های مرگ آور و رمی های سرگردان .

موضوع مهم دیگری که دانشمندان کیهانی را قبل از پرواز اهلوی یاز و سایر سفینه ها و افکار مصنوعی به تشویش



مراکز را دار که دائم مراقب جهان کیهانی میباشد

تشعشعات ماوراء بنفش که بوسیله جوتضعیف نشده باشد میتواند پوست را بسوزاند (آفتاب سوختگی معمولی که رویهمرفته برای انسان مفید است بوسیله پرتوهائی که در منطقه نزدیک ماوراء بنفش طیف قرار دارند ایجاد میشود پرتوهای ماوراء بنفش سخت تر که طول موج کوتاهتری دارند دیگر برای سلامتی زیان آورند. این پرتوها بوسیله ازت که تا ارتفاع ۶۰ کیلو متری در جو پراکنده است جلوگیری میشوند. پرتوهای منطه دورتر ماوراء بنفش طیف که آنها نیز برای سلامتی زیان بخشند بوسیله اکسیژن ازت و گازهای دیگر جو هوا متوقف میگرددند این پرتوها با کتریها رادر هوا میکشند.

اگر این پرتوها بزمین میرسدند زندگی در روی آن بااحتمال غیر ممکن میشود. اما پوسته سفینه و شیشه های پنجره جایگاه مسافران - فضاییان رادر برابر آثار زیان بخش این نوع تشعشع کاملاً حفاظت خواهند کرد.

اشعه ایکس و اشعه گاما بهمان شکل اشعه سخت ماوراء بنفش بدن آسیب میرساند و تنها تفاوت آنست که این پرتوها با عماق بدن رسوخ میکنند و ار گانهای داخلی را صدمه میزنند آنها ملکول های اجسامی را که باخته های از کانسیم را تشکیل میدهند ایونیزه میکنند و از این راه آنها را به اجزای باردار الکتریکی تبدیل مینماید. نتیجه آن میشود که یاخته های تسیم زنده در ار کانسیم که در معرض این تشعشع قرار گیرند نابود میشوند و یادراعمال آنها اختلاتی پدید میاید. اگر میزان پتوهائی که جذب میشوند زیاد باشد آسیب جدی بار گانسیم وارد خواهد شد.

بعلت تغییراتی در شماره وتر کیمب کریوات سفید خون بیماریهای خطرناک خون پیدا میشود در کار مغز استخوانها بی نظمی هائی رخ میدهد و الخ. اما میتوانیم تصور کنیم که شدت اشعه ایکس و اشعه گاما که بوسیله خورشید پراکنده میشوند کمتر از میزان خطرناک آن برای انسان است اگر

انداخته بود مسئله شعاع های مرگ آور و مرمی های سرگردان بود که سفینه در جریان پرواز خود بان مصادف میشوند. زیرا فضائی که کشتی کیهانی باید در آن پرواز نماید بهیچوجه خالی نیست اگر چه در آن هوا نباشد. در واقع در این فضا چیز های اندکی وجود دارد با این همه از حیث انرژی بسیار فنی است زیرا با پرتوهای نیرومندی از هر قبیل اشباع شده است. این تشعشعات در سلامت فضانو ردان چه اثری خواهد داشت.

اگر این پرتوهای زیان بخش باشند آیا دیواره های سفینه سر نشینان خود را در برابر آثار این پرتوها حفاظت خواهد نمود. مادام که پاسخ دقیق این پرسش هارا ندانیم. زمانیکه اطمینان حاصل نکنیم که پرتوهای نافذ در فضا برای سر نشینان سفینه مرگبار و یا حتی زیان بخش نیستند. مشکل بتوان به پرواز فضائی دست زد. ما که در روی زمین زندگی می کنیم تصور دقیقی از ماهیت پرتوهائی که در فضا رسوخ نموده اند نداریم. بعلت خواص پالایشگر جو زمین ما در روی زمین میتوانیم تنها به انعکاسات ضعیف این فعل و انفعالات نیر و مندی ببریم که در جو بالا تحت تاثیر شعاع هائی که پداخل آن رسوخ میکنند. صورت می پذیرد. تنها جز ناچیزی از پرتوهای اصلی سطح زمین میرسد با این وجود دانش نوانسته است این راز طبیعت را یکمکک دقیق ترین ابزار های که بان های اکتشافی و راکتهای بلند پرواز که بار تقاعات زیاد فرستاده شده اند بکشاید. نتیجه این کامیابی های علمی آنست که ما اکنون تصور معینی از طبیعت این پرتوها که در فضا پراکنده اند بدست آورده ایم. گرچه البته پرتوهای دیگری که هنوز شناخته ایم ممکن است در آینده کشف کردند.

برخی از پرتوها اثر زیان بخشی بر از گانسیم انسان دارند و اگر بمقادیر زیاد جذب شوند حتی ممکن است مهلک باشند. بنابراین مسئله کم اهمیتی نیست. مسافران یک سفینه باید در برابر آثار زیان بخش انواع تشعشعات کیهانی محافظت بتواند پروازی که باز مانده های سر نشینان را که در راه و سیله پرتوهای مرگبار کشته شده اند به مقصد برساند به شواری میتوان گفت که موفقیت آمیز بوده است.

از میان پرتو های که در فضای پیرامون خورشید نفوذ میکنند و برای آدمی خطرناکند تا کنون اینها شناخته شده اند. پرتوهای ماوراء بنفش خورشید اشعه ایکس خورشید و اشعه گاما اینها شناخته شده اند. پرتوهای ماوراء بنفش خورشید اشعه ایکس خورشید و اشعه گاما پرتوهای خطرناک دیگر اشعه کیهانی هستند که قبلاً از اینها سخن رفت. دقیقتر بگویم این هادر حقیقت پرتو نبوده بلکه جریان از اجزای بار دار الکتریکی هستند که بوسیله متابعی که هنوز ماهیت آن دقیقاً معلوم نیست منتشر میشوند. خورشید نیز اجزای بار دار الکترونیکی میپراکند. همین ها هستند که (اورورا بورالیس) یا نوار قطبی را بوجود میاورند.

چه هنوز هم دانش بشری اطلاعات جامعی در این باره ندارد و موقعیکه اثر پوششی پوسته سفینه را بحساب آوریم میتوانیم به پنداریم که این نوع تشعشع هم خطر بزرگی برای قضا پیمایان نخواهد داشت .

مسئله در مورد تشعشعات کیهانی پیچیده تر است . اجزائی که این پرتوها را تشکیل میدهند بسرعت سرسام آوری در حرکتند و انرژی دارند که میلیونها بار بیش از انرژی همه اجزای دیگر شناخته شده در علوم است . این مطالب بویژه درباره آن اجزای سنگین که اخیراً کشف شده اند صادق است این اجزای قسمتی از باصطلاح تر کیب او لیه اشعه کیهانی هستند که اجزای نور اساس آن را تشکیل میدهند و پرو توی هسته های اتم ئیدرژن نیز در آن وار دند . اجزای سنگین هسته های بفرنجتری هستند که از هلیوم گرفته تا ایند یوم

و حتی هسته های سنگین تر می رسند جرم آنها از چهار تا شصت برابر سنگین تر از جرم پروتون است .

اثر اشعه کیهانی بروی ارگانسیم انسان از بسیاری جهات شبیه تشعشع رادیو اکتیو است یاین تفاوت که اجزای اشعه کیهانی انهدام بمراتب بیشتری در بدن انسان ایجاد میکنند . بعلاوه عمل (گلوله مانند) اجزای اولیه سنگین بروی موج ارگانسیم بسبب سرعت شگرف این اجزای میتوانند بسیار خطرناک باشند . اما تراکم نسبتاً خفیف اشعه کیهانی این امیدواری را ایجاد میکند که خطر آن بطور کلی چندان زیاد نخواهد بود .

در زمان حاضر اطلاعات معتبری در باره آثار اجزای کیهانی در سلامت انسان و بویژه در باره اجزای سنگین که انرژی فوق العاده دارند در دست نیست . با اینهمه هم اکنون



گوشه از
فعالیت سیوز
اتحاد شوروی
در مدار زمین

این مسایل در هوا پیمائی مدرن هم‌اکنون مسئله افزایش (سقف) پرواز هواپیماهای مدرن پیش آمده اند .
برای آزمایش آثار فیزیولوژیک اجزای کیهانی پروازهای بارتفاعات زیاد ضرورت دارند و این پروازها را تنها بوسیله موشک میتوان انجام داد تا کنون آزمایشهای با حشرات گوناگون مانند پروانه ها که در موشک های بلند پرواز جای دانه شده اند بعمل آمده است . طوطی موش و حتی میمون به یونو سفر پرواز داده شده و سرانجام سگی با اسپوتنیک دوم شوروی بفضا فرستاده شده است اما همه اینها هنوز آغاز کار است . در آینده باید پروازهای مشابهی با انواع حیوانات انجام شود و سرانجام انسان بچنین پرواز آزمایشی مبادرت ورزد .

سفینه فضا پیمائی که با سرعت فراوان در فضا سیر نماید تمامابا پرتوها و جریانات نامرئی اجزای اولیه اجسام برخورد نخواهد کرد فضا با فایر مستقیم توپ های کالیبر های مختلف به سفینه حمله ور خواهد شد و هر مرمی که به سفینه اصابت کند ممکن است برای آن مهلک باشد .

این مرمی ها که سفینه را با خطر انهدام تهدید میکنند چیستند . این اجسام شهابی سنگهای آسمانی هستند که فضای پیرامون خورشید را در کلیه جهات در می نوردند . این (مرمی های سرگردان) یکی از بزرگترین مخاطرات پروازهای فضائی را تشکیل میدهند .

برخی از این اجسام شهابی ذرات غباری بیش نیستند . پاره ای قطعات عظیمی از اجرام سماویند اجسام کوه پیکری هستند که با سرعت فراوان در فضا متحرکند و معمولاً با اجسام کوچکتری احاطه شده اند . اجسام شهابی مجزائی وجود دارند که ممکن است مانند استروئیدها - شبه سیاراتی باشند که قبلاً درباره آن ها سخن گفتیم . و همچنین توده های انبوهی از این اجسام وجود دارند که در مدار های بیضوی بدور خورشید میچرخند و ظاهراً بقایای ستارگان دنباله دار هستند . منظومه شمسی محل پیدایش اکثریت مطلق این اجسام شهابیست اما برخی از آنها ممکن است جای دیگر در هانهای اختران دیگر پدید آمده باشند .

اجسام شهابی وجود دارند که با سرعت کمی نسبت بزمین در حرکت هستند و اجسامی نیز وجود دارند که سرعت نسبتی آنها به ۲۰۰ کیلومتر در ثانیه میرسد . بیشتر شهابها از سنگند و بطور عمده از سیلیکا آنها یعنی ترکیب اکسیژن و سیلیسیوم و تا ۲۵ درصد از آهن تشکیل میشوند . بقیه یعنی در حدود یکدهم شهابها آهنین هستند که از ۹۰ درصد نیکل تشکیل میگردند .

در این اواخر فرضیه ای مطرح شده است که بموجب آن بخش قابل ملاحظه همه اجسام شهابی از یخ - یعنی گاز های منجمدی از هر قبیل تشکیل یافته است .

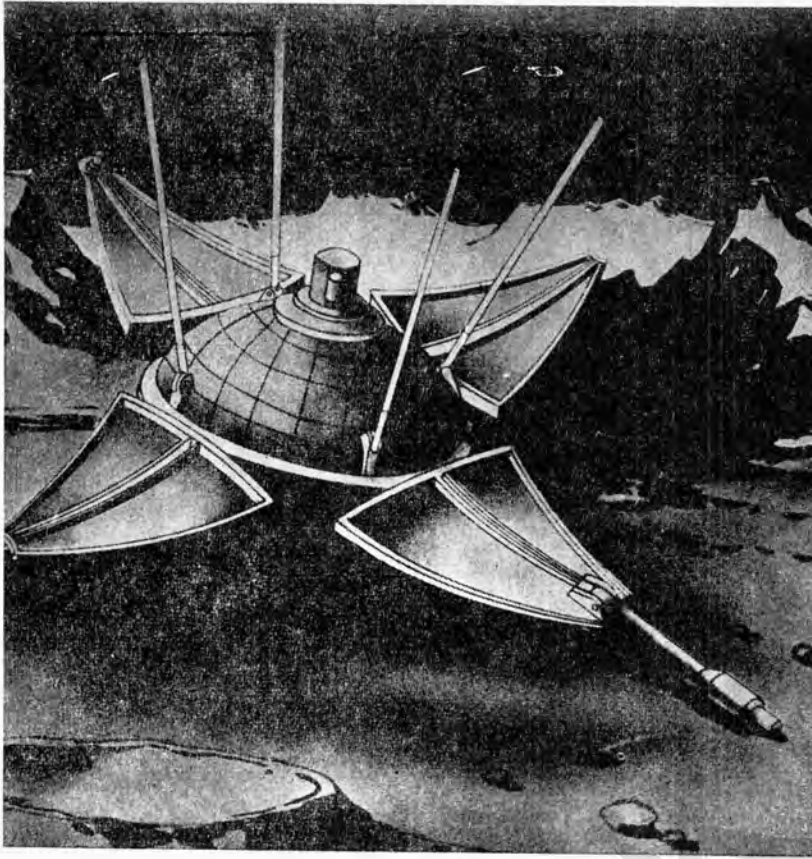
زمانیکه کشتی اقیانوس پیمای (تایتانیک) در درمه غایبی با کوه یخی برخورد نمود این فاجعه سراسر جهان را تکان

داد . اما این برخورد در مقایسه با تلافی احتمالی یک سفینه با کوهی که با سرعت سرسام آوری در تاریکی فضا در حرکت است چه اندازه ناچیز بنظر میرسد . پس از چنین برخوردی حتی کوچکترین اثری از سفینه بجا نخواهد ماند و چاره ای جز ثبت سفینه مزبور در فهرست سفینه های (ناپید شده) نخواهد بود . البته همه می فهمیم که چرا مسئله از خورد بین سفینه و اجسام شهابی باید مورد توجه دقیق فضا پیمایان قرار بگیرد زیرا این مسئله میتواند حتی اصل موضوع امکان پرواز فضائی را منتفی سازد . این مسئله بطور عمده شامل دو موضوع جداگانه است . اولاً دانستن این موضوع اهمیت دارد که احتمال برخورد یک سفینه با اجسام شهابی گوناگون یعنی اجسامی که دارای ابعاد ، ترکیب و سرعت پروازهای مختلف اند چه اندازه است . ثانیاً باید بدانیم در صورت چنین برخوردی چه اتفاقی خواهد افتاد . از این قرار خطر برخورد سفینه با یک جسم شهابی تا چه اندازه واقعی است . اگر از روی شماره برآستی شگفتی آور اجسام شهابی که راه خود را بداخل جو زمین میکشایند و تصویر جالب (تیر های شهاب) را ایجاد میکنند قیاس بگیریم فضا مسر شمار از این اجسام است .

در واقع . آنطور هم که مشاهدات نشان داده اند بیش از ده ها میلیون اجسام شهابی از هر قبیل و بموجب برخی آمار دیگر حتی هزار ها میلیون از این مرمی های سماوی که وزن مجموعشان بالغ بر ۱۰ - ۲۰ تن است روزانه وارد جو زمین میگرددند بنا بر این اغلب می پندارند که شکافتن چنین (پرده آتش) عملاً ناشدنی است .

اما چنین نتیجه گیری بد بینانه یکنوع قضاوت عجولانه ای خواهد بود . اولاً تفاوت شکر فی بین زمین که قطری در حدود ۱۳۰۰۰ کیلومتر و میدان جاذبه ای از آن خود ندارد موجود است بعلاوه بیشتر اجسام شهابی که بجو زمین راه می یابند چنان از حیث ابعاد ناچیزند که برخوردشان با سفینه فضا پیمای نمیتواند هیچگونه خطری در بر داشته باشد و بنابراین این میشود از آن چشم پوشید .

برای تعیین احتمال برخورد بین سفینه فضا پیمای و یک جسم شهابی با محاسبات تئوریک باید عظمت این اجسام را در فضای پیرامون خورشید . یعنی مجموع شماره این اجسام را که از حجم مفروضی از فضا در واحد زمان میگذرد و نیز جهت پرواز آنها را بدانیم تنها وسیله بدست آوردن پاسخ باین سوالات امروز از طریق مشاهداتی است که در مورد اجسام شهابی که بروی زمین میافتند انجام میگیرد . تنها اجسام شهابی بسیار نادر و بزرگترین آنها بسطح زمین میرسند . از جمله شهاب سیخونه الین است که در سال ۱۹۴۷ سقوط کرد و نیز شهاب معروف تونگوس است که در سال ۱۹۰۸ در سیبری افتاد که تخیلات فراوان نویسندگان را برانگیخت و شهرت یافت که این یک سفینه اتمی بوده که ساکنان مریخ یازره را بزمین میرسانده و منفجر شده است (میتوان پنداشت



فوتوی تخیلی یکی از لونا های اتحاد شوروی در مهتاب

هر دوی این شهاب اعظیم استروئیدهای کوچکی بوده اند که طبیعتی مشابه شهابها دارند (چنین شهابهایی چنان ندارند که نیازی بگفتگو در باره آنها نیست .

اکثر اجسام شهابی بسطح زمین نمیرسند بلکه در قشر های بالای جو میسوزند در حالیکه اثر نورانی درخشانی از خود در آسمان بجامیگذارند که به (تهر شهاب) مشهور است . (معمولاً شهاب های در ارتفاع ۱۶۰ تا ۱۰۰ کیلومتری زمین مشتعل شده در ارتفاع ۶۰ تا ۴۰ کیلومتری خاموش میشوند) این اثر آتشین بما اجازه میدهد که شماره تقریبی شهابها را که شب بر روی زمین میافتند برآورد نمائیم . بدین ترتیب میتوانیم جمع کل شهاب را که در یک روز میافتند گرچه بسیار تقریبی تعیین نمائیم .

شعاع منعکس شده در واحد گیرنده را دار چون یک انعکاس رادیویی گرفته میشود و از روی آن ارتفاع پرواز شهاب و ابعاد آن تعیین میگردد .

بموجب اصصائیه ای که از مشاهدات بدست آمده مجموع شماره اجزا شهابی که سفینه را باخطر برخورد تهدید میکنند میتواند بر این اساس معین شد که روزانه در حدود ۱۰۰ میلیون از این اجسام بر روی زمین میافتند . در این رقم فقط اجزائی که بیش از یک میلیگرام وزن داشته باشند بحساب آمده اند . حتی یک جسم ناچیزی که بیش از ذره غباری نیست اگر سرعتی برابر ده ها کیلومتر در ثانیه داشته باشد خطر مهلکه برای آدمی دارد زیرا همان اثری را در وی خواهد داشت که فیر مستقیم یک طپانچه گالیبر بزرگ دارد . (یک نمونه گویا از خطر تصادم با سرعت زیاد آخر برای یک بمب افکن جت رخ داد این سفینه هنگام پرواز با یک مرغ کاکائی برخورد نمود . در اثر این تصادم سوراخی در بال بمب افکن با ابعاد ۱۵۰ - ۲۰۰ میلیمتر پدیدار گشت . حال تصور کنید که چگونه یک پرنده ای . صفحه فلزی بآن ضخامت را شکافته است)

اگر غلظت کلی اجسام شهابی را بدانیم و اگر فرض نمائیم که تعداد ثابتی از این اجسام در کلیه جهات در حرکت میتوانند مدت زمانی را که بین دو تصادم متوالی بین سفینه و جسم شهابی میگذرد معین نمائیم . چنین محاسبه ای نشان میدهد که بر خورد بین دو سفینه و جسم شهابی که قادر به شکافتن

اخیراً شیوه بسیار باارزشی برای ثبت سقوط اجسام شهابی بسیار کوچک که در تلسکوپ قابل رویت نیستند متداول شده است . بعلاوه از این شیوه میتوان در روز و شب بطور یکسان سود جست . این شیوه براساس استفاده از دستگاههای را دار استوار است .

انرژی حرکتی یک جسم شهابی که با سرعت شگرفی بداخل جو زمین راه میپاید و در آن میسوزد . با انرژی حرارتی تبدیل میشود که قشر هوا را که در پیشا پیش شهاب در حرکت است میگدازد . این انرژی هم چنین با انرژی نور که وسیله دیدن شهاب میشود و نیز انرژی که ملکولهای هوا را در مسیر شهاب ایونیزه میکند تبدیل میشود .

این اشکال مختلف انرژی تقریباً بطرز زیر تقسیم میشود . انرژی حرارتی صد بار پیش از انرژی نور و این انرژی صد بار بیشتر از انرژی ایونیزه کننده است . عبارت دیگر تنها یک در صد همه انرژی حرکتی به نور و فیصد صد آن انرژی یونیزه کننده میشود بقیه انرژی مبدل بحرارت میشود . با این وجود ستون هوای ایونیزه شده که در اثر عبور شهاب در جو تشکیل میشود چند کیلو متر طول دارد که برای ایستگاه را دار نه تنها علامت فیر قابل تردیدی از عبور شهاب است بلکه وسیله تشخیص ابعاد تقریبی آن هم هست . یک پرتو رادیویی که با سامانها فرستاده میشود با این ستون هوای الکتریکی شده بر میخورد و مانند آنکه بمانعی تلافی کرده باشد بر میگردد .

رویه کشتی باشد و تراز یکبار در ده سال اتفاق نیافتد. احتمال اصابت صاعقه بانسان در روی زمین بحر اقیانوس بیشتر است. البته هیچ تردیدی نیست که در هر پروازی نل کشتی با جسم شهابی ذره بینی که قطری کمتر از ۱ فیصد ملیتر دارند برخورد خواهد نمود و برخورد های متعدد دی هم ازین نوع رخ خواهد داد. اما چنین برخورد هایی تنها رویه سفینه را خراش خواهد داد و شاید از جلای اولیه آن بکاهد. باید خاطر نشان کرد که اگر سفینه از درون انبوهی از اجرام شهابی بگذرد احتمال برخورد بسیار زیادتر خواهد شد و بجای یک برخورد خطرناک در هر ده سال چندین برخورد هائی ممکن است هر چند ماه یکبار رخ دهند.

باین دلیل است که باید ازین توده های اجرام شهابی احتراز نمود. برای سفینه هائی که سفری بماء انجام میدهند که بیش از صد ساعت طول نخواهد کشید. ایتمها خطر زیادی ندارند. سوال مهم دیگری که با مسئله برخورد بین یک سفینه و جسم شهابی بستگی دارد اینست. تا چه اندازه چنین برخوردی به سفینه آسیب خواهد رساند. زیرا صرف نظر از اینکه چه اندازه خورد چنین برخورد های احتمالی بین سفینه و اجرام شهابی بکفایت بزرگ کم اتفاق افتد. همانطور که در بالا از محاسبات متکی به ثنوری احتمالات دیدیم این برخوردها بهر حال امکان پذیرند. سر نشیمان سفینه که با جسم شهابی برخورد نموده از دانستن این موضوع کمی پیش از نا بودی که تصادم آنها یکی از مواد نادر بوده است تسلی چندانی نخواهند یافت.

باید حتی از امکان تصادم نادر هم جلوگیری کرد. بطوریکه سفر فضائی ازین حیث نیز بجدا کثر مضمون بی خطر باشد.

متأسفانه هنوز دانش ما اطلاعی در باره خرابی و ارده بوسیله مر میهائیکه بسرعت صد کیلومتر در ثانیه و بیش از آن پرواز میکنند در اختیار ندارد. تو بخانه با مر میهائی سرو کار دارد که سرعت آنها معمولاً از ۱۰۵ کیلومتر در ثانیه تجاوز نمیکنند.

ما تنها میتوانیم حدس بزنیم که خرابی اساسی در اثر برخورد سفینه با جسم شهابی از تبخیر انفجاری جسم شهابی و قیمتی از پوسته سفینه ناشی خواهد شد. حتی در سرعت های ۴-۵ کیلومتر در ثانیه جسم جامدی بتدریج بصورت گاز بشدت فشرده ای در میاید که در تلانی با جسم دیگری متفجر میشود این شاید توضیح دهنده آن امر باشد که چرا در محل افتادن شهاب تو نکوس حتی کوچکترین اثری هم از شهاب مزبور مشهود نگریده است این شهاب تماماً تبخیر شده است.

برخی از محاسبات نشان میدهند که عمق رسوخ یک جسم شهابی در پوسته سفینه تقریباً متناسب با قطر آن جسم خواهد بود. در ضعیف ترین موارد موقعیکه پوسته سفینه از فولاد و شهاب از منگ باشد این پوسته را بمعقی مساوی سه برابر قطر خود خواهد شکافت. در شدید ترین موارد. موقعیکه سفینه از دور الومیتیموم و شهاب از آهن باشد شهاب مزبور ممکن است بمعقی برابر ۱۶ برابر قطر خود در پوسته رخنه کند بنابراین اگر جنس پوسته را بدانییم میتوانیم ضخامت آن. احتمال برخورد بین سفینه و جسم شهابی و نیز احتمال شکافته شدن پوسته را در صورت چنین برخوردی محاسبه کنیم. بر اساس محاسبات تقریبی میتوان انتظار داشت که پوسته فولادین سفینه که یک ملیتر ضخامت داشته باشد در هر چند ماه

پرواز یکبار شکافته شود. حاجت بتذکر نیست که هر برخوردی بفاعه ای تبدیل نخواهد شد زیرا سوراخ رامیتوان مسدود نمود. بعلاوه دیواره های جایگاه مسافران میتواند بشیوه ای که در مورد انبارهای سوخت هواپیما و اخیراً در مورد پلاستیک های هواپیما و اتوموبیل محافظت میشود عملی گردد. این شیوه عبارت از آنست که قشری از ماده مخصوص که روی سطح داخلی دیواره ها کشیده شده سوراخ را مسدود خواهد کرد.

خطر سوراخ شدن پوسته سفینه در صورتیکه این پوسته با پرده استحقاظی و بژ ضد شهاب مجهز شده باشد بمقدار زیادی کاسته خواهد شد. چنین پرده پوشی که از ورقه دور الومیتیموم بکلفتی یک ملیتر و بشکل خود سفینه ساخته شده و بین آن و رویه سفینه فضای خالی باندازه ۲۰-۳۰ میلیتر باقی بماند احتمال سوراخ شدن پوسته سفینه را از یک بار در هر چند ماه بیک بار در ده ها سال تقلیل خواهد داد. زیرا اکثر اجسام شهابی در برخورد باین پرده بخار خواهند شد.

از این قرار خطر برخورد با جسم شهابی نباید مانعی در راه سفر فضائی باشد. باین وجود سفینه فضایی باید کاملاً از خطر حتی یک برخورد تصادفی که ممکن است سبب انهدام سفینه شود شود نیز در امان باشد. این درجه از مصونیت میتواند بکمک یک واحد داریکه در سفینه نصب شود بدست آید.

یک پرتورادیوئی که بوسیله این واحد فرستاده میشود مرام همه فضای پیرامون سفینه را در فاصله صد هাজার کیلومتر خواهد کاوید اگر پرتومزبور شهابی کشف نماید بلافاصله علامت خطری در پرده مقابل کپتان کشتی روشن خواهد شد (ضمناً باید دانست که در سطح کنونی تکامل تکنیک رادار تنها شهابهای خیلی بزرگ. کوه های بین سیاره ای میتواند باینترقیه کشف شود. شهابهای معمولی و حتی نسبتاً بزرگ فقط در فاصله چند کیلومتری قابل تشخیص هستند که البته هیچگونه ارزشی نخواهد داشت) دستگاہی که سرعت و جهت پرواز این هسایه خطرناک سفینه را تعیین میکند بوسیله ناخدا یا بطور خود کار بکار میافتد. دستگاہ مزبور محاسبات لازم را انجام داده و اگر خطر برخوردی باشد نشان میدهد که چه تغییری در مسیر سفینه باید انجام یابد. انجن سفینه برای لحظه ای روشن خواهد شد و این کار برای احتراز از تصادم فاجعه آمیزی کفایت خواهد نمود.

شاید بجای روشن کردن انجن سفینه ممکن شود از توپ پرتوی استفاده شود. این توپ دسته نیرومندی از ملکولهای باردار الکتریکی یا ایونهای جسمی را و یا اشعه امواج کوتاه را دیوئی را بجننگ شهاب خواهد فرستاد. نیروی و کنش این پرتوها هم سفینه و هم شهاب را قدری از مسیر خود منحرف خواهد ساخت و در نتیجه مسیرهای آنها که بیکدیگر نزدیک میشدند از هم دور خواهند شد. اگر این کار موفقیت آمیز باشد مسافران سفینه فضای ما منظره زود گذری از شهاب خواهند دید که در حالیکه با نورافکن های نیرومند سفینه منور شده از برابر پنجره های جایگاه مسافران با سرعت سرسام آوری خواهد گذشت و از خطر وحشتناکی که همان لحظه از آن جسته اند حکایت خواهند نمود. «باید دارد»

د شوروی

او چکوسلواکی

د پليو د تخنيکي

سلاح گانو

په باره کی

يولند معلومات

دخارجی له منابعو
ژباړه: لمړی بریدمن محمد الله یار

خاوندان شول او په مختلفه توگه ئی د پليو وسلو ته د خپل علم او تجربی په واسطه پراختیا ورکړ او په دی لاره کښی خپل ماغزه او به او لاسونه ئی تناکي کړه .

وروسته له شو کالو څخه دوی په دی پوه شول چه ښه فولاد د اسلجی په جوړولو کی مهم رول لری یعنی شو سره چه ښه فولادوی هغو سره د سلاح مقاومت او ارزښت زیاتوی .

چه په دی باره کی ئی ځانونه د زیاتو معلوماتو څښتنان کړل او همیشه به دوی د خپلو فولادو او داسلحو دښه والی څخه ډیره خوښی څرگنده ولی .

ددی هواد د پليو د تخنيکي اسلجی د اختراعاتو په تاریخ کښی ، تخنيکي ماهران کانسترو کتران ، متخصصان او مخترعین ډیر زیات دی چه دوی هر یوه په خپلو وختو کی د پليو د تخنيک علم ته انکشاف ورکړی او ډیر زحمتونه ئی پرغان تیر کړی دی .

اسلجی مینځ ته راوړی چه د خپل جوړښت په لحاظ ډیری ساده تخنيکي او تسکيکي او صاف ئی د لوړو اغیزو څښتنان وی .

نودوی په هغه پخوانی مودو کی ددی علم پر مخ تگ د باره په لمړی ځل کی د پليو د حربی اسلجی جوړولو کارخانه تاسیس کړه چه په دی حربی کارخانه کی ډول ډول سلاح گانی جوړیدلی .

نو په دی ډول دغه کارخانه نظر په خپلو تولیداتو کی تاریخی نوم پیدا کړو .

او دا کارخانه دراز راز سلاح گانو په تولیداتو او جوړولو کښی له نورو غربی هوادو څخه په مستقلانه توگه مخ په وړاندی تگ کاوه .

چه د همدغی کارخانی پر مخ تگو څخه دباند نیو هوادو د تعجب او رقابت وړو گرځیدل ددی هواد تخنيکي ماهران چه په دی کارخانه کی ئی کار کاوه ورو ورو د لوړو او انکشافی فکرونو



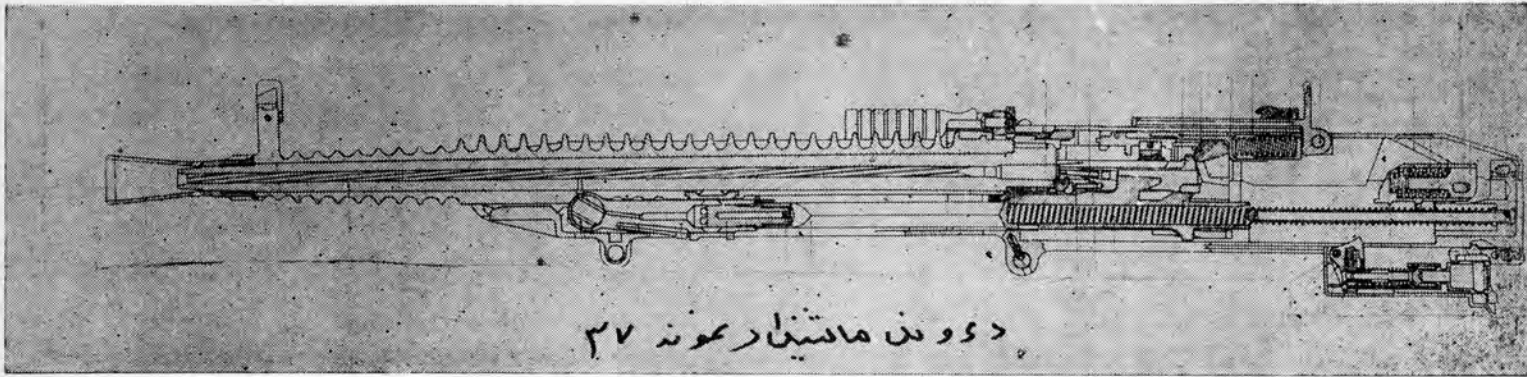
لمړی :

د شوروی د پليو د تخنيکي

سلاح گانو په باره کی :

شورویانو له ډیرو پخوانیو مودو څخه راپه دی خواد تخنيک د علم په لاره کی ځانونه پوه کړی او ډیر رښونئی گالی او ځانونه ئی له دی علمه څخه مستفید کړی دی .

په تیره بیا دوی د پليونو حربی اسلجی د جوړولو او اختراع کولو ئی داسی په چټکتیا و لاس پوری کړی چه ددوی جوړی شوی سلاح گانی د جوړښت اوښه او صافو له نقطی نظره په گردی نړی کی دستاینی وړدی .
اوس له هم څخه کوی چه داسی



دوون ماشين در نمونه ۳۷

توپک اختراع کړ چه داسلام هم ددی ک نستر و کترانو دستاینی وړ و گر بید مگر ژر تر ژره ددی سلاح تولید ته سقوط وړ کړ بکه چه ماشینداری تفنگچی په دی وخت کبئی بیه رونق پیدا کړی و .

هغه وچه فیودو رووا *Fjodorova* په دوهم محل کبئی ماشینداری او توماتی تفنگچی ئی په ۱۹۱۶ کال کبئی اختراع او جوړی کړی چه دغه ماشینداری تفنگچی په خپل جوړبیت او اوصافو کبئی ددوی دستاینی ورسبب شو .

نومتأسفانه ددی سلاح تولیدات په کافی توگه نه وؤنوددی کبله ددوی واردوته په پوره توگه نه ورسیدل له دی لامله په هغه وخت ددوی په اردوکی دجاپانی سلاحو غخه ئی هم استفادی کیده .

وروسته له غومودی نه یعنی په ۱۹۱۹ کال کبئی دوی (شورویان) د فیو دورووا *Fiodorova* ټولی اختراعی او توماتی جوړی شوی سلاح گانی په عمومی جگړوکی تر استعمال لاندی راوستلی چه ډیره موثره

نو اوس مولر دخپل معلومات د پاره دشوروی بغه پخوانی خولوموړی کانسترو کتران او مخترعین چه لمړی گام ئی په پورتنی توگه دهلپو دتخنیکمی حربی اسلحی اختراع او جوړولو او انکشاف وړ کولو کبئی ئی ایبئی دی او ددوی جوړشوی حربی سلاح گانی د باندنیو په هیوادوکی بیه نوم گټلی په دی ډول نوموله ئی لیکلو .

سپانک ئیوان مالینا *S.J. Masiusa*
ولادی میرا *Vlaomira*
فیودو دووا *Fjodorova*
دکتارووا *Degtarova*

گری گورئی ویچ *Grigorjevich* چه دغه نوموړی کانسترو کتران په ۱۹۰۶ کال کی ئی لمړی محل او توماتی توپک و از مویی او وروسته له از مویی غخه دغه او توماتی توپک دجوړبیت او اوصافو دپه والی له کبله ددوی د پاور وړ وگر بیدل او خپل اردوته ئی وړ تقدیم کړی .

خرنگه چه ددی او توماتی توپک تولیدات له ۱۹۰۶ کال غخه تر ۱۹۱۲ کاله پوری ۶۰ ملیونه رسیدلی وؤ نو په همدی وخت کبئی فیودو رووا *Fjoqorovh* یوبل نوی او توماتی

کوم وخت چه دوی نوی سلاح گانی اختراع او جوړولی نو د اسلاح ه ئی د از مویی دپاره په داخلی او خارجی جگړوکی تر استعمال لاندی راوستلی او ترخپل نظر لاندی به ئی نیولی . په همدی رنگ هر ډول اسلحی چه دوی جوړولی وروسته له از مویی غخه کی ئی بیه مثبتته نتیجه وړ کوله نو دوی دخپلی جوړشوی اسلحی د جوړبیت ، تخنیکمی او تسکتیکمی اوصافو دپه والی له امله ئی دخویشی میلی او سرودونه کول غرنکه چه دوی د زیاتو تجربو بو په واسطه یوه بیه وسله لاس ته راوسته نو دزیاتی کامیابی په واسطه دوی قادر شوه چه خپل انکشافات زیات کړی . نوله دی کبله دشورویانو د اسلحو اهمیت او ماهیت د نړی په هر گوټ کبئی غرگند وی .

په همدی وخت کبئی امریکائی او د نورو هیوادو کانسترو کتران او متخصصان ددی هیواد دهلپو داسلحی په والی او دتخنیک بی شانه پرمخ تگو غخه ئی تعجب و کړ او په دی فسر کبئی ډوب شول چه غنکه ددوی سلاح وی لاس ته راوړی او ترخپلی مطالعی او استفادی لاندی ونیسی .

اوپه مثبتہ نتیجہ ٹی داپل جو پیت
تخنیککی او تکتیکی او صافو له رویه
ور کپی چه زیاتره دغه سلاح وی
ددوی دستاینی ورسبب شوی .

پس له شو مودی غخه دکتارف
Degtarev میخ ته راغی چه دغه
لمپی دغو دو رو و *Fiodrova* خو
ملگری او توصیفی هم تولاکی ٹی و
نودی دپلیود اسلحی د تخنیکک دعیم
او انکشافاتو په باره کبئی ٹی یو ویر
معلومات دتولا په بشار کی
دخپلو استادانو غخه راز ده کپی و
چه درید جنرال تخنیککی توپچی
تومانندان نه وروسته دپلیونوی داو
توماتی اسلحو په اختراع کولو او
سمبالولو باندی ٹی پیل و کپی اونوی
اوتوماتی روسی سلاحگانی ٹی ترتیب
کپی چه په دغو او توماتی سلاحگانو
کبئی ٹی سپک اوردوندا ماشینداری ٹی
جلا کپی .

چه داسپک او دروند ماشیندار
دخپل جو پیت ، تخنیککی او تکتیکی
اوصافو اودارزیت په لحاظ په ټوله نړی
کبئی شهرت خاونددی اولارتر اوسه
دشورویانو دپلیو داسلحی جوړولو په
کارخانه کبئی تر مطالعی او بحث لاندی
نیول شوی دی .

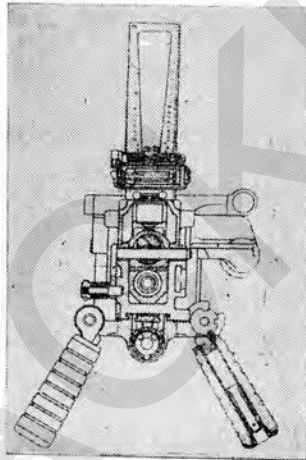
دوهم :

دچکوسلواکی دپلیو تخنیککی
حربی سلاح گانو په باره کی :

ددی هواد دپلیو اسلحی د تخنیکک
علمی پرمخ تگونه او انکشافات عیناً
لکه دشورویانو په شان وه او په یو
وخت اوزمان کبئی ددی دواړو
هیوادونو پرمخ تگونه ددی تخنیککی
اسلحی علم په باره کی شروع شوی
دی .

دا هواد هم دپلیو تخنیککی سلاح گانی
په جوړولو کبئی ویر په کپندی توب
سردمخ پر وړاندی تگک کاوه چه
وروسته له ابری مودی غخه ددی هواد
جوړی شوی سلاح گانی په خپل
جو پیت ، تخنیککی او تکتیکی اوصافو
په لحاظ دتولی نړی په مختلفو ساحو کی
دستاینی وروگرخید .

ددی هواد هغه نوموړی کانسترو
کتران او تخنیککی ماعران چه د
چکوسلواکی اوتوماتی دپلیو تخنیککی
حربی اسلحی اهمیت او ماهیت ٹی د
ټوله نړی په هر گوټ کی وو غرگند



د قبضی ترتیبات

پلیو تخنیککی او توماتی سلاح گانی
(سپک اودروندا ماشینداری) پر انکشاف
ورکولو باندی پیل کپی دی .

یعنی ددی هواد سپک اودروندا
ماشینداری جوړول ددغو دری ورونو
له خوا شروع شوی دی .

ددری بورنی کانسترو کتران په
لمپی محل بو سپک ماشیندار
۱۹۲۲ *PRAGA* په نام جوړی کپی
او وروسته له غومودی دوی د یو بل
سپک ماشیندار نمونه ۳۴ پر جوړولو
باندی بریالی شول چه داماشیندار هم
ددی هواد دستاینی وروگرخید .

خرنگه چه دانوموړی کانسترو کتران
دنړی په لمپی عمومی جکره کی دپلیو
درونداوسپک ماشینداری په جوړولو کی
پیرلوی اوفصیح معلومات اونجر به ٹی
مخانو ته را حاصله کپه او دپه لورو
انکشافی فکرونو خاوندان شول .

هغه و چه وروسته دنړی له لمپی
جگړی نه نظر په تجارب سره چه دوی
مخاتنه دا حاصل کپی و سمد لاسه ٹی یو
مدرن نوی سپک ماشیندار نمونه
۲۶ *Z.B.BYNO* جوړی کپی .

دغه سپک ماشیندار (*Z.B.BYNO*)
نمونه ۲۶ ددی هواد دپلیو د تخنیککی
حربی اسلحی له ډولو غخه یو ویر نوی
مدرن او بهترینو اختراعاتو له جملو
غخه گڼل شوی دی .

داسپک ماشیندار په خپل جو پیت
تخنیککی او تکتیکی اوصافو په لحاظ
دتوله نړی په مختلفو ساحو کبئی د
شهرت خاوند او دستاینی وروگرخیدلی دی
ددی ماشیندار سره یوازی دچکوسلواکی
اردوم مجرم شوی بلکه د ۲۵ نورو
دبانندیو هیوادو اردو هم تری مجرم
شوی دی .

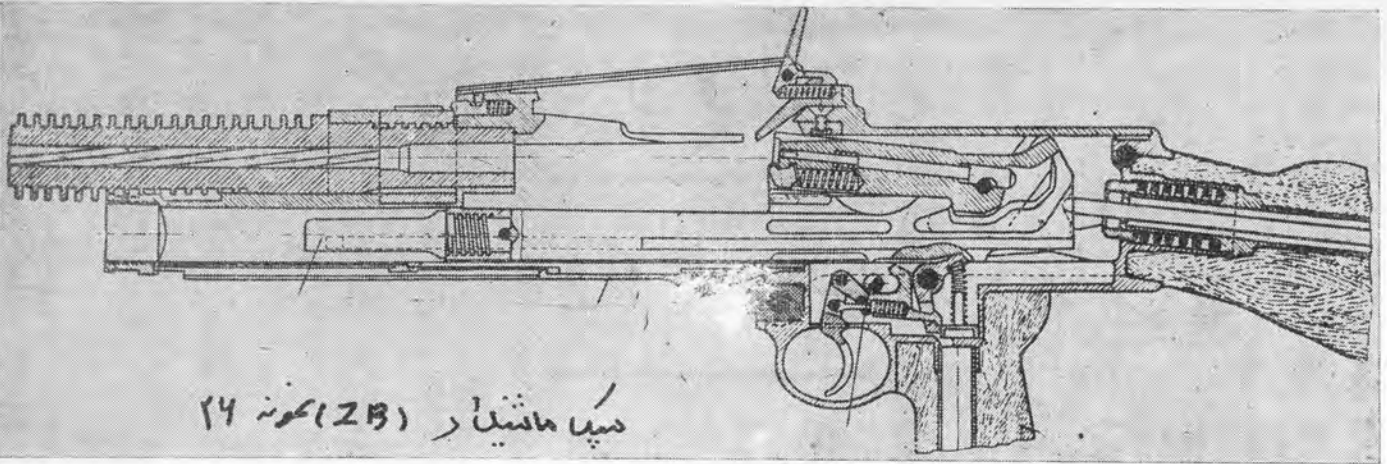
کپی اوددی جوړی شوی سلاح گانی
دبانندیو هوادو تر استفادی او مطالعی
لاندی نیول شوی په دی ډول نومونه ٹی
رایسو .

واسلاو *aslav*

هواسک *Dolek*

فران تیشکک *Eratishek*

چه داپورتی کانسترو کتران دری
واړ سره ورونه دی اوداورونه په
۱۹۱۸ کال کبئی دچکوسلواکی د



ذکر شوی سلاوی چه به همدی مشهوره کارخانه کیتی جوری شوی له یوه هیواد و بل هوادته نقل ور کپی شوی چه به ترتیب د توله نری به عصر گوپت کی دغه سلاح گانی د خلکو تر استفادی مطالعی او بحث لاندی نیول شوی دی .

به پای کیتی باید وویل شی چه له شو کالو مخه را به دی خوا دغه داسنجی جوړولو کارخانه (زبرویو کا Z-Brojyha) د ترقی پر لور روان دی او ددی کارخانه تولی جوری شوی سلاح وی د توله نری دستاینی وړ شوی دی .

به رنگ نمونه ۲۷ دروند ماشیندار په دی کارخانه کی جوړ شوی او دغو نورو د باندنیو هیوادوته ورسا در شوی ماشیندار لوی چاپ نمونه ۶۰ B.Z په دی کارخانه کیتی جوړ شوی او د باندنیو غلورو هیوادوته صادر شوی . ماشیندار برم Brem نمونه ۳۴ هم په همدی کارخانه کیتی جوړ شوی او نورو د باندنیو هیوادونو لکه انگلستان ، کاناډا ، اطریش ، هندوستان ، یوگوسلاویا او نورو هیوادوته صادر شوی دی . په همدی توگه دغه پورتنی تولی

نوله دی کبله ددی هواد دپلیو دتخنیک کی اسلحی جوړولو هغه کارخانه چه دا نوموړی سپک ماشیندار په کیتی جوړ شوی او دزبرویو کا ZBROLOVKA (Z.B) په نامه یادیری نظر وخواو ښه تولیداتو په کرده نری کی نی دهیواد والی نوم بخان ته وگرزول نو په توله نری کی ددی کارخانه نوم لوړ شو .

په همدی ډیل ددی کارخانه تولیدات ډیر مخ پر وړاندی تگ وکړ او دراز راز اسلحی به جوړولو کیتی نی پیل کړی دی .

شمالی قطب د تفریح اوسیل پرغای وک حپت

د شوروی اتحاد سائنس پوه نظریه ور کړیده چه که چیری امریکا او شوروی اتحاد سره لاس ور کړی کولای شی چه شمالی قطب د تفریح اوسیل پرغای تبدیل کړی . پدی ترتیب چه د الاسکا د خلیج او چتکو تسکا په منځ کی یولې بند جوړ کړی او بیا دیولوی همپ پذیرعه د شمالی قطب او به او قیانوس بحر ته نقل او داوقیانوس گرمی او به د شمالی قطب بحر ته ورلی .

د خوب ماشین اختراع شو

د امریکی او شوروی اتحاد سائنس پوهانو د خوب یو ډول ماشین اختراع کړیدی چه به ډیر آرام ډول خوب راوولی ددغه ماشین کار د خوب راوړونکو درمنوپه نسبت ډیر ښه او بی ضرره دی .

رول و وظیفه مدافعه هوایی در هر وقت و زمان مربوط با تکشاف و سیاحت تعرض هوایی و خصوصیات اسلحه که برای از بین بردن اهداف زمینی و بحری بکار میرود میباشد، بهر اندازه که وسایط با پیلوت و بدون پیلوت دارای امکانات فوق العاده و قوه تخریبی زیاد باشد بهمان اندازه خطر ناک بوده و متناسب با آن وظیفه رول و سیاحت مدافعه هوایی مهمتر و کسب اهمیت پیدا مینماید.

طیارات عصری رایکتیفی، راکت های بالستیکی و بالدار از نقطه نظر ساحت تاثیر و قوه ضربه وی نظر بدیکر وسایط تعرض سبقت جسته اند، برای این وسایط منطقه موجود نیست که بالای آن تاثیر ندهند و نی بجبر، کوه، دشت و دامان مانع بمقابل آن تشکیل مینماید، این وسایط ضربه قوی را در میدان محاربه بالای قوای زمینی و هم چنان بالای اهدافیکه در ساحت عمقانی مملکت واقع اندوار دهنده میتوانند، مدافعه و حمایتی قطعات و اهداف مهم بمقابل قوای متعرض هوایی از جمله شرط اولی بوده بدون تأمین آن در عصر حاضر اجرای محاربه غیر ممکن و بی ثمر خواهد بود، سیر تکامل و سیاحت مدافعه هوایی در جمله مسئله مهم و حیاتی سیستم مدافعه دولت بشمار میرود هنوز بصورت واضح رول و اهمیت مدافعه هوایی مملکت بمیدان خواهد آمد هر گاه با اقتصادی بودن و عوامل دیگر آن مثل مورال و غیره عطف توجه گردد زیرا در محاربات امروزی خدمات عقب نفوس و محصولات زراعتی اهمیت به سزائی دارد.

از تاریخ حرب واضح معلوم میگردد که طرفداران مارکس ولینن با یقین عقیده اند که مغلوب ساختن و از بین بردن اردو از همه اولتر سر بو طویض اقتصادی و معنوی قوای محارب بوده زیرا قوه تولیدی تاثیر بارز در جریان محاربه و شروع محاربه وارد مینماید، چنانچه لینن در یادداشت های مخصوص خویش چنین تحریر نموده:

رول

ووظایف

مدافعه

هوائی

چگون رسول

مدیر تعلیم و تربیه قوای رادار

برای اینکه محاربه بصورت حقیقی و موفقانه ادامه نماید لازم است که لوژستیک قوی و منتظم بوجود آید بهترین و ممتاز ترین اردو اشخاص بسیار مدبر و کاردان هر گاه بصورت صحیح تجهیز و تسلیح نگردند و امورات لوژستیک آنها بوقت و زمانش تا مین نگردد حتماً از طرف دشمن مغلوب میگردد.

این جملات در سال ۱۹۱۸ از طرف رهبر اتحاد شوروی ایراد گردیده که

گفتار آن در شرایط عصری امروزی نیز قابل تطبیق است.

تجارب نشان داد که محاربات عصری امروزی توسط ملیون ها اردوی که با اسلحه مخوف گوناگون مجهز اند اجرا میشود، در هر روز محاربه بصددها و هزارها تن روغنیات مقدار زیاد چیه خانه، اعاشه، تجهیزات و غیره مواد لازمه بمصرف میرسد، در اثر آتش قوای متقابل قطعات از نقطه نظر پرنوئل، تانک، طیاره طوب و دیگر وسایط به ضایعات بزرگ مواجه میگرددند.

برای استقرار روان و وسایط استهلاک شده و اکمال ضایعات بزرگ جریان محاربه و تأمین نمودن قطعات جهت ادامه دوام دار فعالیت محاربه اییچاب مینماید که لوژستیک فعالیت و جدیت فوق العاده اجرا نماید. بدقت حمایتی اکتیف اهلی و بدون رسیدن قوا و وسایط تازه از عقب هیچ یک قوای مسلح بهر اندازه که دارای تعلیم و تربیه عالی و از هر نقطه نظر مجهز باشند نمیتوانند که بالای دشمن در میدان محاربه و همچنان در موسسات ملکی از قبیل قایر یکه معادن، مزارع، لابراتوار و انستیتوت علمی، توسط مساعی بیشتر که قوت های جنبه و قوای خدمات عقبی بعمل میاید در محل محاربات عصری امروزی تمام مملکت با تمام قوای مادی و معنوی خویش و وظیفه خدمات عقبی را انجام میدهد. صنعت، ترانسپورت، استحصالات زراعتی و تمام قوای بشری مملکت بمقصد اجرای وظایف محوله محاربه وی حاضر و آماده ساخته میشدند از تجربه حرب دوم جهانی موضوع بصورت صحیح درک می شود که ممالک محارب ۲-۳ حصه تمام عایدات خود را بقوای عسکری مصرف نمودند که از جمله ۸۰ فیصد آن به تخنیک و وسایط عسکری مصرف گردیده است. متانت، آکتیف بودن و انتظام صحیح لوژستیک مملکت یکی از متاع اساسی، فیصله کننده عظمت و شهنشامت اردوی آن مملکت محسوب میگردد.

لوژستیک مملکت از هر نقطه نظر بالای

قوای مسلح مملکت تاثیر اجرا مینماید قطعات رانه تنها از نقطه نظر پرسونل و وسایط مادی و تخنیکي اکمال مینماید بلکه از نقطه نظر قدرت محاربه و مورال نیز تاثیر بزرگ دارد، حقیقتاً بمقصد رسیدن به غایه محاربه و کمائی نمودن ظفر ممالک محارب میکوشند که از یکطرف لوژستیک خود را تقویه نموده و آنرا از خطر محافظه نماید و از طرف دیگر سعی مینمایند تا لوژستیک طرف مقابل را از بین برده و طرز فعالیت آنرا مختل بسازند.

هنوز در جنگهای صدسال قبل قوای محارب میکوشیدند که بهتر ترتیب که امکان پیدا نمایند بالای لوژستیک طرف مقابل تاثیر اجرا نموده مراکز اقتصادی و قوای معنوی دشمن را از بین ببرند. برای تامین این مقصد بلوکاد بری و بحری را استعمال نموده تخریبات مختلفه را اجرا و از همه محترم راساً مناطق مهم اقتصادی و سیاسی را اشغال مینمودند. اشغال مناطق مهم اقتصادی و رسیدن به منابع مهم اقتصادی صنعتی مراکز مهم و اداری و مراکز ارتباط دشمن بعد از مغلوب ساختن اردوی آن میسر میگردد.

حقیقتاً که مجادله بمقابل قوای مسلح در آن زمان اهمیت و رول مهم داشت که در بین مجادله باید وضعیت اقتصادی و مورال طرف مقابل را ضعیف ساخته زیرا مغلوب نمودن اردوی طرف مقابل راه را بطرف موفقیت باز مینمود.

با پیدا شدن قوای هوایی، قوای مسلح اسلحه و وسایط جدید رویکار آمد که توسط آن میتوان فعالیت محاربه و رادرمسافات بعید دورتر از جبهه ادامه داده لوژستیک دشمن در این زمینه بحیث یک هدف مهم محسوب گردید. در حرب اول جهان اقدام جدی بعمل آمد تا از قوای هوایی برای وارد نمودن ضربه بالای مراکز اقتصادی صنعتی خطوط مواصلات دشمن استفاده گردد. قوای هوایی برای کمائی نمودن

محاربه میتوان شهرهای بزرگ مراکز مهم صنعتی اقتصادی و خطوط مواصلات دشمن را بمبارد نماید در نتیجه حرب دوم جهانی بعضی از نواقصات بظهور رسید که در اثر آن قوای مدافعه هوایی تشکیل گردید که وظیفه آن از بین بردن قدرت اقتصادی دشمن میباشد.

در زمان حرب دوم جهان وارد نمودن ضربه بالای شهرهای بزرگ مؤسسات صنعتی، خطوط مواصلات که در عمق مملکت موقیت دارند کسب اهمیت نمود و نظریه اهداف بری و بحری دشمن ترجیح داده شد ضایعات بزرگ قوای انسانی، حیوانی و تخنیک رول و اهمیت قوای هوایی را ارائه میدارد مخصوصاً در عصر حاضر برای قوای هوایی در بین خدمات عقبی (لوژستیک) و جبهه کدام سرحد موجود نیست. بسیاری شهرهای که از جبهه دورتر بودند بمیدان محاربه تبدیل گردیده ملیونها اطفال، زننها، مردهای پیر که در محاربه اشتراک نداشتند تلف گردیدند که تمام این تلفات فوق الذکر قدرت و عظمت قوای هوایی را نشان میدهد. در حرب دوم جهان (تا سپتمبر ۱۹۴۴)

در اثر حملات هوایی صرف در ساحه محاربه انگلستان از جمله ۱۲ میلیون خانه ۴۵۷ هزار خانه و یران و ۴/۵ میلیون آن خساره شدید دیده بودند و هم به تأسیسات لوژستیک جرمی تلفات و ضایعات زیاد عاید گردیده بود در اثر تعرضات هوایی ضایعات جرمی ۵۰۰ هزار نفر بود که این رقم معادل به ضایعات پرسونل ملکی تمام ممالک در حرب اول جهان بود. در سال ۱۹۴۵ اضافه تر از یک میلیون نفر جرمی مصروف بر طرف نمودن عواقب وخیم زمان جنگ بودند. قوای هوایی امریکا و انگلستان با وجودیکه شدیداً بمبارد می نمودند اما نتوانستند که صنعت جرمی را از بین ببرند گرچه تولیدات عسکری بمشکلات مواجه گردید اما با آنهم تا آخر محاربه تولیدات قطع نگردیده و بیک درجه عالی

باقیمانده. (در ظرف چهار سال دوام محاربه گرچه مؤسسه صنعتی بنام رورا چندین دفعه مورد تعرضات هوایی قرار گرفت و در تعرض آن چندین طیاره اشتراک نموده بود اما با آنهم ۷۵ درصد مؤسسات صنعتی فعال و مصروف کار بودند.

تقریباً تمام شهرهای بزرگ ممالک اروپائی با استثناي ممالک بیطرف تحت بمبارد هوایی واقع گردیدند. محاربه با تمام شدت خود بمقابل اقتصاد اهالی مملکت ادامه داشت.

ممالک محارب مجبور بودند که قسمت لوژستیک خود را بواسطه تمام قوای دست داشته از تعرضات قوای هوایی مدافعه نمایند و هم قطعات مدافعه هوایی خویش را تکامل داده و برای محافظه نمودن مراکز مهم صنعتی اداری و خطوط مواصلات قسمت زیاد این قوا را استعمال نمایند.

طوریکه تجربه محاربهات گذشته نشان داد یک قوای مدافعه منظم و رسیده میتواند بمقابل قوای هوایی دشمن یک سد و مانع بزرگ را تشکیل نماید. قدرت و قابلیت قوای مدافعه هوایی اینست که فعالیت محاربه و بری را بصورت موفقانه اجرا دشمن را در مخاطره بزرگ و تحت تهدید قرار داده و حتی میتواند دشمن را مجبور نماید تا شرایط غیر مساعد فعالیت نموده و مابع پروازهای تهاجمی آن گردد.

بسیار واقعات گذشته شاهد حال است که در اثر فعالیت و جدیت قوای مدافعه هوایی اکثر فعالیت و تعرضات قوای هوایی به ناکامی منجر گردیده و ضایعات زیاد را متحمل گردیده اند. در محاربه هوایی انگلستان در سال ۱۹۴۰-۱۹۴۱ قوای مدافعه هوایی انگلستان بالای قوای هوایی جرمی تفوق و موفقیت حاصل نمود.

در سال ۱۹۴۰ در ماه نومبر زمانیکه قوای هوایی انگلستان بالای ایتالیا تعرض نمودند از اینکه ایتالیا یک قوای منظم مدافعه هوایی در دسترس خویش

نداشت لذا انگلستان موفق شده تا ضربات سنگین را بالای ایتالیا وارد نماید . در شرق دور قوای هوایی امریکا توانست بدون کدام مشکلات و ممانعت مواضع و نقاط حیاتی جاپان را بمبارد نماید زیرا قوای مدافعه هوایی جاپان غیر منتظم بوده و خوب انکشاف ننموده بود . برای اینکه در اثنای محاربه موفقیت بدست آید لازم است که نقاط مهم حیاتی ، اقتصادی ، صنعتی و خطوط مواصلات بواسطه یک قوای مدافعه هوایی قوی حمایه گردد . از تجارب حرب های گذشته چنین نتیجه بدست می آید که برای تشکیل اقتصاد قوی عسکری لازم است که فضای مملکت بصورت اطمینان بخش از تعرضات هوایی حمایه و محافظه گردد .

محاربات عصری امروزی امور لوژستیک را بمخاطره می اندازد . اجرای تعرضات باصقین هوایی بالای یک مملکت در صورتیکه مملکت مذکور بمقابله بالمثل مقتدر نباشد در نتیجه به ضایعات بزرگ انسانی ، اقتصادی ، ترانسپورتی و ارتباط مواجه گردیده و در روز های اول محاربه به مملکت متذکره یک پرابلم و مشکلات بزرگ را تولید مینماید . طبق محاسبه متخصصین امریکائی در زمان وارد نمودن یک ضریه قوی بالای یک شهر بزرگ ، با اندازه (۹) میلیون نفر تلف ۳ میلیون نفر زخمی و به پیمانۀ بزرگ خساره اقتصادی را بار می آورد . در اضلاع متحده امریکا چنین محاسبه بعمل آمده که برای از بین بردن صنعت ذوب آهن ۶۷ ضریه اتومی و ۱۰۰۰ بمب اتومی کافی است گویا این مقدار فوق برای از بین بردن قدرت عسکری هر کدام یک مملکت کافی است .

مخصوصاً تعرضات هوایی که بصورت باصقین با استعمال اسلحه ذروی بالای اهداف مهم و حیاتی مملکت اجرا گردد موجب خسارات زیاد مالی و اقتصادی میگردد . محاسبات دقیق نشان میدهد که

۱۰۰۰ عدد بمب اتومی که هر کدام آن دارای قدرت دو میلیون تن مواد انفلاقیه باشد بالای یک مملکت که از نقطه نظر صنعت انکشاف نموده باشد و مساحت آن در حدود ۳۰۰ - ۵۰۰ هزار کیلو متر مربع باشد میتواند که تمام مراکز صنعتی ، اداری و سیاسی آنرا بیک توده خاک مبدل و تمام ساحه مملکت را بمواد رادیو آکتیف بسیار مهلک سرازیر نماید . رساندن چنین یک بمب اتومی بالای هدف توسط راکت های ستراژی صورت میگردد . رول و اهمیت قوای مدافعه هوایی بعد از حرب دوم جهان اضافه تر گردیده و در آینده انکشاف بیشتری خواهد نمود . وظیفه قوای مدافعه هوایی عبارت از مدافعه و محافظه نمودن مملکت از تعرضات هوایی میباشد . در محاربات گذشته دول خارجی و اشخاص بزرگ آنها استحصال ظفر و موفقیت را در محاربه از اثر قوای مدافعه هوایی دانسته زیرا قوای مدافعه هوایی میتواند مملکت را بمقابل تعرضات قوای هوایی مدافعه و محافظه نمایندیکه عالم بزرگ فرانسوی بنام (اوستائنه لا کو) چنین مینویسد :

مملکتی که آسمان خویش را از تعرضات هوایی محافظه نموده نتواند نام آن از نقشه دنیا گم میشود برعکس مملکتی که فضای متعلقه خود را از تعرضات هوایی حمایه نماید در نتیجه حاکمیت هوایی را کما ئی مینماید . عین نظریه را دانشمند معروف امریکائی بنام (سپورسکی) نیز تأیید مینماید . و مملکت قوی متخاصم که هر یک قدرت از بین بردن دیگری را داشته باشد نتیجه و موفقیت را آن مملکتی بدست خواهد آورد که از نقطه نظر قوای مدافعه هوایی تفوق و برتری داشته باشد و وظیفه قوای مدافعه هوایی حمایه و محافظه نمودن مراکز اقتصادی صنعتی و نفوس مملکت از تعرضات هوایی میباشد . رول و وظیفه قوای مدافعه هوایی بسیار وسیع و مهم است است زیرا در عمق مملکت نه تنها فابریکه ها

منابع انرژی الکتریکی ترانسپورت قوای کارگری واقع است بلکه مواضع مهم عسکری از قبیل قوای هوایی ستراژی میدانهای هوایی راکت های دور منزل و مواضع ستارت آنها بیض ها و دیوهای اسلحه اتومی ذروی که برای قوای هوایی دشمن اهداف مهم و حساس را تشکیل میدهد . یکی از وظایف مهم قوای مدافعه هوایی اینست که باید تفوق اتومی هوایی را کمائی نموده تا موفقیت محاربه را بدست بیاورد رول و وظایف قوای مدافعه هوایی در صفحات مختلفه محاربه عین چیز نمیشد . در حرب دوم جهان عملاً باثبات رسید مالکی که از طرف قوای جرمنی و جاپانی ها به ضایعات بزرگ مواجه گردیدند همانا تعرض باصقین دو مملکت فوق الذکر وضعیف بودن قوای مدافعه هوایی ممالک بود . اگر واقعه شکست و مغلوب شدن مملکت پولیندرا در سال ۱۹۳۹ بخاطر بیابوریم بخوبی فهمیده میشود که علت مغلوبیت آن این بود که از یک طرف قوای هوایی زمینی و بحری جرمنی و جاپان بصورت باصقین تعرض نمود و از طرف دیگر قوای مدافعه هوایی پولیند بسیار ضعیف بود .

در محاربات عصری امروزی قوای مدافعه هوایی در شروع و مرحله ابتدائی محاربه رول مهم را بازی مینماید . در عصر حاضر مهمترین محاربات عبارت از محاربه هوایی است که درین محاربه به قسمت زیاد طیارات ، راکت و اسلحه اتومی استعمال میگردد و میتواند محاربه را بیک مدت زیاد و موفقیت تام ادامه بدهد و مقصد ازین تعرض هوایی ازین بردن اهداف مهم و حیاتی و مختل ساختن امور لوژستیک دشمن بوده و هم چنان بدشمن موقع نمیدهد تا احضارات لازمه را از هر نقطه نظر اتخاذ نماید . طبق نظریه و مفکوره متخصصین عسکری و دکترین حرب امروزی در مرحله ابتدائی محاربه قوای هوایی و مدافعه هوایی هدف مهم و حساس را برای دشمن تشکیل میدهد .

مخاربه هوایی در یکساحه و وسیع و قسمت عمقانی دولتین مخاصم جریان می‌یابد. درین زمان باید قوای مدافعه هوایی و ظایف بس مشکل و مهم را اجرا نماید. قوای مدافعه هوایی باید پلان تعرض باصقین را بر هم نموده و قوای مهم اصلی آرا در هوا از بین برده و نگذارد که دشمن نقاط مهم و حیاتی را که برای اجرای مخاربه رول مهم دارد از بین ببرد و هم باید خطوط مواصلات مملکت و محلات تجمع قطعات و ساحه فعالیت مخاربوی آنها را بمقابل هواحمایه نماید. قوای مدافعه هوایی باید قوای هوایی متعرض دشمن را قبل از رسیدن به هدف لازمه و دادن تلفات سنگین از بین ببرد. در عکس صورت داشتن یک قوای مدافعه هوایی که وظیفه فوق را بحسن صورت اجرا نه نماید قابل اعتبار نمی باشد اجرای وظایف بس مهم و سنگین رول و اهمیت قوای مدافعه هوایی را اضافه تر میسازد اگر بیک طیاره منفرد دشمن که حامل اسلحه اتومی میباشد اجازه دخول داده شود در نتیجه طیاره مذکور تلفات و خسارات سنگین را به مملکت وارد ننماید. در سابق زمانی که در جمله قوای هوایی صرف بمب های عادی تخریب و احتراق موجود بود گذشتن مقدار کم این چنین طیارات و یایک طیاره منقرض کشف چندان اهمیت نداشت زیرا برای از بین بردن یک هدف متوسط از ۸۰۰ الی ۱۰۰۰ طیاره لازم بود. درینصورت هر گاه وسایط قوای مدافعه هوایی موفق میگردد که قسمت زیاد طیارات بمبارد را مانع میگردد و در زمان مقابله اضافه تر از ۱۰ فیصد طیارات دشمن را سقوط میداد گفته میشود که وظیفه بحسن صورت انجام یافته است. در رسیدن چنین ضایعات دشمن پروازهای تعرضی خویش را غیر مفید می شمرد زیرا که قیمت طیارات بمبارد سقوط داده شده آن نظر به ضایعات وارده اضافه تر بود علاوه بران ضایعات طیارات نسبت با کمال آن زود تر صورت میگرفت.

و وسایط قوای مدافعه هوایی با وجودیکه درین سالهای اخیر از نقطه مؤثریت خویش در تمام ممالک انکشاف خوبی نموده لیکن با آنهم نمیتواند تمام اهداف هوایی را از بین ببرد بالخاصه بمقابل راکتهای بالستیکی و وسایط مدافعه هوایی عادی، هیچ تاثیر اجرا کرده نمیتواند. ازین نقطه نظر برای تأمین امنیت یک مملکت مقابل تعرضات هوایی با وجود اتخاذ تدابیر دیگر لازم است که وسایط متعرض هوایی دشمن در میدانها و مواضع ستارت از بین برده شوند. اهمیت اجرای چنین اپرا سیون را برای مدافعه هوایی مملکت تجارب حرب گذشته و فعالیت قوای هوایی انگلستان بالای مرمی های رهبری شده تیت (FAY-2, FAY-1) جرمنی در سالهای ۱۹۴۳ و ۱۹۴۵ بخوبی نشان میدهد.

در ماه اگست سال ۱۹۴۳ به مجردیکه قوماندانی انگلستان در ساحل بالتیک به موجودیت مرمی های طیاره شکل قناعت حاصل نمود در حال تمام طیارات بمبارد خویش را که عبارت از ۵۶۰ طیاره بمبارد ثقیل بود به مراکز امتحان و پرتاب نمودن راکت های جرمنی مؤظف ساخت. در نتیجه این تعرض ۵۰۰ نفر علمی و تخنیکی، استاد های علمی لا بر اتوار ها و استاد تخنیکی از بین رفت، در اثر تعرض آخرین قسمت زیاد مسند های ستارت راکت (FAY-1) تخریب گردیده بود پرتاب مرمی های طیاره شکل تا ظرف ۹ ماه یعنی تا ماه جون ۱۹۴۴ معطل گردیده انگلسمها ازین موقع استفاد نمودند و توانستند قوای مدافعه هوایی خویش را تقویه نمایند. در ابتدا پرتاب نمودن مرمی های رهبری شده (FAY-1) انگلسمها و امریکائی ها قوای هوای خویش را تقویه نموده و میدانهای ستارت دشمن را تحت تاثیر شدید قرار داده و زمینه را برای فعالیت موقفانه قوای مدافعه هوایی تأمین نمودند فعالیت سلاح و وسایط قوای مدافعه

هوایی در زمان مخاربه باید به اوپرا سیون قوای هوایی سترا تیژی و ضربات راکت تقویه گردیده و منابع اتومی هوایی دشمن تحت فشار و تاثیر گرفته شود. برای تأمین این مقصد باید از راکت های قوای زمینی کشتیهای راکت های قوای زمینی، کشتی های حامل راکت و حامل قوای هوایی استفاده بعمل آید، این چنین مفکوره و استعمال قوادرممالک مختلفه ترویج یافته است، یک نفر در گروال فرانسوی بنام (ساکی) چنین اپراز نظریه نمود در کمپلکس سیستم آکتیف قوای مدافعه هوایی باید چیزهای ذیل شامل باشد.

و وسایط، تعرضی (طیارات بمبارد و راکت های بالستیکی دور منزل) و وسایط مدافعه هوایی (طیارات شکاری و تمام نوع مرمی های تپ زمین هوا و وسایط تشکیل و تولید نمودن پرازیته رادیویی و وسایط بازی دادن و در مجهولات انداختن دشمن.

اپرا سیون تعرضی قوای هوایی و فعالیت قوای راکت که بمقصد از بردن قدرت هوایی دشمن اجرا میگردد در مطبوعات خارجی بنام اپرا سیون قوای مدافعه تکتیکی و سترا تیژی مسمی میباشد.

برای اكمال نمودن یک سیستم مدافعه منظم ایجاب مینماید که از مدافعه محلی (پاسیف) استفاده بعمل آید مدافعه پاسیف عبارت از تیت نمودن مراکز صنعتی، ساختن محلات محفوظ برای پرسونل، سترو اخفا و اتخاذ تدابیر لازمه برای از بین بردن عواقب و خیم تعرضات هوایی میباشد، در شرایط عصری امروزی باید قوای مدافعه هوایی نظریه بداشتن احضارات عالی مخاربوی تفریق گردد، گرچه این صفت جدید نبوده بلکه از سابق میباشد لیکن اکنون اهمیت خاص پیدا نموده نموده است.

وسایط عصری قوای مدافعه امروزی میتواند ضربات قوی، خویش

را با اهداف بسیار بعید در کمترین زمان و بصورت با صقین اجرا نماید طیارات بمبارد جیت (ریاکتیف) در ظرف یکساعت هزار ها کیلومتر مسافه را قطع نموده و راکت های بالستیکی در ظرف ۳۰ دقیقه ۸۰۰۰ ، ۱۰۰۰۰ کیلومتر مسافه را طی مینمایند .

هرگاه وسایط قوای مدافعه هوایی بوقت و زمان لازمه فعال نگردند تا اخیر چند ثانیه آن باعث میشود که دشمن به عمق مملکت نفوذ نموده و اهداف مهم را از بین ببرد یعنی بهر اندازه که قوای مدافعه هوایی مملکت قوی هم باشد اگر بوقت و زمانش فعالیت نه نمایند قوی بودن آنها کدام اهمیت ندارد .

موقعیت در محاربات هوایی مربوط به فعالیت منظم دو امدار و اجرای کشف هوایی میباشد تجربه حرب دوم جهانی بوضاحت نشان داده که کشف نه نمودن دشمن بوقت و زمانش موجب خسارات سنگین گردید .

مهمترین شرایط داشتن احضارات عالی محاربوی اینست که باید قوای مدافعه هوایی در زمان محاربه حاضرهای لازمه جایجا گردند . زیرا از یاده تر تعرضات هوایی در شروع محاربه بعمل میآید و در اثنای تیت نمودن وسایط مدافعه هوایی غیر ممکن است برای اینکه يك قوادارای احضارات عالی محاربوی باشد لازم است که از نقطه نظر تعلیم و تربیه خوب رسیده و برای اجرای وظایف محوله محاربوی در هر وقت و زمان (شب و روز زمستان و تابستان) و در هر نوع شرایط جوی حاضر و آماد باشد که این صفت بالخاصه برای قوای مدافعه هوایی شرط اولی و ضروری محسوب میگردد . زیرا قوای هوایی دشمن در هر وقت و زمان و هر نوع شرایط جوی فعالیت محاربوی اجرا نموده بالخاصه در زمانهاییکه فعالیت قوای هوایی بمشکلات دچار میگردد زیاده تر تاثیر اجرا مینماید ، لذا ایجاب

مینماید که قطعات قوای مدافعه هوایی از نقطه نظر داشتن احضارات عالی محاربوی ، تخنیک ، سلاح و وسایط با اندازه باشد که در هر گونه وضعیت بمقابل قوای هوای دشمن مجادله و مبارزه کرده بتواند ، قوای مدافعه هوایی باید به کمترین زمان به فعالیت محاربوی حاضر شد ، بتواند تمام قطعات مدافعه هوایی باید به سرعت ممکنه با جرای فعالیت محاربوی حاضر بوده زیرا زمانیکه دشمن کشف میگردد و بعداً بقطعات وظیفه داده میشود این زمان بسیار کم است ازین نقطه نظر است که گفته میشود باید قطعات مدافعه هوایی بصورت اتومات فعالیت نمایند . یکی از عوامل سریعانه فعالیت قوای مدافعه هوایی اینست که باید قوای مذکور دارای سلاح و وسایط مدرن و عصری بوده که خواص تخنیکی و تکنیکی عالی را دارا باشد و از جانب دیگر هر سونل صحیح و رسیده داشته باشد و حتی اکثر متخصصین و دانشمندان عسکری باین نتیجه رسیده اند که باید تمام فعالیت محاربوی اعتبار از زمان کشف نمودن دشمن الی زمان از بین بردن آن اتوماتیک صورت گیرد ، برای تامین این مقصد از ماشین حساب استفاده بعمل میآید که توسط ماشین مذکور آنآ وضعیت هوایی قیمت داده شده تمام احتمالات هوایی را تدقیق و حساب نموده و يك طریق بهترین استفاده و استعمال قوا و وسایط مدافعه هوایی را بکار برده میتواند و درین عصریکه طیارات دارای سرعت فوق سرعت صورت مینمایند امور محوله قرارگاه و مرتبات محاربوی وسایط مدافعه هوایی را آسان میسازد از جمله ایجاباتیکه از قوای مدافعه هوایی مطالبه میگردد یکی آنهم متین و پایه دار و زنده بودن قوای مدافعه هوایی میباشد یعنی قوای مدافعه هوایی باید به مقابل ضربات و پرازیت دشمن مقاومت خوب نموده بتواند .

گرچه این وظیفه سابق نیز از قوای مدافعه هوایی مطالبه میگردد لیکن اکنون اهمیت خاصی پیدا نموده زیرا دشمن میتواند بدون اینکه تحت تاثیر آتش وسایط نافع هوا و رادار واقع گردد هدف را از بین ببرد .

(وسایط قوای مدافعه هوایی و وظیفه آنها)

وظیفه محوله قوای مدافعه هوایی فوق العاده ، مشکل بوده و هیچ قوه سلاح و وسایط دیگری موجود نیست که مستقلاً ایفای وظیفه نماید ، فرق آن از مدافعه ضد تانک اینست که وسایط تانک و زره دار دشمن عموماً توسط توپ های ضد تانک و قسامت توسط اسلحه دیگر از قبیل ماین ها ، بمب های تخریب ماین های مانع و غیره از بین برده میشوند اما از بین بردن قوای متعرض هوایی دشمن توسط کمپلکس وسایط متنوعه که دارای قدرت و امکانات محاربوی فوق العاده قوی باشد صورت میگردد ازین چنین استنباط میگردد که در دفع و طرد نمودن تعرضات هوایی فعالیت های مخلفه اجرا میگردد ، از عهد اولتر لازم است که وسایط متعرض هوایی (طیاره ، مرمی های رهبری شده) دشمن کشف گردد ، این وظیفه را وسایط کشف (رادار اجرا مینماید بعد از اجرای کشف لازم است که قناعت حاصل گردد که وسایط متعرض هوایی متعلق بدشمن میباشد ، که این وظیفه توسط دستگاه پرسیان کننده زمینی که ضمیمه رادار میباشد اجرا میگردد .

امکان نمودن دشمن متعرض هوایی از جمله وظیفه اصلی و اساسی وسایط مدافعه هوایی بشمار میرود که این وظیفه را طیارات شکاری ، راکت و طوپچی دافع هوا اجرا مینمایند فعالیت محاربوی این وسایط آکتیف توسط رادار و وسایط مخابره تامین میگردد .

من در جنگ ها تمام بیروزیهای خود را مرهون مطالعه زندگی سکندر میدانم روزی کتاب بیوگرافی سکندر کبیر را بمن دادند ، در حقیقت مطالعه این کتاب بود زندگی عادی را تغییر داد و من نیز تصمیم جدی گرفتم که باید در جنگ هادانم فاتح بارآیم .

* * *

برخی از دانشمندان ، تحولات مارپیچی هر جامعه را بشکل حلقه هائی تاریخی مطالعه میکنند آنها عقیده دارند که هر یک از این حلقه ها از حلقه هائی قبلی مغلق تر ، عالیتر و پیچیده تر میباشد ، تاریخ هرگز تکرار نمیشود و هرگز بر وئی یک خط مستقیم حرکت نمیکند بلکه خط السیر تاریخی بشکل مارپیچی و زیگزاگ میباشد نیروئی عمده ای که در تحولات تاریخی آن بازی میکند همانا زندگی مادی و انسانی میباشد در حقیقت انسان آفریننده تاریخ میباشد عده دیگری نیز به این عقیده هستند :

تاریخ زاده نوابغ قهرمانان عسکری و امپراطوران میباشد لیکن اینها درین خصوص اشتباه میکنند زیرا فرد ولو که بهر شرایطی قرار گرفته باشد نمیتواند تاریخ را بسازد فرد دائم تابع کل میباشد و بکل نیازمند یهائی زیادی دارد و بدون کل نمیتواند زندگی خود را پیش ببرد نوابغ ویا قهرمانان نمیتوانند بدون موجودیت جامعه تاریخ را بسازند ، البته درین مفاهیم مانیتوانیم نقش نوابغ و قهرمانان را در جریان و تکامل تاریخی نادیده بگیریم زیرا اینها نیز در خط السیر تاریخ بنوبه خود نقش عمده را بازی میکنند اما ازینکه نوابغ را جامعه بوجود می آورد ازینرو در مطالعه پدید های تاریخی و تحلیل بیوگرافی هر قهرمان ما باید نخست از همه شرایط تاریخی آن جامعه راتدقیق کنیم و بشکل علمی برابرلم هائی اساسی آن جامعه را در خصوص بوجود آوردن آن شخصیت تاریخی مورد مطالعه قرار بدهیم و قبل از همه باید بدانیم که چه چیز باعث شد جامعه آن

را بوجود آورد؟ و در اندیشه هائی اجتماعی آن کدام نکات عمده و خصوصیات آن جامعه تاثیر وارد کرد؟ .

بطور مثال مادرین نوشته مختصر خود میخواهیم زندگی ژول سزار یکی از قوماندانان بزرگ عسکری و سردار نامی روم را مورد بررسی قرار دهیم و باید بدانیم که تاریخ روم ژول سزار را چگونه بوجود آورد؟ و چه چیز باعث شد که سراسر زندگی ژول سزار در ساحه حرب سپری گشت؟ و مقصد آن ازین همه جنگ های طولانی و خسته کن چه بوده؟ و چرا سربازان به آن اعتماد داشتند و دائم در تمام پیکار های خود پیروز میگرددید؟ و بالاخره چه چیز باعث شد که رقیب هایش ویرادر سینا به قتل رسانیدند ، البته تحلیل جواب



این سوالات با در نظر گرفتن عقاید علمای تاریخ به خوانندگان ارجمند ارتباط دارد که آیا نظریات دانشمندان اولی معقول تر است و یا برعکس دومی قیام غلامان در روم نه تنها بحران عمومی را در امپراطوری روم پدید آورد بلکه صفحه نویی را در تاریخ جنبش ها ئی آزادی خواهی باز نمود یا و صفیکه اسپار تا کوس ، قهرمان این قیام و عده زیادی از دوستان و هم قطارانش کشته شد ، اما با آنهم تاثیرات مثبت آن مدت ها اندیشه های طبقات ممتاز و برده داران را فرا گرفت . بعد از آن تاریخ برده داران دوباره مؤثق نشدند تا حلقه های زنجیرهای خود را برای همیشه بگردن غلامان خود بیندازند و

اینهارا بشکل "بهر حمانه و وحشیانه بکار هائی غیر انسانی را وادارند .

مبارزات غلامی در روم باعث شد تا اوضاع روم سخت منقلب و مختل شود در نتیجه گروه انبوه از ماجرا جویان ، سربازان قدیمی ، غلامان و اشراف و ر شکسته آماده شورش و اغتشاش شدند ، شورشیان مسلح در میدان « قروم » خونها ریختند ، حملات غلامان و تریبین ها بر ضد انجبا و متمولین متد ریجاً شدیدتر گشت ، اشخاص جاه طاب ازین هرج و مرج استفاده کرده مالکک همه چیز شدند ، درین بین یکی از مردانیکه از جریان استفاده شایانی بعمل آورده و جامعه رم آنرا بشکل مشخص تقدیم جریان تحولات تاریخی خود ساخت ژول سزار بود .

ژول سزاریکی از افراد قبیله مشهور « ژانس ژولیا » بود که خود را از نسل زهره میدانست با اینکه نامبرده در ظاهر جز بعیاشی و خود خواهی و ادبیات علاقه نداشت اما بی اندازه جاه طلب و شهمرت خواه بود ، زیرا در آن لحظات حساس تاریخ تمام همقطاران ژول سزار چنین می اندیشیدند و یا به عباره دیگر اندیشه های جاه طلبانه ژول سزار زاده محیط اجتماعی و زندگی مادی جـ معه رم بود که میخواست به نوبه از بحران رم بهره داری کند و خود را بحیث یک قهرمان حماسی معرفی بسازد چنانچه در خصوص آن «ینویسند : روزی او را دیدند که از خواندن شرح زندگانی سکندر گریه میکند و میگوید :

«در سن و سال من عالم را مسخر کرد و من هنوز هیچ کار نکرده ام !»

ژول سزار صورت لاغر با چمچه گشاده ، گونه هائی برجسته و فلکین قوی داشت در ضمن هوش تند و نافذ جاذبه فریبنده و جالب محبت ، فصاحتی روشن و اقتناع کننده ظاهر لطیف و ملایم قدرت و متانتی شکست نا پذیر داشت چون به ادبیات علاقه داشت نطق و نویسنده خوبی نیز بود و هم تمام

جوانانیکه بسن و سال ژول سزار داریم بعدان های جنگ و وظیفه اجرا میکردند ژول سزار نیز جنگجویی ورزیده و شجاع بار آمده بود، در هر قطعه ای که وظیفه صاحب منصبی برایش محول میشد برای جلب توجه همکاران و اطرافیان خود به ابتکار هائی جدیدی دست میزد و نیز مساعی بخرج میداد تا افراد معینی خود را شجاع و با انضباط تربیه کنند حتی وظائفی را که در ساحه های ملکی انجام میداد نیز آرام نمی نشست و از لیدر شیعی عسکری خود استفاده بعمل می آورد و میکوشید به هر نحویکه میشد مقام بگیرد توجه مردم را بخود جلب بسازد و در بین آنها محبوبیت پیدا کند در ۳۵ سالگی بعد از آنکه بعد از کوشش های زیاد بریاست بلدیّه انتخاب شد چندین میلیون از کراسوس قرض کرده برای مردم خود بازی های با شکوه و جشن های نادیده و ناشنیده ترتیب داد که زمزمه آن بزودی به همه گوش هار سید و همه جاه را فرا گرفت، متعاقب آن بزودی به سنانفوذ پیدا کرد و مدتی بعد بحیث والی در اسپانیا مؤظف گردید و سپس به رم مراجعت کرد و دورقیب بانفوذ و با قدرتی راقابل خود دید.

این دونفر عبارت از « کراسوس » قاتل اسپار تا کوس و پمپه بود با وصفیکه در بین این دونفر اخیر الذکر رقابت هائی شدیدی بخاطر مقام و جاه طلبی جریان داشت اما ژول سزار خیلی عادلانه از موقع استفاده نموده آن دو را با هم نزدیک ساخت و از این جریان طوری بهره برداری نمود که خود را بعد از کراسوس و پمپه شخص سوم معرفی نمود و هر سه برای استیلا بر حکومت جمهوری ستفق گشتند و بدین طریق اولین تریومویرا یعنی اتحاد رجال ثلاثه تشکیل یافت. نتیجه فوری این اتحاد انتخاب سزار بود بمقام کنونی...

سزار قنسولی بود که تا کنون نظیر او در رم دیده نشده بود، در مدت زمان سمداری خویش مثل یک دیکتاتور حکومت کرده به قوانین، عنعنات

محیطی و قعی نگذاشت، با وصفیکه آزادی بیان در قانون اساسی رم تصریح شده بود اما ژول سزار اعتنا نمی کرد چنانچه در یکی از روزهای یکی از دشمنانش « کاتن » اصرار داشت در فرورم بر ضد وی بیانیته بدهد، ژول سزار امر نمود تا از کرسی خطاب او را پائین کنند ژول سزار چنین هم کردند، رائی مخالفین خود را در سنا به هیچ شمرد روزی سزار همکارانش را که با قانون اصلاحات ارضی به پیشنهاد وی مخالفت می ورزید بقوه قمریه از فرورم بیرون کرد « بیپولوس » مجبور شد تا ختم دوره قنسولی سزار در خانه منزوی شده اعتراضات خود را کتباً اعلان نماید از آن روز به بعد سزار شخصاً وبدون نظارت جمهوریت را اداره کرد مردم محض شوخی میگفتند فلان قضیه در دوره قنسولی سزار و بیپولوس اتفاق نیافتاده بلکه در زمان حکومت ژول سزار واقع شده است بدین گفته اسم و لقب او را دوباره ذکر مینمودند.

بزودی دونفر ذیل در میان مردم شهرت یافت: هر چه تند بدست سزار شد زیرا در دوره قنسولی بیپولوس کاری صورت نگرفت.

بدین منوال سزار آنچه را میخواست بتصویب ملت رسانید: تصدیق اقدامات پمپه در مشرق، قانون اصلاحات ارضی و برای واگذاری زمین بکسانیکه سه اولاد یا بیشتر دارند مرعی الاجرا قرار گرفت. سزار بیش از همه چیز افتخارات زندگی خود را در ساحه عسکری جستجو مینمود و یگانه آرزویش رسیدن به سر قوماندانی در اردوی رم بود بعد از اینکه دوره قنسولی خود را خاتمه داد برای مدت پنج سال ایالت جنوب آلپ و لارنیز باو تعلق گرفت قبل از حرکت از رم سزار روابط خود را با کراسوس و پمپه محکم تر ساخته پسریکی از ایشان را همراه برد و دختر خود را بدیگری داد. بدینصورت ژول سزار نظر به استعدادیکه جهت تحقق دادن رویا های جاه طلبانه خود داشت از خود نشان داد اغتشاشات و بحرانات داخلی رم ژول سزار را چنین

بار آورد، در صورتیکه شرایط تاریخی در رم چنین پدید نمی آمد جامعه رم نیز ژول سزار را چنین شهرت تاریخی نمیداد...

ژول سزار درین وظیفه جدیدش میخواست موفقیت های بزرگ عسکری بدست آورد. با اقتدار و عظمت تام به رم مراجعت نماید و جهت تحقق دادن این آرزوی خود تسخیر گل تعمیم گرفت رومیان مملکتی را که بین رودن، جبال الپ و پیرنه و اقیانوس اطلس واقع است گل ماوراء آلپ را میگفتند مملکت مزبور علاوه بر فرانسه کنونی، تمام بلژیک و قسمتی از هالیند المان ساحل بسیار آن و تقریباً تمام سویس را شامل بود، در زمان سزار تمام مملکت گل مستقل نبود و در پایان قرن دوم قبل از میلاد رومیان جنوب شرقی آن سرزمین را تحت سلطه خود در آورده بودند و شکل بسیار وحشیانه مردمان این سرزمین را استعمار میکردند، در حقیقت میخواستند رومیان از این مردم انتقام بگیرند زیرا چندین سرزمین آنها نیز تحت سلطه این مردم قرار گرفته بود، اما در اثر نفاق و خانه جنگی های شان نه تنها حوزة های مستعمراتی خود را از دست دادند بلکه حلقه غلامی را بگردن خود نیز انداختند در هنگامیکه ژول سزار جهت خاموش ساختن شعله های آزاد یخواهی این مردم مؤظف گردید، خشم عمومی سرتاسر آن مناطق را فرا گرفته بود و جنبش های آزادی بخش ملی سر بازان رومی را بوحشت انداخته بود اما سزار با پیروی از تکتیک خاص خود که نفاق افکنی در بین قبایل و ملیت های مختلف آن مناطق بود روز به روز نفوذ خود را قایم ساخت و افراد یک ملیت را به ملیت دیگر استعمال نمود و گاهی از ملیت قوی پشتیبانی نمود و بشکل و حشیانه ملیت مغلوب را قتل عام نمود و خانه هائی شانرا بتاراج برد زیرا سزار حریص این موقع متناسب را خیلی ها غنیمت شمرد و آن خواست از یکطرف غنایم جمع آوری کند از طرف دیگر یک عده سر بازان قداکار را از خود بسازد.

بالاخره سزار بعد از زحمات زیاد توانست پنجاه هزار سرباز در اطراف خود تهیه نماید در قشله ها ئیکه سزار عساکر خود را جابجاساخته بود انضباط و دیسپلین شدید را قیام ساخت و خودش نیز چون یکسرباز عادی دایم از احوال از احوال آن ها و ارسی نمود پروا و تطایقات های آنها که عبارت از انواع مسابقات عسکری و حملات در قلعه هائی مستحکم بود شخصاً مراقبت میکرد و حتی به بعضی از قهرمانان آنها در جشن ها مسابقه مینمود. و عساکر یکدیگر درین مسابقات از خود رشادت نشان میدادند مکافات میداد، و اکثری از قوماندانان خود را از اینها انتخاب مینمود، سزار بر قشله دایم بالباس عادی می آید و آنچه را که عساکرشن میخورند آن نیز از آن صرف می نمود و حتی در بعضی از جنگ های قبیلوی و کوچک خودش در صف اول عساکر قرار میگرفت و در حملات تعرض بیش از همه اسب میتاخت از مرگ کمترین ترسی نداشت انسان دلیر و با شهامت بود و انواع مختلف خطرات را بخود قبول مینمود ازینرو بزودی درین عساکر خود یک محبوبیت خاصی کماهی کرد و افراد معیتی اش افتخار مینمود که دوش بدوش قوماندانان دلیر خود بجنگند و در تمام پیکارها از صمیم دل به آن یاری کنند، چنانچه در یکی از حرب هائی که در سال ۵۷ قبل از میلاد در آن مناطق رخ داد (یلژها) یکی از ملیت هائی آن مناطق در مقابل سزار سه صد هزار عساکر فراهم کردند اما در مقابل سزار پنجاه هزار عساکر داشت در نزدیک (الس) جنگ خونینی درین آنها در گرفت سزار در حالیکه در وسط عساکر خود قرار گرفته بود بیش از همه به حمله پرداخت چون تعداد عساکر دشمن خیلی ها زیاد بود جناح راست عساکر سزار به عقب نشینی مجبور

شد زیرا فر علم و اکثری از قوماندانان آن جناح از بین رفتند سزار در آن لحظه حساس و بحرانی موفقیت رادرك نمود و خود را با آنجا رساند عساکر یکدیگر میخواستند عقب نشینی کنند بسا دیدن سزار جرات گرفتند در حالیکه سزار شخصاً آنها را سوق و اداره مینمود دوباره به حملات خود پرداختند در نتیجه باعث شد تا دشمن شکست بخورد و این حرب بود سر نوشت سزار را متیقن ساخت شهامت و دلیری آن بزودی در بین مردم پخش شد، و رقبایش به تشویش افتیدند تا بهر شکایککه میشود سزار را از سر راهی خود دور کند.

این موضوع از نگاه تدقیق مسایل عسکری مخصوصاً از نگاه روانشناسی یکی از پر اہم های مهم و خیلی های پیچیده در تاریخ جنگها میباشد که چگونه سزار به این عده قلیل توانست یک ار دوی بزرگ را به شکست مواجه بسازد، البته جواب این موضوع را خوانندگان ار جمند نیز از مطالعه سطرهائی قبلی درک کرده باشند زیرا در هر جنگ آنچه که پدیده هائی رومی و معنوی رول قاطع دارد سلاح و کثرت عساکر کمتر می تواند به پیروزی تأثیر وارد کند البته ابتکار و سوق و اراده قوماندانان با پیروی از یک لیدر شیبی معقول نیز بنوبه خود تأثیر عمده را بازی میکنند.

یگانه علت پیروزی سزار درین جنگ تاریخی آمادگی قبلی اش در حصار بود البته شهکارها شهامت و خود گذری هائی سزار نیز در پیروزی عساکرشن بی تأثیر نبوده است.

سزار در تکنیک های جنگی دایم از روش اسکندر مقدونی پیروی میکرد در حملات تعرضی علاقه عجیبی داشت و گاهی تمام فتوحات خود را به اسکندر ارتباط میداد و آرزو داشت چون سکندر مرد بزرگ تاریخ شود.

سزار برای نیل بحرام خویش خواست بزودترین فرصت سرتاسر مناطق گل را تحت سلطه خود در می آوردند نگذاشته بود که باین آرزوی خود موفق شود و در پایان سال ۵۶ قبل از میلاد تسخیر گل ظاهر با تمام رسید. سپس ژول سزار رم را وادار نمود حکمرانی و اقتدار او را تا پنج سال دیگر امتداد دهند میخواست با تشبثات و اقدامات خارق العاده چشم هموطنان را خیره ساخته همه رقبای خود را به فراموشی اندازد بهانه محافظه متصرفات جدید خویش از هجوم همسایگان بخاک ژرمن و مملکت بریتانیائی کبیر حمله ور گردید بعضی از قبایل ژرمن را که از آن عبور نموده بودند از میان برداشته سپس در نزدیکی بن هلی بر روی آن شط بزرگ کشیده ساحل یمن رود خانه قدم گذارد جنگ با ژرمن ها چندان طول نکشید زیرا حزم و احتیاط سزار مانع بود که در جنگل های انبوه و ناشناخت آن نواحی سرگردان شود لذا پس از ۱۸ روز بگل مراجعت نمود.

برای عبور از دریائی مانس و دخول بخاک بریتانیای کبیر اقدام کرد گویا این دفعه نیز موفقیت نصیب وی نشد زیرا بزودی بگل برگشت و محض اینکه زیر بار بدنامی نماند در زمستان و سایل لشکر کشی دیگری را فراهم ساخت.

در ماه ژوئیه سال ۵۴ قبل از میلاد ۸۰۰ کشتی با بیش از سی هزار عساکر تهیه نموده در ساحل انگلستان یعنی شمال دو ورلنگر انداخت لیکن «کاشی» و «الان» رئیس قبایل بریتانی بخوبی مقاومت نموده زیرا عساکر وی بر عرابه های سبک سوار بوده میتوانستند بسرعت حرکت کنند. رومیان از تعقیب دشمن که برای جنگ حاضر نبود و مرتباً عقب می نشست خسته شدند،

پس از آنکه بازحمت زیاد از رود تا میز گذشته قلعه کاسی و لآن را مسخر کردند و دوباره از مانش گذشته سملکت بریتانیا را ترك گفتند .

اما بزودی جنبش آزادیبخش ملی سرتاسر گل را فرا گرفت و در هر گوشه و کنار بر ضد رومیان بقیام آغاز نموده و طرفداران ایشان را از بین بردند، در آخر سال ۵۴ قبل از میلاد مردم گل شمالی و شمال شرقی و مخصوصاً طوایف «ابوان» و «ترویر» که از دیر زمانی به هیجان آمده بودند ناگهانی طغیان نمودند و نافر با سم «آمریکس» از قبیله ایوان و «اندویتومار» از طایفه ترویر با وحدت و همکاری یکدیگر در راس آزادیخواهان قرار گرفتند بی خبر به یکی از فرقه های ژول سزار که نزدیک شهر «شیر» از دوزده بود حمله کرده آنرا قتل عام نمودند فرقه دیگر رومی که تحت قوماندۀ برادر ستیرون بود در حوالی «سایر» محاصره شده سزار فوراً خود را رسانده اورانجات داد اما در تمام گل مخصوصاً در گل مرکزی روز به روز ساحه پیکار آزادیخواهان وسعت پیدا نمود و ژول سزار تمام سال ۵۳ قبل از میلاد را جهت سرکوبی آزادیخواهان صرف نمود، سزار میخواست بواسطه مجازات شدید رعب خود را در دل مبارزین و وطن پرستان گل جای دهد و آنها را وادار بسازد تا هر نوع آرزوهای آنها بپذیرند .

چنانچه اکثری شهرهای آن مناطق بانهدام و خرابی کامل دچار گردید دهات را آتش زدند مجوسین و آزادیخواهان را سر میبردند یا بغلای میفرودختند تا بدینصورت به رویاهای امپریالستی خود تحقق بخشند زیرا بعقیده سزار از اینکه مردمان گل بیش از یک

قرن شده بود تحت نفوذ وسلطه امپراطوری روم در آمده بود هر نوع جنبش آزادیخواهی مردمان گل را در چو کات مفهوم بغاوت و خیانت به روم تلقی میکردند سزار گمان میکرد که گل جزوی از خاک امپراطوری روم

خطاها و معایب

اگر میخواستی بتوانی عیبهای همسایه ات را تحمل کنی نگاهی به عیبهای خود کن . (مولینوس)
- آنکس که عیبی خطائی از خود نشان نمیدهد، یاسفیهه است یاریا کار و نباید باو اعتماد داشته باشیم . (ژوبر)

- وقتی که عیب ما تنها بر خود ما معلوم باشد، به زودی آنرا فراموش میکنیم . (لاروشفو کو)

- مواظب دشمنان خود باش - چه ایشان قبل از همه عیبهای ترا میجویند . (انتیستنس)

- اگر بی عیب بودیم ، به این اندازه از نقایص کسانی که با ایشان معاشرت داریم . دچار ناراحتی نمی شدیم . (فلون)

- هر کس برای دیدن معایب و نقایص دیگران چشمانی چون چشم عقاب دارد . (دراید)

- اعتراف کردن بخطاهایش از سر زنش شنیدن . نشانه حیاء و تواضع است . آنها را صاد قانه بر دوستان مکشوف کردن نشانه اعتماد است ولی با توجه نکردن کسی با آنها همگان را از آن آگاه کردن نشانه غرور است . (کونفوسیوس)

میباشد مفهوم ملت سابقه تاریخی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مخصوصاً شرایط تاریخی کمترین ارزشی نداشت و تمام جنایات ها و وحشیگری های خود را بخاطر روم یک اقدام افتخارآمیز

و وطن پرستانه میدانست و هر نوع آزادی خواهی مردمان گل را بحال فوق العاده خاموش میساخت و هرگز تصور نمیکرد که این وضع باعث پدنامی تاریخی آن شده و تا آخر نمیتواند ادامه پیدا کند .

این اجرات و عملیات وحشیانه به نتیجه مطلوبه منتهی نشد برعکس خشم و غضب مردم را زیادتر کرد هنوز صدای آزادیخواهی يك قوم خاموش نشده بود که قوم دیگری به جنبش بزرگتر و منظم تری اقدام میکردند در مرحله اخیر تقریباً تمام قبایل گل سر بلند کرده برای حفظ استقلال خویش متحداً تحت درایت سر کرده جوان که «ورسن ژتريكس» نام داشت گرد آمدند این جوان که در اردوی رومیان جنگیده و بلقب «دوست سزار» مفتخر شده بود بخاطر آزادی وطن خود خطرناکترین دشمنان دوستش سزار گشت چون شجاع و فصیح جسور و وطن دوست بود بزودی تمام جوانان گل به اطرافش جمع گردید این جوانان تجارب جنگی کمتری داشتند با وصف دلیری ها و خود گذری ها و دادن تلفات زیاد به عساکر دشمن بالاخره در یکی از قلعه محصور شدند «ژتريكس» چون دید امکان پیروزی موجود نیست بخاطر نجات دوستان و عساکرش خود را به سزار تسلیم نمود و سزار آنها را به رم فرستاد اولین سبب این موفقیت که نصیب ژول سزار گشت اتفاق و تشبیت مردمان گل بود و صفيکه «ژتريكس» مساعی خود را فوق العاده بخاطر وحدت آنها بخرچ داد موفق نشد والی اردوی سزار هر قدریکه قوی می شد اما در مقابل اراده قوی مردم هیچ کاری ساخته نمیتوانست علت دیگری، ظفریت سزار بشکل ضحنی برتری تعلیم و تربیه عساکر سزار بود که

تحت پروگرام عالی تعلیمات دیده بودند که بواسطه صاحب منصبان لایق با انضباط و بسیار ورزیده و خوب مسلح و بفتون جنگی کاملاً آشنائی داشتند، اما برعکس دشمن مقابل شان غیر از کثرت عده و رشادت بی نظیر و بی باکی از مرگ هنری نشان ندادند، با اسلحه بد و ناقص در کمال بی نظمی جنگ کرده بزودی مایوس میشدند، لیکن بزرگترین سبب سرعت تسخیر همان سوق و اداره معقول قریحه و استعداد بی نظیر و لیاقت بی مانند سزار بود، صفاتی که سزار را در ردیف ستراژیستی است و نوابغ عسکری یعنی اسکندر تالی و هانیبال قرار داده عبارت بود از، ادراک صریح و روشن نقشه‌ای که بایستی تعقیب نشود، سرعت اتخاذ تصمیم و اجرای انشآت قوت بدن که بواسطه آن میتوانست در تمام زحمات و خستگی‌های سربازان شریک باشد شجاعت که بواسطه آن در بحبوه جنگ خود را میان عساکر انداخته انهارا تحریک و تشویق مینمود، با اطمینان از خود و از سپاهیان خود میتوانست نقشه جاه طلبانه را اجرا نماید و صاحب اختیار مطلق و فرمان فرمائی استقلال رم گردد درین هنگامیکه سزار بخاطر وسعت امپراطوری روم و تامین نظم و امنیت مناطق مستعمراتی روم مشغول بود در جهت اشغال نفوذ و قدرت در بین و قیامی سزار يك بحران فوق العاده پدید آمد هر کدام از اینها میخواستند زمام امور روم را بدست گیرند.

از موقع سزار نیز استفاده نمود، آرام نه نشست و در کمترین فرصت با یکعده زیاد از عساکرش خود را به روم رساند، پمپه رقیب سر سخت خود را شکست داد و تمام اختیارات روم را بدست گرفت و بدینصورت

تحصیل پیشرفت‌ها و مظفریت‌های درخشان با شرایط بسیار صعب برضد عساکر یکه در عده از سپاه او بیشتر بودند و با معاندت سرگردگانی نام آور سزار را بدرجه مالک الترمای ارتقا داده بود بعداً کسب دیکتاتوری تدریجاً تمام، مشاغل مملکتی را در دست خود گرفت سزار بعد از يك سلسله اصلاحات در تمام شئون حیات اجتماعی رؤم بيك اقدام دیگری دست زد که تا آن وقت کسی جرئت نمیکرد به چنین اقدامی دست بزند سزار میخواست جمهوریت روم را بسلطنت مبدل سازد تاریخ صد سال اخیر مدلل نموده بود که نه طرفداران سنا و نه حزب ملیون هیچ يك بر اداره مملکت قادر نیستند از زمان گراکها تقریباً همیشه آتش انقلاب و جنگ‌های داخلی در روم مشتعل بود سزار معتقد بود که تنها یکنفر سلطان مستبد میتواند در رم و قلمرو وسیع آن امنیت و انتظام را کاملاً برقرار دارد و میل داشت خودش چنین پادشاهی باشد، برای حصول منظور فوق دستور داد

احترامات فوق العاده در حق او معمول دارند و سزار مایل بود بواسطه شوکت و جبروت خود بر عاید مدلل دارد که از بشر و بالا تر است از همین ملحوظ سزار به اقداماتی دست زد که در نتیجه سنا بکی اهمیت خود را از دست داد، غالباً سزار با آن مشورت نمیکرد و هر چه را که خودش میخواست مورد اجرا قرار میداد اما این وضع تا دیر دوام نکرد زیرا در روم جمهوری طلبانی یافت شد که از این سیاست منزجر بودند، ملت نیز که بعبادت و رسوم قدیمه خود علاقمند بود بفرمانروائی آن تن در نمیداد، همان بود بعضی از جمهوری طلبان تصور میکردند اگر سزار کشته شود حکومت جمهوری نجات خواهد یافت لهذا با بهانه بروز عید مریخ (۱۵ مارس سال ۴۴ قبل از میلاد) سزار را بسنا خواستند و در آنجا قتل رسانیدند و بدینصورت رؤیا هائی جا طلبانه خود را ژول سزار بدین شکل بپایان رسانید.

خطاها و معایب

— در آن کوش که نسبت بخطاها و نقایص دیگران بردبار باشی، چه خود بسیار خطاها و نقایص داری که دیگران باید آنها را تحمل کنند تو که خود نمیتوانی خویشتن را چنان بسازی که دوست داری چگونه توقع آن داری که دیگران را در قالبی بریزی که با خواسته‌ات موافق باشد. (توماس اکمپیس)

— مرد هوشمند نیز مانند مرد سفیه ضعفهای اخلاقی دارد. یکی ضعفهای خود رامیداند و آنها را از دیگران پنهان میکند. ولی از ضعفهای دیگری همگان باخبرند و خود او هیچ آگاهی ندارد. (ج ماسون)

— در پاس اول شب که بیداری درباره معایب خود بیندیش و در پاس آخر آن که بخواب رفته‌ای در باره معایب دیگران بیندیش (ضرب المثل چینی)

— مردمان غالباً نسبت بخطا و گناهان همسایگان خویش بسیار بیرحمی نشان میدهند و سقوط آنان را نشانه فضیلت دروغین خویش می‌شمارند. (سرپ سیدنی)

— گناهان سرد این دنیا کيفر می‌بینند و گناهان قلب در دنیای دیگر ولی چون اغلب گناهان ماصورت تر کیمی دارد. کيفر نیز چنین میشود. (کولتون)

از آن هر شب بحال من دل شیدای من گرید
 که چشم آرزوی در ماتم فردای من گرید
 بسر گردانی من میبرد باد صبا حسرت
 که بنشیند بچشم ابرو در صحرای من گرید
 منم آن سیل سیلی خورده توفان حوادث را
 که موج فتنه همچون قطره در دریای من گرید
 مرالبریز از می گر شود ساغر نمی خندم
 که بال عقده پنهان در گلو مینای من گرید
 شهر شب دام با مرغ شب خوش الفتی دارد
 که خون آلوده نای، از ناله هم آوای من گرید
 من آن بیگانه از خویشم که شمع محفل هستی
 به آئین دگر در خلوت شبهای من گرید
 بزخم جان من گر مدعی امروز می خندد
 چرا نالم؟ که فردا شر مگین در پای من گرید
 بلای جان هر صاحب سخن باشد سخن آری
 که بر مرد سخن اینجا دل بینای من گرید
 من امشب با «امید» از سوز دل گویم سخن «مشفق»
 «که همچون نخل باران خورده سر تا پامن گرید»

حسرت

و فرشته آرزوها

یکشب «ماک تاریش» بخواب
 رفته بود... فرشته زیبائی بیالینش
 آمد و گفت:

— من فرشته آرزوها هستم..
 هر چه از من بخواهی و هر آرزویی
 داری برآورده خواهیم کرد.
 «ماک تاویش» باخوشحالی فریاد زد.
 — هر آرزوی داشته باشم؟
 فرشته گفت:

— بله... هر آرزویی داشته
 باشی... ولی این راهم بدان که هر
 چه تو بخواهی دو برابر رابه رقیب
 تو «ماک دوتالد» خواهیم داد...
 خوب حالا هر چه میخواهی بگو.
 «ماک تاویش» لحظه ای مکث
 کرد و سپس گفت:
 — ای فرشته آرزوها... فوراً
 مرا از یک چشم کور کن!



محمد هاشم
(غمشريك)

غواړی

د قام خدمت قوی همت غواړی
 خان تر منزله رسول په بیړه،
 دوطن شاری چه گلزارشې توبلی
 ملگرو قوم پورته کول دنیا کتبی
 راعی چه سحوه او نابود کړوهغه
 چه مال او سر کړی صدقه له وطن
 خود به تاریخ و ربا ندی فخر کوی،
 او چه د قام بوتی خوراک وی دچا
 دغسی لوی لوی خاینان ور کول
 دخپل تاریخ او ثقافت ساتنه

(غمشريك) سرغواړمه هغه آرزو

چه ږی ملت او هم دولت غواړی



الف

دشاعر نظر

زه ئی بیژنم شاعر دی بل غوک ندی
 چه دالوی جهان وړو کی ورته ښکاری
 دوریښمو او زر لفتو ښانسته تو کسی
 د ندادان په تن زړو کی ورته ښکاری
 طوفانی دریاب کتې د مظلوم او ښکی
 د دنیا بحر له وکی ورته ښکاری
 چه خپل نفس نشی وژلی که سل وزنی
 انا توانه و پریدونکی ورته ښکاری
 د دنیا فانی عیشو نه نعمتونه
 د سپی مخکی پروت هلو کی ورته ښکاری

ضرب المثلها

درباره گل

گل سرخ پرورش دهید تازمین
شما به گلستان مبدل شود خار مکارید
که در پایتان فرو خواهد رفت .

« فارسی »

گل هارا که تقسیم میکردند، گل
سرخ نصیب خار شد . « ترکی »
گلی که بامداد می شکفتد ، ظهر

پژمرده می شود (این در مورد
کسانی گفته می شود که در طفولیت

هوش و ذکاوت فوق العاده از خود
نشان میدهند ولی در کمهولت کار

مهمی انجام نمیدهند . « جاپانی »
گل سرخی که آنرا زیاد بویش
میکنند، عطر خود را از دست میدهد

اسپا نیائی
گل های زیبا در کنار سرك
نمی ماند . « سویدی »
گل را نگاه بدار ، تمامیه را

بخوری . « بلغاریائی »
عشق گلی است که در موقع
ازدواج به میوه تبدیل میشود .

فنلاندی

در باره قمار

شیطان شريك قمار باز است .
« انگلیسی »

خوشبختی از قمار باز فراری است
« فرانسوی »

هروقت از بالای قمار بلند شدی
به موقع بلند شده ای « اسکاتلندی »
قمار باز کوراست ولی کسی

که پهلوی دست او نشسته خوب
می بیند « چینی »
قمار دایم خنده را از لبان مرد

دور می کند . « انگلیسی »
چای سرد و برنج سرد را میتوان
تحمل کرد ولی نگاه سرد و سخن

سرد قابل تحمل نیست « چینائی »

از فروغ فرخزاد

خانه متروک

دائم اکنون از آن خانه دور

شادی زندگی پر گرفته

دائم اکنون که طفلی به زاری

ماتم از عجز مادر گرفته

هر زمان میدود در خیالم

نقش از بستر خالی و سرد

نقش دستی که کاویده نو مید

پیکری را در آن باغم و درد

بینم آنجا کنار بخاری

سایه قامتی سست و لرزان

سایه بازوانی که گوئی

زندگی را رها کرده آسان

دورتر کودک خفته غمگین

در بردایه خسته و پیر

بر سر نقش گل های قالی

سر نگون گشته فنجانی از شیر

پنجره بازو در سایه آن

رنک گلها به زردی کشیده

برده افتاده بر شانه در

آب گلدان به آخر رسیده

گر به بادیده ای سرد و بی نور

نرم و سنگین قدم میگذازد

شمع در آخرین شعله خویش

ره بسوی عدم میسپارد

دائم اکنون گزان خانه دور

شادی زندگی پر گرفته

دائم اکنون که طفلی بزاری

ماتم از هجر مادر گرفته

لیک من خسته جان و پریشان

میسپارم ره آرزو را

یار من شعر و دلدار من شعر

میروم تا بدست آرم او را

فوکر چرچیل

چرچیل در زمان جنگ دوم

جهانی نوکری داشت بسیار پیر که

گوش هایش سنگین بود روزی که

آلمانها لندن را بمباران می کردند

نوکر مزبور سر بیخ گوش چرچیل

نهاد و گفت تو باید خیلی بیشتر از

خودت مواظبت کنی : آخر خوب

لیست آدم اینقدر پسر و صدا سرفه

کند ؟



یک بو بیره

خانمی در جاده چشمش بدوست
قدیمی اش افتاد .

پیش رفت و گفت :

— او . . . « جینا » . . . چه

بالا پوش قشنگی . . . این را تازه

خریده ای ؟

— بله . . . چطور مگر ؟

— خیلی عالی است . . . ولی

شوهرت چطور حاضر شد آنرا بخرد

— بخاطر یک بوسه .

— راست میگوئی . . . یک بوسه

شوهرت دادی و این بالا پوش را برای

تو خرید !

— نه جانم . . . من روزی او را

هنگامیکه زن پیشخدمت را می بوسید

غافلگیر کردم . . . !

تلفون و زن

آشپز وارد اتاق شد و دید خانم

مشغول صحبت با تلفن است . . .

بدینجهت روبه آقا کرد و گفت

— ببخشید . . . اجازه میدهید

شام را بیاورم ؟

آقابه عصبانیت گفت :

— نه . . . یک ساعت بعدتر

بیاورید .

— چرا قربان . . . شام که حاضر

است .

— میدانم . . . ولی مگر نمی بینی

خانم تازه نیم ساعت بیشتر لیست که

بامادرش تلفنی گپ میزند .

تحقیقات در اعماق قاره منجمد :

در آغاز سال ۱۹۵۶ به منظور تحقیقات، در خصوص عوارض طبیعی، ساختمان و وضع جوی و طرز زندگی در قاره انترستیکا، مرکز اکتشافی بنام میرنی « صلح » از طرف شوروی تأسیس شد. در عین زمان بکمک طیارات، دانشمندان اکتشافاتی مختلفی را در سواحل (پراودا) حوالی مرکز اکتشافی اجرا نمودند.

و صدخانه درجه اول میرنی (صلح) که شامل دستگاه‌های او آزیس - پیوتر کمسومول - وستوک - پولیوش - لازادیو مولودیوژ و غیره میباشد، در

محمد یوسف « ازرق »

انترستیکا یا قاره ششم

تورن « کشاف » قوای هوایی و مدافع هوایی

شرائط فوق العاده مشکل طبیعی و جوی در مناطق معینه تعبیه و معلومات ذیقیمتی به مرکز اصلی ارسال نمودند.

دستگاه وستوک، پرده از اسرار سردترین قطب زمین برداشت. اقل درجه برودت در منطقه مذکور منفی ۳، ۸۸، درجه سانتیگراد و برودت متوسط در ماه آگست منفی ۷۱ درجه سانتیگراد ۱۵ ثبت گردید.

به استناد معلومات منتشره، قاره متذکره از نگاه شرایط اقلیمی به مناطق جداگانه ذیل تقسیم شده است :

۱: فلات انترستیکای مرتفع

سردترین اقلیم کره ارض خاصه

این منطقه است. درجه متوسط برودت شبا روزی تابستانها منفی ۳۰ - ۳۵ درجه سانتیگراد و زمستانها تا منفی ۷۰ درجه سانتیگراد و پائینتر ازین مشاهده میشود. اندازه بارندگی ناچیز و از حدود ۲۰ الی ۶۰ ملی متر سالانه تجاوز نمیکند.

۲: مناطق نشیب دار انترستیکاکه

توسط خطوط ایزوگیسی ۲۸۰۰-۳۰۰۰ متر محدود شده و قسمت هائیکه از ساحل

ده ها کیلومتر بعید ترند:

درین مناطق بعرض ۶۰۰ - ۸۰۰ کیلومتر وزش یادهای ثابت بسرعت ۹-۱۳ متری ثانیه و یا بیشتر ازین حدود

۴: مناطق یخچال های شناور :

هوای این منطقه تقریباً بصورت دائمی ابر و مه آلود است و از دو قسمت عبارت میباشد: مناطق غربی و شرقی یخچالهای شناور.

۵: منطقه آب های آزاد و وسیع

انترستیکا :

عرض البلد ۵۰ را احتوا نموده. دارای آب و هوای بارانی و طوفانی است.

۶: منطقه اقلیم معتدل :

درجه حرارت تا بستانها منفی ۵-۱۲ درجه سانتیگراد و زمستانها منفی ۱۰ - ۱۸ درجه سانتیگراد بوده، فعالیت های شدید سیکلون ها و جریانات هوایی در قسمت های مرتفع خاصه این منطقه است.

با استفاده از معلومات بیوفزیک و اجرای عکاسی های مختلف هوایی، خریطه های مفصل فورم سطح قاره تهیه گردیده، که ضخامت متوسط یخ مساوی ۱۹۰۰ متر و اعظمی ۴۳۳۵ متر، ارتفاع متوسط قاره از سطح بحر ۲۳۰۰ متر و اعظمی ۴۰۰۰ متر، نشان داده شده است.

نتایج تحقیقات آخر، نشان میدهد: انترستیکا اجتماع جزائر نبوده بل قاره وسیع است که در تحت قشرهای سنگین یخ به اعماق زمین فرو رفته است. فورم سطح قاره در زیر قشرهای یخ دارای ساختمان و اوصاف مغلق بوده، سلسله جبال های بزرگی به ارتفاع ۳۰۰۰ متر و گودالها و فرو رفتگی های به عمق ۱۱۰۰ متر نسبت به سطح بحر مشاهده شده است. اوصاف عمومی قشرهای نازک یخ و برف واضح، و تعیین

در جریان است. درجه برودت متوسط شبا روزی تابستانها منفی ۲۰-۲۵ درجه سانتیگراد و زمستانها منفی ۴۰ درجه سانتیگراد و پائینتر ازین بود. اندازه بارندگی در حدود ۲۰۰ - ۳۰۰ ملی متر سالانه است.

۳: مناطق ساحلی انترستیکای:

اقلیم خشک و بادهای مکرر طوفانی خاصه این منطقه بوده روز های آن عموماً آفتاب نیست. درجه حرارت تابستانها در حدود صفر و زمستانها منفی ۱۰-۲۵ درجه سانتیگراد و بعضی اوقات تا منفی ۳۰-۴۰ درجه سانتیگراد میرسد.

گردیده که ضخامت آن ۱۶۰-۲۰۰ متر و دارای ساختمان مغلق تکتونیک است و در نتیجه حرکات یخ‌ها به وجود آمده است.

سرعت حرکات یخ‌ها که از قسمت مرکز جانب نقاط دور دست متفرق میگردند، بالترتیب نسبت افزایش میلان سطح افزوده میشود. در نزدیکی قسمت‌های قطع شده ساحلی این اندازه مساوی ۲۰۰-۳۰۰ متر در سال است. سرعت حرکات کتله‌های عظیم یخ در مناطق طرف تحقیق سالانه الی ۱۰۰۰-۱۲۰۰ متر می‌رسد.

در نتیجه تحقیقات متواتر واضح گردیده که یخ‌های انترستیکابه شدت تمام از اجزای اصلی خود هادور میشوند و بطور اوسط در جریان ۱۰۰ سال قشر اصلی فوقانی زمین را به اندازه ۵ ملی متر می‌تراشند.

اینکه در اعماق قاره متذکره، موجودیت معادن سنگ آهن، ابرک، بیریلوم، بلور کوهی، فلزات قیمتی، ذغال سنگ، سنگ‌های نکل مس و گرم متصور است، بنابراین فرضیه فوق (موجودیت معادن) شاهد آنست که: بنای، اساس و ریشه پلا تفرور قاره متذکره از اعماق زمین است.

بصورت عموم قاره انترستیکایا بان منجمد و مرده است. مگر در قسمت‌های ساحلی آن زندگی متنوع و فراوان وجود دارد:

مخصوصاً پنگوئن‌ها (یک نوع مرغ آبی شناور که پرواز نمیتواند) که فقط انترستیکا و بعضی قسمت‌های دیگر نیم کره جنوبی برای ادامه حیات شان مساعد است و از اعصار قدیم درین سرزمین بسر می‌برند، از نگاه بیولوژی اکنون پنگوئن‌ها دارای انواع مختلف است.

در آب‌های انترستیکایا انواع مختلف نهنگ‌ها از قبیل: خوک دریائی، پلنگ‌های دریائی که فقط بخاطر پوست رنگارنگ لکه‌دار خویش به این نام مسمی است، وجود دارد. دندان‌ها و شکستگی‌های ساحلی را تا بیستانها دواله یا اشنه‌ها (سبزه مخصوص یالک‌های کبودی که در روی سنگ یاساقه درختان می‌روید) و خزها می‌پوشد که مرکز تجمع لانه‌های اکثر طیور از قبیل مرغ طونها - کیوتر صحرایی قطبی، مرغان شکاری و یاغو (ماهی خورک) است.

ماهی شناسان شوروی موفق شده اند ۹ خانواده مختلف ماهیان را درین

سرزمین تعیین کنند.

اجتماع و تمرکز انواع مختلف پلانکتون‌ها (حیوانات خورد بحری که فقط در اثر جریان‌های بحری از جای بجای منتقل میشوند) که غذای عمده نهنگ‌ها را تشکیل میدهد درین قسمت‌ها با مقایسه آب‌های دیگر جهان در هر متر مکعب به مراتب بیشتر است. در بالای قشرهای رسوبی ساحلی فیل‌های حیوانات ناعمه (نرم تنان) و صدف‌ها مشاهده میشود که به منظور تامین فعالیت زندگی شان در آن موقع باید درجه حرارت آب‌های موجوده نواحی انترستیکابه اندازه ۵-۱۰ درجه سانتیگراد بیشتر گرم می‌بود. به اسناد این امر فرضیه موجود است که نادره سوم جیولوژی، هنوز یخ‌برین قاره مستولی نبوده، اقلیم معتدل ۲۰-۲۵ درجه سانتیگراد بیشتر نسبت به وضع موجوده داشته است.

ساخت قشرهای یخ در انترستیکایا مساوی ۱۲۰۰۰۰۰ کیلو متر مربع است و ضمناً حجم یخ‌ها بصورت تخمینی محاسبه شده است که اگر ذوب میگردند سوئه آب‌های اوقیانوس‌های جهان، نسبت آن باید به اندازه ۵۰-۶۰ متر بلند برود.

از سخنان

پیغمبر

اسلام

- * متفورترین مردم پیش خداوند آن کسی است که ایمان آورد و سپس کافر شود.
- * بدترین از همه مردم پیش خداوند در روز قیامت کسی است که مردم از شر او بترسند.
- * طلبکار بر قرض دار تسلط دارد ناهنگامی که قرض خود را بپردازد.
- * برای شما در دنیا چیزی که باندازه توشه مسافری باشد کافی است.
- * ستمگران و یارانش در جهنم است.
- * از قرض بپرهزید که قرض مایه عم شب و ذلت روز است.
- * هر که بازیردستان خود بانیرنگ رفتار کند، اهل جهنم است.
- * دو چیز است که کیفر آنرا در دنیا زود میدهند: تعدی و بد رفتاری با پدر و مادر.

دراديو اکتیو په ضد مبارزه

دراديو اکتیف د ناوړو اغیزو د لږ منځه وړلو د پاره نوی طریقې کشفې شویدی



د فرانسوی منابعو څخه

دمغموم سره رودی ترجمه

نوموړی مادی د پولادو او یا نورو کلکو فلزاتو په کڅوړو کېښی و اچولی شی، د مسر او لاک کولو څخه وروسته په یوه ژوره کنده کېښی پتخه شی. د پتخولو په وخت کېښی دایو ضروری کاردی چه د محکمې د ژوروالی اندازه دستر گو څخه لیری نه شی او بلکه بهتره ده چه د ژوروالی اندازه زیاته وی.

د اټومی چاؤ دنو په موقع کېښی دغه راز دراديو اکتیف غازات هم تولیدیږی چه د دغو غازاتو له حملې څخه کنون (*Yenon*) یادولای شو دغه ماده په اټومی ریکتورونو کېښی د پیدا کیدلو څخه وروسته دلته بل «رطوبت» به واسطه پخپل سر محوه کیږی مگر دومره باید ویل شی چه د نوموړی مادی ناوړه اغیزه تر ډیرو وختونو پوری پخپل حال کېښی پاتی کیږی اوله مینځه نه شی. په اټومی ریکتورونو کېښی دغه ماده هغه وخت ورکه کیږی چه فلزی آلات لیری شی او د اټومی ریکتور ونو فعالیت ودریږی.

دغه راز کله چه اټومی ریکتور دسړی هوا په مرسته سره شی یو بل رقم راديو اکتیف چه «ارگن ۵۱» نومیږی تولید کیږی باید ویل شی چه دغه ماده د تیترون په واسطه (ارگن-۴) د بمباری کولو څخه وروسته تر لاسه کیږی. په کومه اندازه چه دریکتور

پیدا کیږی - لکه چه د اټوم د انرژي له وروستيو څیرنو څخه څرگندیږی دغه ماده دومره فعاله او اغیزه ناکه ده چه تر (۲۰) کالو پوری فعالیت کوی او نه محوه کیږی څرنگه چه دغه ماده په نباتاتو کېښی ډیر ژر نفوذ کوی او له بلی خوا د شیدو او نورو غذایي موادو له لاری د انسان په وجود کېښی لاره پیدا کوی ډیره خطرناکه ده.

لکه چه لیدل کیږی «استرونیتوم ۹۰» د شیدو له لاری ډیر ژر جسم ته ننوزی او په فعالیت پیل کوی دغه راز باید ویل شی چه نوموړی ماده په زیاترو حالاتو کېښی نباتی بوټوته زیان رسوی او د کروندگرو و حاصلات تباه کوی لکه چه دنړی په کومه سیمه کېښی یوه هوایی او یا تر محکمې لاندی چاودنه وشی پورتنی ماده تولیدیږی او همدا وجهه چه د وروسته پاتی هیوادونو په نسبت په مترقی او صنعتی هیوادونو کېښی دراديو اکتیف د تولیدولو د پاره زمينه مساعده ده.

د وروستيو تحقیقاتو په نظر کېښی نیولو سره باید اعتراف وکړو چه اوس اوس دراديو اکتیف د ټولو ذراتو او په تیره د «استرونیتوم ۹۰» د لږ مینځه وړلو او محوه کولو د پاره یوازی یوه اغیزه ناکه او گټوره طریقہ موجوده ده او هغه دا چه

یوه له هغو سترو پرابلمونو څخه چه د اټوم د انرژي په صنعتی اړخ کېښی دزیاتی الیمینتی وړگنل کیږی دراديو اکتیف د بقایاؤ د محوه کیدلو څخه عبارت دی چه په یوه پراخه اندازه د اټومی ریکتورونو څخه راپیدا کیږی راديو اکتیف د هغو موادو او ناوړو عناصرو څخه گنل کیږی چه په تدریجی ډول په یوه مساعده سیمه کېښی سره راغوندیږی او وروسته په نورو سیمو ښارونو او کلیو کېښی خپرېږی. تر کومی اندازی چه په دغه باره کېښی د وروستيو څیرنو څخه معلومېږی دراديو اکتیف محینی مادی د پیدا کیدلو څخه وروسته پخپل سر محوه کیږی اوله مینځه شی او همدا وجهه چه گورو په اټومی ریکتورونو کېښی دراديو اکتیف ذرات ددی په محای چه زیات شی ورځ په ورځ لیریږی او دغه لړوالی راپیښی چه نوموړی ذرات د پیدا کیدلو څخه وروسته پخپل سر ورک شویدی د پورتنی مفکوری په نظر کېښی نیولو سره سره بیا هم باید ووايو چه د پل پلونه گورو چه په زیاترو ریکتورونو او د اټوم د انرژي په صنعتی ساحو کېښی دراديو اکتیف ذرات په ډیره چټکی سره راغوندیږی. «استرونیتوم ۹۰» دراديو اکتیف له ډیرو فعالو ډولونو څخه گنل کیږی چه زیات خطرونه ورڅخه

بخش دسره هوا د جریان وقفه اوږده شی په هماغه اندازه د هارگن- د تولید و لو معیار هم زیاتیری .
 د رادیو اکتیف د غازاتو دله مینځه وړلو او محوه کولو د پاره آسانه چاره او طریقه داده چه نوموړی غازات په لوړو کوڅو- او غرنیو سیمو کښی اویا نورو اوچتو ځایونو کښی جذب شی او وروسته د ځمکی په هواره برخه کښی دیوی تخنیکي آلی په واسطه چه ریتکتور نومیری یو. آزموینه ترسره شی. ددغه آزموینی څخه مقصد دادی چه آیا د رادیو اکتیف ټول گازات محوه شوی دی او که نه ؟
 په لوړو ځایونو کښی د رادیو غازاتو د جذبیدلو یو ښیگنه داده چه د تنفس کولو له لحاظه انسانی ټولنو ژوو او پرندگانو ته زیان نه رسوی .
 ددی د پاره چه په اتومی تحقیقاتو کښی د رادیو اکتیف ټولی ناوړی آغیزی محوه شوی اوله مینځه وړلی شوی وی- دادی په دی وروستيو وختو نو کښی دیو شمیر فرانسوی پوهانو له خوا یوه نوی طریقه کشفه او د عمل په گرتو وړاندی شویده .
 لکه چه ددغو پوهانو په وروستیو

راهورنو کښی ویل شویدی دغه نوی طریقه د رادیو اکتیف د ټولو ذراتو دله مینځه وړلو په برخه کښی گټی لری او کیدای شی چه د لوموړی طریقی څخه په اتومی ریکتورونو کښی په ښه وجه استفاده وشی، دغه طریقه د لوموړی محل د پاره په یوه صنعتی دستگاه کښی و آزموینه شوه آزمویل شوی ښیښه وروسته داوبو په یوه یوه څاه کښی راښکته کړی شوه وروسته څرگنده شوه چه د رادیو اکتیف ټولی ذرات محوه شوی اوله مینځه تللی وو. د پورتنی آزموینی په تطبیق اوسرته رسولو سره په حقیقت کښی هغه مفکوره عملی شوه چه نس کاله پخوا د اتومی پوهانو په واسطه طرحه شوی وه .
 د سون د موادو د پراسس په موده کښی یوه ډول مایع پیدا کیږی چه په یوه زیاته اندازه رادیو اکتیف په کښی شته او دغه رادیو اکتیف دیورانیوم او پلاتونیوم له چاودنو څخه پیدا کیږی. په دغه راز مایعاتو او محلولونو کښی د رادیو اکتیف موجودیت داسی معنی وړ کوی چه باید نوموړی مایعات په ویالو، څاه گانو، سیندو نو او په ډنډونو کښی وانه چول شی ځکه چه د

څښلو اوبه سره گډیږی او وروسته دانسان په وجود کښی لاره پیدا کوی. دغه مایعات باید چه د مخصوص حرارت په واسطه تبخیرشی او هم د تبخیر ځایونه د اوسیدونکو کورونو څخه په کافی اندازه واټن ولری. دومره باید ویل شی چه دغه طریقه د اوږدی مودی د پاره ښه نه ده اودا ځکه چه په زیاترو حالانو کښی ددی احتمال شته دی چه یو شمیر فلزی لویښی زنگک و کړی اویا په ډنډونو ویالو حوضونو اوسیدونو کښی تحفظی عملیات ترسره نه شی .

د همدی مقصد د پاره اوس گورو چه دنړی یوزیات شمیر پر مخ تلل هیوادونه د اتومی موادو د گودامونو او ذخیره کونو په برخه کښی له پور احتیاط څخه کار اخلی که چیری رادیو اکتیف پیدا شوی ذرات او دیو رانیوم او پلاتونیوم مواد په مخصوصو ښیښو کښی وساتل شی غوره او گټوره نتیجی وړ کوی باید ویل شی چه د ۱۹۶۰ کال څخه د ۱۹۶۹ کال تر پایه پوری د رادیو اکتیف ذراتو دله مینځه وړلو او په انسانی ټولنو کښی دهغو ناوړو اغیزو په باب ډیری څیړنی ترسره شویدی .

خطاها و معایب

- بزرگترین خطا این است که آدمی بهیچ خطائی از خود آگاهی نداشته باشد
- اگر از یافتن عیبها خوشحال شوید ، از یافتن کمال ناراحت خواهید شد .
- مردمان بد از خطاهای خود معذرت میخواهند، مردان نیک از آنها دست بر میدارند . (بن جانسون)
- عیب جوینا طبع بیماری کنجکاوی و جاسوسی بعد افراط دارد و غالباً رشک او سبب میشود که عیبهای برای دیگران بسازد که اصلاً وجود ندارد . (شکسپیر)
- اثر هزار عیب بزرگ همسایگان در ما آن اندازه نیست که یکی از کوچکترین عیبهای خود مان . (واتلی)
- پست ترین مردمان عموماً کسانی هستند که عیب میجویند و آنرا با بوق و کرنا نمایش میدهند ، مخصوصاً کسانی بیشتر چینه بند که بتازگی از گمنامی بیرون آمده باشند هرگز ملاحظه این را نمی کنند که با کار خود راه را بدیگران نشان میدهند . (شنستون)

توقعات همکاریهای بین‌المللی در سطح ماه ...

(بقیه صفحه ۴)

رفت . از طرفی هم اهداف سایننتیفیکی از طرف عده زیادی در زمان تحول قرن ۱۸ به ۱۹ تأیید و تقویه گردید . گویا عصر قهرمانی زمانی بوده که مردم ممالک مختلفه جهان و محالکیکه هیأت‌های اکتشافی آن‌ها در قطب جنوبی مصروف فعالیت بودند ، انترست‌های سایننتیفیکی را پیدا نموده و بدین صورت مصارف گروپ‌های سیاحین و سیاحت‌هایشان را تأیید و تقویه می‌نمودند . بدین ترتیب به هر اندازه که وسائل نقلیاتی و حرکت در قلب این بر اعظم یخ و شرایط زندگی در سواحل آن انکشاف یافت بهمان اندازه يك عده زیادی از مردم متوجه انترست‌های خصوصی این سرزمین گردیده و پلان‌های سیاحت سایننتیفیکی طرح و ترتیب گردید ، از طرف دیگر وقتا جغرافیای این سرزمین و معلومات جغرافیائی آن روبه انکشاف گذاشت بهمان اندازه فعالیت‌های انکشافی بد مقصد بدست آوردن معلومات‌های جغرافیائی زیاد گردید . یکی از نتایج بزرگیکه از عملیات خیز بلند *Higgnmboqerafln* در قطب جنوبی بدست بشر افتاد همانا فوتوگرافی‌های هوائی-رحمات چندین ملت و استاسیون‌های نیم دائمی بوده که يك سلسله پرابلم‌ها را بدست بشر گذاشته که می‌باید هر کدام آنها توسط يك پروگرام سایننتیفیکی از نزدیک تحت مطالعات دقیق قرار داده شوند .

تاریخ حقیقی بین‌المللی قطب جنوبی در سالهای ۱۹۵۲-۱۹۴۹ از طرف هیأت‌های مختلف نارویژی و برتانوی وسویڈنی آغاز یافت . این سیاحت دارای اهمیت تاریخی بزرگی بوده و همین سیاحت تجویز همکاری جدی ساینس دانان سه مملکت مورد نظر را نموده و بسا تدقیقات علمی (از قبیل کیلشیولوجی (*Glaeiology*)) ، یعنی علمیکه راجع به یخ پارچه‌های بزرگ توضیحات می‌دهد) توسط وسایط رآلات نو تحت اجراء و بررسی قرار داده چنانچه سیاحت‌های بعدی توسط بسا وسایل و وسایط عالیتر تخنیککی که قبلادر این سیاحت‌ها مورد استعمال قرار نیافته بود ، انجام یافت . همکاری‌های فی‌مابین این سه مملکت چنان مودل و نمونه رارویکار آورد که میتوان آن ملاحظات را برای انکشاف دادن همکاری‌های قطبی در گانگره جیو فیزیکی بین‌المللی (*Tnfernafional geopgaical*) مطرح بحث و مذاقه قرار داد . درینجا بایست خاطر نشان کرد که تنها قطب جنوبی یگانه دلیل تشکیل کانگره جیوفیزیکی بین‌المللی نبوده بلکه معلومات‌های که از این سیاحت هاچه در داخل بر اعظم ، وچه از نگاه جیولوجی و گلشیولوجی

اجراً قرار داده شده است همانا او پراسیون‌های چمپ (*Operation High Jump*) یعنی عملیات خیز بلند می‌باشد که در سال ۱۹۴۷ از طرف امریکائی‌ها بوجود آمد که در پرتو همین سیاحت استیشن‌های دائمی در ارجنتینا (*Argentina*) و استرالیا ، *Austral* چلی (*Chile*) فرانسه و انگلستان تاسیس و از این مراکز سیاحت‌های قطب جنوب اکمال و اداره می‌گردید همین کیفیت مرحله آخرین تاریخ ملی قطب جنوبی را پایان رسانید .

رقابت‌های شدید و مسابقات بین ملتها در عصر قهرمانی حوزه قطب جنوبی در سالیان (۱۲-۱۹۱۱) عیسوی از طرف اموندسن سکات (*Amundsen Scott*) بسوی قطب جنوبی آغاز و این زمان رقابت بخط درشتی در تاریخ این حوزه رقم گردیده . همچنان رقابت‌های نسبتاً کم شهرت تری فی‌مابین ارجنتینا ، چلی ، برتانیای کبیر در بالای جزیره نمای قطب جنوبی در اواخر حرب دوم جهانی الی ختم امضای معاهده قطب جنوبی در سال ۱۹۵۹ بمشاهده رسیده این رقابت‌ها وقتی نمو کرده و رو به بزرگ شدن گذاشت که مناطق اشغال شده ممالک مختلف در قطب ، در ساحه تصرف ساحات مجاور داخل شده و موجب اینهمه تصادمات گردید . زیرا هر يك از این ممالک در بالای ساحه مشترك فی‌مابین دو مملکت ادعای جداگانه را نموده و آن ساحه را حق و ملکیت خود می‌دانستند . چنانچه آنشی که از طرف يك پارتی تفنگداران ارجنتینی در بالای گروپ برتانوی در هوپ بی (*Hope Bay*) یاخلیج امید به عمل آمد نشانه تطبیق اوامر و پرو فورمه (*Proforma*) وزارت‌های خارجی این ممالک بوده که از مسافات بس دور که بعد آن به هزاران میل می‌سید حرکات و سیاحت آن ممالک را درین حوزه منجمد اداره و کنترول می‌نموده این امر دارای حقیقت است که نوت‌های پروتست و احترازیه متعلق به اشغال منطقه و قنآوقتاً از طرف ممالک ذیعلاقه نشر می‌گردید که همین پروتست‌ها نظریات رسمی آن ممالک را در وقت آن واضح ساخته و بحیث يك پروتست رسمی دولت محسوب می‌شد .

تکنیک‌ها انکشاف و توسعه یافت :

در خلال این مدتی که فعالیت‌های رقابت آمیز ممالک ادامه داشت تکنیک و مسائل کشقیاتی انکشاف یافته و در نتیجه وسائل نقلیاتی و شرایط زندگی در قطب جنوبی بهتر ساخته شده

یکی از استعمال کنندگان درجه اول این شبکه مخابراتی (Tele communications) مرکز جوی امریکای کوچک در اضلاع متحده امریکا میباشد.

همکاری های اتحاد جماهیر شوروی و اضلاع متحده امریکا در قطب جنوبی در اخیر کانگره بین المللی جیو فزیک اداسه پروگرام همکاری در قطب جنوبی یک امر واضح و آشکارا دیده شد. در اینجا بعضی جواب دادن سوالات معین بسا مطالعات از قبیل گلیشو لو جیگل «qlaeiological» برای معلومات دادن اندازه طبقه یخ از بالای برف همچنان نتیجه منتج گردید که درین ساحه تدقیقات مزید تری دنبال گردد. پس وقتاً این حقیقت شناخته شد بایست همکاری های سایننتیفیکی ادامه یافته و کمیته تنظیم کننده کانگره جیو فزیک بین المللی بایست خود را به حیث کمیته سایننتیفیکی برای ریسرچ های قطبی مجدداً تشکیل نموده و تحت اداره اتحادیه های سایننتیفیکی مشاورتی بین المللی ایفای وظیفه بدارند. در هر تو همین پروگرام دیالوگ های (Dialogwr) دوامدار سایننتیفیکی در بین مثل ذی علاقه بدین ترتیب تضمین گردید. در عین زمان بحیث یک انیسیاتیو (Initiative) سیاسی اضلاع متحده امریکادعوتیه را برای تعامی ممالکی که در کانگره بین المللی جیو فزیک اشتراک نموده بودند ارسال و آنها را برای ادامه پروگرام همکاری برای استحصالی نتایج مفیده از سیاحت های قطبی دعوت نمود تا ایشان در پرتو رسیدن به یک موافقه بین المللی بتوانند درین ساحه همکاری های مفیدی برای یکدیگر انجام دهند. پس کنفرانس قطب جنوبی سال ۱۹۵۹ چنان معاهده و موافقت نامه مشهوری را درین ساحه بوجود آورد که در سال ۱۹۶۱ مجدداً از طرف ممالک عضو تایید و تقویه گردید تقریباً شصت سال بعد، از اولین سیاحت های ملی که عناصر سایننتیفیکن و بین المللی عملیاتهای قطب جنوبی را منجمد گردانید، حقیقتاً بحیث دلایلی و برای ادامه پوست ها و پایگاههای قیمتی در زیر زمین عرض ائدام نمود.

فعالیت های مشترکی که در خلال ده سال گذشته توسط ملت ها انجام یافته است متعدد بوده که یکی ازین مثالهای برجسته همکاری ها همانا همکاری های متقابل و مشترک اضلاع متحده امریکا و اتحاد جماهیر شوروی می باشد ولی ناگفته نماند که موفقیت یا عدم موفقیت همکاری این دو مملکت درین ساحه تأثیر قابل ملاحظه را در بالای همکاری های آنها در قسمت تدقیقات در سطح ماه دارا می باشد. و هر کدام این دو ملت یک انترست تاریخی را در کشفیات قطب جنوبی دارا می باشند ولی این هم فراموش نباید شد که هیچ

وهم از نگاه اینکه این براعظم اساس و تمهیدی را برای مطالعات حادثه های نظام شمسی تشکیل میدهد، موجب این شد که در کانگره جیو فزیک بین المللی پروگرام های بمقصد پیشبرد این سیاحت ها طرح و عملی گردد. علاوه بر آن، ساینس دانان پیشوا و ناظمین ملت های مختلفه که فعالیت های قطبی را تجویز و پیشنهاد مینمودند دارای تجارب بس نخستینی در چنان زمانی بودند که هنوز مرحله کشفیاتی به وضع ابتدائی و ریسرچ های اساسی از طرف آنانیکه بودجه و تخصیصیه پولی را اداره نمودند به پیشانی باز استقبال نمیگردید. بعدها در اضلاع متحده امریکالااید - وی برکنر و لارنس Lloye X. Berkner andm Goulb Laurence ایم گولد که هر دو از آنها عضو سیاحت بایرد (Byrd) سال ۱۹۲۸ بوده اند تجارب قطب جنوبی و معلومات های علمی و پرستیژ (Prestige) اداری خود را به اداره جیو فزیک بین المللی تقدیم نمودند.

همکاری جیو فزیک بین المللی در قطب جنوبی بایک استثنای قابل ملاحظه بدرجه اول یک همکاری بوده که هر مرات بصورت آزادانه پروگرام ملی خود را در آن سهم نموده و آنرا در یک پلان بین المللی سایننتیفیکی مزج گردانیده اند ملت های سهم گیرنده این پروژه هر یک به ذلت خود در اعمار پایگاههای خویش مبادرت ورزیده و ساینس دانان را همیا ساخته و هم نتایج سایننتیفیکی مربوطه خویش را احضار گردانیده اند، که هر کدام این نتایج بحیث سهمیه ملی بمرکز معلوماتی که از طرف اداره جیو فزیک بین المللی تاسیس گردیده است تقدیم شده است. یک استثنای مهم عبارت از تاسیس یک مرکز جوی در استاسیون کوچک امریکادراضلاع متحده امریکا بوده. از عرصه دو سال است که ساینس دانان ارجنتاین، استرالیا، فرانسه نیوزیلند، افریقای جنوبی، اضلاع متحده امریکا و اتحاد جماهیر شوروی متحداً در یک فضای هم آهنگی و هم کاری در بالای تحلیلالات (انه لیزه ها Analysis) و تقلیل دادن دیتاها (Datas) صرف مساعی مینمایند.

همکاری های ساحه لوجستیک بین ملت ها در قطب جنوبی نیز در اداره جیو فزیک بین المللی داخل ساخته شده است. این همکاری های لوجستیک طوری ترتیب شده که اگر فعالیت های سیاحتی ملتی دچار توقف و مشکلات میگردد، قدمه های لوجستیک ملت دیگری به کمک و معاونت آن پردازد. مثلاً اگر کشتی یک هیات معروض مقابله با یخ می گردد کشتی یخ شکن ملت دیگری به کمک آن پردازد. همچنان شبکه مخابراتی که برای پیشبرد این سیاحت ها به همکاریهای ملل بنا می یابد، بدون در نظر گرفتن ملیت ها مخابرات را انجام داده و از سر نوشت یک گروه اروپای دیگر را مطلع سازد

شوروی و سال دیگر یک فیزیکدان اتموسفر *Atmosphere* شوروی در استاسیون یخ بسته امریکائی به مقصد تدقیقات علمی موظف ساخته شوند. نظر باین تحریری یکنفر فزیک دان اتموسفری از مرکز اداره خدمات ساینس محیطی (*Environmental Service Administral*) در زمستان مشغول تدقیقات در وستوک (*Vostok*) شده و در مقابل یک نفر عالم متریولوجی هوائی شوروی در میکموردو - *Mic-Murdo* فعالیت بنماید. این دو عالم پروگرامهای جداگانه خود را در چوکات فعالیت های استاسیون ها تعقیب نموده و تماسهای وقتاً فوقتاً رادیویی خود را در بین یکدیگر نیز به مقصد تبادلۀ معلومات حاصل می نمایند تا اینکه دیده شود که این دو نماینده ممالک مختلفه چطور نمایندگی مملکت خود را در یک حوزه که ساورای کلتور و مغایر شرایط محیطی وطن اصلی او میباشد در ظرف یکسال پیش می برد.

بسیاری از تبادلۀ هائیکه صورت گرفته است در بالای این حقیقت بی ریزی شده، که تسهیلات و وسایل نقلیاتی از مملکت طرف مقابل تا مین گردیده است صرف در مواقع نادر همکاری ها در ساحه تجزیه و تحلیل ریسرچ ها و نشر دیتاها (*Datas*) توسعه و انکشاف یافته است. پس اغلباً معلوم می شود که این همکاری در قسمت نشراتی و احضار اثرات علمی که حقیقتاً یک ارتباط و همکاری درست ساینس می باشد نیز در پروگرامهای تبادلۀ وی متخصصین گنجانیده شود در حال حاضر وی - پ هسار (*V.P Hessler*) یو نیورستی ایلاسکا و مادام وی. ای - ترا تیسکایا (*V.A Troitskaya*) اکادمی ساینس شوروی مشغول انجام دادن یکک تحلیل و تجزیه و نشر مطالعات جوی می باشد. اتحاد جماهیر شوروی و اضلاع متحده امریکا توام با فرانسه و استرالیا مشغول مذاکره ترتیب و طرح یک پروگرام ده ساله گلیشیولوجیکی (*Glaciological*) و ریسرچ در قسمت شرقی قطب جنوبی که در سال (۱۹۷۰) آغاز میشود هستند. پروژۀ بین المللی گلیشیولوجیکی قطب جنوبی که بنام (*IAGP*) یاد می گردد بشکل بسیار عمیقانه و با تفرعات مزید آن قسمت از یخ پوشیده را که ساحه آن به یک میلیون مربع میل بالغ میشود تحت مطالعه قرار خواهد داد. پس پروژۀ (*IAGP*) بدون شک و تردید در قسمت همکاریهای مزید، در حصه نشر کتب و بوجود آوردن ارقام و دیتاها مساعی بیشتر و مفید تری را انجام خواهد داد.

کدام این دو مملکت تقریباً در ظرف چند سال گذشته طور مخصوص فعالیت ملی را در حالیکه دیگران مشغول کشف این براعظم بودند، دارا بوده اند و برخلاف هفت مملکت دیگر که اراضی قطبی را ادعا نموده اند نه اتحاد جماهیر شوروی و نه اضلاع متحده امریکا کدام مطالبۀ ارضی را در قطب جنوبی کرده و نه مطالبات دیگران را به رسمیت شناخته اند. از طرفی هم هر دو این ممالک گروهی خود را از نگاه لوجستیکی با داشتن وسائط نقلیه روی برف و یخ از قبیل ترکتور های روی برف الی طیاراتی که در قطب فرود آمده و پرواز نموده بتوانند مجهز گردانیده و برای اجرای هر گونه یک سیاحت و انجام وظایف حاضر آماده می باشند. اضلاع متحده امریکا و اتحاد شوروی یگانه ممالکتی اند که استاسیونهای مختلفی را در سرتاسر براعظم تشکیل کرده می توانند. چنانچه اتحاد جماهیر شوروی سه استاسیون ساحلی و یک استاسیون داخل براعظم را که بنام وستوک یاد شده و در نزدیک قطب جغرافیائی و مقناطیسی می باشد دارا می باشد.

اضلاع متحده امریکا سه استیشن ساحلی و دو استیشن داخلی را که بنام بایرد (*Byrd*) و اماندسن اسکات (*Amundsen Scott*) قطب جنوبی یاد می شود. دارا می باشد.

در عالم ساینس، همکاری های ممالک در ساحه تبادلۀ ساینس دانان فی مابین گروههای سیاحین متمرکز یافته است چنانچه در هر سال از سال ۱۹۵۷ بعد به امتثنی یک مرتبه، تبادلۀ ساینس دانان فی مابین اروپا های اتحاد شوروی و اضلاع متحده امریکا عملی شده است این تبادلۀ های علمای ساینس در تحت تمامی شرایط دسپلین ساینسکی توام با جیولوجی، بیولوجی، متریولوجی و ساینسهای های ماورای جو صورت گرفته و یکمرتبه علمای خریطه بصری *Oceanogr-aphers-* نیز تبادلۀ شده اند چنانچه کشتی امریکائی موسوم به التانین (*Eltanin*) یک نفر عالم خریطه بصری شوروی را برای یک مسافرت ۶ روزه نقل داده و هم از طرف دیگر یک عالم ساینس امریکائی نیز در یک کشتی تدقیقاتی شوروی موسوم به (*OB*) برای اجرای تدقیقات علمی مسافرت نموده است و هم بایست گفت که استاسیون های انتخاب شده تبادلۀ های زمستانی بصورت عمومی به کار های پلان گذاری شده کاشفین ارتباط مستقیم را دارا می باشد این تبادلۀ های ساینس کدام شکل معینی را دارا نبوده بلکه شاید در یکسال بیولوجی دان امریکایی در استاسیون ساحلی

در چندین مواقع معاونت‌های لوجستیکی از طرف استاسیون میکوردوی (*Mc Murdo*) امریکائی برای طیارات شوروی تأمین گردیده است. همچنان عین معاونت از طرف استاسیون میرنیه (*Mirnyy*) برای طیارات امریکائی داده شده است. در پنج تابستان گذشته پنج پرواز طیارات امریکائی در پایگاه وستوک شوروی به عمل آمده. در پروژه (*IAGP*) اغلباً همکاریهای لوجستیکی بیش از پیش توسعه خواهد یافت و بدینصورت طیارات هر دو ملت از میدان‌های دیگر ممالک که قبلاً طور ترانزیتی استفاده مینمودند بصورت دوامدار استفاده خواهند کرد. در قسمت جستجوی ساینس دانان مفقود الاثر و طرق نجات دادن آنها از ورطه‌های هلاکت نیز همکاریهای لازمه فیما بین ممالک شوروی و اضلاع متحده امریکا آغاز یافته است. مثلاً در یک قضیه، تیم‌های مشترک اتحاد جماهیر شوروی و اضلاع متحده امریکا مساعی لازمه را بغرض تأمین معاونت برای یک نفر ساینس دان مریض استرالیائی متحداً بخرچ داده و ساینس دان موصوف توسط طیاره شوروی از استاسیون ماسن (*Mowson*) استرالیا به پایگاه میکوردوی (*Mc Mardo*) امریکائی نقل و سپس از آنجا توسط طیاره امریکائی به نیوزیلند (*New Zealand*) یا زیلانده جدید، که مجهز با هر گونه وسائل صحنی و دارای شفاخانه‌های عصری و مودرن بوده، انتقال داده شد. همچنان در اپریل ۱۹۶۱ یک پرواز تاریخی زمستانی از طرف یک هواپیمای امریکائی به امتیشن بایرد (*Byrd*) شوروی به عمل آمد که درین پرواز یک نفر ساینس دان شوروی را که بتکلیف شدید خرابی امعاوی دوچار گردیده بود نجات دادند. این هم ناگفته نماند که به سلسله همین همکاریها در سال ۱۹۶۷ یک هواپیمای امریکائی که راه را گم کرده و تماس آن از پایگاه اصلی اش قطع گردیده بود بواسطهٔ موظفین پایگاه وستوک شوروی رهنمونی گردیده و بدین وسیله کمک لازم برایش تأمین گردید. با وجود همکاریهای فوق و تبادل کمک‌های لوجستیکی و ساینس دانان با هم یک عده چیزهای وجود دارد که مسأله را برای همکاریهای فیما بین مملکتین تشکیل داده است که از جمله آنها یکی هم موضوع لسان است که هنوز هم لازم است برای رفع اینگونه موانع اقداماتی صورت بگیرد. گرچه ناگفته نماند که ساینس دانان تبادل شده تا اندازه به طرز غرق شو یا آب بازی را با آموزشی بالمجبور به زبان یکدیگر را می آموزند سگر به سویه‌های حکومتی جهت پلان گذاری‌های ساینستیکی لوجستیکی هنوز هم موانعی وجود دارد که می‌بایست در آینده

مرفوع ساخته شود. تم جمائی لسان، اساسی و تهنه‌ای و ترجمه‌های صحیح و درست اصطلاحات احتیاج به حوصله و فهم دارد که اینکار در هر دو سرورسالیان همکاری انکشاف یافته میتواند. مگر با وجود آن هم درین قسمت مشکلاتی احساس می‌شود. مثلاً پیشنهادی که از یک مرجع صورت میگردد و در مقابل جواب آن بدست نمی‌آید، در نگاه نخستین، عدم علاقه طرف مقابل باین پیشنهاد احساس نگردیده بلکه احتمال قوی می‌رود که طرف پیشنهادکننده باین مفکوره بیاید که اصلاً پیشنهادی فهمیده شده نتوانسته است.

دومین و مهم‌ترین عاملی که مانع همکاریهایی بین المللی گردیده و طرفین را از نعمت این همکاریها محروم ساخته است همان تشنجات سیاسی بین المللی میباشد که هر دو طرف را از اقدام به همچه معاونت‌ها مانع می‌سازد. گرچه بایست اعتراف کرد که در قطب جنوبی اصلاً این تشنجات وجود ندارد، چنانچه حین فرود آوردن طیاره (یو-۲) امریکائی بر فراز خاک شوروی، در وقت بروز مسئله کیوبا و کشیدن قوت‌های شوروی از آن سامان و اشغال چکوسلواکیا از طرف ممالک بلاک شرق، با زهم تبادل ساینس دانان در مراکز قطبی از طرف هر دو مملکت صورت گرفته است. از طرف دیگر، در تحت موافقتنامهٔ قطب جنوبی، پایگاه‌های قطبی شوروی در خلال این مدت از طرف مقامات امریکائی تفتیش و مراقبت گردیده است، این تفتیش‌ها در چوکات اتخاذ تدابیر امنیتی ولی در فضای هم آهنگی و هم نوائی صمیمانه صورت گرفته است.

گرچه مامورین و موظفین پروژه قطب جنوبی هر دو مملکت همکاریهای قطبی را از دیگر تشنجات بین المللی جدا ساخته و تبادل همکاریها و تقابلاً صورت میگردد ولی ناگفته نماند که با زهم حوزهٔ این همکاریها، بنابر ناسازگاریها و تشنجات بزرگ دنیائی، یک محدود معین رادارها بوده و بنا برین ملحوظ نمیتواند این سرحد معینه را تجاوز نماید. بطور مثال مذاکرات در خصوص تبادل ارقام و اعداد یا نتایجیکه از لابراتوارها بدست می‌آید. بنا بر همین اختلافات موجوده، صورت نگرفته و انکشاف کرده نمیتواند. مثلاً چند سال قبل کمیته کالکرس امریکائی یک نفر مامور پروگرام قطب جنوبی را نسبت به اینکه به یک طیاره شوروی بنزین را بدون اخذ قیمت تادیه نموده بود، ملزم قرار داد در حالیکه کمیته مذکور ازین حقیقت اطلاع نداشت که قبلاً به یک هواپیمای امریکائی از طرف مقامات شوروی تیل رایگان در امتیشن میرنیه (*Mirnyy*) داده شده بود و این حرکت یک حرکت متقابل بوده نه چیز دیگری. این گونه پرا بلم‌ها، در ساحهٔ همکاریهای قطبی (با قید دارد)

برتر اندر اسل فیلسوفیکه

برای صلح تلاش مینمود

و بشر را دوست داشت



برتر اندر اسل

قسمت دوم

اگر تعادلی در تسلیحاتی وجود آید حربی در نخواهد گرفت ولی تجربه نشان داد که آنها اشتباه میکردند و از آن میترسم که امروز هم مرتکب همان اشتباه گردند.

از راسل پرسیدند: آیا میتوان گفت بمب های درو جنی دارای این حسن است که وجودش موجب ترساندن دولت های میشود که جمیع مساعی خود را برای جلوگیری از حرب بکار برده اند؟

مثلاً جریان بحرانهای مختلف برلین که در شرایط دیگر ممکن بود بحرب بیانجامد.

وی باز هم در جواب گفت: شما مختارید چنین چیزی را بگوئید و کرار آهم بگوئید. ولی من باز هم معتقدم که تاریخ برخلاف نظر شما گواهی میدهد. همه کس میدانند که نوبل یعنی موسس جایزه نوبل که از طرفداران جدی صلح

بیشتر مسلح میشود نتیجتاً در طرفین بیش از پیش عصبانیت بوجود میاید و سرانجام لحظه فرا میرسد که این وخامت برایشان قابل تحمل نخواهد بود و راه حلی بجز محاربه بنظرشان نخواهد رسید در سال ۱۹۱۴ نائیر این گونه مسابقات تسلیحاتی بظهور رسید وی بگفتار خود چنین ادامه میدهد:

بهر حال میتوانم بگویم که اگر دولت ها راه حل دیگری بجز ادامه مسابقات تسلیحاتی پیدا نمیکند تنها کاری که انجام میدهد عبارت از اینست که تاریخ وقوع حرب را بتاخیر میاندازند قبل از سال ۱۹۱۴ بحران های شبیه به بحران هائیکه در شرایط کنونی جهان را بلبه پر نگاه حرب کشانیده است مشاهده میشود و بالاخره این بحران ها کار را بحرب ۱۹۱۴ کشانید در آن وقت مردم با خود میگفتند:

اثر مسابقات تسلیحاتی آنها پیش بینی مینمود، بهمین سبب زمانیکه با و گفتند: آیا شما این ادعا را قبول میکنید که تا مسابقات تسلیحاتی وجود دارد بروز حرب اجتناب ناپذیر است؟

وی در پاسخ گفت: من از کلمه «اجتناب ناپذیر» خوشم نمی آید. ولی بطور کلی این موضوع حقیقت دارد یعنی مسابقه تسلیحاتی بحرب منجر میشود تاریخ نمونه های زیادی را بجا نشان میدهد که کار از مسابقه تسلیحاتی شروع شده و بحرب پایان یافته است از نظر روانشناسی این مساله کاملاً حل شده و روشن است زیرا مسلح شدن یکی از طرفین از سوئی بایجاد ترس و وحشت در جبهه مقابل و از طرف دیگر باز یاد علاقه خود او در مسابقه تسلیحاتی منجر میگردد درین موقع طرف مقابل نیز غافل نشست و با شدتی

من از صمیم قلب آرزو میکنم که چنین حربی بروز نکند ولی تصور مینمایم تا وقتی اوضاع بدین منوال باقی بماند احتمال وقوع حرب های درو جنی هم زیاد خواهد بود. عنت اصلی این موضوع آنست که نظامی ها علاقمندند در اسرع وقت از حریف انتقام بگیرند و بدینوسیله است که این امر در نظر آنها خیلی هم عادی است این مسأله خود، ما را در معرض خطرهای بزرگی قرار میدهد، زیرا یک سو تفاهم ساده بایک حادثه عادی ممکن است موجب شود که یکی از متخاصمین دست با اقدام بزند و طرف مقابل هم فکر کند که واقعا آتش حرب روشن شده است و در نتیجه بمب های های درو جنی را بر سر حریف فروریزد، این ماجرا به هیچ وجه غیر ممکن نمی باشد. راسل از مسابقات تسلیحاتی وحشت داشت و امکان وقوع محاربه را بین کشورها در

بود مخترع دینامیت هم بوده است. او خیال میگرد وجود دینامیت اوضاع حرب را بقدری وخیم و وحشتناک مسیازد که دیگر هیچوقت محاربه در نخواهد گرفت، اما نوبل هیچ وقت بچنین نتیجه نرسید و درینجا ترس شدید من از نیست که بامب هایدروجنی هم همین ماجرا تکرار گردد. راسل در مورد از بین بردن خطر بمب هایدروجنی عقیده دارد که درین زمینه کارهای زیادی را میتوان انجام داد. اولین کار اینست که آزمایشهای اتمی قطع گردد. این عمل قدم مثبت و مفیدی است. اولاً انجام این کار به سقوط ذرات اتمی حاصله از آزمایشهای هستوی بروی زمین خاتمه میدهد. خطرهای سقوط و رسوب این ذرات بطوریکه اخیراً ثابت شده است بحراتب بیش از مقداری میباشد که سابقاً دانشمندان فن محاسبه نمودند رسوب ذرات رادیو اکتیف هستوی خود مقدمه بروز مصائب زیادی برای بشریت میباشد. قطع آزمایشهای اتمی موجب میشود که سایر دول نتوانند در تهیه و تدارک بمبهای هایدروجنی توفیق یابند. قبول میفرمائید که اگر نباشد هر دولتی، بدون احساس هیچگونه مسئولیت بتواند هر کاریکه خواست انجام دهد چه وضع وخیمی پدید خواهد آمد. بعلاوه تحریم این سلاحها بیش از پیش دشوار میگردد. بهمین دلیل است که من مؤکداً تا نید میکنم که قطع آزمایشهای

هستوی دارای اهمیت بسیار عظمی است. قدم دیگری که بلافاصله پس از اقدام فوق میتوان برداشت عبارت از اینست که هیچ دولت جدید دیگر بمب هایدروجنی در اختیار نداشته باشد. نتیجه اساسی تحریم تسلیحات هستوی اینست که از و خاست اوضاع کاسته و شرایط مناسبی را برای حصول بیک سازش پایدار ایجاد میکند. حقیقت اینست که در وضع کنونی جهان، با در نظر گرفتن سلاحهای هستوی و میکروبی و کیمیاوی که خطراتشان کمتر از خطر بمب هایدروجنی نیست. اگر راه حل مطمئنی برای جلوگیری از حرب پیدا نکنیم عمر بشر چندان بطول نخواهد انجامید. این بود نظریات راسل فیلسوف بزرگ معاصر در باره حرب و مسابقات تسلیحاتی، البته روزنامهها و مجلات درباره مبارزات این مرد دانشمند مطالب زیادی نوشته اند و باز هم خواهند نوشت. ما برای اینکه بیشتر بکنه افکار و اندیشههای بشر دوستی راسل بیبریم باید بینم برای نجات بشر از درد هاورنجهای فراوان چه راهی را پیشنهاد کرده است. راسل درینمورد میگوید: بشر از آلام زیادی رنج میبرد یکی از بن دردها به نظر من عبارت از نیست که انسان قادر نیست هیچکاری را با مقیاس صحیح انجام دهد، اگر بکاری دست زد حد و اعتدالی را برای خود در نظر نمیگیرد و همچنان

به پیش میرود، من امیدوارم بشر در کارهای خود مفهوم خیر الامور او سطها را بفهمد فهم این مطلب از ضروریات بوده و بطور کلی امکان پذیر هم میباشد. وی ادامه میدهد: قبل از هر چیز باید بیک موضوع توجه کنیم و آن عبارت از نیست که درد های دنیای حاضر و تمام آلامیکه در زمان قدیم مطلقاً درمان پذیر نبود امروز قابل علاج است، اگر این آلام هنوز همچنان وجود دارد دلیل آن اینست که در افکار مردم شهوات پلیدی وجود دارد که آنها را در برابر اخذ تصمیم نسبت بیک مسأله اساسی خلع اراده میکند و آن مسأله مهم عبارت از تأمین سعادت دیگران میباشد، تخنیک دنیای کنونی بی نهایت مفید و ثمر بخش است ولی نقص و اشکال اساسی موجوده دارای یک ریشه روانشناسی است و این عامل روانشناسی مربوط به انحراف شهوات افراد است این مسأله را بایستی بحساب آورد، بالاخره در حدتهای باید بیک موضوع توجه اساسی داشت در دنیای کنونی که بین همه حوادث و پدیدهها بستگی و رابطه ای بسیار نزدیک وجود دارد و خوشبختی یک فرد فقط موقعی تأمین میشود که خوشبختی همسایه او و لوانیکه در نظرش منفور هم باشد تأمین شده باشد اگر این معما روزی حل شود آنوقت دنیا بیش از پیش از نعمت خوشبختی و سعادت بهره مند خواهد گردید. راسل در مورد بدیههای قابل احترام از انسانها چنین توضیح میدهد. قبل از هر چیز، حرب، سپس فقر و بیثباتی، در زمانهای قدیم

فقر برای اغلب موجودات بشری اجتناب ناپذیر بود ولی امروز دیگر وضع چنان نیست اگر مردم جهان تصمیم بگیرند فقرا از روی زمین ریشه کن کنند در طی چهل سال اینکار را خواهند کرد، میدانیم که امروز بیماری کم شده است و باز هم کمتر خواهد شد. هیچ چیز مانع از آن نیست که انسان از لذایذ زندگی بحد اکثر و در طولانی ترین مدت ممکنه بهره ور گردد. وی در زمینه گامهای مثبت برای آینده بشریت چنین اظهار عقیده مینماید: بعقیده من بزرگترین گامی که بشریت در راه سعادت خود میتواند بردارد. در بهبود مسأله تعلیم و تربیت خواهد بود. باید افراد را طوری تربیت کرد که ایده انسان دوستی باروح آنها عجین گردد بقسمیکه همه بشریت را یک خانواده با منافع مشترک بدانند. باید در مغز افراد این مسأله را وارد ساخت که همکاری بین انباء نوع بشر بیش از رقابت و حتم جسمی ارزش و مقام دارد بالاخره تعلیم و تربیت باید در مسیری انجام گیرد که افراد بشر بفهمند دوست داشتن دیگران نه تنها یک وظیفه اخلاقی و یا یکی از تعالیم اصلی و اساسی است، بلکه خود مدبرانه ترین روشی است که انسان میتواند برای تأمین سعادت خود اتخاذ نماید. از راسل پرسیدند: شما برای فرادی بشریت چه پیامی دارید؟ وی باخوشبینی و باصراحت جواب داد: (بقیه در صفحه ۶۳)

رژیم غذایی و تمرینات در امراض قلبی و آنجین صدری

تتبع و نگارش
دکتر
غلام رسول
خوشدل

هیجان‌های روحی و فشارهای روحی که باعث تزیاید حرکات قلبی میگردند نیز رول دارد، با احساس درد صدی قلبی باید از سگری کشیدن امتناع ورزید و از غذای شحمی مخصوصاً شحوم حیوانی و مستحضرات شیر مانند مسکه، پنیر و زردی تخم مرغ نیز خود داری کرد، که تا اندازه‌ای بپندرفتن سویه کوسترون خون جلوگیری میکنند.

از فعالیت‌های زیاد فزیکمی که باعث بروز درد صدی میگردد باید خود داری گردد. زیرا درین صورت ضروریات خون و اکسیجن قلب بلند رفته و چون شریان‌های قلبی قاب به عدم کفایت مصاب است درد قلبی بروز میکند.

چاقی و تزیاید وزن یک حادثه قابل کنترل میباشد، از طرف دیگر از پر خوری زیاد باید خود داری بعمل آید زیرا این نیز بذات خود باعث تزیاید کار قلبی میشود، هوای گرم و حرارت محیطی و هوای سرد و حالات تب دار نیز باعث تزیاید حرکات و کار قلبی میگردد، فلهمذا اشخاص مصاب خنق صدی باید از تمام این عوامل جلوگیری کنند.

برای این نوع مریضان استراحت بستر اقل بعد از هر نصف روز یعنی بعد از صرف غذای چاشت مفید واقع میشود، ادمان‌های خفیف که باعث درد صدی، نفس تنگی، و یا تزیاید حرکات قلبی نگردد لازم میباشد، بهتر است غذای روز مره بعوض سه وقت به اوقات متعدد در شبانه روز مبدل گردد، اضافه تر از دو عدد تخم در یک هفته خورده نشود، مصروفیت‌ها و کارهای روزانه که سبب بروز هیجان‌ها، ترس، قهر و تشویش نشوند مفید است یعنی شخص باید محیط آرام و خالی از جنجال کار داشته باشد حیات درار تفاعات بلندتر از ۵۰۰۰ قت معمولاً زیان آور میباشد، سفر ذریعه طیاره برای اشخاص مصاب خنق صدی خطرناک تمام نمی‌شود، بابرور درد صدی از دوی تجویز شده ذریعه‌ی داکتر استفاده می‌شود در صورت دوام درد به شفاخانه مراجعه کند، شخص مریض در زمان حمله درد باید به وضعیت نشسته قرار داشته باشد.

مشق و تمرینات :

یک پلان دقیق مشق و *Exercise* از خطرات شرائین اکلیلی قلب می‌کاهد، خصوصاً در سنین پیشرفته و بالاتر از ۴۵ سالگی که یکجا با چاقی و عدم فعالیت‌های فزیکمی باشد باید به تمرینات خفیف فزیکمی مبادرت ورزید.

در ۷۷ نفریکه - در امریکا تحت مشاهده قرار داده شدند و تمرینات خفیف را انجام دادند در ظرف مدت کمتر از دو سال ضیاع وزن، پائین شدن فشار خون و سویه کوسترون خون ملاحظه شده است. درین اشخاص نظریه بنیه‌ی شان خطر بروز امراض اکلیلی قلب موجود بوده است. فعالیت‌های فزیکمی ابتدأ خفیفاً شروع شده و بمرور زمان تزیاید داده شده می‌رود.

امروز تعداد وقوعات امراض قلبی خصوصاً در ممالک متمدن روبه تزیاید است زیرا نظر به بهبود وضع اقتصادی اکثر مردم غذای کافی و اما بی موازنه بصورت مداوم استعمال کرده که اینها بذات خود باعث چاقی شخص میگردد، خنق صدی *Anginapictoris* یکی از جمله امراض قلبی بوده که متصف با درد‌های صدی در زمان حرکت میباشد احتشای قلب نیز یکی از جمله امراض قلبی است که این نیز متصف با درد‌های صدی دوامدارتر در صدر است که از اثر تنگ شدن شرائین اکلیلی قلب حاصل میشود تنگ شدن قطر داخلی این شرائین معمولاً از اثر ذخیره و تجمع کوسترون و کلسیم و غیره حاصل میشود، خصوصاً در اشخاصیکه اکثر غذای شحمی استعمال میکنند کوسترون خون شان بلند است زیادتر مشاهده میگردد، بعضاً وراثت رانیز درین حادثه ذیدخل میدانند علاوه تا فرط فشار خون دایمی و آنهائیکه برای مدت مدیدی سگری میکشند و در اشخاص چاق نیز زمینه‌ی مساعدی برای حمله مرض میباشد اما بعضاً سبب مرض بکلی نامعلوم است، حالات ترس‌ها،

انسان امروز از برکت دانش و معلومات خود، قدرتها و استعدادهاى دارد که نظیر آن هیچوقت در اختیار بشر نبوده است. شما انسانهاى امروزه میتوانید این انرژیها را در راه خوب مصرف کنید و هم در راه بد تلف نمائید. اگر شما مفهوم هم بستگی خانوادگی را درک کنید یعنی به ارتباطی که همه انسانها را بهم پیوند میدهد و قوف حاصل نمائید. اگر شما این مطالب را بفهمید که سعادت و بدبختی هر یک از افراد بشر به سعادت و بدبختی سایر افراد بستگی دارد، آنوقت انرژی و نیروی عظیم خود را در راهی مفید و عام المنفعه بکار خواهید انداخت.

اگر میخواهید خوشبخت باشید باید خوشبختی همگان و همسایه های خود را نیز برسمیت بشناسید.

گمان میکنم انسانها، تحت تأثیر یک تعلیم و تربیت عقلانی، بدین مطلب پی خواهند برد که خوشبختی هر یک از آنها مشروط به تأمین خوشبختی دیگران است. اجتماعى که من اغلب اوقات در عالم خیال تصور میکنم

عبارت از اجتماعى است که در آن همه افراد از موهبت آزادى برخوردارند. اجتماعى که افراد آن همه قوی و سالم و تیز گوشند و بالاخره اجتماعى که در آن نه ظالمى وجود دارد و نه مظلومى، دنیای باوجدانی که در آن منافع عمومى، رقابت های خصوصى راتحت الشعاع خود قرار میدهد اجتماعى که در آن تلاش همه مردم در جهت انجام اعمال بزرگی که ثمره دانش و اندیشه بشرى است بکار خواهد رفت.

آری، اگر انسانها اراده کنند، چنین دنیایی، در نهایت سهولت بوجود خواهد آمد. و اگر چنین دنیایی بوجود آید و یازندگی آغاز کند، آنوقت دنیایی خواهیم داشت پرافتخار درخشان و از نظر ابداع و هیجانات دلپذیر زندگی، خوشبخت ترین و غنی ترین دورانی خواهد بود که تا به امروز هرگز نظیر آن وجود نداشته است.

این بود آخرین پیام امید بخش و مملو از احساس خوشبینی و انسان دوستی فیلسوف شهیر عصر ما برتراند راسل که دیگر درین مانیست، ولی صدای بشرخواهی و صلح طلبی او، تا قرنهای نسلهای معاصر و نسلهای آینده طنین خواهد انداخت. «پایان»

داری کنند چه اینها نیز بذات خود باعث بروز حمله در قلبی شده میتواند، در صورت بروز این حملات و شکنجه های روحی از ادویه *Traquilizer* ها و *Phenobarbital* ها و *Lominal Largactile Mepromate Barbiturat* *Millonorm Valum* (و غیره) استفاده میگردد، تولیدیک خستگی متوسطه جسمی و آرامی روحی اکثراً باعث از بین بردن فشارهای روحی میگردد، مانند ما هیگیری در لب دریا، بسازی های *Golf* (گلف) و غیره.

این پروگرام تمرینات عبارت از قدم زدن - راه رفتن و دویدن ها بدرجه متوسط و ادمانها سپورت های خفیف از قبیل والیبال و غیره میباشد تا گفته نمائید که فعالیت هائی که درد صدری را تحریک میکنند توقف داده شود این فعالیت های فزیکى هفته سه مراتب صورت میگيرد. در زمان فشارهای روحی و هوائی سرد جلوگیری گردد، در مواقع سرما این تمرینات در داخل خانه صورت میگيرد، البته این فعالیتها متوافق باخذ ادویه میباشد، و اما در ابتدای حمله مرض مریض برای ۳-۴ هفته استراحت مطلق بالای بستر میباشد، بعداً برور تمرینات بستر و بالاخره قدم زدن روی اطاق و بالاخره تمرینات فوق الذکر اجرا میشود، این تمرینات باعث نشر نمای شرائن جانبی قلب شده و قلب را از نظر خون اروا میکنند میگردد.

* رژیم غذایی برای جلوگیری از تصلب شرائین و فرط فشار خون. و آنهاستیکه مصاب این امراض اند.

* اخذ کرده شود	خود داری شود
چار مغز - جالغوزه	زردی تخم
خسته جات	شحمیات مشبوع که معمولاً منشأ حیوانی دارند
کورن آبیبل	مغز گاو، گوسفند و غیره
سویابین	قیماق، چربی های حیوانی، گوشت خوک
شکل مایع روغن پنجه دانه	مسکه، ایلها
تیل <i>Kardi</i>	معمولاً به حرارت اطاق جامداند
تیل های نباتی که به حرارت اطاق مایع اند	گوشت های چربی دار
تیل <i>Safflower</i>	جگر، شیر روغن دار
میوه جات سبزیجات	

غذای محتوی کم سودیم :

این رژیم غذایی کسانیکه دارای فشار بلند خون اند مفید ثابت میگردد. بر علاوه از پندیدگی پاها و سایر عضویت و تجمع مایعات در بطن و غیره جلوگیری میکنند، از اغذیه که دارای محتوی بلند سودیم اند خودداری گردد، و هم مواد نمکی نیز درین جمله شامل میباشد مانند سودیم بای کاربونات، سودیم کاربونات، سودیم مولو گلو تاسیت. از خوردن سودا برای رفع ناآرامی معده خودداری گردد زیرا دارای مقدار بلند سودیم میباشد. از سرکه، آچار، مساله جات، زیتون، آب بادنجان رومی سلادها، مستارد، از نمک های نباتی مانند نمک میر *Garlic salt* و نمک *Bacon, Onionsalt* (ران خوک) و *Ham* (پاپ کورن *popcorn* مغزهای نمکی مانند خشک جات) شود پودر پولی ها و کلچه های نمکی، بیسکویت، *Mof fin* و غیره نیز تا اندازه که دارای مقدار نمک اند خودداری گردد. جلوگیری از فشارهای روحی :

مریضان مصاب امراض قلابی عموماً باید از ترس، حالات هیجانی، فشارهای روحی و *Stress* ها باید تا امکان خود

توريزم و افغانستان

سياحت با توريزم پدیده عصر حاضر است که خصوصاً بعد از استقرار رژيم سرمايه داری در دنيا بشکل جديد کسترش پیدا کرد .

بارشد و تکامل جامعه و انکشاف نیروی مؤلده وسایل جدیدی برای ایجاد خطوط مواصلات در دنيا بوجود آمد با تعمير خطوط آهن راهای اسفالت و پخته کاری پیشرفت انکشاف ماشین های حمل و نقل در خطوط هوائی بری و بحری سبب شد تا تسهیلات فراوان برای بشر در مورد گرفتن تماس و ارتباط با دورترین نقاط کره زمین حاصل شود .

که این پروسه ها زمینه را برای انکشاف و تعميم مفکوره توريزم در جهان مهیا گردانید و مردم هم با استفاده از منافع مادی و معنوی خود به سیر و سياحت پرداختند .

بعد از جنگ جهانی دوم قدرت های اروپای ضعیف گردیده و قدرت های جهانی بدو دسته تقسیم میشود که در غرب امریکابه اوج قدرت میرسد و در شرق اتحاد شوروی از اینرو رقابت ها روز بروز زیاد شده و این قدرت ها علیه يك دیگر خود به تبلیغات ذریعه رادیو، تلویزیون و غیره شروع میکنند که البته در پهلوی این قبیل تبلیغات لفظی مشاهدات بصری رول مهم تری را بازی می کند .
لهذا برای شناخت درست واقعیت ها یکی از وسایل مهم و موثر در عرصه بین المللی توريزم شناخته شده مردم ، علما و مبصرین بدین عقیده هستند که بشر میتواند از نزدیک مشاهده بکند ، مشاهده بکند و ببیند آنچه را که رادیو، تلویزیون

جرايد و غیره علیه يك دیگر انتشار میدهند کاملاً درست است و يا غلط ؟ از اینرو در دنيا ای اسروزی توريزم از لحاظ اقتصادی ، اجتماعی علمی و غیره يك پدیده بسیار مهم است و در صحنه سياست بین المللی اهمیت خاص کسب نموده است .

خاصتاً ارتباط و تماس مردم های سراسر جهان بالخصوص جوانان ، روشن فکران در تقویه صلح و همزیستی مسالمت آمیز اهمیت خاص دارد . از اینجاست که توريزم را بنام « پاسپورت صلح » یاد میکنند ضمناً تماس مردم جهان که در شرایط مختلف اقتصادی ، کلتوری ، اجتماعی ، لسانی ، نژادی و مذهبی بسر میبرد ، کمک میکند که تا مردم سراسر جهان با هم بیامیزند ، محبت پیدا کنند و مزایای مثبت تمدن را اخذ کنند از نگاه اقتصادی توريزم در مسالکیکه تور بستان زیاد به آن سفر میکنند يك مدرک عايد بزرگ اسعار محسوب میشود و از همین سبب است که به توريزم دو صفت میدهند یکی صفت صنعت د یگری صفت صادرات غیر مرئی و اضافه میکنند که هیچ متاع ارزانتر و پر منفعت تر از توريزم سراغ کرده نمیشود .

امروز تقریباً تمام افراد بشر آرزوی تماشای همه نقاط روی زمین را از نزدیک بغرض مشاهدات وضع زندگی مردم و دیدن مناظر زیبا و بناهای تاریخی و غیره جا های دیدنی در دل میپرووراند امامتاً اسفانه بعضی مردم دنيا که وضع اقتصادی شان ضعیف است به این آرزو و نمیرسند .

امیدواریم با پیشرفت سیانس و تکنالوژی تمام افراد بشر بدین آرزو برسد .

تعریف :

توریزم اساساً تعریف دو پروفیسور سویسی بنام‌های ابروفیسور کرایف و (پروفیسور هوشیکر) چنین توضیح کرده است .

مجموع روابط و حوادثیکه در دوران سفر و توقف اشخاص خارجی بیک محل دیگر بوقوع میرسد و این اشخاص در محل مذکور اقامت موقتی داشته و در آنجا به هیچ گونه فعالیتیکه برایش از نگاه مالی پرمورد است نمی پردازد، میباشد .

یا گفته میتوانیم که توریزم عبارت از روش خاص است جهت سیر و سیاحت که این سیر و سیاحت به مقاصد دیدن مناظر طبیعی آثار تاریخی هنری مزارات ، اقارب ، بعضی شخصیت ها هم چنان جهت تفریح شکار ، سیورت مشاهدات علمی کوتاه معالجه و غیره صورت میگردد در اثر مطالعات تاریخ پرمیخوریم که بعضی اشخاص بصنعت توریست در طول تاریخ از اهداف اصلی و مقاصد اساسی توریزم عدول کرده و در تحت نقاب توریزم منظورهای خاصی را پیروی کرده اند چنانچه اکثر جاسوسها از طرف بعضی دولت‌ها تحت عنوان توریست وارد سرزمین‌ها گردیده و اساسی جاسوس و خرابکاری رابه نفع دولت‌های خود در سرزمین‌های دیگر پایه گذاری کرده‌اند و رفته رفته ممالک مزبور را در قید استعمار و استثمار خود قرار داده اند که البته امروز توریزم به هیچ وجه کنجایش همچو فعالیت‌های استفاده جویانه و خراب کارانه را که درست به اصل ارتباط دو ستانه دولت‌ها متفاد است در تعریف خود ندارد پس واضح است که این چنین اشخاص در جمله توریست‌ها شامل نیستند .

دول جهان نظر به ارزش توریزم که در حیات اقتصادی اجتماعی و

کلتوری جوامع محسوس است سعی نموده‌اند تا در اثر مفاومت متقابل بین دول ز سینه انکشاف و فراهم آوری تسهیلات را برای سیاحین بوجود آوردند که از آنجمله افغانستان موسسه‌ی ریاست گرنخدوی را بدین منظور تأسیس کرده که مقصد آن جلب و همکاری با سیاحین تمام جهان میباشد .

ریاست گرنخدوی :

قبل از سال ۱۹۵۷ تعداد سیاحتیکه وارد افغانستان میشدند خیلی ها کم بود و یک شعبه بنام شعبه پذیرای در وزارت مطبوعات آنوقت موجود بود که نکارهای توریستی فعالیت مینمود نظر به رجوع تدریجی جهانگردان به افغانستان حکومت افغانستان تشکیل موسسه‌ی ریاست گرنخدوی (گرنخدوی) برای پیشبرد پالیسی توریزم ترتیب و تنظیم سیاحت در مملکت به مقصد جلب سیاحین و علاوه بر آن جهت تأمین منافع اقتصادی ازین راه معرفی مزایای تاریخی و سنجیه مهمانوازی مردم افغانستان بردنیای خارج تصویب نمود و این موسسه در سال ۱۹۵۷ بنیان نهاده شد .

در مرحله اول گرنخدوی با موانع و مشکلات زیادی مواجه بود که بیشتر آنرا بی سابقه بودن موضوع قید و قیود پولیسی موانع سیر و سفر مشکلات اخذ ویزه، کمبودی هتل‌ها و کمی و سایل نقلیه تشکیل میداد ولی درین اواخر با تعدیل قانون ویزه و پاسپورت از طرف دولت تسهیلات بیشتر برای سیاحین فراهم شده است و نظر به زیاد روز افزون در تعداد توریست‌ها فعلاً مسأله کمبودی هتل‌ها در جاهای دیدنی و تاریخی و غیره مسایلیکه باعث تشویق توریست‌ها شود مشکل بزرگ ریاست گرنخدوی

را تشکیل میدهد اتحادیه بین‌المللی توریزم که افغانستان عضو آن است و دارالانشاء آن در ژنیومیباشد توسط کمیسیون‌های مختلف تخنیککی و منطوقی خود تمام مسایل توریزم از قبیل تدقیق و مطالعات تسهیلات انکشاف تشویق و ترویج و بکار انداختن ذخایر توریستی و غیره را با مالک و سازمان ملل متحد و دیگر تشکیلات انفرادی و بین‌المللی سیاحت مورد غور قرار داده و در راه عملی ساختن آن صرف مساعی مینماید .

افغانستان عضو اتحادیه بوده و در کمیسیون جنوب آسیا داخل میباشد دیگر اعضای این کمیسیون هند ، سیلون ، ایران ، مالزی ، منگولیا ، نیپال و پاکستان میباشد . که رئیس گرنخدوی افغانستان بحیث رئیس این کمیسیون در سال ۱۹۶۶ تعیین شده بود .

ریاست گرنخدوی افغانستان با شعبات توریستی اکثر ممالک جهان ارتباط دارد . و این عمل باعث آن شده که افغانستان بحیث دلچسپترین نقطه آسیا در نقشه توریستی جهان موقعیت مهمی را احراز کند شعبات توریستی ایکه گرنخدوی افغانستان به آن ارتباط دارد پیش از هزار نمایندگی میباشد .

حرکات توریست‌های داخلی

در داخل کشور .

طبق تعریف توریزم ، در داخل کشور حرکاتی موجود است که ما آنرا حرکات توریستی نامیده میتوانیم یعنی یکدهه مردم جهت تفریح زیارت مزارات ، دیدن اقارب ، مشاهده محل‌های تاریخی ملاقات با اشخاص روحانی و ادبی و غیره به نقاط مختلف کشور گشت و گذار نموده و دیدن مینمایند که در آنجا

توقف مؤقتی نموده به مشاعده
میپردازند .

مرام و حرکات توریست های داخلی :

دو نوع حرکت توریستی در داخل کشور دیده میشود که یکی آن حرکات توریستی قصیرالمدت بشکل میله ها که مردم اکثر برای مدت کم خصوصاً در روزهای رخصتی عمومی به نقاط دلچسپ که دارای آب و هوایی مناسب باشد میروند که تقریباً تمام حرکات توریستی داخلی را احتوا مینمایند، و این عموماً مسوی تفرجکاهای شهر صورت میگیرند مثلاً یکعهده مردم از کابل بطرف دارلآمان ، بگرام ، گلپهار ، کلمباغ چهل ستون ، پادشاه صاحب ، چهل تن ، خواجه صفا ، خواجه سیاران ، قرغه کاریز میر ، استالف و غیره جاها رفته می نمایند .

نوع دیگر آن طویل المدت میباشد که این حرکات ها بیشتر از يك الی سه روز راه را دربر میگیرد و توریست ها میخواهند برای يك مدت از شهر ها و لایات دیگر دیدن نمایند و وقت خود را خوش گذراندند از طرف دیگر به جا های تاریخی و آثار قدیم که مثل مدینت های سابقه کشور میباشد آشنایی حاصل نمایند .

مرام سیاحین در داخل مملکت نظر به منظوری که در پیش خود میداشته باشند فرق میکنند بعضی ها برای زیارت کردن وعده برای دیدن شخصیت های علمی و اشخاص روحانی و بناهای تاریخی و برخی برای اجرای آبیاری و سپورت های مختلف و جمعی هم برای گذراندن سرما و گرما در جاهای مناسب را دربر میگیرند مثلاً در اول سال اکثر توریست های داخلی از روضه حضرت علی (رض) که در مزار شریف واقع است دیدن و زیارت مینمایند که دارای مراسم مخصوص (افراستن

چنده) میباشد و نیز در آنجا میله نیام) گل سرخ ترتیب میدهند از طرف دیگر در ایام تابستان مردم مناطق گرم سیر به جا های سرد از قبیل بگرام کاریز میر ، سالنگ ، بندامیر ، بامیان و غیره جا میروند و یایک عده توریست های اهل هنود برای گذراندن ایام و یساک که از جمله مراسم مذهبی شان میباشد حرکات توریستی را بطرف جلال آباد انجام میدهند هم چنان مردم اکناف و اطراف کشور در اول سنبله که مصارف با جشن استقلال کشور میباشد حرکات توریستی را بطرف کابل انجام میدهند .

ناگفته نباید گذاشت که بعضی حرکات ، مرام های علمی هم میداشته باشد که اکثر این حرکات به منظور دیدن آثار تاریخی هنری و تحقیقات در باره وضع اجتماعی و کلتوری و غیره میباشد که در اینجا حرکات توریستی محصلین و متعلمین و روشنفکران قابل یاد آوری است که در نتیجه یکعهده زیاد مردم بدیتصورات به حرکات توریستی پرداخته باعث نزدیکی مردم بایکدیگر شده و از هملوی های مثبت عنعنات يك دیگر استفاده کرده که خیلی ها با ارزش میباشد .

حرکات توریستی از داخل مملکت بخارج :

یکعهده از توریست های که بخارج مملکت به سیر و سیاحت پرداخته و از دیدن پدیده های مختلف خارج مملکت برخوردار میشوند البته این عده اشخاص که تعداد شان روز بروز زیاد شده میروند . باز هم خیلی کم و ناچیز میباشد علت اساسی و ریشوی آنرا موضوعات اقتصادی افغانستان تشکیل میدهد چون در افغانستان اکثر مردم دارای سطح حیات بلند نبوده ازین درك نمیتواند که زیاد مردم به حرکات توریستی بپردازند .

مرام توریست های داخلی که بخارج سفر مینمایند .

مرام سیاحت اکثر توریست های داخلی که بخارج سفر مینمایند همانا اجرا کردن مراسم مذهبی از قبیل حج بیت الله شریف کر بلا مشهید و غیره میباشد هم چنین عده برای تفریح وعده هم برای تماشای مراکز تاریخی دنیا تماشای آثار هنری دنیا بخارج سفر میکنند .

تربیه اسعار :

توریست های که از داخل کشور به خارج سیاحت میکنند باید با خود اسعار داشته باشند که این اسعار را از بازار بدست می آورند و بدین صورت تقاضا برای بدست آوردن اسعار بازار زیاد شده که در نتیجه نرخ اسعار بلند رفته و در مقابل قیمت افغانی پائین میآید که در نتیجه به اقتصاد کشور تا اندازه صدمه وارد میشود .

چون ما میدانیم که اسعار خارجی در اثر تولیدات داخلی کشور از قبیل (میوه قالین پشم پوست و مواد خام و غیره) بدست می آید ناگفته نباید گذاشت که يك اندازه اسعار توسط توریست های خارجی که بداخل کشور سیاحت میکنند بدست می آید چون تا حال افغانستان يك مملکت صنعتی نگردیده و ضرورت بچرم به توریست ماشین آلات زراعتی و غیره دارد که تولید این اجناس توسط اسعار صورت میگیرد و این نقطه قابل یاد آوریست که اگر خرید اسعار در بازار بطور آزاد بدسترس توریست ها قرار گیرد يك اندازه زیاد آن بخارج کشور فرار میکند که در نتیجه اقتصاد کشور را متضرر میسازد باید هرچه زودتر اقدامات جدی در این زمینه صورت گیرد .

بصورت عمومی سیاحین داخلی که بخارج سیاحت میکنند اسعار

مورد ضرورت خود را به دالر و یا به پول مروجه کشور بیکه بان سیاحت میکنند از بازار آزاد کشور تهیه مینمایند و در پهلوی آن بعضی توریست ها اسعار مورد ضرورت خود را از افغانستان بانک بدست می آورند که این امتیاز تنها برای کسانی است که برای معالجه و اعاده صحت خود به خارج بخارج سفر میکنند .

این اسعار را سیاحین در داخل افغانستان یا بصورت نقد تهیه میکنند و یا از بانک های که در ممالک خارجی حساب و معامله دارند بصورت چک های سفری بدست می آورند .

گرفتن ویزه :

کسیکه میخواهد بخارج سفر کند باید اولاً یک در خواستی بولایت مربوطه خود ارائه نماید ولایت مربوطه فوراً جهت خانه پری بدسترس شخص مذکور میگردد توسط خانه پوری این فورمه شخص اولاً هویت مکمل خود را واضح میسازد . در مرحله دوم شخص مذکور خود را تبرئه میکند بطور مثال باید ثابت کند که مبلغ پانزده هزار افغانی از دولت قرضدار نیست جرم و جنایت را مرتکب نشده است تحت جلب مکلفیت عسکری نیست و هم باید شخصی دیگری اقل صاحب یک در بند حویلی باشد که از وی تضمین نماید . بعد از طی این مراحل به شخصی مذکور پاسپورت در مقابل فیس معینی داده میشود . که این پاسپورت را باید نمایندگی سیاسی مربوط به کشوری که به آن سیاحت میکند ویزه نماید .

حركات توریستی از خارج

مملکت بداخل افغانستان :

توریست های که از افغانستان دیدن مینمایند مربوط ممالک مختلف جهان اند عده توریست های که از افغانستان دیدن مینمایند بطور بی سابقه در این اواخر زیاد شده که سبب اصلی آن اسفالت سڑک های افغانستان

و اتخاذ تدابیر موثر ریاست گردشگری میباشد ، که جلب بسیار زیاد سیاحین بداخل کشور از درک اسعار خارجی خلیبی ها مهم است .

نا گفته نباید گذاشت که یک عده توریست های که به افغانستان سیاحت مینمایند دارای پول کافی نمیشوند و برای این امر راه های را خلق مینمایند که در کشورهای دیگر مقابل این نوع توریست تدابیر جدی اتخاذ شده و مانع ورود آنها میگردد چون در افغانستان مقابل مهمان خارجی در هر جا و به بسیار نیک میشود از اینرو این نوع توریست از موقع استفاده کرده به سیاحت بداخل افغانستان میپردازند امیدواریم در آینده دولت تدابیری اتخاذ کند که مانع ورود این توریست ها شود .

مرام توریست های جهان در افغانستان :

توریست های جهان به مرام های مختلف از قبیل دیدن مناطق جالب مراکز الهام بخش هنری تاریخی شخصیت های علمی و کاوش ها دقیقانه ای علمی و گذشته اندن گرما و سرما در مناطق دارای آب و هوای مساعد و گوار او غیره در نقاط مختلف کشور ما به سیاحت میپردازند .

افغانستان به داشتن موقعیت خاصی اقتصادی ، اجتماعی ، تاریخی کلتوری و جغرافیای دارای خصوصیت خاصی نیست که توریست ها صرف نسبت موجودیت چند خاصیت به آن سیاحت کنند بلکه دارای کیفیت های مختلف و متنوع زیادی است که جواب گوی مرام های مختلف توریستی شده میتواند مثلاً مرام بعضی توریست ها مشاهده وضع زندگی اقتصادی ، اجتماعی و معنوی مردمان کشور است که از مالیات ممتد و متمادی بر آن خوی گرفته اند مرام برخی توریست های خارجی دیدن قلعه های بلند ، ابزار دهقانی بدوی را در بر میگردد و هم باید متذکر شد که افغانستان در طول

تاریخ مدنیت های درخشانی را گذشتانده که تقریباً از هر یک دورهای مختلف آن آثار فنا نشدنی باقی مانده که ترجمان زندگی مردم زحمت کش و غیور این کشور در دور های مختلف میباشد که دیدن هر یک آن مرام های سیاحین جهان را در افغانستان تشکیل میدهد . بطور مثال بامیان به داشتن آثار تاریخی بالخاصه مجسمه های بودا که به ارتفاع (۳۵ و ۵۳) متر ساخته شده است مثل مدنیت بودایی در کشور بوده و هم چنین غزنی که روزی عروس شهرها نامیده میشد و نمونه ای با از ثقافت دوره غزنویان همانا مناره های بلند و پابرجای آن با آرامگاه شعرا و دانشمندان دوره غزنویان از قبیل (آرامگاه سنائی ، مقبره سلطان محمود غزنوی) و غیره میباشد .

شهر قدیم کابل نیز دارای بعضی آثار قدیم بوده که از آن جمله دیوارهای کوه شیر دروازه کوه آسمانی و کاسه برج ، نمونه از سنگر مبارزه کابل شاهین مقارن ظهور اسلام علیه تجاوز دشمنان خارجی اعمار گردیده بود بالا حصار کابل نمونه از صنعت معماری نیاکان ما بوده و مرگز سوق الجیشی افغان ها در مبارزات مسلحانه علیه اجنبیان و استعمارگران میباشد به همین ترتیب قلعه بست در لشکرگاه قلعه قیتول در قندهار و مسجد جامع و سایر بقایای تمدن هرات قابل تذکر است .

مرام عده از توریست ها عکس برداری دیدن از مناظر طبیعی کشور چون بند امیر ، دره آجر ، دره نورستان ، پنجشیر ، پغمان ، استالاف بلچراغ و غیره را تشکیل میدهد . افغانستان چون دارای آب و هوای دل انگیز است تفریحگاه توریست های جهان بوده که با الی خاصه در بهار و تابستان در دره های سرسبز و شاداب که فوقاً ذکر شد و در فصل زمستان به مراکز گرم و خوش آب هوا چون قندهار و جلال آباد رفته

از آسمان صاف و فضای روشن و میوه جات خوشمزه این سرزمین بهره میگیرند .

افغانستان در شرایط موجوده اقتصادی و اجتماعی دارای ادبیات غنی توریستی است لذا ممکن است يك توریست بایک یا چند مرام است شخص به افغانستان بیاید ولی موضوعات دیگر که دلچسپ علاقه اش را بخود معطوف ساخته ممکن از آن استفاده نماید .

مثلاً توریستی جهت دیدن مناظر طبیعی و گذشتاندن فصل گرما در نقاط سردسیر به سیاحت پردازند ممکن است در ضمن بازی بزکشی اتن ملی و سایر عنعنات خاص این سرزمین راتماشا کنند و یا از پیداوار تیبیک مملکت چون (لباس های محلی از قبیل پوستینچه ها ، چین ، چموس ، جیلک ، چکن و بعضی خامک دوزی ها) و غیره استفاده کنند .

بایست علاوه گردد با وصف اینکه مرام توریست ها غیر از مرام سیاسی تبلیغاتی تجارتي و غیره است باز هم هستند عده از توریست ها که با ویزه توریستی داخل افغانستان شده ولی کارهای غیر از مرام توریستی که جنبه تبلیغاتی میداشته باشند انجام میدهند و درک این که چرا بعضی از توریست دست به گدایی میزنند و یا با قیافه های ملسگی گشت و گذار میکنند مرام شان چیست ؟ آیا واقعاً غربت و فشار سفر آنها را بدین وضع دچار ساخته یا اینکه این عمل شان جنبه دیگری دارد . اینست که موضوع يك مسأله قابل بحث را به میان میکشد .

حرکات توریستها بصورت دسته جمع و انفرادی :

از مطالعه تاریخ توریزم استنباط کرده میتوانیم که از ادوار قدیم نظر به تسلط مناسبات برده گی و فیودالی و عدم موجودیت شرایط امن توریستها بصورت دسته جمعی از کشورها و مناطق دیدن میکردند

و حتی در بعضی مواضع جهان با قافله های تجارتي همراه شده به سیاحت میپرداختند اما امروز بنا بر موجودیت نظام نوین ، درک مفاهیم صلح ، زندگی مسالمت آمیز با در نظر گرفتن کرامت انسانی در بسیاری نقاط جهان شرایط توریزم انفرادی را بوجود آورده است ، ولی می بینیم که تا هنوز در برخی از نقاط دنیا شرایط بوجود نیامده که در آنجا توریست ها بصورت انفرادی سیاحت نمایند که بطور مثال افریقای جنوبی و رودیشیا این قول ما را تایید میکنند .

ولی بصورت عموم میتوان موضوع انفرادی و دسته جمعی را بدو نقطه ذیل مرتبط دانست

الف هدف توریزم اگر هدف توریزم چنین باشد که بصورت انفرادی توریست از عهده آن برآید در این صورت بطور انفرادی علیحده توریزم را تعقیب نماید مثلاً دیدن شهر های مهم يك کشور ولی اگر هدف توریزم بصورت انفرادی تاسین شده نتواند در این صورت توریست ها بصورت دسته جمعی اقدام نمایند مثلاً کوهنوردی و غیره .

ب مواضع توریزم در این مورد شرایط مختلف آن کشور و منطقه که توریست ها به آن سفر مینمایند اهمیت اساسی دارد یعنی اینکه شرایط اقتصادی سیاسی اجتماعی کلتوری یک کشور در تحت کدام نوع مناسبات تولیدی تنظیم یافته و بکدام سویه میتواند این شرایط متضمن فراهم نمودن تسهیلات برای توریست ها شده بتواند .

لذا میتوان گفت که به اساس نقطه « الف » اینکه توریزم بصورت انفرادی یا دسته جمعی صورت بگیرد مربوط به هدف توریست ها است که به افغانستان داخل میشود و از طرف دیگر افغانستان یک کشور کوهستانی بوده و مواضع

طبیعی در آن بسیار زیاد میباشد ازین سبب است که اکثر توریست به افغانستان دسته جمعی سفر مینمایند تا در وقت مشکلات با همد یگر کمک و معاونت نمایند .

مقررات برای توریست ها

همانطور یکه توریست ها از داخل کشور بخارج سفر مینمایند برخی هم از خارج بداخل کشور سیاحت میکنند و راصولنامه مسافرت و اقامت اتباع خارجی از افغانستان (اتباع خارجی که به افغانستان جهت سیاحت تفریح ، مشاهدات علمی کوتاه دیدن اقارب و امثال آن سفر مینمایند) از طرف نمایندگی سیاسی یا قنصلی افغانی در خارج برای شان ویزه سیاحت مطابق به احکام قانون اعطا میشود این نوع ویزه از طرف مقامات ویزه دهنده به مهر (ویزه سیاحت) میگردد .

در یکی از موارد این اصولنامه چنین است (تبعه خارجی که بویزه سیاحت داخل افغانستان میشود حق کار کردن و حق کسب معاش را در افغانستان ندارد)

قانون فعلی افغانستان تسهیلات زیادی نسبت به سابق برای توریست ها فراهم نموده است و مانند اول دیگر با توریست ها معامله مینمایند چنانچه در یکی از مواد این اصولنامه مینیمم ، (و قتیکه دارندگان ویزه سیاحت مطابق به احکام قانون وارد افغانستان میشوند مکلف اند از نقاط سرحدی و میدان های بین المللی فورمه دخول را خانه پری کنند و در آن عویت تابعیت نمره ها سپورت و آدرس خود را در خاک افغانستان بیان نمایند در صورتیکه اشخاص مذکور در محلات عمومی از قبیل هتل ، کلوپ مسافر خانه و امثال آن اقامت نمایند موظفین محلات مذکور مکلف اند حین ورود فورمه اطلاع ورود را بدسترس بگذارند این فورمه توسط مقامات امنیه به اختیارات محلات

آیا پالیسی ویتنامی ...

(بقیه صفحه ۱۲)

داشت یا اینکه با مداخله جدی نظامی با تمام قدرت و یا اقل قدرت سابقه جنگ ویتنام را دوام دهد و یا عنوان نخستین رئیس جمهور شکست یافته آمریکا را در یک جنگ قبول کند در حالیکه قبول هر دو موضوع برای رئیس جمهور آمریکا دشوار خواهد بود مدعی الیه به مشکل حاضر خواهد شد طریق دوم را ترجیح دهد. روی همین ملاحظات ریچارد نیکسن و مشاورینش یک پروگرام استیجایی را برای تطبیق مراحل مختلف ویتنامی ساختن جنگ ویتنام طرح نموده اند که اگر نکته به نکته پیش برود پالیسی مذکور در سه مرحله ذیل تطبیق خواهد شد.

۱- عقب کشیدن قطعات نظامی آمریکائی از ساحه های فعالیت محاربات زمینی و انتقال مسئولیت ساحه های مذکور به قوای زمینی ویتنام جنوبی.

۲- عقب کشیدن تدریجی قطعات هوایی توپچی و حمایتی لوژستیکی.

۳- موظف ساختن قوای باتیمانده آمریکا بحیث مشاورین اردوی ویتنام جنوبی.

طوریکه گفته میشود در آخر سال جاری مسیجی آمریکا انتظار دارد که به اندازه دوسد و پنجاه هزار تاسه صد هزار سرباز خود را از خاک ویتنام جنوبی بیرون بکشد. و بالاخره اندازه نظامیان آمریکا در ویتنام جنوبی که بحیث مشاورین عسکری رادر قطعات اردوی ویتنام جنوبی دارا خواهد بود به بیست الی سی هزار نفر خواهد رسید. طی صفحات آخرین عقب کشیدن قوا، کندک های هوایی آمریکا و قطعات تقویه پایگاه هائی را در میدان هوایی (تان سان نوت) بیگون و در بین هوا، کی نون دانانک و چولای اشغال خواهد نمود. آخرین جز و تام محارب آمریکا که از ویتنام بیرون کشیده خواهد شد عبارت از فرقه اول سواری آمریکائی باشد که تا آنوقت با چهار صد هلیکوپتر خود بحیث یک قطعه امنیت تحفظ قطعات تقویه را تامین خواهد نمود.

تاکنون وزیر دفاع ملی آمریکا مفکوره ویتنامی ساختن جنگ ویتنام را به تمام معنی مورد قبول تمام حلقه های سیاسی و نظامی آمریکا قرار نده است زیرا تعداد زیادی از مامورین ملکی و نظامی آمریکا در ویتنام هنوز هم تقلیل نقش آمریکارا در ویتنام به این سویه و به این زود موافق و مطلوب نمیابند، در نظر آنها عجله درین مورد مشکلات زیادی را بوجود میآورد و عده زیادی از آنها هنوز هم فکر میکنند که به تعداد دوسد هزار نفر سرباز آمریکائی و یابیشتر از آن باید در ویتنام برای چندین سال دیگر باقی بمانند. وزیر دفاع ملی آمریکا در سفر اخیر خود به نفع پالیسی ویتنامی ساختن جنگ کوشش هائی بعمل آورده است. البته آنچه وزیر دفاع ملی آمریکا در ویتنام جنوبی مشاهده کرد

عمومی گذاشته میشود از طرف تبعه خارجی خانه پری گردیده و توسط موظفین محلات عمومی در ظرف ۴۸ ساعت به مقامات محلی امنیه سپرده میشود در صورتیکه دارنده ویزه سیاحت در منزل شخصی در خاک افغانستان اقامت نماید خود او مکلف است در خلال مدت مذکور فوراً از ورود خود به مقامات امنیه مربوط اطلاع دهد) اصولنامه مذکور مدت اقامت توریست ها را در افغانستان طبق ماده ذیل تنظیم میکند.

«ویزه که در نمایندگی های افغانستان در خارج تحت ویزه سیاحت صادر میشود برای سیاح حق میدهد از تاریخ دخول در افغانستان یک ماه اقامت کنند مناطق که دخول در آن ممنوع شناخته شد در آنجا ورود توریست ها ممنوع است در صورتیکه سیاح اقامت و کشت گذار مزید از یک ماه را آرزو مند باشد جهت حصول اجازه به مقامات امنیتی مراجعه نماید.

(مواضع مهم توریستی)

مواضع مهم توریستی که برخی آن قبلاً تذکار یافت در مناطق آتی کشور با در نظر گرفتن فواصل آنها قرار ذیل ذکر میکنیم.

از کابل	الی	پغمان	۱۶	میل
»	»	استالف	۳۳	میل
»	»	جبل السراج	۴۵	میل
»	»	گلبهار	۵۰	میل
»	»	غزنی	۸۹	میل
»	»	چاریکار	۴۳	میل
»	»	بامیان	۱۱۸	میل
»	»	جلال آباد	۹۸	میل
»	»	پلخمری	۱۳۵	میل
»	»	قندهار	۲۹۶	میل
»	»	سزار شریف	۳۸۰	میل
»	پلخمری	»	۱۹۶	میل
»	»	قندز	۷۰	میل
»	میمنه	هرات	۲۸۹	میل
»	هرات	سرحد ایران	۷۷	میل
»	»	سرحد شوروی	۷۳	میل
»	قندهار	هرات	۳۲۷	میل

(پایان)

نشان میداد که قسمت نظامی پروگرام مربوط به ویتنامی ساختن جنگ به خوبی پیشرفت میکند زیرا اردوی ویتنام جنوبی به چهارصد هزار سرباز بلندبرده شده است که با بسیاری از آخرین مودل های اسلحه امریکائی مجهز شده اند و بعضی از فرقه های آن به مراحل بلند قابلیت های مسلکی رسیده اند، صاحب منصبان آنکشور نیز در نتیجه تماس با صاحب منصبان امریکائی در ساحه عمل بیشتر قدرت تعرضی و محاروبی یافته اند. گذشته از آن بحریه سی و سه هزار نفری ویتنام جنوبی در حالیکه مرتبات مختلط بومی و امریکائی را در کشتی ها تا کنون بکار برده است قابلیت محاروبی ملاحان خود را بیش از دیگر صنوف افزوده است و این عمل از مدت ها پیش مطابق همان اساساتی بعمل آمده که امروز خطوط اساسی پالیسی ویتنامی ساختن جنگ را تشکیل میدهد. در تابستان آینده بحریه امریکا به تعداد پنجمصد کشتی های توپ دار خود را به بحریه ویتنام جنوبی تسلیم خواهد کرد. قوای هوائی ویتنام جنوبی تا کنون کمتر از اساسات ویتنامی ساختن کار گرفته است ولی درین مورد هم کوشش های پیهمی جاریست طوریکه در سال مالی جاری به تعداد یک هزار و دویست نفر پیلوت ویتنام جنوبی در مراکز تعلیمی هوائی امریکا تربیه میشوند. از آنجائیکه فکر میشود افراد وقتی خوب می جنگند که از خانه های خود دفاع نمایند.

قوماندان عمومی قوای امریکا در ویتنام جنوبی (جنرال ابرامز) بر تشکیل و تقویه ملیشیای ویتنام جنوبی تا کسید و پافشاری زیادی میکنند و این موضوع نتیجه خوبی هم داده است چنانچه به تعداد چهار صد هزار نفر سرباز قوای منظوقوی و ملی که عبارت از یک نوع ملیشیایمی باشد تا کنون قسمت زیاد بارتاسین امنیت را در روستاها و قصبات بدوش گرفته اند و علاوه برین قوای غیر منظم تمام مردم هم برای دفاع شخصی خود آماده ساخته شده اند چنانچه به تعداد سه ملیون نفر درین گروپ قرار داشته و وظیفه اخطار و ایفاظ قبلی را برای قطعات عسکری اجرا میدارند. ازین جمله به تعداد چهار صد هزار نفر آن با انواع مختلف تفنگ و اسلحه حرب دوم جهان مسنح شده اند. بصورت عمومی ملیشیای ویتنام جنوبی دارای دسته هائی میباشد که از حیث قابلیت های دفاعی و جنگی از همدیگر اختلاف، زیادی دارند. در ولایت بین دن دسته های ملیشیای محلی ویتنام جنوبی حتی نسبت به قطعات اردوی ویتنام جنوبی که بطور منظم تعلیم و تربیه شده و با اسلحه بهتری مجهز گردیده اند از حیث قابلیت های نظامی بهرتر تلقی میشوند در حالیکه در ولایت بین دودنگ که در شمال سیگون واقع است صرف شش تولی قوای ملیشیا دارای قابلیت های نظامی آنهم بدرجه های بسیار پائین محسوب میگرددند. با وصف آنهم قابلیت های محاروبی و دفاعی این دسته های ملیشیا در مقابل افراد ویتکانگک به مراتب ضعیفتر بنظر می آید. البته جای شک نیست که ملیشیا های ویتنام جنوبی در تطبیق پروگرام های تامین آرامش که فعلا از طرف وان تیورنیس جمهور ویتنام بدست آمده است کاملاً مطمئن خواند ولی آنچه از روی این احصائیه ها معلوم

میشود عبارت ازین است که اکنون در حدود نود و دو فیصد مردم ویتنام جنوبی در مناطق نسبتاً با امنیت و محفوظ اقامت دارند در حالیکه در ماه اکتوبر سال ۱۹۶۸ چنین تخمین میشد که صرف ۶۹،۸ فیصد مردم در مناطقی بسر میبرند که نسبتاً ساحه های محفوظ و با امنیت بحساب می آید. گذشته از آن بیش از نود فیصد قریه های ویتنام جنوبی اکنون مامورین محلی خود را خودشان انتخاب کرده اند.

با وجودیکه موضوعات فوق الذکر نشان میدهد که روز بروز ساحه برای تطبیق پروگرام های ویتنامی ساختن جنگ ویتنام مساعدتر میگردد معیناً هنوز هم مشکلات زیادی درین راه موجود است. اردوی ویتنام جنوبی هنوز هم در ساحه قوماندانیت و لیدر شپ، مورال و اهلیت نواقص و کمبود های اساسی را از خود نشان میدهد. در تمام قطعات ویتنام جنوبی تعداد صاحب منصبان و قوماندانانیکه به جسارت کامل روحیه تعرضی افراد خود را با قرار گرفتن بحیث لمانوئه مثال تقویت بخشند آنقدر زیاد نیستند در حالیکه محقق است قطعات نظامی خصوصاً جزو تانک های کوچک در موارد بحرانی جنگ از رفتار و طرز حرکت فرمانده خود انتبه میگیرند و تا اندازه زیادی تحت تاثیر شخصیت و طرز فعالیت قوماندان خود قرار میگیرند بنا بر آن در حالیکه در ساحه لیدر شپ و مورال کمبود قابل توجهی در قطعات اردوی ویتنام جنوبی بنظر میخورد، در شرایطیکه اردوی امریکا هم از پهلو ی قطعات اردوی ویتنام جنوبی جدا شود آنوقت تاثیرات نامطلوب مورال ضعیف و لیدر شپ غیر مکفی بر فعالیت های نظامی سربازان ویتنام جنوبی تاثیر زیادی وارد آورده میتواند. سربازان ویتنام جنوبی در حالیکه از سالهای زیادی با جنگ سروکار دارند ولی درین جنگ هیچگاه فعالیت مستقلانه بعمل نیاورده و اکثر در چوکات پلان های تکتیکی و ستراتیژیکی قوای امریکائی اجرای فعالیت نمودند و بتدریج چهره واقعی این حرب نزد آنها مجهول شده است تا کنون همواره این اتفاق افتاده که سنگینی و مسؤولیت یک قسمت زیاد فعالیت های محاروبی مستقیماً متوجه امریکا بوده و سربازان ویتنام جنوبی در آن نقش ثانوی داشته اند. گذشته از آن جزو تانک های اردوی ویتنام جنوبی از حیث اسلحه، وسایل، تجهیزات محاروبی، استحقاق، و معاشات به اندازه زیادی از قطعات اردوی امریکائی که در پهلو ی آنها در عین حرب اشتراک دارد ضعیفتر میباشد و این موضوع بروحیات و مورال سربازان ویتنام جنوبی بی تاثیر نمی باشد زیرا وقتی آنها در ساحه حرکات می بینند که قطعات امریکائی با بکار بردن اسلحه، وسایل و تجهیزات بسیار مدرن با ویتکانگک مقابله می نمایند و خود آنها در مقابل عین دسته های ویتکانگک نسبت به قطعات امریکائی وسایل محدودتری در اختیار دارند بطور لاشعوری یک عقده احساس ضعیف در آنها پدید می آید و برخی از سربازان ایشان فکر میکنند که با بیرون شدن قوای امریکا از پهلو ی آنها و وارد شدن ثقلت اصلی جنگ به دوش ایشان ضعف آنها را بیشتر می سازد. ازینجاست که

موضوع ویتنامی شدن جنگ ویتنام بیش از پیش بر مورال ، اهلیت و لیدر شیب سر بازان ویتنام جنوبی تأثیر منفی وارد می آورد . چندی قبل در دلتای دریای میکانگ و وقت یکی از صاحب منصبان ویتنام جنوبی به سر بازان بر یک موضع مستحکم ویتکانگ امر هجوم داد و خودش پیشا پیش به هجوم برخاست ولی وقتی که او به نزدیک آشیانه مقاومت طرف مقابل خود را رساند احساس کرد او درین هجوم تنها می باشد و سر بازان تحت امرش از جای خود تکان نخورده اند . همین مثال کوچک سوبه ضعف مورال و لیدر شیب را در جزو تام های اردوی ویتنام جنوبی بخوبی منعکس می سازد .

با تطبیق مراحل بعدی پالیسی ویتنامی ساختن جنگ پر اہم های تازه تر و جدیدتری برای ویتنام جنوبی بوجود آمده می تواند . مثلاً در ساحه شمال ویتنام در منطقه قول اردوی نمبر اول آنکشور که سابقاً پنج فرقه امریکائی اجرای فعالیت می نمود در آینده نزدیکی صرف دوایم فرقه ویتنام جنوبی باید تمام مسئولیت ساحه مذکور را بدوش بگیرد و در آن صورت در حالیکه اندازه قوت در آنجا درست نصف می شود بعات ضعف قطعات ویتنام جنوبی همین رقم نصف هم مورد اطمینان نیست و ازینرو مشکلات زیادی دقتاً به مقابل قطعات ویتنام جنوبی بوجود خواهد آمد . یکی از موضوعات بسیار مهمی که در مورد پروگرام های ویتنامی ساختن جنگ ویتنام به نظر می خورد اینست که تاکنون اکثر فعالیت های محاربوی قطعات ویتنام جنوبی با اشتراک قوای نظامی امریکا و یا مشاورین نظامی آن کشور رابطه نزدیکی را محافظه داشته است به این معنی که سر بازان ویتنام جنوبی وقتی به اجرای حرکات اکتیف و فعال میل نشان داده اند که در پهلوی خود قطعات و یا مشاورین نظامی امریکا را دیده اند و از آن رهگذر اطمینان داشته اند که در وقت و زمان معین و حین ضرورت حمایه هوائی و حمایه آتش توپچی به کمک آنها خواهد رسید و علاوهً امور اکمال لوژستیکی به طور منظم از پایگاه های امریکا صورت گرفته مریضان و زخمی ها با سرعت توسط هلیکوپترهای امریکائی به مراکز صحتی انتقال داده خواهند شد . به این ترتیب در همه مواردیکه سر بازان ویتنام جنوبی به موضوعات فوق اطمینان داشته اند عملیات محاربوی را با سرعت و اهلیت بهتری انجام داده اند و این مسئله این مطلب را می رساند که تاکنون اکثر موجودیت قوای نظامی و یا مشاورین عسکری امریکا در ساحه حیثیت یک انگیزه قوی را در حرکات و فعالیت های قطعات ویتنام جنوبی داشته است و در صورتیکه طبق پالیسی ویتنامی ساختن جنگ قطعات امریکائی بتدریج از پهلوی جزو تام های اردوی ویتنام جنوبی عقب کشیده شوند بدون تردید انگیزه ای که ذکر یافت نیز به خاموشی می گراید و در نتیجه اهلیت ، مورال و لیدر شیب قطعات اردوی ویتنام جنوبی بیشتر از گذشته متاثر می شود . همین اکنون تأثیر این موضوع در قسمتی از دلتای دریای میکانگ بخوبی احساس می گردد زیرا از وقتیکه قسمت عمده

قوای زمینی امریکا از آن منطقه در ماه سپتمبر سال ۱۹۶۹ بیرون کشیده شد و صرف یک گروپ بیست و شش هزار نفری سر بازان امریکائی در آنجا باقی ماند فعالیت قطعات ویتنام جنوبی در ساحه مذکور به اندازه قابل ملاحظه ای محدودتر شده است . زیرا در حالیکه تعداد سر بازان ویتکانگ در دلتای دریای میکانگ مانند سالهای گذشته در حدود هشتاد هزار نفر تخمین می گردد قسمت زیادی قوای امریکا اخیراً از آنجا بیرون کشیده شد و در اثر این موضوع جزو تام های اردوی ویتنام جنوبی جرات اجرای عملیات اکتیف را در مقابل ویتکانگ در آنجا از دست داده اند و صرف به مدافعه محلی توجه و میل نشان می دهند . این مسئله باعث شد که چندی قبل مشاورین نظامی امریکائی در آن ساحه پلان های عجل را برای تخریب گدام های مهمات امریکا در آن ساحه طرح کنند تا در صورتیکه قطعات ویتنام جنوبی ساحه را ترک دهد و از مقابل با ویتکانگ امتناع ورزد ، ذخایر مذکور بزودی تخریب شده از افتادن بدست ویتکانگ جلوگیری بعمل آید .

باموجودیت چنین نکات ضعیف در قطعات اردوی ویتنام جنوبی محقق است همینکه پالیسی ویتنامی ساختن جنگ وارد مرحله دوم گردد یعنی امریکا بتدریج قوای هوائی ، توپچی و جزو تام های حمایه لوژستیک خود را عقب بکشد پر اہم بسیار پیچیده و مشکلی در برابر اردوی ویتنام جنوبی عرض اندام خواهد کرد . زیرا حمایه لوژستیک اردوی ویتنام جنوبی هنوز هم نارسائی های زیادی دارد و طوریکه برخی مقامات امریکائی هم عقیده دارند بدون حمایه لوژستیک امریکا قطعات اردوی ویتنامی جنوبی حتی به اجرای وظایف سوبه قبلی هم آمادگی ندارند چه رسد به آنکه مسئولیت های قطعات امریکارا که بتدریج عقب کشیده میشوند هم بر عهده بگیرند . گذشته از آن سر بازان اردوی ویتنام جنوبی در ساحه تخنیک و اداره هم آنقدر پیشرفت نکرده اند که پر اہم های پیچیده را درین ساحه طور مستقلانه حل نمایند . درست است که آنها تامدتی هلیکوپترهائی را که قوای نظامی امریکا به آنها تسلیم میدارد بکار خواهد انداخت و بدین ترتیب کشتی توپ داریرا که قطعات قوای بحری امریکا به بحریه ویتنام جنوبی ترک میدهد استعمال کرده خواهند توانست ، ولی نمیتوان فرض کرد که این مسئله بلاینقطع دوام خواهد یافت بلکه بتدریج عوارض تخنیک فعالیت های وسایل تخنیک را مانند همین هلیکوپترها و کشتی ها حدود و محدود و دتر خواهد نمود و چون درین قسمت ضعف قابلیت های تخنیک و اداری اردوی ویتنام جنوبی را در نظر بگیریم این نتیجه بدست می آید که از وسایل تخنیک طوریکه لازم است استفاده ممکنه بعمل آمده نخواهد توانست و بتدریج از استفاده خواهد برآمد . روی این ملاحظات مدتها لازم است تا قطعات اردوی ویتنام جنوبی طور مستقلانه تجارب تخنیک و اداری را به پختگی برسانند تا استعداد شان در مورد استعمال تخنیک مدرن انکشاف یافته و به سوبه قناعت بخشی رسیده بتواند .

یکی از پرابلم های بزرگی که در نتیجه تطبیق پالیسی ویتنامی ساختن جنگ بوجود آمدنی میباشد بقوای هوائی ویتنام جنوبی ارتباط می گیرد و در حقیقت قوای هوائی ویتنام جنوبی بیش از سایر قوت ها از آن پالیسی متأثر خواهد شد. زیرا در حالیکه قوای هوائی ویتنام جنوبی بایرون شدن قوای امریکا از آنکشور حل اکثر به اندازه پنجصد طیاره مختلف النوع در اختیار خواهد داشت مجبور خواهد بود هم حمایه هوائی را برای قطعات زمینی خود تامین نماید و هم اکملات لوژیستیک را از طریق هوا انجام دهد. بیلوت های ویتنام جنوبی تا آخر سال ۱۹۷۱ موقع نخواهند یافت که حتی نصف پرواز های محاروبی را اجرا کنند. و طوریکه دیده میشود قوای هوائی امریکا باید در حدود هفتاد فیصد تعلیمات لوژیستیک اردوی ویتنام جنوبی را از طریق هوا انجام دهد و قوای هوائی ویتنام جنوبی قابلیت بسیار محدودی را در قسمت سایر ایجابات مانند تخلیه صحنی مالک خواهد بود. مقامات صحنی ویتنام جنوبی عقیده دارند که آنها در تخلیه زخمی ها از ساحه فعالیت به مراکز صحنی اکنون کاملاً به هلیکوپترهای قوای امریکامتکی میباشد آنها به این خدمات صحنی در هر قول اردو به هشت هلیکوپتر احتیاج دارند که مجموعاً سی و دو هلیکوپتر شود. ولی تاکنون به مشکل امریکائی ها حاضر شده اند که به تعداد صرف هشت هلیکوپتر برای تمام اردوی ویتنام جنوبی جهت خدمات صحنی بدهند که همان تعداد هم سراز حالاً تحت قبضه قوای هوائی ویتنام جنوبی در آمده است. به همین ترتیب در مورد سایر انواع اسلحه و وسایل نظامی مورد ضرورت اردوی ویتنام جنوبی نیز این مشکلات احساس میگردد. اگرچه تاکنون جزو تمام های اردوی ویتنام جنوبی تمام وسایل و تجهیزات تیرا که طبق محتویات پالیسی ویتنامی ساختن جنگ باید بدست داشته باشند حاصل نکرده اند ولی در حالیکه این کار صورت هم بگیرد باز هم از حیث سلاح، وسایل و تجهیزات قطعات ویتنام جنوبی به مراتب نسبت به قطعات امریکائی ضعیف خواهند بود زیرا آنوقت فقط ثلث همان تعداد ماشیندارها در اختیار جزو تمام های ویتنام خواهد بود که در جزو تمام های امریکائی موجود میباشد علاوه آن تعداد بیسیم ها و سایر وسایل الکترونی هم به تعداد بسیار کمی در اردوی ویتنام جنوبی توزیع خواهد گردید بحور مثال وسیله مخصوص دید شب که از سال ۱۹۶۸ در قطعات امریکائی مورد استعمال قرار گرفته است به اندازه بسیار محدودی به جزو تام های ویتنام جنوبی داده خواهد شد به این معنی که یک کندک امریکائی به تعداد هشتاد و دو سیت ازین وسیله در تشکیل خود دارد در حالیکه قرار است به هر کندک اردوی ویتنام جنوبی صرف سه سیت ازین وسیله مهم تخصیص یابد.

از نگاه عسکری فعالیت برای ویتنامی ساختن جنگ ویتنام مستلزم سرازنو تشکیل نمودن اردون ویتنام جنوبی میباشد زیرا باید این اردو برای احراز قابلیت اجرای عملیات مستقلانه از حیث تشکیل، تجهیز، تسلیح، لیدر شپ و اداره

تعدیل و مقتدر ساخته شود. ولی طوریکه دیده میشود این مسئله هم چندان کار آسانی نیست و با همان سرعتی که در پروگرام مربوطه به ویتنامی ساختن جنگ ویتنام مدنظر گرفته شده است قابلیت تطبیق بسیار ضعیفی در ساحه عمل دارد و در موارد لیدر شپ، اعلیت، وسایل و تجهیزات مکفی دانسته نمی شود. اگرچه در شرایط فعلی که هنوز هم یک تعداد زیاد سربازان امریکائی در ویتنام جنوبی موجود می باشند پرابلم وارده در اثر تطبیق پالیسی ویتنامی ساختن جنگ بشدت اصلی خود احساس نمیکردد ولی با بیرون شدن تدریجی قوای امریکا از ویتنام جنوبی پرابلم های مذکور هم چهره واقعی خود را نشان خواهند داد و در آنصورت خلاصه ی زیادی در ساحه نظامی بوجود خواهد آمد که اردوی ویتنام جنوبی به سرعت آنرا پوشانده نخواهد توانست و در نتیجه اگر تعرض ویتکانگ و قوای ویتنام شمالی به شدت گذشته صورت گیرد آنگاه او ضاع را از نگاه نظامی طوری تغییر خواهد داد که امریکا مجبور به اتخاذ پالیسی تازه ای در مورد ویتنام شود.

درین ضمن اوضاع اجتماعی که فعلاً در ویتنام جنوبی موجود است در برابر پالیسی تطبیق ویتنامی ساختن جنگ ویتنام مطالب و مسایل مورد بحث و قابل تامل را بوجود می آورد؛ جای شک نیست از روزیکه اضلاع متحده امریکا در جنگ ویتنام مستقیماً اشتراك ورزید کوشش بعمل آورد تا تبدلات و تحولات مشخص اجتماعی را نیز در پهلوی حرکات عسکری در آن کشور بوجود آورد، به همین ترتیب جنبه ملی آزادی ویتنام و ویتنام شمالی نیز در پهلوی فعالیت نظامی خود مساعی زیادی را در راه تغییر دادن ساختمان اجتماعی در کشور ویتنام جنوبی متمرکز ساخت ولی اکنون که سالها ازین جنگ میگذرد و اقلاً تحولات بزرگی در زندگی اجتماعی مردم ویتنام بوجود آمده است ولی به هیچ وجه نمیتوان این تحولات را مطابق پلان های امریکا و پلان های ویتکانگ و ویتنام شمالی در حساب آورد، بلکه یک نوع تحول جداگانه ایست که در نتیجه جنگ دوامدار در آن کشور روی کار آمده است، و این تحول به نوعی است که هیچ طرف نتوانسته است جریان آنرا تحت کنترل خود در آورد صرف ده سال پیش ویتنام جنوبی اکثر آزار جمعیت های روستائی تشکیل می یافت.

ولی با ایجاد تخریبات وسیع ناشی از جنگ در قریه ها و کشیده شدن دامنه جنگ به دهکده ها و روستاها و علاوه آن بیدایش مفکوره حصول مفاد در مناطق نظامی و پایگاه های امریکائی بطور آسانتر مهاجرت های کتلوی مردم به شهرها آغاز یافت که در نتیجه آن امروز تقریباً نصف نفوس هفده ملیونی ویتنام جنوبی در مناطق شهر بسر می برند و این موضوع تا حد زیادی پرابلم تکائف نفوس را در مناطق تنگ و ضیق مانند سیگون بوجود آورده است، در اثر وارد آمدن این تحولات مردم ویتنامی بازندگان عصری در شهرها بیشتر آشنا شده خود را بامقتضیات آن موافق ساختند، هزاران موسسه تجارتي کوچک رویکار آمد و موقعی مانند شرایط فعلی مردم ویتنام جنوبی پول

بیشتری از تلاشهای خود بدمت نیاورده بودند، آنها به خرید يك اندازه زیاد اشیای استهلاکی از تلویزیون و یخچال گرفته تا موتور سايكل های هوندا دست زدند، ولی موضوع اینکه آیا چنین تحول سریع السیر اقتصادی و اجتماعی يك اساس اطمینان بخشی را برای يك اقتصاد مداوم و بهتر برای ویتنام جنوبی تشکیل میدهد یا خیر موضوع درخورد غور و تأمل است و نگرانی های زیادی در این قسمت نزد آمریکایی ها موجود میباشد ویتنامی ها که در ساحه اقتصاد شرایط حرب سر مایه گذاری کرده اند اکثراً میل به بکار انداختن سرمایه های خود در درچنان مواردی نشان میدهند که به سرعت مفاد و حاصل بدهد و بنابراین سرمایه های آنها در ساحه صنایع و یا تصدی های پایدار بکار نیاتاده بلکه در ساحه هتل ها، بارها، مراکز مساز دادن و اعمار خانه های رهایش برای آمریکائیان که آنرا به کرایه میگیرند تخصیص یافته است، در نتیجه این جنبش در ویتنام جنوبی نسبت به شفاخانه تعداد بیشتر کلوب های شبانه و نسبت به مکاتب تعداد بیشتر اپارتمان های لوکس کرائی ساخته شده است به همین ترتیب عادات، اخلاق و ذمیت های اکثر جوانان شهری در شرایط حرب جاری تحت تأثیر عادات و کلتور خارجیان در آمده است و در آن کشور که يك فقدان عمومی اقتصاد پایدار به ملاحظه میرسد خواسته ها برای دریافت اشیای استهلاکی و توریستی بیشتر و بیشتر شده میرود و بالاخره يك خلا و جدائی بزرگی در بین نسل جوان و نسل پخته آن کشور بوجود آمده است، به همین ترتیب در مناطق روستائی ویتنام جنوبی هم يك سلسله تحولات بزرگی که در قسمت خود دارای خصوصیت تازه میباشد احساس میگردد، وسایل و افزار تخنیکي مانند تراکتورها و وسایط میکانایزه جاپانی برای قلبه کردن در خدمت زراعت به مشاهده میرسد، پروگرام ها اصلاح زراعتی در مورد آشنا ساختن زارعین به میتود و تکنیک های استعمال کود و آبیاری به اصول فنی تا اندازه زیادی پیشرفت نموده است، به این ترتیب با افزایش حاصلات زراعتی سویره زندگی زمینداران بلند رفته است و آنها اکنون به موتور سايكل قناعت نکرده به خریداری لاری ها اقدام میورزند، طبق يك نوشته منابع آمریکائی در یکی از ولایات ویتنام جنوبی اکنون به همان اندازه دستگاه های تلویزیون موجود است که بیست سال پیش چراغ های تیلی موجود بود، مگر باوصف آنهم هنوز ده ها هزار نفر دیگر ویتنام جنوبی موجود اند که در کمال عسرت در کمپ های سهاجرین بسر می برند و در آتش جنگ دوامدار همه چیز خود را از دست داده اند و همچنان خانواده های سر بازانیکه در جنگ کشته شده اند در وضع بسیار اسفناکی قرار دارند و به این ترتیب جنگ بیشتر به نفع دکانداران، تجار و زمیندار بوده است که تحولات وارده ناشی از حرب چند سال منافع و فواید آنها را زیاد ساخته است، حکومت ویتنام جنوبی و مقامات آمریکائی برای نشر پروگرام ها و عقاید خود در برابر ویتکانک به تأسیس دستگاه های فرستنده رادیو و جراید و روز نامه ها اهمیت زیادی داده اند، اکنون صرف در شهر سیگون در حدود

چهل روزنامه انتشار می یابد، دستگاه فرستنده تلویزیون نیز يك وسیله خوبی در دست حکومت سیگون برای نشریات مورد نظر آن میباشد، اتفاقاً این موضوعات در ساحه سیاست داخلی هم مورد استفاده مقامات حکومتی ویتنام جنوبی قرار گرفته است. وان تیو رئیس جمهور فعلی ویتنام جنوبی که پیشبرد پروگرام های تأمین آرامش و توسعه خدمات اجتماعی و اقتصادی در روستاها موقعیت سیاسی خود را تقویه بخشیده است نسبت به گذشته موقف مستقرتری را برای حکومت سر اقتدار بوجود آورده است. چندی پیش مردم روستاهای ویتنام جنوبی که سالهای سال در شرایط جنگ بسر برده بودند به مشکل قدرت دیگری را خارج دهکده خود مستوجب تمکین و بزرگداشت میدانستند زیرا آنها تصادم نیروهای مختلف را سالها دیده بودند بدون آنکه موفقیت قاطع همیشه بيك طرف مشخص تکیه کند. ولی با توسعه خدمات اجتماعی، اقتصادی و عرفانی در روستا های ویتنام جنوبی مردم قریه ها و ان تیو رئیس جمهور ویتنام جنوبی را بهتر شناخته اند و برای اینکه خدمات بهتر صحنی، بلدی، زراعتی و تخنیکي به آنها بعمل آمده بتواند و اطفال شان از فرحت ها تحصیلات عالی استفاده کرده بتوانند ارتباط بیشتری به وان تیو رئیس جمهور ویتنام جنوبی نشان میدهند و این مسئله استقرار سیاسی وان تیو را قوت بخشیده است.

با موجودیت چنین اوضاع اجتماعی در ویتنام جنوبی مسایلی زیادی موجود است که در برابر ویتنامی ساختن جنگ ویتنام عرض اندام میکند. واگر اردوی ویتنام جنوبی برای حفظ موقعیت فعلی و پیشبرد جنگ بطور مستقل پس از خروج قوای امریکا از خاک آن کشور تا اندازه زیادی هم آماده ساخته شود موجودیت تحولات فعلی اجتماعی در ویتنام جنوبی تا اندازه زیادی درجهیه مقابل پالیسی ویتنامی ساختن جنگ ویتنام جنوبی قرار میگیرد. زیرا اگر تمام قوای امریکا بسر عتیکه فکر میشود از ویتنام جنوبی خارج شود سر نوشت هزاران نفر آن کشور که در بارها، هتل ها و سایر مراکز خدمت کار میکنند بکجا خواهد انجامید؟ آیا اقتصاد ویتنام جنوبی سویره زندگی و سطح خواسته های مردم ویتنام جنوبی را که در اثر تحولات چند سال گذشته به مرحله فعلی رسیده است محافظه کرده خواهد توانست؟ آیا هزاران نفر ویتنامی که از روستاها به شهرها آمده اند تا برای خود کار پیدا نمایند با پائین افتادن تقاضا برای کار و خدمت چه خواهند کرد؟ آیا با بیرون شدن مجموعی قوای امریکا از ویتنام جنوبی اشخاصیکه سرمایه های خود را در تأسیس هتل ها، بارها، مراکز تفریح، اپارتمانهای کرائی و منازل رهایش جهت کرایه بکار انداخته اند چه راهی را در پیش خواهند گرفت؟ زیرا دیگر به سویره امروزه مشتری نخواهند داشت.

تمام این موضوعات سوالات و پرابلم های مهمی را تشکیل میدهد که در برابر پالیسی ویتنامی ساختن جنگ ویتنام قرار دارد و اگر پرابلم های مذکور قبل از آنکه پروگرام ویتنامی ساختن

گفتار بزرگان

کتاب رکن اعظم سعادت و نیکبختی انسانی است «فردریک کبیر» کتاب است آئینه روزگار . « فروزانفر »

اطاق بدون کتاب مانند جسمی بی روح است . « میسرون » خوشبخت کسی است بیکمی از دو چیز دسترسی داشته باشد :

کتاب یادوستانی که اهل کتاب باشند . « ویکتور هوگو »

ستون تمدن کتاب و مطبوعات است . « پلوتارک »

مقام تربیت هر قوم را از میان تالیفات آن قوم میتوان فهمید . « کنفوسیوس »

زندگی مانند کودکی است که تا خواب نرفته، باید گمواره اش را تسکین داد . « ولتر »

شریف ترین دلها دلی است که اندیشه آزار کسان را بدان راه نیابد . « زرتشت »

نام نیک پیراهنی است که هر گز کهنه نمیکردد . « ادیسن »

یادداشت حرف بز ، یا عاقلانه سکوت کن « ژرژ هربرت »

اگر نمیخواهی در حق تو داوری شود در حق دیگران داوری مکن « لینکلن »

من جز يك چیز نمی دانم و آن اینست که هیچ نمیدانم «سقراط»

تنها گنجی که در جستجو کردن آن بزمحتش میارزد ، هدف است . «پرلوئی استونس »

مایوس مباش، زیرا ممکن است آخرین کلیدی که در جیب داری قفل را بگشاید . « توتی ویک »

سخنی و مشقت امتدادی است که بزرگترین رجال عالم کمرش گردی و خدست او را بسته اند «جرمی تاپلور»

درباره

کتاب

جنگ که از طرف ریچارد نکسن رئیس جمهور امریکا طرح گردیده است تا مرحله آخرین آن تطبیق گردد بطور مطلوبی حل نگردند، آنوقت میتوان گفت که پالیسی ویتنامی ساختن جنگ ویتنام به نتایج پیش شده نخواهد انجامید و بطوریکه پسالتز روشن خواهد شد در یکی از مراحل آن به ناکامی مواجه خواهد گردید. زیرا آنهاییکه امروز در شهرهای ویتنام جنوبی بسر می برند و از ذمات به شهرها مهاجرت نموده اند با پیشرفت تطبیق مراحل ویتنامی ساختن جنگ بتدریج به بیکاری مبتلا می شوند و آنوقت شاید عده ای مجدداً به قریه های خود بروند و در آن مناطق عناصر ناراض و بیکار را بوجود آورند و یک تعداد دیگریکه در شهرها همچنان باقی می مانند نیز حلقه های افسرده، فقیر و موجد جنگال های سیاسی قرار می گیرند. در نتیجه این موضوع تردیدی نیست که حکومت ویتنام جنوبی نمیتواند با اقتصاد عقب افتاده خود بسرعت این پراللم ها را از بین ببرد و بنابر آن استقرار سیاسی روز بروز ضعیفتر می گردد و این مسئله یک تفوق سیاسی را به جهت مقابل یعنی ویتکانک انتقال میدهد و در عین زمان به رویکار آمدن پارتی های متعدد سیاسی و تقسیم شدن پشتیبانی مردم به گروه های مختلف کومک میکند و به اینصورت از استقرار سیاسی که اکنون وان تیو رئیس جمهور ویتنام جنوبی بدست آورده است اثری نخواهد ماند و این موضوع حوادث و ماجراهای تازه را در ساحت سیاسی و نظامی بوجود آورده میتواند .

به همین ترتیب طوریکه قبلاً ذکر یافت گمان نمی رود که با سرعتی که در تطبیق پالیسی ویتنامی شدن جنگ ویتنام مورد نظر است اردوی ویتنام جنوبی با بیرون شدن قوای نظامی امریکا کاملاً برای پیشبرد عملیات محاروبی در برابر ویتکانک و ویتنام شمالی طور مستقلانه صاحب باشد و این مسئله هم پالیسی ریچارد نکسن رئیس جمهور امریکا را تحت الشعاع قرار میدهد. طوریکه از روی اوضاع موجوده معلوم میگردد برای اینکه واقعاً جنگ ویتنام طوریکه امریکا میخواهد ویتنامی شود باید توأم با عقب رفتن قوای نظامی امریکا از آنکشور در ساحت سیاسی و اقتصادی شرایط تضمین یک آینده صلح آمیز برای ویتنام بوجود آید و مردم ویتنام بتوانند به اتفاق هم سر نوشت خود را تعیین نمایند .

در حین تطبیق مراحل ویتنامی شدن جنگ در صورتیکه اردوی ویتنام جنوبی به تمهائی خود نتواند با کدام تعرض عمومی ویتکانک مقابله نماید آنگاه امریکا در شرایط مشکلی قرار خواهد گرفت و مجبور خواهد بود با جنگ ویتنام را بشدت سابقه دوام دهد و یا شکست علنی را درین مورد قبول کند. به همه حال تا زمانیکه شرایط و اوضاع اقتصادی ، اجتماعی و نظامی ویتنام جنوبی بر اساس یک تهداب مطمئن و پایدار پی ریزی نگردد نمیتوان با سرعتی که مقامات امریکائی در نظر دارند پالیسی ویتنامی ساختن جنگ ویتنام را به نتایج پیش بینی شده منتهی دانست بلکه آنچه محقق است آینده این پالیسی در ساحت مورد مشکوک بنظر می آید. اگر توأم با همین پالیسی انکشافات سودمندی در کنفرانس صلح ویتنام در پاریس بعمل نیاید احتمالات زیادی برای بروز حوادث تازه در ویتنام خصوصاً در مراحل دوم و سوم تطبیق پالیسی ویتنامی ساختن جنگ ویتنام پیش بینی می شود .

مصارف تسلیحاتی اردوهای جهان

قرار احصائیة (U . s arms control and disament agency) ایالات متحده امریکا که در شماره نهم مجله ماهانه سخن نشر شده بود که مصارف تسلیحاتی ۱۲۰ مملکت دران نشان داده شده است، چون این راپور افزایش زیادی را در مصارف عسکری اردوهای جهان برسی کرده است مجله اردو بادر نظر ماهیت نشراتی خود اینک جهت مطالعه خوانندگان گرامی به نشر آن مبادرت ورزید ، البته مطالعه آن را که بالذکی تصرف صورت گرفته به همه مخصوصاً به صاحبمنصبان جوان اردوی شاعی افغان توصیه مینمائیم .

در گرد آوری این راپور همکاری کرده اند . در اینجا دو مشکل عمده نمایان شد فراوانی ارقام و دشواری محاسبه ، که ازسری بودن یا فهرست وار بودن ، هردو ناشی می شد؛ بادر مفاهیم و روش های حسابداری متفاوت بوده ، ثانیاً مشکل فنی تبدیل ارقام خارجی به پول رایج ایالات متحده ، به طریقی که مقایسه درستی میان کشور های مختلف انجام گیرد . برای مثال نرخ قانونی اسعار که بدواً برای مقاصد تجارت خارجی بکار میرود همیشه مبنای واقعی برای تبدیل بودجه و پرداخت های ملل دیگر به دلار نیست . نتایجی که باوجود این دشواریها بدست آمد . برای مقایسه میان کشورها و برای ارزیابی روشهای جهانی و ملی مبنای مناسبی را فراهم کرد . در اینجا درجه بندی از عدم صحت ارقام وجود دارد ، ولی سه سال پس از آگاهی عمومی از نتایج و کوشش برای بهبود روشها این اطلاعات اساساً معتبر به نظر می رسد .

من ابتدا جهت ها را در جهان به مشابۀ یک کل بررسی خواهم کرد ، سپس برحسب کشور های پیشرفته و کم رشد و سر انجام در مورد برخی کشور های معین مورد مطالعه قرار خواهم داد .

در جهان

به مشابۀ یک کل ، مصارف نظامی از سال ۱۹۵۰ به طور مداوم فزونی گرفته است ، نرخ پرداخت نظامی برحسب دالر رایج به طور سرانه دو برابر شده است و اسناد نشان میدهد که از جنگ کوریا به بعد اینک بالاترین رشد خود را می پیماید . مصارف نظامی از سال ۱۹۶۵ تا ۶۷ ، چهل و چهار میلیارد دلار ترقی کرد (رشدی برابر یک سوم) و با توجه به ر شدهای معلوم اخیر بودجه های نظامی ، می توانیم بگوئیم که مبلغ جهانی آن در ۱۹۶۷ به ۱۹۶۹ نیز رو به صعود داشته است . بادر نظر گرفتن ترقی قیمت ها در می یابیم

در سال ۱۹۶۷ (آخرین سالی که در باره آن مدارک معتبری در دست است) مصارف عسکری ملت های جهان به ۱۸۲ میلیارد دلار رسید . به طور متوسط ۵۳ دلار برای هر مرد ، زن و کودک روی زمین . این راپور ۵۰ میلیارد افزایش مصارف سالانه عسکری را نسبت به چهار سال پیش نشان میدهد . بودجه های نظامی در سال ۱۹۶۷ نیز روبه افزایش نهاد . اگر این مصارف تسلیحاتی اردوهای جهان به همین شکل ادامه یابد در ۱۰ سال آینده به ۴ تریلیون (یعنی ۴۰۰۰ میلیارد) دالر خواهد رسید . تجسم عظمت مفهوم این مبلغ سخت دشوار است . تنها باید گفت که این مبلغ بسی بیش از ارزش زمین ساختمان ها ، ماشین آلات ، کالا های تجارتي و موجودی نقدی ایالات متحده امریکا است . مصارف نظامی بسطی رسیده که به صرف نظر از امکان نابودی دستجمعی - رفاه اقتصادی و اجتماعی نوع بشر راه خطر انداخته است .

در عرض چندسال اخیر بسیاری از اقتصاددانان و دانشمندان این اداره مقدار روز افزونی از اطلاعات را در باره مصارف سالانه نظامی ملت های جهان از منابع اطلاعاتی موجود فراهم آورده اند . این کار ۱۲۰ کشور را در بر گرفته است ، شامل قوت های بزرگ و کشورهای کوچک تهیدست ، کشورهای صنعتی بسیار پیشرفته و آنها که برای رهائی از اقتصاد زراعتی تقریباً ابتدائی سرگرم مبارزه اند . اطلاعات مربوط به هر کشور و به نسبت فعالیت غیر نظامی آن ، که برای زندگی و پیشرفت کشور نقش اساسی دارد ، یعنی وظیفه آموزش عمومی و صحت عمومی گرد آوری شده است .

انتشار سه گزارش سالانه متوالی نشان میدهد که برای نخستین بار یک دولت ، اسناد معتبری از این قبیل را معرفی کرده است . مؤسسات دولتی دیگر ایالات متحده ، مانند اداره پیشرفت بین المللی و از مؤسسات مانند یونسکو و مؤسسات صحت جهانی مانند یونسکو و مؤسسات صحت جهانی

که مخارج عسکری جهان، چنانچه توسط دلار نشان داده شود در چهار سال گذشته ۱۹۶۴ (۷ در صد) ۱۹۶۷ نزدیک به ۲۴ در صد افزایش یافته است. در عرض این مدت مصارف عسکری بیش از افزایش جمعیت جهان رشد کرده است و بسی تندتر از رشد تولید بعضی مواد دیگر جهان (۱۶ در صد به دلار ثابت). این ثابت میکند که بار مصارف های عسکری هر روز سنگین تر می شود، هم برای همه و هم برای هر فرد. در سال ۱۹۶۷ مصارف عسکری ۷ در صد تولید کل کالا و خدمات انسانی را مصرف نموده. این مقدار معادل مجموع درآمد یک میلیارد مردمی بود که در امریکای لاتین، آسیای جنوبی (شامل هند و پاکستان! و خاورمیانه زندگی میکنند. نیروی انسانی تلف شده در خدمات و فابریکات حربی، در قطعات عسکری و مسلک هاییکه در این خصوص خدمت میکنند به ۵۰ میلیون نفر بالغ میگردد.

جهانیان بصورت عموم در پلان بودجه های عسکری خود ۴۰ در صد بیش از انکشاف مصارف خرج میکنند. در ۱۹۶۸ بودجه نظامی به ۱۵۹ میلیارد رسیده و دولت های جهان ۱۱۱ میلیارد صرف معارف کرده اند. مصارف نظامی در بیش از نیمی از کشورهای جهان از بودجه عمومی تجاوز میکند، از جمله در ایالات متحده. در زمینه صحت عمومی مجموع بودجه ۱۹۶۶ تنها یک سوم بیش از بودجه عسکری بوده است. این مقدار راپور برای تمام جهان کافیست. مدارک مربوط به مناطق و کشورهای معین اختلاف های مهمی را در طرح کلی نشان می دهد. اوضاع مربوط به کشورهای پیشرفته کم رشد و عقب مانده، یا آنچه معمولاً مات های غنی و فقیر خوانده می شود دارای خصوصیات جالبیست.

کشورهای کم رشد مصارف عسکری خود را به اندازه کشورهای پیشرفته در فاصله زمانی ۱۹۶۴ - ۶۷ افزایش نداده اند. با توجه به تورم پولی و افزایش قیمت های ناشی از آن که مخصوصاً در بسیاری از ممالک فقیر نما یانست، درمی یابیم که مجموع مصارف عسکری کشورهای کم رشد بر حسب قیمت های ثابت، میان سالهای ۱۹۶۴ - ۱۹۶۷ به طور کلی تغییر نکرده است. در سال ۱۹۶۷ در ۹۳ کشور کم انکشاف برسی شده، که ۷۲ درصد جمعیت جهان را در بر می گیرد. بودجه نظامی تنها ۱۱ در صد مجموع مصارف نظامی جهان را شامل می شد، که متوسط پرداخته عسکری در فی نفر ۸ دلار بود (در برابر ۱۷۰ دلار در کشور های پیشرفته). شاید راپور نشان میدهد که بار نظامی آنها سنگین نیست. با این همه چنین مقایسه های با کشورهای پیشرفته، سنجش درستی از مصارف عسکری کشورهای فقیر به دست نمیدهد. در منتهای کم رشد که به زحمت در سطح معیشت متوسط با تولید نامعین (تقریباً معادل عواید سالانه فی نفر) برابر با ۱۸۶ دلار بسر می برند، حتی تخصیص ۸ دلار فی نفر به مخارج عسکری نیز بر سطح زندگی شان تأثیر عمیق به جای می گذارد. در حالی که رشد زیاد تولید نامعین ملی در کشورهای پیشرفته،

پرداخت افزایش با مصارف عسکری را برای چنین ملت های آسانتر می سازد، چنانکه نرخ رشد فی نفر در تولید نامعین ملی در کشورهای کم رشد باین تر بوده است (فقط نزدیک به نصف کشورهای پیشرفته). مقدار مصارف عسکری در کشورهای فقیر مزید برای این امر می شود که پس انداز شان را که می تواند برای سرمایه گذاری لازم در راه بهبود پیشرفت سطح زندگی به کار رود به مصرف می رساند. سبب پائین تر بودن سهم کشورهای کم رشد از مصارف های نظامی جهان اینست که این کشورهای پیش از دو برابر مبلغی را که در کشورهای غنی به عنوان کمک اقتصادی دریافت می کنند به پرداخت های نظامی مصرف می دارند.

مصارف نظامی کشورهای در حال پیشرفت، به طوری که مثالی از آن بیان شد، یکی از عوامل عقب ماندگی این کشورها در پشت سر کشورهای پیشرفته در رشد اقتصادیست، اثرات مزاحم آن در راپور های موجوده آشکارا بچشم می خورد. در سال ۱۹۶۶، ۹۳ کشور کم رشد به صورت گروهی، در بودجه های نظامی شان بیش از مجموع مصارف وزارت های معارف و صحت خرج کرده اند:

۱۷ میلیارد برای قوت های مسلح، ۱۱ میلیارد برای انکشاف معارف، ۵ میلیون برای صحت عمومی، مجموع ۱۶ میلیارد جهت انکشاف معارف و صحت ۷۲ در صد مردم جهان، تنها در صد مجموع بودجه وزارت صحت و معارف را تشکیل می دهد.

مقدار این مصرف در فی نفر در کشورهای فقیر جهت انکشاف معارف و تعداد ۲ دلار جهت صحت عمومی است. در مقابل در کشورهای غنی ۱۰۰ دلار برای انکشاف معارف و ۵۰ دلار جهت صحت عمومی تخصیص داده شده است. فعلاً کم شدن مصارف عسکری به هیچ وجه شکاف کشورها کم رشد را پر نمی کند ولی راپور به روشنی نشان میدهد که این کشورها تا چه حد از بکار بردن درست منابع ثروت خویش ناتوانند. نتیجه ناخوشایند دیگر اینست که تا سیسات عسکری اینها تنها سرمایه های حیاتی را نابود می کند بلکه نیروی انسانی ماهر شان را نیز از اقتصاد غیر نظامی باز میدارد. مصارف عسکری در بعضی از ممالک طوری دیگری بوده و بشکل ذیل راپور بدست آمده است.

در سال ۱۹۶۶ بودجه نظامی جمهوریت مردم چین ۸۱ در صد، چین فارموسی ۱۲۲ در صد، لاوس ۲۸۵ درصد ویتنام جنوبی ۱۴ درصد، جمهوریت متحد عرب ۹۱ در صد و اردن ۱۱۷ درصد بود، در بسیاری از این کشورها نظریه احصائی تخمینی برای هر نفر ۲۰۰ دلار جهت مصارف نظامی تخصیص داده شده است و این مصرف در سایر شئون اجتماعی مخصوصاً در پیشبرد پرانلم های فرهنگی خیلی ها کمتر میباشد. در سال ۱۹۶۶ یکی از کشور های امریکای لاتین با داشتن دو پنجم جمعیت بی سواد تنها نیمی بیشتر از بودجه نظامی خود را صرف تعلیم و تربیه عمومی کرده است. در کشور

های افریقایی با داشتن چهار پنجم جمعیت بی سواد ۱۰۴ میلیون دالر صرف بودجه نظامی و ۹۹ میلیون دالر صرف انکشاف معارف شده است. در هر دو مورد انعطاف از مصارف عسکری به سوی مخارج عمومی می تواند موجب بهبودی کیفی در آینده باشد و در عین حال تأثیر مطلوبی در پیشرفت عمومی کشور به جای گذارد.

در باره کشورهای پیشرفته چه میتوان گفت ؟

آنها تاجه حد می توانند از عمده مصارف نظامی خویش بر آیند ؟

۲۷ کشور پیشرفته بادر بر گرفتن ۲۸ فی صد مردم جهان ۸۹ فی صد مصارف نظامی جهان را می پردازند و نه دهم افزایشی را که در فاصله ۱۹۶۵ تا ۶۷ درین راپور نشان داده شده است. بسیاری از این ممالک در یکی از دو پیمان بزرگ عسکری جهان عضویت دارند: پیمان دفاعی اتلانتیک شمالی (ناتو)، یا پیمان وارسا. گروه ناتو مصارف عسکری خود را ۳۵ در صد در فاصله سالهای ۱۹۶۵-۱۹۶۷ افزایش داد و کشور های گروه پیمان وارسا ۲۹ درصد. دوشرکت کننده مهم این افزایش ها ایالات متحده و اتحاد شوروی بودند. مصارف نظامی اینها سه چهارم مجموع مصارف نظامی جهان را در ۱۹۶۵-۶۷ دربر گرفته است. اتحاد شوروی و ایالات متحده با تخصیص بخش نسبتاً بزرگی از منابع خویش به رشته نظامی برای به عهده گرفتن موقعیت های بین المللی در مصارف عسکری جهان، مصارفی بیش از رشد تولیدات خویش در سایر ساحات به عهده گرفته اند، هر چند این دوجه طور عمده نسبت به همگی در مصارف نظامی سبقت دارند.

در سالهای ۱۹۶۷ ملتهای پیشرفته به طور گروهی دارای بمعادل سرانه تولید از نگاه عواید ملی برابر ۲۲۴۱ دلار بودند تقریباً ۱۲ بار بیش از ممالک کم رشد، با اینهمه مخارج نظامی کشور های پیشرفته از سال ۱۹۶۴ دو برابر سریعتر از تولید در سایر مسایل اجتماعی رشد کرده است. بنابراین مقداری از رشد تولید آنها در اسلحه سازی و تجهیزات قوت های عسکری مصرف شده است. این کشورها از نظر اقتصادی زیر فشار نظامی قرار دارند. هر چه سلاح ها در جهت پیچیدگی رشد می کنند، مصارف بالا میرود. به سبب افزایش اهمیت تحقیق و پیشرفت، اغلب سلاحها پیش از آنکه شناخته شود متروک می گردد و جای خود را به سلاحهای پرخر جتری میدهد.

ممالک پیشرفته اساساً بیشتر از ممالک کم رشد تولیدات ملی خود را صرف تعلیم و تربیه می کنند به طور متوسط پنج فی صد به وسیله کشورهای پیشرفته، در برابر ۳ درصد در کشور های کم رشد. با این همه بنا بر آخرین احصائیه موجود (برای سال ۱۹۶۶) بسیاری از کشور های پیشرفته سهم بیشتری از منابع خود را مصرف بودجه عسکری می کنند تا مصارف فرهنگی. در میان کشور های نسبتاً توانگر، جاپان (تخصیص بیش از چهار برابر مصارف عسکری به انکشاف معارف)

کانادا (بادو برابر) ایتالیا، سویدن، هالیند، سویس، دنمارک، بلجیم و ناروی استثناء هستند. در امریکا، حتی اگر ۷ میلیارد دلار مخارج تعلیمات غیر دولتی را به مصارف ۳۴ میلیارد دالری (تخصیصیه تعلیمات ایا دولتی، فدرالی و محلی) ضافه کنیم، مجموع آن کمتر از دو سوم بودجه نظامی این کشور است.

مصارف عسکری ایالات متحده چنان سنگین شده است که به طور روز افزونی مورد انتقاد دقیق کنگره قرار میگیرد. و این موضوع درین مردم نگرانی فوق العاده ای را تولید کرده است. بودجه ۶۳ میلیارد دالری عسکری در سال ۱۹۶۶، ۸۵ درصد تولیدات عمومی را مصرف کرده است؛ معادل پرداخت سالانه جمعیت در حدود ۳۲۰ دالر برای هر نفر ۱۲۸۰ دالر برای هر خانواده چهار نفری بوده است.

از سال ۱۹۶۶ مصارف افزایش یافته است. دو اصل در بودجه عسکری امریکا به خاطر استیضاح کنگره و مردم انگشت نماشد. اینها مصارف جنگ ویتنام و سلاحهای عسکری تازه است. با اینکه مجموع مخارج جنگ ویتنام اینک به صد ملیون دالری رسد. این مصارف بیش از صد ها میلهارد دلاری که از دیر باز صرفه انبار کردن سلاحهای جنگی شده نیست. نسل تازه ای از سلاحها (دستگاههای پرتاب ضد راکت دستگاههای (mirv)، تحت البحری های جدید هسته ای و غیره) اینک یاد دست تکمیل است، یاب به خاطر متضمن بودن مصارف زیاد برای قوت های عسکری مورد رسیدگی قرار گرفته.

شورای مشا واران اقتصادی در آخرین گزارش سالانه خود بر آورد کرده که با فرض پایان یافتن جنگ ویتنام و نبودن « برنامه دفاعی جدید »، در سال مالی ۱۹۷۲ بودجه نظامی امریکا به ۷۴ میلیارد دالر خواهد رسید، این شورا حساب کرده است که با فرض رسیدن تولید عمومی به ۱۱۰۰ میلیارد دالر دران هنگام ۲۲ میلیارد دالر در سال برای پلان های جدید اقتصادی و اجتماعی شان برای رفاه، تعلیم و تربیه، صحت و دیگر امور بهبود اجتماعی خواهد داشت این به زحمت نصف مبلغ است که مقامات اجرائیه برای اجرای پلانهای مربوط به نیاز مندی های مبرم اجتماعی لازم دارند. اگر مسابقه نظامی محدود نشود، امید به تخصیص ۲۲ میلیارد دالر برای نیاز مندی های غیر نظامی نیز تحقق نخواهد یافت.

مطلب در دو مورد به نظر من مورد تردید قرار می گیرد اولاً این نظریه که مصارف عظیم عسکری امنیت ملی را بهبود می بخشد، تا هنگامی که امکانات تعدیل اردوها مورد بررسی قرار نگیرد، ثابت نشده می ماند البته بسیاری از محققان مسئله بر آنند که مسابقه نظامی فقط جهان و از جمله ایالات متحده را ناامن تر از همیشه می سازد ثانیاً در سالهای اخیر شواهد فراوانی داشته ایم که نشان میدهد «امنیت نظامی» (بقیه در صفحه ۸۵)

بیلائنس قوای نظامی ۱۹۶۸-۱۹۶۹

قسمت دهم

قوای بحری :

مجموع قوا : ۷۶۳/۰۰۰ نفر .
تعداد کشتی های مربوط این قوا به ۹۴۰ کشتی بالغ میگردد که ۹۰۰ کشتی آن برای مقاصد همه جانبه مورد استفاده قرار گرفته و از این جمله ۴۸۵ کشتی جنگی میباشد . . فلیت (دسته) شماره یک در بحر الکاهل شرقی ، فلیت شماره دوم در بحر اتلانتیک ، فلیت ششم در بحیره مدیترانه و فلیت هفتم در بحر الکاهل غربی متمرکز ساخته شده اند و یونت های مهم این دسته های فعال عبارت اند از :

۱۵ کشتی حامل وسایط جنگی یکی با قدرت ذروی از نوع *Interprise* *Uss* ۷۶/۰۰۰ تن ، ۷ کشتی نوع فورستال *Forrestal-class* ۶۰،۰۰۰ تن ، دو کشتی نوع *midway-class* ۵۲/۰۰۰ تن و پنج کشتی نوع

Oriskany-class ۳۲/۰۰۰ تن .

کشتی های حامل وسایط جنگی با آنکه قدرت حرب ذروی رادار هستند اما بیش از این بحیث وسیله اولی و اساسی در حرب های ذروی ستراتیژیکی از آنها استفاده نمیشود . در هر یک از این کشتی ها یک قوای هوایی دارای دو تولی طیارات جنگی ، سه الی چهار تولی طیارات تعرضی خفیف و یک عده قلیل تانکر های انتقال قشون اخبار قبلی و طیارات اکتشافی مؤظف میباشد . در تولی های طیارات جنگی کشتی های مزبور طیارات فانتون *F-4* و در کشتی های نوع *Oriskany-class F-8* شامل است . طیارات تعرضی خفیف عبارت اند از طیارات نوع سکای هاك *A-4* ، انترودر *A-6A* و کارس ایر *A-7A* و طیارات کارس ایر تدریجاً جای نشین همه طیارات نوع سکای هاك

خواهد شد یک عده محدود تولی های طیارات نوع سکای ریدر *A-1* تا هنوز از عرشه کشتی های حامل وسایط جنگی عملیات را انجام میدهند . طیارات نوع *RA-5c* به منظور اکتشاف در کشتی های بزرگ مورد استفاده قرار گرفته و طیارات نوع کروسیدر *RF-8G* در کشتی های . نوع *Oriskany* مورد استفاده

قرار میگیرد . طیارات نوع هاکی *E-2A* به منظور اخبار قبلی استعمال گردیده و یک عده طیارات نوع سکای وری میر *KA-3B* بحیث تانکر مورد استفاده قرار داده میشود .

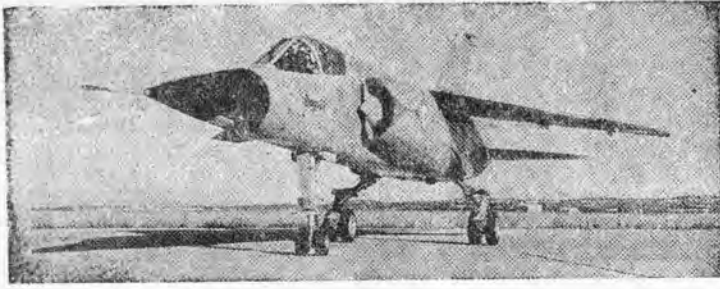
تعداد طیارات بر کشتی نظر به نوعیت کشتی مربوط بوده و به هر حال بین ۸۰ الی یکصد می باشد .

هشت کشتی حامل ضدتحت البحری همه از نوع *Essex-class* و با طیارات تفحص از نوع *S-2E* معیار طویل المسافت و هلیکوپتر های *SH-3A* مجهز میباشند و علاوه بر کشتی های مذکور از طیارات نوع سکای ها کز *A-4c* به منظور دفاع هوایی نیز استفاده میشود و تعداد طیارات و هلیکوپتر ها در هر یک از این کشتی ها به ۵۲ فروند بالغ می گردد .

* (۱۱۳) تحت البحری (بدون کشتی های حامل راکت های پلاریز) که از این جمله ۳۶ عدد آن تحت البحری های جنگی دارای قدرت ذروی میباشند .
* (۳۴۵) کشتی باسهمات ضد تحت البحری ، دسته دافع هوا و بمبارد



بر فراز ورجینیا و واشنگتن طیاره نوع ولکن انگلیسی به طیاره شکاری قوای هوایی انگلستان که در نمایش هوایی دولت اشتراک می ورزد در طول راه تیل میدهد



طیاره نوع میراژ تعرضی که جدیداً در قوای هوایی
عرض وجود خواهد نمود

ساحلی که ایشان شامل کشتی های
از انواع ذیل می باشند :
یک کشتی جنگی (موقتاً بطور
مجدد فعال ساخته میشود) .
۱۲ کشتی مجهز باراکت های
رهبری شده .

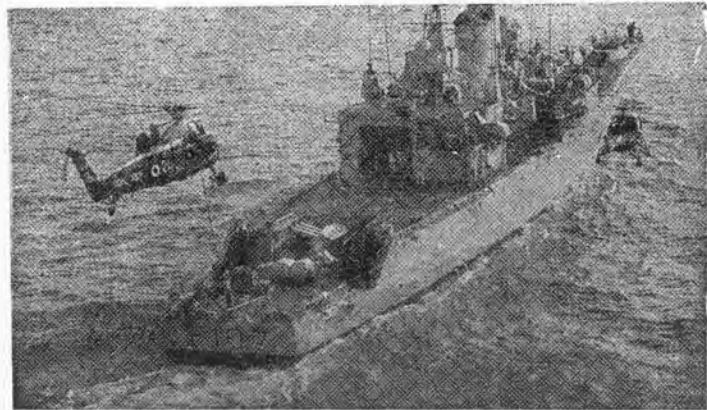
۲ کشتی مجهز باتوپ و ماشیندار .
۳۰ کشتی سریع السیر مجهز باراکت
های رهبری شده
۳ کشتی سریع السیر مجهز باتوپ
و ماشیندار .
۲۵ کشتی مغرب باراکت های
رهبری شده .

۱۹۰ کشتی مغرب توپدار و دارای
مهمات ضد تحت البحری
۶ کشتی مغرب بادستگاه های
اکتشافی رادار .
۱۶ کشتی بدرقه کن بادستگاه های
رادار .

۵۲ کشتی بدرقه کن دیگر :
کشتی های راکت های رهبری
شده با راکت های نوع تارتار ،
تالوس و تی ریر زمین به هوا و راکت
های ضد تحت البحری نوع اسروک و
سبروک مجهز می باشند .
۱۶۰ کشتی تنها جمعی با قدرت
عملیات در بروبحر شامل ۸ کشتی
برای فرود هلیکوپتر ، ۶۲ ماین پاک

کن بحری ، ۱۸ ماین پاک کن ساحلی
و ۲۰۰ کشتی عملیاتی معاونتی و
لوژستیک ، علاوه بر بیش از ۴۰۰ کشتی
بدرقه کن و ۱۵ کشتی سریع السیر
جنگی احتیاطی نیز شامل این قواه بوده
و قشون فعال و احتیاطی فوق الذکر
دارای بیش از ۱۰۰۰۰ قایق های خدمتی
اکتشافی و غیره میباشد .

(۳۰) تولی طیارات اکتشافی
با مهمات ضد تحت البحری که در
خشکه متمرکز میباشند (۱۰ طیاره)
اکثراً با مهمات نوع نپتون P2 و
آر نیز P-3A مجهز هستند ، همچنان
طیارات ارتباطی و ترانسپورتی از نوع
C-54 و C-118 نیز در قوای مذکور



طیاره هلیکوپتر نوع دی سکس مربوط قوای بحری انگلستان در حال اخذ
مواد سوخت از یک کشتی جنگی سریع السیر کوچک نوع روتسی دیده
میشود انکشاف این سیستم به طیارات بزرگ هلیکوپتر موقع خواهد داد تا وقت
زیادتر رادار حال بهره در قضا بگذرانند چه عوض اینکه جهت اخذ مواد سوخت
مجبور به برگشت به کشتی مخصوص حامل خود گردد میتوانند از کشتی های
کوچک جنگی دیگر در بحر استفاده نمایند .

شامل است .
یونت های هوایی احتیاطی در
خدمت بحری شامل ۱۹ تولی طیارات
ثابت البال و ۴ تولی طیارات هلیکوپتر
بوده و تعداد طیاراتی که در قوای
بحری شامل خدمت می باشند به ۸۵۰۰
طیاره بالغ میگردد قوای احتیاطی
بحری تقریباً ۱۳۳،۰۰۰ نفر است .

اردوی دریائی .

مجموع قواه ۳۰۲،۰۰۰ در جولای
۱۹۶۸ در اردوی فعال در یائی امریکا
۴ لوای دریائی و سه غنند هوایی وظیفه
دار بودند در لوای چهارم دریائی
(مانند لوای پنجم دریائی) وجود غنند
هوای (طیارات تعرضی و شکاری)
بملاحظه نرسیده یک غنند هوایی دارای
قدرت ۲۰،۶۰۰ نفر و یک کندک تانک
از نوع M-48 و M-103 و
یک کندک ۲۴ راکت زمین به هوا
از نوع هاک بوده و علاوه بر آن
تو بخانه قوای دریائی دارای هاوان
های ۱۰۵ میلی متری ، ۱۱۵ میلی متری
و ۱۵۵ میلی متری نیز میباشد .
سه غنند هوایی دریائی دارای تقریباً
۲۰۰ طیاره جنگی و معاونتی میباشند
در ۱۵ تولی جنگی طیارات نوع قانتوم
F-4 که باراکت های نوع سپارو
وساید و ندر مجهز هستند جای طیارات
نوع کرو سیدر F-8 را اشغال خواهند
کرد ، یک غنند هوایی شامل ۱۲ تولی
طیارات تعرضی انتر و در A-6A
که جای نشین طیارات نوع سکای

طیاره هلیکوپتر
نوع سوهر فریادون
که بر سطح بحر
نشست و برخاست
کرده میتواند
←



قوای برای مقصد همد گانی قوای
هوائی شامل قوماندانی هوائی تکتیکی
قوماندانی اردوی فضائی و یکعهده
تولی های که برای قوای هوائی امریکادر
اروپا و بحر الکاهل نامزد شده اند
میباشد .

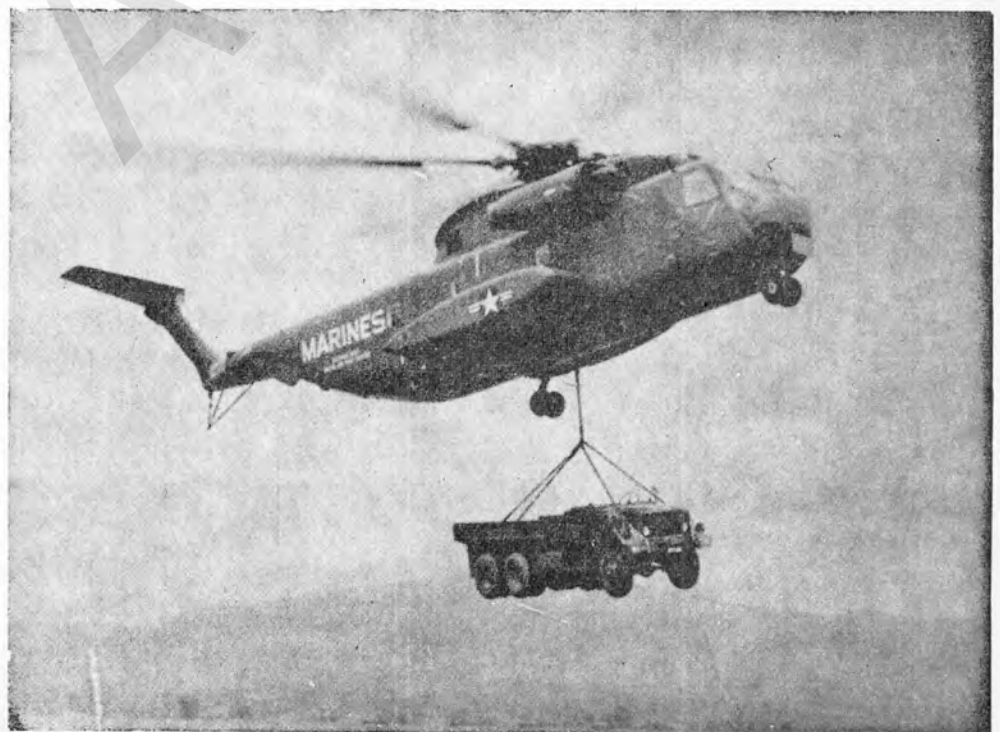
قوای موجوده قوماندانی هوائی
تکتیکی شامل (۱۰۰،۰۰۰) نفر و در
حدود (۳۰۰۰) طیاره میباشد ، قوای
مذکور اکثر تولی ها ئیرا که در
اروپا و بحر الکاهل میباشد کنترول
مینماید و شامل یونت های ذیل میباشد .

۵۰۰ نفر که يك لواء (لوی
چهارم دریائی) را تشکیل میدهد همراه
با يك غنده هوائی میباشد .

قوای هوای .

مجموع قواء ۹۰۰،۰۰۰ (بشمول
افراد قوای هوائی که در قوماندانی
هوائی ستراتژیکی و قوماندانی دافع
هوا بمنظور تاسیس قوای ستراتژیکی
و دافع هوا خدمت می کنند)
(۱۶،۵۰۰) نفر افراد احتیاطی در
اوایل ۱۹۶۸ گرد آورده شده بودند

هاك A - 4 میشوند و ۳ تولی طیارت
اکتشافی از نوع فانتوم RF - 4B
که جای نشین طیارت نوع کرو سیدر
RF-8A خواهد شد می باشد و علاوه
یک غنده موصوف دارای ۳ تولی طیارت
جنگی ترانسپورتی از نوع هر کولس
C-130، ۲ تولی طیارت هلیکوپتر ثقیل
از نوع CH 37C و CH - 53A
و ۱۴ تولی طیارت هلیکوپتر متوسط
از نوع UH34D و CH - 46A
نیز میباشد .
قوای احتیاطی دریائی جمعاً



→
هیلو کوپتر نوع سیکورسکی
قوای دریائی در حال حمل
یک تریلر نظامی که دارای
۱۲،۸۰۰ پوند وزن می باشد
دیده می شود

دو طیاره جنگی نوع
سآب در حال پرواز



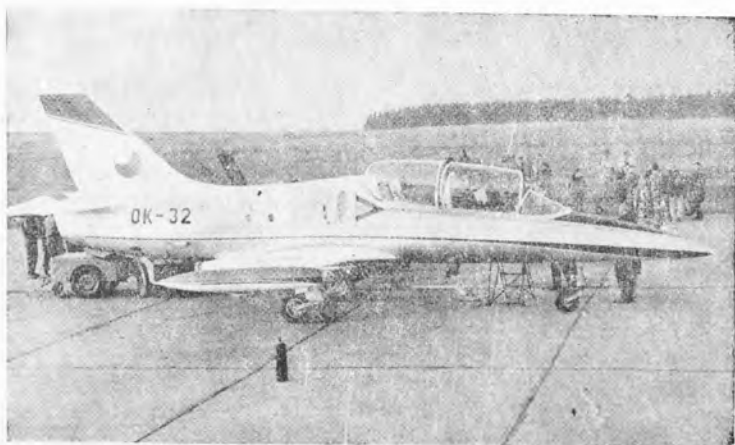
گردیده و یا تشکیلات آنها از بین برده شده است .
در حالات عادی در قوای مذکور ۲ تولی ترانسپورتی از نوع C-130 و یک تولی از نوع C-124 شامل است .
قوای هوایی بحر الکاهل با قدرت بیش از ۱۰۰،۰۰۰ نفر و مرکز آن در هوایی (Hawaii) قوای نمبر پنج هوایی را که مراکز آن در جاپان ، کوریا و اوکیناوا ، قوای هوایی نمبر ۱۳ با مراکز آن در فلپاین و قوای هوایی نمبر ۷ که یک جز هوایی قوماندانی نظامی امدادی

که به‌خیای عجله راکت های زمین به زمین نوع پرشنگک را فعال میسازد .
طیارات جنگی تکتیکی شامل تقریباً ۳۲۵ طیاره نوع F-100 و F-4 بوده و طیارات اکتشافی عبارت انداز ۱۰۸ طیاره نوع RF-101 و RF-4C و علاوه بر آن چهار تواسی از طیارات نوع F-102 برای دفاع هوایی در جرمنی و نیدرلیند متمرکز می باشند از جمله ۶ تولی طیارات اکتشافی که قبلاً در فرانسه شرقی متمرکز بودند ۲ تولی به انگلستان منتقل گردیده و متباقی واپس به امریکا احضار

۸۵ تولی طیاره های جنگی تکتیکی از نوع F-100، F-105 و F-4D و یک تولی طیارات نوع F-111A .
۱۷ تولی طیارات تکتیکی اکتشافی از نوع RF-101 و RF-4C (۲۵) تولی طیارات تعرضی پراشوتی از نوع C-130 و شش تولی از نوع C-7A سه تولی طیارات مجهز با مهمات الکترونیکی از نوع EC-66 و ۲۲ تولی طیارات کوماندو از نوع A7C4 و C-123، F-5، B-26k، A-1E

قوای هوایی اروپا ایالات متحده امریکا که قوای هوایی نمبر ۳ رادارانگلستان قوای هوایی نمبر ۶ در اسپانیه قوای نمبر ۱۷ در آلمان غربی و یک گروپ لوژستیک در ترکیه را کنترل مینماید دارای تقریباً ۶۰۰ طیاره تکتیکی بوده و شامل ۱۷ تولی طیارات تکتیکی جنگی و ۶ تولی طیارات تکتیکی اکتشافی میباشد .

چهار تولی طیارات تکتیکی جنگی دیگر که در ایالات متحده امریکا متمرکز میباشد نیز در صورت لزوم تحت قوماندانده قوای هوایی اروپا امریکه داده میشود ، سیستم اخبار سریع العمل راکت بنام میس طوری مرتب شده



طیاره جنگی تعلیمی ، اخت چکوسلوواکیا

در ویتنام میباشد کنترل مینهای قوای هوایی نمبر پنج دارای تولى های طيارات نوع *F-4*، *F-102* و *C-130* که منجمه ۲۳۰ طياره در حال حاضر در پایگاه های واقع در کوریاى جنوبى است میباشد، قوای هوایی نمبر ۱۳ با طيارات نوع *F-4*، *F-105*، *101*، *RF-4* و *C-130* مسئول امور نظامی

فلپاين، تايوان و تایلند بشمول همه پلانهای مشترک مسئولیت های پيمان سیتو میباشد .
قوای هوایی نمبر ۷ با تقریباً ۵۵،۰۰۰ نفر ویتنام جنوبی شامل تولى های جنگی، بمبارد، شکاری اکتشافی و طيارات تعرضی انتقالی بوده و با قوای هوایی ویتنام نیز تشریک

مساعی مینماید . قدرت تخمینى قوای هوایی نمبر ۷ عبارت از : (۳۷۰) طياره جنگی بمبارد نوع *F-100* و *F-4C*، ۴۰ طياره شکاری از نوع *F-102*، ۴۰ طياره اکتشافی از نوع *RF-4*، ۱۵۰ طياره اسبولانس از نوع *A-1E*، *AC-47*، *A37* و *C-123*، ۸۰ طياره تعرضی انتقالی از نوع *C-130* با یکعده زیاد طيارات مشاهداتی، ارتباطی و هلیکوپتر. در حدود ۱۲۵ طياره نوع *F-4* و ۱۲۰ طياره نوع *F-105* جنگی بمبارد و ۴۰ طياره اکتشافی از نوع *RF-4* از قوای نمبر ۱۳ هوایی از مراکز شان در تایلند پرواز می کنند .



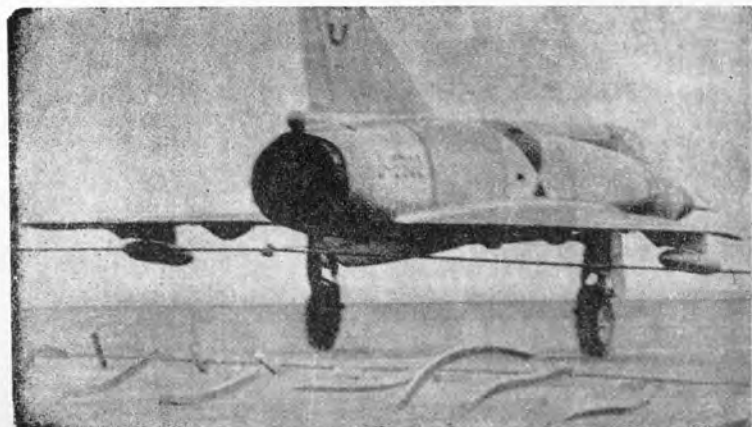
طياره نوع بو کائير ساخت کمپنی سیدای ها کر بقوای بحری انگلستان داده شده است

قوماندانی قشون پراشوتی با ۷۵،۰۰۰ نفر عمه و در حدود ۱۲۰۰ طياره در ۶۶ تولى عملیات شانرا انجام میدهند که از اینجمله ۳۲ تولى طيارات ترانسپورتی ثقیل بوده و طيارات شامل این دسته عبارت اند از (۲۰۰) فروند طيارات نوع گلوب ماستر *C-124*، (۳۶) فروند طيارات نوع کارگو ماستر *C-133*، (۳۲) فروند طيارات نوع هر کولس *C-130* و (۲۰۰) فروند طيارات نوع ستار لفتر *C-141*، سبباقی تولى ها برای حمل و نقل مواد صحی اکتشاف هوا (مشاهدات جوی) و نجات عمه صدمه رسیده در هوا و بحر استعمال میشود .

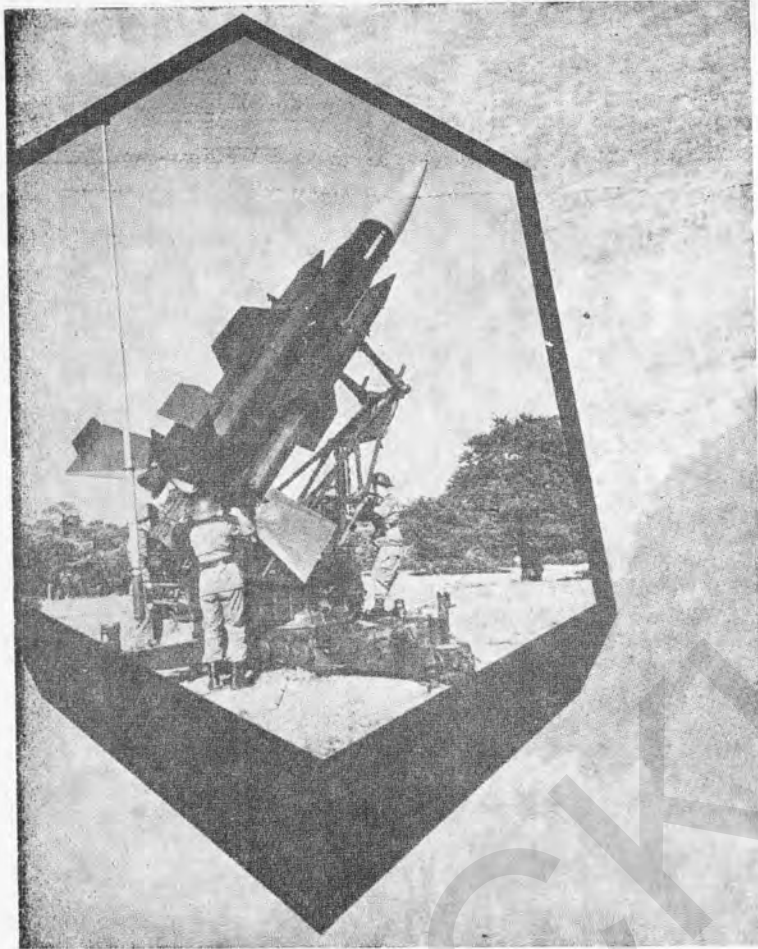


↑ طياره نوع میراژ 35 مربوط قوای هوایی سوئیس ↓

قوای گارد ملی هوایی برای مقاصد همه جانبه دارای ۱۷۵۰ طياره در ۲۳ تولى طيارات جنگی شکاری، ۲۴ تولى جنگی تکتیکی، ۱۲ تولى طيارات اکتشافی تکتیکی، ۴ تولى کوماندوی هوایی، ۵ تولى تانکر و (۲۵) تولى طيارات ترانسپورتی که اکثرآ از طيارات ترالسپورتی قدیمی میباشد است . از اینجمله بصورت مجموعی ۱۰ تولى طيارات نوع *F-100* و ۳ تولى طيارات نوع *F-101* در جنوری و می ۱۹۶۸ برای خدمت فعال مؤظف گردیدند . قوای بشری گارد ملی به ۸۲،۷۰۰ نفر بالغ می گردد .



علاوتاً قوای هوایی احتیاطی ۵۳،۴۰۰ نفر دیگر نیز موجود است که



پایگاه پرتاب راکت با سیستم اخبار قبلی

از اینجمله ۵۰،۰۰۰ نفر تمرین های لازمه را انجام داده و به یونت های خاصی ضم گردیده اند. قوای هوایی احتیاطی ۴۱ تولی را تشکیل می دهد که از اینجمله ۱۷ تولی دارای طیارات بکس کار C-119، ۱۹ تولی دارای طیارات نوع گلوب ماستر C-124 و یک تولی دارای طیارات ترانسپورتی متوسط نوع C-120 می باشد. که طیارات قوای احتیاطی جمعاً به ۴۰۰ فروند طیاره بالغ می گردد. در حال حاضر در حدود ۱۲،۵۰۰ طیاره و هلیکوپتر فعال در دست قوای هوایی امریکا شامل است.

مؤسسه پیمان هرگز

پیمان سنتو CENTO

اعضای پیمان سنتو عبارت اند از ایران، پاکستان، ترکیه و انگلستان ایالات متحده آمریکا بحیث یک عضو متحد در مجمع جلسات نظامی و در کمیته های اقتصادی حضور داشته می باشد پیمان سنتو دارای وجود قوماندانی بین المللی نبوده و قوای هم بدان منسوب نمی باشد.

با آنکه قدرت حربی هوایی وسیله انگلستان با طیارات بمباردکننده اوولکن که در قبرس متمرکز اند و توسط آمریکا با طیاراتی که روی عرشه کشتی حمل کننده طیارات ناوگان ششم واقع بحیره مدیترانه قرار دارند تدارک میشود.

پیمان مذکور خاصتاً بمنظور مقابله در برابر تحدید قدرت های کمونستی بصورت دسته جمعی عرض وجود نموده ولی در برابر کشیدگی های بین دول عضو و یا دول غیر کمونستی پیمان مذکور بصورت دسته جمعی مداخله نمی کند.

ایران :

معلومات عمومی :
تعداد نفوس ۲۶،۰۰۰،۰۰۰ نفر .
خداست نظامی دو ساله .

کل عایدات ملی در سال ۱۹۶۷ تخمیناً ۷،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ دلار امریکائی .
مجموع قوای مسلح : ۲۲۱،۰۰۰ نفر
بودیجه دفاعی سال ۱۹۶۸-۱۹۶۹ مبلغ (۴۹۵،۰۰۰،۰۰۰) دلار (یک دلار = ۶۷ ریال ایرانی) .
اردوی زمینی :
مجموع قوا: (۲۰۰،۰۰۰) نفر
۷ لوی پیاده .
یک لوی زره دار .
یک فرقه مستقل زره دار .
تانکهای نوع M-24 M-47 و M-60 A-1 .
یک کندک راکت های زمینی به هوا از نوع هاك .
موتورهای زره دار برای حمل قشون از نوع M-113 و BTR-152 .
توپ های ۵۷ میلی متری و ۸۵ میلی متری دافع هوا ساخت شوروی .
قوای بحری :
مجموع قوا: ۶۰۰۰ نفر .
۲ مخرب پیش قراول .
۴ پیش قراول دیگر .
۴ ماین پاک کن ساحلی .
۲ ماین پاک کن داخل ساحل .
۳ کشتی فرود .
۶ کشتی دیگر .
۲۴ کشتی گز مه کمتر از یکصد تن .
قوای هوایی :
مجموع قوا: ۱۵۱،۰۰۰ نفر ؛
۲۰۰ طیاره جنگی .
۳۶ طیاره جنگی بمبارد از نوع F-4D دارای قدرت عملیات در هر گونه شرایط جوی و مجهز با راکت های هوا به هوا از نوع ساید و ندر و سپار و .

m-41 میباید در حدود (۹۰۰) آوان
 ۲۵ پوند، ۱۲۵ ملی متری و ۱۵۵
 ملی متری .
 را کتهای ضدتانک از نوع کوبرا .
 يك فرقه دفاع هوا، توپ های دفاع
 هوا .

قوای بحری :

مجموع قوا : ۹۰۰۰۰ نفر .
 يك تحت البحری .
 ۳ مخرب بزرگ .
 ۳ پیشقراول مخرب .
 ۲ کشتی سریع السیر با مهمات
 ضد تحت البحری .
 ۸ ماین پاك كن ساحلی .
 ۴ قایق سریع گز مه .
 ۲ قایق كوچك گز مه (كمتر از
 يكصد تن) .

کشتی معاونتی .
 گارد ساحلی با (۱۰۵۰۰) نفر .
 طیارات بحری که شامل هلیکوپتر
 های البتروس و برخی از - نوع
UH-19 میباید برای نجات بحرو هوا
 وظیفه دارند .

قوای هوایی :

مجموع قواء : ۱۵۰۰۰۰ نفر :
 ۲۵۰ طیاره جنگی .
 ۴ طیاره خفیف جت از نوع الوشن
 . ۳۸

۲۰ طیاره خفیف بمبارد از نوع

B-47-B

۱۴۰ طیاره جنگی شکاری بمبارد

از نوع F-86 .

۴۰ طیاره شکاری نوع میگ ۱۹ .

۱۴ طیاره جنگی شکاری جت از

نوع میراج IIIE .

۱۲ طیاره شکاری جت از نوع

F-104A .

۲۰ طیاره اکتشافی از نوع

BR-57, TR-33A و میراج **IIIR**

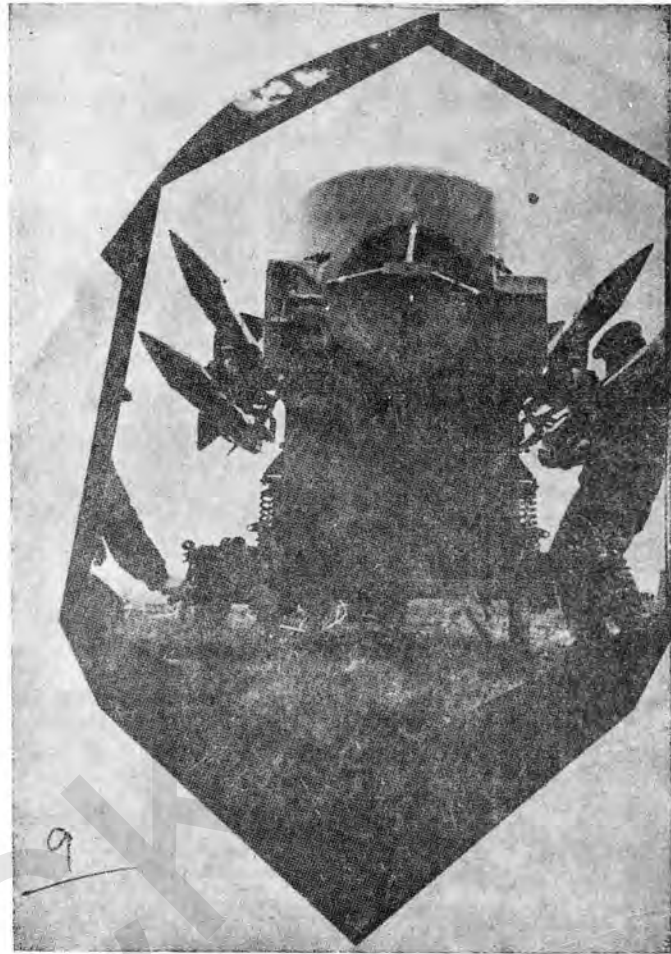
۸ طیاره ترانسپورت از نوع **C47**

۶ طیاره از نوع برستون مارک ۳۱

۸ طیاره از نوع **C-130B** در حدود

۷۵ طیاره تعلیمی از نوع **T33, T-6**

T-37B, 6- و میراج **IIIIE** .



پایگاه پرتاب راکت

۹۰ طیاره جنگی بمبارد تکتیکی
 از نوع **F-5**
 ۶۰ طیاره شکاری با قدرت عملیات
 تحت هرگونه شرایط جوی از نوع
F-86 .

۱۶ طیاره اکتشافی تکتیکی .
 طیارات ترانسپورتهای عبارت است
 از ۱۲ فروند طیاره از نوع **C-47** ،
 ۱۱ فروند از نوع **C-130E** و ۶۰
 فروند از نوع بیسور .
 يك تولى طیارات هلیکوپتر دارای
 ۲۵ طیاره نوع هسکی و ورنل وند
 میباشد .

قوای غیر نظامی :

قوای ژاندارم با ۲۵۰۰۰ نفر .

پاکستان :

معلومات عمومی :

تعداد نفوس : ۱۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰

نفر .

خدمت نظامی رضا کارانه است .
 کل عایدات ملی در سال ۱۹۶۷
 تخمیناً (۱۳۴۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰) دالر .
 مجموع قوای مسلح : ۳۲۴۰۰۰۰
 نفر .

تخمینات دفاعی ۱۹۶۸-۱۹۶۹
 مبلغ ۵۱۴۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ دالر (يك دالر =
 ۴۰۸ روپیه پاکستانی) .

اردوی زمینی :

مجموع قواء : ۳۰۰۰۰۰۰ نفر
 (۲۵۰۰۰۰) نفر قشون آزاد کشمیر
 نیز شامل است) .

چهار فرقه زره دار با تانکهای
 نوع شیرمان **m-4**، باتون **m47**، باتون
m48 و تانکهای چینی نوع **T-59** .
 ۱۲ لوی پیاده (بر ۳۲ فرقه قرار
 داده شده) .

برخی از لواهای پیاده دارای
 غند های اکتشافی مجهز با تانکهای
 خفیف نوع نوع چافی **m-24** و بلدرگ

۲۵ طیاره هلیکوپتر از نوع بل
۴۷، کمان B-43 و آلوت ۳ .
احتیاطی های هوایی ۲/۰۰۰ نفر
میباشند .

قوای غیر نظامی :

مجموع قوا: ۲۰۰،۰۰۰ نفر .
این مجموعه شامل قشون سرحدی
عسکر های قبيله وی با سلاح خفیف
ویولت های دفاعی محلی میباشند .

مؤسسه پیمان جنوب شرق آسیا پیمان سیتو SEATO

دول عضو پیمان سیتو عبارت اند
از استرالیا، بریطانیا، فرانسه، زیلاند
جدید، پاکستان، فلپاین، تایلیند و
ایالات متحده امریکا، این ممالک
در ابتدا فیصله کرده بودند تا برای
تقویة امور اقتصادی و نظامی و در
صورت تعرض اجانب در برابر یکی از
دول عضو و یا یکی از دول پروتو کول
کمبودیا، لاؤس و ویتنام جنوب
بصورت مشترک دفاع نموده و برای
مرام فوق پیمان مذکور را امضا
نمودند .

گرچه از ۱۹۵۷ و ۱۹۶۲ به بعد
کمبودیا و لاؤس با الترتیب حمایت
سیتورا قبول نکرده اند .

ساحه پیمان سیتو ساحه عمو می
جنوب شرق آسیا و جنوب غرب
بحرالکاهل تحت طول البلد ۲۱ درجه
و ۳۰ دقیقه شمالی را احتوا می کند
پیمان سیتو قوماندانی مرکزی نداشته
و قوت ها تحت اراده محلی ممالک
قرار دارند، تقویة پیمان مذکور
وسیله ایالات متحده امریکا از طریق
ناوگان هفتم که در تایوان و فلپاین
متمرکز میباشند صورت میگیرد و
همچنان قوت های هوایی و زمینی
امریکا در گوام، اوکیناوا، ویتنام
و تایلیند نیز برای حمایت و تقویة پیمان
وظیفه دار میباشند .

فرقه نمبر ۲۸ کامن ولت (شامل
قوت های بریطانیا، استرالیا و زیلاند
جدید میباشند). همراه بایولت های حمایه
وی هوایی در ملیشیا متمرکز میباشند
قوای بحری کامن ولت که در موقع
جنگ بمعاونت پیمان اجراء خواهند
نمود در سنگاپور که مرکز قوماندانی
قوای احتیاطی ستراتیژیکی کامنولت
میباشد مرکزیت دارد، فرانسه در حال
حاضر هیچ نوع قوای تحت اداره
پیمان سیتو نداشته و انگلستان نیز بعد
از آنکه عساکر شان در سال ۱۹۷۱

از جنوب شرق آسیا خارج گردیده
نوع قوای در پیمان نخواهد داشت
ایالات متحده امریکا، استرالیا،
زیلاند جدید، فلپاین و تایلیند با آنکه
قشون شان را به ویتنام فرستاده اند ولی
هیچ نوع فیصله از طرف مجمع پیمان
سیتو در زمین بعمل نیامده است ولی
این ممالک بر اساس وجایی که در
برابر پیمان سیتو دارند فیصله نموده
اند تا عساکر شان را به ویتنام اعزام
دارند . (باقی دارد)

مصارف تسلیحاتی اردوهای...

(بقیه صفحه ۷۷)

مترادف «امنیت ملی» نیست. امنیت ملی نه تنها مستلزم صلح
جهانیست بلکه نیازمند صلح و بهبود زندگی اجتماعی مردم است.
امروز در امریکا خرابی شهرها آلودگی محیط، کمبود
مکاتب، خانه سازی، مراقبت های صحی، شفاخانه ها و تسهیلات
حمل و نقل و ازدیاد نفوس مردم امریکا را وادار می سازد که
سیاست امروزی خود را دولت تغییر بدهد، از مصارف هنگفت
عسکری بکاهد و به عوض این مصرف بیجا را در دیگر شئون
حیات اجتماعی تخصیص بدهند امروز پول تنها مشکلات را
حل نخواهد کرد ولی بدون پول نیز امکان ندارد آنچه را
که شاید و باید ضرور است انجام داد در هر حال منابع امریکا
نامحدود نیست و لازم است بر همه چیز ما تجدید نظر شود.
در نیمه اول قرن بیستم دنیا ۴ هزار میلیون دلار پول
و میلیون ها انسان زنده را در جنگها و در راه ایجاد جنگها از
جمله درد و جنگ جهانی تلف کرد بشریت اینک در آستانه آن
قرار دارد که ۴ هزار میلیارد دلار را صرف پلان های عسکری
دهساله خود سازد. با این خطر عظیم که نه تنها میلیون ها،
بلکه بیشتر و شاید همه نوع بشر به نابودی کشانده شود.
انسان می تواند راه بهتر برای خرج ۴ هزار میلیارد دلار
پندیشد .

برای مردم روی زمین، صرف نظر از مالیات دهندگان،
مهمترین و خوشترین خبر های این اواخر آغاز تعدیل و کاهش
مصارف عسکری خواهد بود .
این کار با عقد موافقت نامه میان اتحاد شوروی و ایالات
متحده برای پایان دادن به مسابقه تولید سلاح های عسکری
خود شان امکان پذیر خواهد بود .

حقوق جزای عسکری ماهیت حقوقی

جرایم و جزاها

قسمت (۷)

در (عسکری)

اصرار به بی اطاعتی

تعریف - امر متعلق به خدمات و وظائف عسکری را هیچ اجرا نکردن و یا فعلاً و قولاً از اطاعت امتناع نمودن و یا با وجود تکرار امر به عدم اجرای آن اصرار کردن عبارت از (اصرار به اطاعتی) میباشد .

ایضاح حقوقی:

اصرار به بی اطاعتی را عامای حقوقی (بی اطاعتی موصوف) و یا (بی اطاعتی مشدد) نام داده اند این جرم تحت شرایط آتی تکون میکند .

۱- عدم اجرای امر به صورت نمایان .

۲- تبارز دادن بی اطاعتی با قول و یا اوضاع مخصوص و یا سائر اشکال .

۳- با آنکه امر تکرار میشود باز هم بی اطاعتی کردن . منظور از این نوع بی اطاعتی اینست که یکمادون امر امر را اجرا نمیکند و مرتبه دوم اجرای آن امر برایش تبلیغ میگردد ولی باز هم آن امر را اجرا میگذارد این شکل بی اطاعتی را بی اطاعتی موصوف مینامند . هر گاه مادون با سخنان و یا اوضاع و یا اوضاع و اطوار مخصوص خود این بی اطاعتی اش را به آمر نمایان میسازد در حقیقت مرتکب بی اطاعتی بالفعل شده است این موضوع میرساند که هر قسم بیانات و تظاهرات مادون که بی اطاعتی او را تبارز میدهد از بی اطاعتی صریح اش نمایندگی میکند بی اطاعتی به صورت شفائی هم صورت گرفته میتواند مثلاً قوماندان تولی بیکی از ضابطان مربوط خود امری را تبلیغ مینماید ولی ضابط مذکور میگوید (من این امر را نمیخواهم اجرا کنم و یا اجرا کرده نمیتوانم) و یا ضابط اینطور اظهار

می (شما بر من هیچکس چیزی را امر کرده نمیتوانید) گرچه از این جمله اخیر ضابط عدم اجرای کدام امر مخصوص ظاهراً استنباط شده نمیتواند ولی جرم اصرار به اطاعتی از آن به خوبی هویداست زیرا ضابط با این جملات خویش چنان وانمود میسازد که هر گاه کدام امری را هم به من متوجه میگردد انید متیقن باشید که از طرف من اجرا نخواهد شد و این کیفیت اصرار بی اطاعتی را ارائه میدارد .

عده از مادونان تبلیغ امر امر را با خنده های استهزا آمیز مقابله می کنند و دسته هم زمانیکه از طرف امر امری بایشان توجیه میشود چنین می گویند .

(بسیار خوب صاحب ! کوشش میکنم تا این امر شمارا اجرا نمایم در صورتیکه اجر نشود یا شده نتواند البته مرا معذور خواهید داشت)

در حالیکه اینها باین نکته ملتفت نیستند که هیچیک امر در حصه خدمات و وظائف عسکری چنان امری را به مادون خود متوجه نخواهد ساخت که اجرای آن به مقدور مادون نباشد البته اظهار جملات فوق در موقعی بجا و با مورد است که امر امری متعلق به خدمات عسکری نبوده و یا اجرای آن از توان و قدرت مادون خارج باشد .

بی اطاعتی در برابر امریکه هنوز اجرا نشده است اصرار به بی اطاعتی را وانمود میسازد و تکرار امر مانع بوجود آمدن جرم بی اطاعتی نمیشود یعنی مادونیکه امر امری در حضورش تکرار می کند و اما به اجرای امر امری نمی پردازد دلیل آن شده نمیتواند که بی اطاعتی نکرده است تنها تکرار امر تاحدی جرم او را درین حصه میتواند تخفیف دهد و بدین لحاظ جرم

بی اطاعتی آن مادون بیشتر خواهد بود کوبه امر امر سکوت کرده وهم آنرا اجرا نمی کنند .

شرط نیست که بی اطاعتی مادون در محضر امر صورت بگیرد زیرا اگر مادون امر امر خود را که توسط شخص دیگری برایش تبلیغ می کرد قبول نکرده از اجرای آن ابا و امتناع میورزد باز هم جرم بی اطاعتی را مرتکب شده میباشد مثلاً :

قوماندان غند توسط ضابط امر خود امری را به قوماندان کندک دوم خود تبلیغ میدارد ولی قوماندان کندک بدون آنکه امر واصله قوماندان غند را اجرا نماید چنین میگوید :

برادر تو دیروز از ح. پ. فارغ شدی و امروز ضابط امر حق نداری امریکه قوماندان به یکنفر صاحب منصبی که چندین رتبه از تو بلند تر است تبلیغ نمائی . قوماندان صاحب غند شخصاً مریخواهد .

و امر خود را بر ایم تبلیغ کند . شما نمیتوانید بروید . این طرز العمل قوماندان کندک معقول نیست و انتباهات سوء ذیل را بار میآورد :

۱- ضابط امر باین عقیده میرسد که مناسبت بین قوماندان صاحب غند و این شخص خوب نخواهد بود .

۲- ضابط امر در حصه خود چنین فکری می کند که اگر رتبه من بلند تر می بود ممکن باین جواب قوماندان کندک بر نمیخوردم .

۳- بسیار احتمال دارد که ضابط امر عین جواب قوماندان کندک را به قوماندان غند به عرض برساند که این مسئله خود معضله جدیدی را بهمان می آرد .

اکنون برای اینکه کشیدگیهای فوق رخ ندهد باید اینطور عمل کرده شود :

الف) در حصه قوماندان کندک :

زمانیکه قوماندان کندک امر قوماندان غند بالوسيله ضابط امرش می شنود باید بگوید که ماهیت امر قوماندان صاحب را فهمیدم در اجرای آن به زودی ممکنه میکوشم و هر گاه کدام مشکلاتی ازین ناحیه بمن متوجه میگردد آنرا جدا گانه به خدمت شان عرض خواهم کرد . این مطالب را با اطلاع قوماندان صاحب برسانید تا از تبلیغ شدن امر خود مطلع باشند از شما هم تشکر :

ب) در حصه ضابط امر :

ضابط امر با آنکه جواب نسبتاً درستی را از قوماندان کندک استماع میکند باید باین عقیده نرسد که سخنان قوماندان کندک از لحاظ اینکه خورد رتبه هستم نشئت کرده است و یا به خرابی مناسبات ذات البینی قوماندان کندک و قوماندان غند حکم بدهد . ضابط امر بایست در مقابل اظهاریه قوماندان کندک با رعایت آداب عسکریت^۱ چنین عرض کند .

قوماندان صاحب ببخشید من تابع به امر قوماندان صاحب غند هستم و مکلف بودم تا امری را که او شان به من فرمودند وسیلتاً به شما عرض نمایم . حتی به عقیده من این جملات هم زیاده است بهتر است ضابط امر (بسیار خوب) گفته اطلاق قوماندان کندک را ترک دهد و به قوماندان غند هم اطمینان بدهد که امر او به قوماندان کندک تبلیغ گردیده و قوماندان مذکور کدام عکس العملی را از خود نشان نداده است .

ج) در حصه قوماندان غند :

در صورتیکه ضابط از تبلیغ امر برای قوماندان غند اطمینان بدهد کدام موضوع قابل تشویش و جود ندارد و اما در حالیکه ضابط امر تمام گذارشات را با استماع قوماندان غند برساند باید قوماندان غند کوچکترین تأثیری را بخود راه نداده و این مسئله را به بی تجربه گی ضابط امر محول کند و به قوماندان کندک چنان وانمود سازد که گویا او آنهمه گفتار او را هرگز نشنیده است .

از تفصیلات فوق نتیجه می رسمیم که قوماندان کندک مرتکب بی اطاعتی قوی شده است . امریکه عدم اجرای آن جرائم بی اطاعتی و یا اصرار بی اطاعتی را بوجود می آرد بایست متعلق به خدمات و وظائف عسکری باشد و رنه جرائم منظوره حدوث نمی کند یعنی در برابر او امر خارج خدمات و وظائف عسکری باشد و رنه جرائم منظوره حدوث نمی کند یعنی در برابر او امر خارج خدمات و وظائف عسکری آزرجم بی اطاعتی و یا اصرار به بی اطاعتی تگون کرده نمیتواند .

و امریکه برای تطبیق جرایم مادون تبلیغ میگردد و باز از طرف مادون نسبت تطبیق جزا دلالنی ارائه میشود اقامه این قوع دلایل موجب بی اطاعتی نمیشود اما اگر اینگونه دلائل در مقابل امر امر اظهار شود آن نگاه جرم بی اطاعتی بوجود می آید .

در جرم اصرار به اطاعتی بصورت قطعی (قصد) مادون موجود است و همچنان سکوت ماندن مادون بمقابل تبلیغ امر امر عین بی اطاعتی مادون را افاده میکند . مادونیکه یکمرتبه مرتکب جرم بی اطاعتی و یا اصرار به اطاعتی را در برابر امرش مرتکب شده و بعداً آن امر را تعمیل می کند این تعمیل جرم اولی او را از بین برده نمیتواند و جرم او را نمیتوان یک تشبث تلقی کرد .

جرم بی اطاعتی که به تعقیب بی اطاعتی رخ میدهد مربوط همان امریست که بمقابل آن بی اطاعتی شده است یعنی مقصد ازین جمله آنست که تکرار امر امر عین همان امر اولی اش باید بود و هر گاه در مرتبه دوم امر نوبنی را به مادون توجیه میسازد و او قبول نمیکند این عدم قبولی امر از طرف مادون جرم اصرار به بی اطاعتی را بوجود نیآورده بلکه بی اطاعتی دوم او را موجب میشود .

برای تولید جرم اصرار به اطاعتی موجودیت شرایط ذیل
لازمست :

- ۱- امر داده شده بار دیگر تکرار به مادون تبلیغ گردد؛
- ۲- این مسئله تثبیت گردد که آن امر با وجودیکه مرتبه دوم تکرار تبلیغ گردیده باز هم اجرا نشده .
- ۳- این تکرار امر در وقتی صورت بگیرد که امر مذکور هنوز هم قابلیت تطبیق را داشته باشد .

از جمله شرایط فوق شرط اول و دوم را بیشتر عرض کردم و اینکه شرط سوم را از نظر میگذرانیم امریکه از طرف امر برای مادون تبلیغ میشود و مادون آنرا بجا نمی آرد درینوقت جرم بی اطاعتی به ظهور رسیده میباشد. امر اطلاع می گیرد و یا مشاهده میکند که امرش به منصفه اجرا گذارده نشده است این بار اگر لزوم تطبیق آن امر گذشته را لازمی و ضروری می دانند بار دیگر آن مادون را نزد خود میخواهد و امر را دوباره برایش و الموود میسازد (که تکرار امر هم همین مسئله است) و باز هم مادون از اجرای آن خودداری میورزد اینجاست که جرم (اصرار به اطاعتی) تولید شده میباشد. حال اگر بعد از یکمرتبه اجرا نشدن امر قابلیت تطبیق آن امر از بین رفته باشد و یا به تطبیق و اجرای آن لزومی حس نشود و بار دیگر عین امر به مادون تبلیغ شده و مادون از آن سرکشی نماید این تمرد او مولد جرم اصرار به اطاعتی را بار نمی آرد .

بعضا مادون ها امر را قسم لا اجرامی گذارند و برای اجرا شدن قسمت لا اجرای آن امر از طرف امر دوباره برای مادون تبلیغ میگردد ولی باز هم آن قسمت امر اجرا نمیشود این کیفیت هم عین جرم بی اطاعتی را تولید میکند . صاحب منصبان و خورد ضابطان به موجب تعلیمات و اوامر متعددی که از طرف مقامات صالحه داده شده است در داخل و خارج خدمات عسکری نمیتوانند به استعمال و اداره وسایط نقلیه عسکری اقدام نمایند هر گاه اینها خلاف تعلیمات و اوامر اداره یکی از وسایط نقلیه عسکری را بدست گرفته و بالاخره سبب بروز حادثات سقوط موثر و یا زخمی شدن و یا فوت يك و یا چند نفر عسکر یا غیر عسکر می گردند در حقیقت جرم اصرار

به اطاعتی را مرتکب شده میباشد زیرا این عمل شان یکمرتبه توسط تعلیمات ها و اوامر منع قرار داده شده و باید باینکار هرگز دست نزنند اینکله قصداً این عمل را اجرا میکنند گویا در برابر اوامر متعرد میشوند . در صورتیکه عمل فوق را بمنظور تامین منافع شخصی خودها یعنی در خارج خدمات عسکری اجرا میدارند این جرم آنها جرم مورد نظر ما نبوده بلکه جرم علیحده را تولید مینماید که از آن در آینده بحث خواهیم کرد .

مادونیکه بنا بر بی انظباطی اش برای او از طرف امرش توسط استعلام یا مکتوب رسمی موضوع تطبیق جزا تبلیغ می گردد و او از امضا در ذیل استعلام و یا مکتوب رسمی ابا می ورزد در حقیقت جرم اصرار به اطاعتی را مرتکب شده میباشد. مادونیکه بنا بر ایجاب وظیفه بایست شب را در قطعه یا موسسه بگذراند باین امر تن نداده میگوید که (من شب را در اینجا سپری کرده نمیتوانم و یا سپری نمیکنم) این اظهار او جرم اصرار به اطاعتی را تشکیل میدهد زیرا گذشته اندن شب در قطعه یا موسسه از جمله آن ایجابات است که منسوبین عسکری در هر موقع به آن مواجه شدنی هستند و باید بدانند که هر آن باین مسئله مخاطب خواهند شد .

آمران نوکریوال قطعات و موسسات عسکری بعد از ختم مساعی الی آغاز زمان مساعی در حقیقت معثل شخصیت در طول این مدت تمام منسوبین همان قطعه و یا موسسه از اوامر امر نوکریوال اطاعت نمایند هر گاه یکی از مادونان به امر نوکریوال واقعی نمیدهند و عدم انقیادشان در برابر آن امر ثابت میگردد این عدم طاعت آنها عیناً جرم (اصرار به بی اطاعتی) را تشکیل میدهد .

مادونیکه با اجرای يك امر اختصاصی که اجرای آن منحصر آ به خود او متعلق دارد موظف ساخته میشود و بعوض اینکه این امر را خودش اجرا نماید بر دیگری مجول میسازد این عمل او نیز جرم اصرار به بی اطاعتی را بوجود می آرد .
(ناتمام)

د فکر پلوشی

مخکبشی لدینه چه تصمیم نيسو باید پيشی او قضیبی دخیل وجدان محکمى
ته و راندی کروچه وجدان موخه وایی (مو نشکيو)

د ژوندانه په تولو مرحلو کبشی شخصی معتقدات او وجدان می زمالار
نبودنه کوله (هید نبورك)

وجدان هند ازی ته ورته دی خککه چه نه تملق کوی اونه تمسخر
(جورج واشنگتن)

حرکات عبارت از یک اصطلاح شرح است که مقصد مهم آن بالای دشمن به سرعت و صحت تاثیر آوردن است قبل از آنکه طرف مقابل به حرکت گذشته باشد.

حرکات صحیح عبارت است از قدرت مانور و عکس العمل مناسب در حال تغییر وضعیت یعنی فعالیت سریع افراد دقت در ترتیب و تنظیم اداره جزو تهاجمات یا تخریبی و مادی و قدرت اجرای آبی و فوری در وقت و زمان معین قبل از فعالیت دشمن میباشد.

حرکات قطعه بیشتر مربوط به طرز اداره قطعات و قدرت قرار و مفکوره وسیع و جامع قوماندان است. درین صورت مثل بزرگ و مهم فعالیت قطعه قدرت قوماندان و فعالیت قرار گاه معینی آن بوده که در حال بحرانی و مغلق قرار قطعی را در وقت بسیار کم داده و مادونان را به زودترین فرصت از آن آگاه و نظر به آن قطعات مادی بصورت دوامدار برای اجرای تعرض موفقانه فعالیت مؤثر کرده و وظیفه را به موفقیت انجام داده بتوانند.

تغییرات سریع و بزرگ و وضعیت و هراگنده گی قوت ها انسیاتیف قوماندان را در قرار مثبت و آزاد که آنها به اساس

احضارات محاربه ای را اتخاذ نه نمایند طبعاً این جزو تام پیشدار پیشدار مغلوب میگردد.

در چنین احوال لازم است که پیشدار پیشدار دشمن را باید در هوا کشف و به زودی اشاره خطر داده و در دوران در حین دیدن این اشاره بدون اینکه بقوماندان انتظار بکشند سرعت عراده جات را زیاد نموده و فاصله بین وسائط را اضافه میسازند و افراد دافع هوا احضارات لازم را جهت کشاد آتش بالای طیارات دشمن گرفته بعد از گذشتن حمله هوایی دشمن افراد

تانک توپچی و پیاده های که بالای وسائط اند پس جمع گردیده به تخلیه مجروحین و رفع و ازاله دیگر بی نظمی های که از اثر تعرض هوایی دشمن رخ داده اقدامات نموده وضع اولی را میگیرند و در صورت فرود آوردن جزو تام های پراشوتی دشمن حین فرود آمدن از هوا تحت آتش میگیرند حرکات منظم پیشدار، پیشدار به تشکیل خوب فعالیت صحیح و کوردیناسیون سریع مربوط بوده هر گاه جزو تام پیشدار پیشدار دارای چنین اوصاف باشد البته وظائف مربوط را به حسن صورت انجام داده میتواند.

یک مثال دیگر: عین پیشدار پیشدار در قطار رفتار با دشمنیکه

ترجمه و نگارش دگروال محمد
اسماعیل قوماندان قطعه ۳ توپچی

حرکات و ستر اخفاء

دشمن را از زمین نبرند و همچنان در مقابل قوای پراشوتی دشمن قدرت بیشتر و یا مساوی با او دارد مقابل میشود و یک محاربه تصادفی آغاز میگردد که درین نوع محاربه سرعت و سبقت در حرکات مهم بوده تردد و سستی اندک خطر بزرگ بارمی آورد درین صورت لازم است که پیشدار پیشدار اقدام فوری نموده قبل از آغاز تعرض دشمن باید به سرعت به تعرض بگذرد تا نسبت به دشمن پیش از پیش مواضع بهتر را اشغال و زود تر کشاد آتش کرده بتواند، برای اجرای این مطلوب لازم است اولاً نظام تیت شده را به خود گرفته شکل تعرض را اختیار و بعد از اشغال مواضع مساعد در صورتیکه فائزیت دشمن محسوس گردد الی رسیدن قسم کلی از موضع موجوده به دفع و طرد دشمن پرداخته میشود نتیجه که ازین نوع محاربه بدست می آید مربوط به قدرت قوماندان بوده هر گاه دشمن را اغفال و مقاصد آنرا به درستی درک کرده هم چنان تغییراتی که در احوال محاربه رخ می دهند قبلاً

مفکوره قوماندان مافوق و وضعیت موجوده باشد طلب مینماید حرکات محرم در تمام انواع فعالیت محاربه اهمیت خاصی دارد به همین نسبت است که در محاربات امروزی بصورت خط مشی اساسی مدنظر گرفته شده که در غیر آن هر جزو تام که باشد بدون حرکت منظم و محرم مغلوب شده و یا خسارات و تلفات سنگین می بیند.

بیانید مثال ذیل را تحلیل نمائیم: یک کندک موتر ریزه پیاده بایکتولی تانک و یک بطریه توپچی به حیث پیشدار پیشدار حرکت میکند. در حین رفتار طیارات دشمن بصورت ناگهانی بالای قطار رفتار از جناح تعرض نموده قطار رفتار را بمبارد و توسط توپ و ماشیندار تحت آتش میگیرد به تعقیب آن گروه دیگر طیارات افراد پراشوتی را فرود می آورند. درین وضعیت افرادی که تعلیم و تربیه عسکری آنها ضعیف بوده مورال روحيات و وجود شان ضعیف باشد تلف و یا دست پاچه می شوند درینگونه احوال اگر قوماندانان عزم قوی و فعالیت دقیق را در تنظیم وضع قطعه به خرج نداده و نتایج بمباردمان

پیشبینی نموده بتواند البته موفقیت نصیب بوده در عکس حال اگر قوماندان در قرار خود بطی و او امر را به جز و تاسمهای مادون به سرعت ابلاغ نتواند. درین صورت انسیاتیف را از دست داده دشمن ضربه اولی را وارد و وضعیت مساعد را اتخاذ می نماید البته بالای دشمن که تحت چنین شرایط فعالیت کرده باشد فائق گردیدن دشوار خواهد بود.

درین جا مانند هر نوع محاربه دیگر چیزیکه رول مهم و قطعی بازی میکند تعلیم و تربیه صاحب منصبان و افراد قدرت و توانائی آنها در استعمال قوه آتش سلاح های دست داشته و همچنان استفاده مناسب از وسایل دست داشته آنها بوده با موجودیت اوصاف فوق الذکر در همه اوضاع و احوال ستر و اخفای باید بیشتر قیمت داد زیرا در شرایط امروزی به نسبتیکه در قوای مسلح آلات تختیکی کشف و ترصد که اهداف بسیار خود را به فاصله های بعید کشف کرده میتواند بوجود آمده لهما ستر و اخفاء به دشوار تأمین میگردد. بنابراین تأمین ستر و اخفاء در هر گونه احوال لازم بوده نه تنها در تعرض و یا مدافعه بلکه در ترتیب و تنظیم محاربه نیز حتمی است.

مانعت و کنترل سخن زدن در وسائل مخابراتی، مخفی نگه داشتن محل کار قوماندان در اراضی و موضع که بصورت صحیح کموفلاژ شده باشد. ستر و اخفاء در ترتیب گروپ مان جزو تاسمهای مادون و همچنان ستر و اخفای محلات سلاح های آتشی و غیره ضروری است.

سرعت در ترتیب و تنظیم محاربه به معرجم بودن آن کمک زیاد میکند. درین صورت اگر دشمن از روی طرف مقابل رادارک هم بنماید نسبت کمی زمان معلومات کافی را جهت فراهم ساختن معاونت برای تقویه و گروپ بندی مجدد جزو تاسمهای ضعیف جبهه و همچنان تجدید نظر در تقویه آتشی و غیره کرده نمیتواند بنابراین مجادله تصرف وقت از بزرگترین عامل بدست آوردن ستر و اخفاء و محرمیت در حرکات بوده به این اساس در محاربات میتودیک امروزه که بصورت غیر مترقبه واقع میگردد عامل مهمترین موفقیت محرمیت احضارات فعالیت های قبلی آن میباشد طور مثال حمله ضربوی ذیل را ارائه میداریم.

در تابستان (۱۹۶۶) به تولی پنج غند ۸۵۰ پیاده وظیفه داده شده بود که بالای مواضع دشمن حمله نمود و قریه بوراکی - (Buraki) را که در جنوب شرق (Vitedsk) واقع است بدست آورد. خطوط دفاعی دشمن به امتداد غربی ساحل دریا که جبهه زار و مانع رفتار تانک بود میگذشت و علاوه کشت زار متداوم ماین، سه قطار سیم خار دار و مواضع ضد پرسول در مقابل خط مدافعه نیز گذاشته شده بود و قریه بوراکی که در بالای خط مدافعه موقعیت بصورت یک محل مقاومت بسیار قوی در آورده شده بود. که از آنجا تقرب قوای مقابل به منطقه مدافعه از مسافه دور مشاهده و ترصد شده و درین جا مسافه آنها از دشمن به اندازه (150 m) تخمین میشود.

حملات پیاده و تانک به مقصد شکستاندن خط مدافعه دشمن تحت حمایت آتش توپچی و ضربات هوائی بصورت نورمال آغاز شد درین وقت نظر به پیشنهاد قوماندان تولی نمبر ۵ قرار داده شد که درین قسمت جبهه یک میتود جدید محاربه تطبیق گردد.

مفکوره او این بود که از دریا طور مخفیانه و بدون صدا بصورت که از تاریکی شب استفاده گردد عبور نموده و از ساحل غربی دریا که ۷۰-۸۰ متر از موضع دشمن فاصله داشت. حمله صورت بگیرد در وقت صبح که دشمن بعضی از افراد خود را بصورت عادی از خط مدافعه به مقصد تأمین استراحت به عقب میبرد و درین وقت به اندازه کافی فعال هم نمیشاند فیصله شده بود که بصورت خاموشانه و بدون آتش توپچی اجراء گردد. فعالیت در وقت معین آغاز شد و شب هم بصورت عادی تاریک بود. جزو تاسمهای خوردان جنجیری به سکوت، اولاً از دریا عبور نموده در بین موانع راهای تقرب را بازو نشانی نمودند. بعداً تمام تولی بصورت گروپ و ارمواضع را اشغال و افراد به سرعت به کندن خندق ها آغاز نمودند.

به ساعت (۸) بجه صبح مشاهده میشد که چرمن ها بصورت گروپ، گروپ محلات خود را ترک گفته به عقب می رفتند و بعضاً از عقب بطرف موضع می آمدند ازین حرکات و رنت و آمدها بر می آمد که قطعه شان به حالت عادی به استراحت گذشته است.

قوماندان تولی اشاره تعرض را داده فشننگ اشاره هنوز در هوا بود که توسط آتش سلاح های حما یه تولی مترصدین دشمن با مرتبات ماشیندار آن از بین برده شدند. و توسط پرتاب بمهای دستی بالای دشمن تعرض آغاز و تولی به خندق اول دوم دشمن حمله را ادامه داده صاحب منصبان و افراد چرمن با اجرای این باصقین آنقدر پریشان و دست پاچه شدند. که نتوانستند ترتیبات اولیه را اتخاذ و یک مقاومت مناسب را اجرا بنمایند درین وقت با استفاده ازین پراگنده گی و پریشانی دشمن افراد تولی به تحت قومانده هر قوماندان تولی به خندق دوم و سوم حمله را ادامه دادند. در طرف ۲۵ دقیقه محل مقاومت که در قریه بوراکی بوجود آورده شده بود مکملآ تخریب و از بین برده شد این فعالیت موفقانه تولی از طرف جزو تاسمهای تقویه تحت اسر کندک. غند و فرقه حمایه میشد. به اجرای این عمل ثابت کرده شد که ستر و اخفا عامل مهم موفقیت به شمار می رود.

در نتیجه گفته میتوانیم که حرکات توهم با ستر اخفا اگر در تعرض به مهارت استعمال گردد با اطمینان کامل موفقیت بدست خواهد آمد.

مشاهیر جهان

خلیل تاسلیخ

های وسیع و دامنه دار خود به عضویت کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی و عضویت دفتر سیاسی نایل آمد. از نظر عقاید سیاسی نظریات جدیدی در مورد حق ملل برای تعیین مقدرات خود و سیاست اقتصادی روسیه عرضه داشت که با مخالفت زیاد روبرو گردد و بعداً بعنوان اینسکه دچار اشتباه شده است نظرات خود را پس گرفت.

چندین سال مدیر مسئول روزنامه (پراودا) بود (این روز نامه هم اکنون در شوروی چاپ و منتشر میشود و از جمله ارگانهای معروف حزب کمونیست شوروی است) بوخارین از جمله فعالترین اعضای کمیته بین المللی کمونیستی و عضو کمیته اجرائیه مرکزی آن بوده است که بعداً بعلمت تمایل بطرف راست خارج گردیده. بوخارین با تروتسکی و عقابد او و طرفدارانش مبارزه شدید کرده است.

بلا بارتوک :

بلا بارتوک از موسیقیدانان و آهنگسازان بنام کشور مجارستان است که آثار فولکلوریک فراوانی بوجود آورده بلا بارتوک در زمان حیات خود که مصادف با جنگ بین الملل دوم بود بانفوذ فاشیسم مبارزه کرد و بعنوان اعتراض به روش هیئتار و موسولینی مثل توسکانینی رهبر آرکستر ایالتالیائی جلای وطن نمود و با سریکامهاجرت کرد و سرانجام در حالیکه آرزوی بازگشت بمجارستان را داشت در پائیز سال ۱۹۴۵ بدرود حیات گفت مردم مجارستان بارتوک را خادم صلح و یک هنرمند ملی میشناسند. شورای جهانی صلح یکی از جوایز بین المللی صلح ۱۹۵۴ را به بارتوک اختصاص داد و بدینوسیله از موسیقیدان فقید و صلح دوست مجارستانی تجلیل کرد.

بالزاک :

اونوره دو بالزاک بسال ۱۷۹۹ در شهر تورچشم بجهان

بوفن :

بوفن عالم طبیعی معروف فرانسه است که در سال ۱۷۰۷ متولد و در ۱۷۸۸ وفات یافت، از جمله آثار مهم او (تاریخ طبیعی عمومی) است که ارزش زیاد دارد.

بودا :

در شش قرن قبل از میلاد مسیح مردمی که از خانواده سلطنتی و موسوم به (سید ارتاگانو تاماسا کیامونی) بود برخلاف رژیم حکومتی زمان خود و علیه مظلومی که بر طبقات فقیر و بی چیز هندوستان اعمال میگرددید با نیروئی مذهبی قیام کرد. زندگی اشرافی و ناز و نعمت دربار پدر را ترک نموده و بچنگل و صحرا رفت اوسالیان دراز بر ریاضت و عبادت پرداخت و سر انجام با نفوذ و قدرتی که بدست آورد قوانین و مقررات ظالمانه زمان خود را در هم ریخت و مردم را با آئینی که در آن تساوی حقوقی و انسانیت پیشنهاد شده بود آشنا ساخت. فلسفه بودا عبارت از این بود که جهان و کون و مکان ظاهری است ماهیت آن ناشی از اراده میباشد.

مردم باید بیکدیگر مهر بورزند و آزادی را دوست داشته باشند برای اینکه به حقیقت برسیم باید از تنعم بپرهیزیم.

بلمینی :

آهنک ساز ایتالیائی متولد سال ۱۸۰۱ که معروف ترین آثار او عبارتند (از اهرای دختر خوا بگرد) نورمازائیراهزن آثارش بیشتر اجن اندوه دارد و سرشار از مهر و حساسیت است ولی موسیقی شناسان آثار بلمینی را از نظر هارمونی ضعیف و بیعایه میدانند.

بوخارین :

نیکلای بوخارین یکی از شخصیت های معروف و مطلع از اصول تعلیمات مارکس و علوم اقتصادی بود در نتیجه فعالیت

طبعاً مربوط به عشق بیحاصلی است . که امیلی به معلم خود داشت و چون این معلم جوان دل به عشق خواهر او بست . امیلی دم فرو برد و غم دل راننها برای خود نگاه داشت و باهمین غم نیز جان داد . اشعار این هرسه خواهر بیشتر با روح آنها سروکار دارد و از جنبه هوس عاری است . زیرا تقریباً هیچکدام از آنها عشق راجز بصورت روحانی نشناخته بودند .

بوالو :

بوالویکی از بزرگترین شعرای مکتب کلاسیک فرانسه است . در سال ۱۶۲۶ در پاریس متولد شد تحصیلات خود را در رشته الهیات انجام داد و در بیست سالگی جواز و کالت عدلیه گرفت . اما در همه عمر خود حاضر بدین کار نشد . از سال ۱۶۶۰ شروع به نوشتن هجویات معروف خویش کرد که عالیترین نمونه نوع خود در ادبیات فرانسه اند و بوالوشهرت خویش را مهرون آنهاست . در ۳۷ سالگی به لوئی چهاردهم معرفی شد و چهار سال بعد سمت مورخ مخصوص شاه را یافت و در ۴۸ سالگی بعضویت اکادمی فرانسه انتخاب شد . دوران پیری او بسیار تلخ گذشت . زیرا اول کرو بعد مفلوج شد و در ۱۷۱۱ مرد . بزرگترین دوستانش رامین و لافونتن بودند . (هجویات) و (مراسلات منظوم) بوالو معروفترین آثار او هستند و هردو در ادبیات فرانسه مقامی ارجمند دارند .

بوالو با وجود مقام مهم در باری خود ، از مدیحه سرائی گریزان بود و بدین جهت دشمنان بسیار داشت . قطعه ای از او که مربوط به اسکندر است چندین بار در آثار ولتر نقل شده است . زیرا تا قبل از او هیچکس بدین تندی اسکندر را هجو نکرده بود .

بالا کیرف :

نام آهنگساز بزرگ روس است که بین سالهای ۱۸۲۶ و ۱۹۱۰ زندگی کرده . بالا کیرف در موسیقی روسی مکتب جدیدی بنیان گذارد که ریمسکی کورساکف موسوروکسکی آنها تبعیت کردند . آهنگسازان معروفی مثل ، روبنشتاین و چایکوفسکی مورد سخریه و نیشخند و هجو بالا کیرف قرار گرفتند زیرا بالای کیرف در موسیقی داعیه های انقلابی بسر داشت . پیانوی بالای - کیرف خیلی معروف بود .

آثارش عبارتند از : سه اورتور روی تم های چک و روس اور توروی یک تم اسپانیولی . پوئیم سنفیک (روسیه) تمار پوئیم سنفیکک بالهام از شعرار مونتف فانتزی اوریانثال (اسلامی) برای پیانو و بالآخره چند مازورکا و بیست قطعه رومانس بالا کیرف یک شخصیت جاودانی هنر روس است .

برنارد شاو :

در سال ۱۸۵۶ در دبلین (پایتخت ایرلند) متولد شد اصلاً ایرلندی بود ولی از بیست سالگی تا هنگام مرگ در لندن بسر میبرد . نوشته هایش همه بزبان انگلیسی است نخستین نمایشنامه خود را در سی و شش سالگی نوشت . ولی از بیست و یک سالگی در کار نویسندگی وارد شد و اکنون بیش از هفتاد و پنج سال است که آثار او پیاپی منتشر میشود . شاو معروفترین پیمس نویسن

کشود پدرش مرد فعال خود ساخته ای بود که هم در راه انقلاب کبیر فرانسه و هم به امپراطوری ناپلئون خدمت کرده بود . او نوره از ۱۸۰۷ تا ۱۸۱۳ را در مدرسه ای نزدیک تور بدون مرخصی و تعطیلات گذراند و در ۱۸۱۶ به اصرار پدرش نزدیکی از وکلای عدلیه پاریس به کارآموزی پرداخت . در آن اجتماع ایام پاریس گرد محور های طلسمی چرخید . روح سودجویی در همه شئون زندگی دمیده شده بود و بگفته خود بالزاک (پول نقش قانونگذار در حیات اجتماعی و سیاسی بازی میکرد) در چنین محیطی بالزاک جوان طبیعتاً نمیتوانست جز گرد کردن مال و اندوختن زر سودای دیگر در سر داشته باشد . بهمین خاطر چند صباحی بمعامله و فعالیت های بازاری پرداخت و بار باخواران و کاسیکاران و دلان سرو کله زد . این تلاشها و قروض سنگینی که بار آورد موجب گردید که وی اجتماع معاصر خود را بهتر و با آگاهی عمیق تر و دقیق تری بشناسد و بعوض ثروت مایه کتاب کمدی انسانی را بیاندوزد . کتاب عظیم مزبور که در واقع دایرة المعارف جامعه فرانسه محسوب است . مجموعه ایست از کلیه داستانهائی که این نویسنده نابغه نوشته و رویهم قریب به صد داستان میشود . با این خصوصیت که آدم های هر داستان در داستانهائی بعدی نیز ظاهر میشوند . سرگ زودرس بالزاک در پنجاه و یک سالگی (۱۸۵۰) اتفاق افتاد .

برونته ها :

سه خواهر برونته نه تنها در ادبیات انگلستان بلکه در ادبیات جهان شهرت فراوان دارند . هر سه این خواهران نویسنده و شاعر بودند . هرسه نیز عمری را با غم و تومسیدی بسر بردند و هرسه در جوانی جان سپردند . وقت مرگ شارلوت برونته ۳۹ سال امیلی برونته ۳۰ سال و آن برونته ۲۹ سال داشت .

عشق در زندگی این هرسه خواهر نقش بزرگی بازی کرد . اما برای هرسه جز ناکامی به بار نیاورد . مخصوصاً برای امیلی که شاید مدتها بگذرد و اثری مثل (بلندیهای بادگیر) او بوجود نیاید .

در سال ۱۸۴۶ - این هرسه خواهر که در حیات صومعه ای در شهر کوچک هارورث با پدر کشیش خود زندگی میکردند (و بعد ها تلخی این روز های کودکی در همه زندگانیهای منعکس شد) مشترکاً مجموعه اشعاری در یک جلد بنام مستعار خواهران (بل) انتشار دادند . از آن پس هر یک از آنها جداگانه آثاری انتشار داد که مهمترین آنها عبارتند از : چین ایر شارلوت برونته ، بلندیهای بادگیر امیلی برونته نیز گری آن برونته .

اشعار شارلوت برونته را در ادبیات انگلیسی عالیترین نمونه شکوه های زنان عاشق و ناکام شعر ده اند اما شهر امیلی برونته شهری عمیقتر و عالی تر و نومیدهانه تر از دو خواهر دیگر است . در همان زمان حیات خود این سه خواهر نیز اشعار امیلی را بر دو خواهرش ترجیح دادند . این لطف کلام و تلخی آن

دنیای معاصر است در سرتاسر جهان هیچ جانیست که او را نشناسند. پنجاه سال است پیس های شاد و دائمدار سن های مختلف جهان نمایش داده میشود چنانکه آثار وی تقریباً صورت کلاسیک پیدا کرده در زمان حیاتش نوشته های او را هر کلمه یک لیره خریداری میکردند نمایشنامه های معروف شا و عبارتند از: کالدیدا، مرد و اسلحه، پیشه خانم وارن، قهرمان و سرباز جزیره دیگر جان بول، باوسیب، شاگرد شیطان میجر باربا سمت جون و غیره.

در کمدی (مرد تقدیر) مثل همیشه، نیشخند های شیظنت آمیز برنارد شاد و روح (قهرمان شکنی) وی خوب هویداست مثل همیشه نیز شاد و بانگلیس با حمله میکند. و این حمله این بار از زبان ناپلئون بناپارت صورت میگردد. شاد و در سال گذشته وفات یافت.

بلاسکو ایبانز:

یکی از بزرگترین نویسندگان قرن بیستم اسپانیا است. وی در سال ۱۸۶۷ متولد شد و دوران جوانی را در مادرید در مکتب یک رمان نویس معروف بنام (فرناندزای گونزالز) که او را الکساندر دو مای اسپانیا لقب داده اند گذرانید پیش از آنکه تحصیلات خود را تمام کند بچرم افکار افراطی از دانشگاه مادرید اخراج شد و در سال ۱۸۸۹ بر اثر شرکت در نهضت شورش طلبی اسپانیا بفرانسه پناه برد. چند سال بعد بکشورش بازگشت و مجله مهم (مات) را که ارکان نهضت جمهوریخواهان بود تأسیس کرد و نخستین رمان های خود بنام (گل بهار) و (ارزوی تارتانا) را برای تعیین مجله نوشت، اندکی بعد دوباره ناچار بفرار از اسپانیا شد و بالباس ملاحان بایتالیا رفت در بازگشت با اسپانیا خود را به قرارگاه ستردرستیز معرفی کرد و باز داشت شد و در نتیجه محاکمه و محکوم بچهار سال زندان گردید ۱۸۹۷ و در والتیا زندانی شد، نه ماه بعد بخشیده شد و یک سال بعد بنماینده گی مجلس انتخاب گشت. در همین سال بود که یکی از کتاب های معروف خود (در سرزمینهای نفرین شده) را که بهترین اثر ادبی نیمه دوم قرن نوزدهم اسپانیا دانسته اند انتشار داد، بلاسکو ایبانز تا سال ۱۹۰۶ در عالم سیاست بود، اما از آن پس از سیاست کناره گرفت و بجهانگردی و فعالیت ادبی پرداخت و محصول این

فعالیت ادبی او یکی از عالیترین گنجینه های ادبی زبان اسپانیولی را تشکیل داد.

وی در آغاز کار رمان نویس ملی بسیار بزرگی محسوب میشد اما اندکی بعد از ناپیره (ملی) بیرون گذاشت و رمان نویس (بشری شدیکی از آثار او (میدانهای خونین) است این اثر بقدری شهرت یافته که تقریباً در تمام دنیا و بتعام زبانها ترجمه گردیده مهمترین آثار ادبی ایبانز بدین قرارند: سونیکای هرچائی، کل و نی، کلیسا، مرده ها فرمان میدهند دریای ما عبرت ودا.

بودلر:

شارل پی بودلر بسال ۱۸۲۱ (نهم آوریل) در شهر پاریس بدنیا آمد، هنگام تولد او پدرش ۶۲ ساله و مادرش ۲۲ ساله بود بودلر ۶ سال داشت که پدرش مرد و مادرش با افسری بنام (اوپیک) ازدواج کرد (اوپیک) پسر خوانده اش را بمدرسه گذاشت پس از پایان تحصیل بودلر علی رغم (اوپیک) که میل داشت آینده ای مطمئن و درخشان برای پسر خوانده اش فراهم آورد وارد کارهای ادبی شد و زندگی پر آشوبی را آغاز کرد. (اوپیک) او را بنا خدائی سپرد تا با کشتنی خود از پاریس دورش کند و بمسافرت دور دست و ادارش سازد، بودلر تا جزیره سوریس بیشتر نرفت و از آنجا به پاریس بازگشت و یکبار به عمر خود را وقف شاعری کرد.

در سال ۱۸۵۷ مجموعه اشعار خود را بنام (گلهای درد) انتشار داد و در همان سال با تمام سرودن اشعاری که مغایر اخلاق جامعه بود بمحاکمه خوانده شد و بپرداخت جریمه ای سنگین محکوم گردید پس از آن برای جمع آوری مبالغی پول که پرداخت جریمه را کفایت کند به باژیک رفت و در آنجا م کاری از پیش نبرد و سرانجام نیمی از بدن او بعلت عواقب مرضی هولناک لالج گردید و از سخن گفتن و شعر سرودن نیز باز ماند و در سال ۱۸۶۷ بوضع رقت بار جان سپرد امروز بودلر را پدر شعر جدید فرانسه میخوانند و تمام شاعران بعد از او سخت گرامی اش میشمارند، بودلر همچو مصعب سه شاخه ای است که رودهای شعر را التیسم، سمبولیسم و کلاسیسیزم جدید درین مصعب بهم می پیونداند؟ سه شاعر بزرگ قرن نوزده فرانسه، استفان مالارمه، هل وارتور و میوهمه از پیروان بودلر بوده اند.

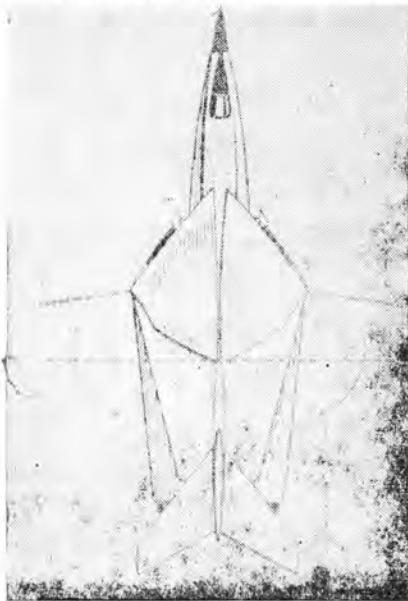


دنیای در محاصره راکت های دو قدرت بزرگ جهانی

« آمسما »

طیاره استراتژی یکی که توسط پیلوت اداره میشود. این طیاره بمبارد نیروی هوایی امریکا بنام «بی-یک» نیز خوانده می شود. طیاره بمبارد «آمسما» که قرار بود جانشین طیارات غول پیکر

«ب-۵۲» امریکا در نیروی دریایی شود بر خلاف «ب-۵۲» قادر است با سرعت مافوق سرعت صوت پرواز کند. ضمناً ساختمان این طیاره به گونه ای است که می تواند در ارتفاع کم پرواز کند تا به وسیله رادار دشمن کشف نشود. طیاره بمبارد «آمسما» علاوه بر حمل بمب اتومی توانایی حمل «اسرام» (راکت های هوا به زمین با برد کم) را دارد. طرح این

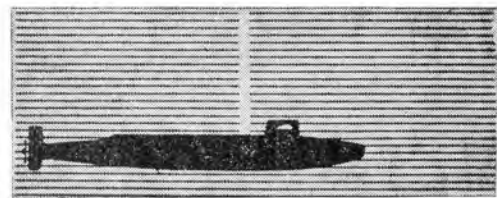


آمسما

طیاره بمبارد ۱۳ میلیارد دلار مصارف در برداشت بنابر این با پیشرفت فنون راکت سازی به کنار گذاشته شد.

از مدت ها باینطرف مذاکرات خلع سلاح امریکا و شوروی در هلستنگی جریان دارد و چندی پیش طرفین موافقت کردند علیه یکدیگر دست به یک جنگ میکروبی نزنند آنچه اینک ایجاد سیستم ضد راکت است که میلیارد ها دلار برای امریکا و شوروی مصارف دارد.

در این جا شما با آخرین تحولات در ساختن حمل سلاح های هسته ای آشنا میشود.



پوزیدون

« ای ، بی ، ام »

راکت ضد بالستیک ، اصطلاحی که برای سیستم دفاعی ضد راکت ایالات متحده امریکا و شبیهه «گالوش» اتحاد شوروی بکار میرود و دنیا در واقع در محاصره این راکت های مرگ آخرین قرار گرفته است.

راکت قاره پیمای بزرگ شوروی ، این راکت قادر به حمل یک سر گلوله ۲۵ میگاتنی باشد سر گلوله پنج میگاتنی است برخلاف « میرو » ، سر گلوله های راکت « اس اس - ۹ » قابل پرتاب به هدفهای جداگانه و مستقل نیست ولی در هر صورت برای امریکا خطر ناک جلوه گر میشود .

این راکت ۱۲۰ فوت ارتفاع دارد و هفت هزار میل اوج میگیرد و گفته میشود دقت آن در هدف گیری بسیار زیاد است . شوروی ها تا کنون ۲۷۵ تا ۳۰۰ عدد از این راکت ها ساخته اند و اگر ضد راکت « اس اس - ۹ » دیگر بسازند پنتاگون با خطری بسیار جدی روبرو خواهد شد چرا که در آن صورت شوروی قادر به از بین بردن ۹۵ درصد نیروی « سی نیت من » در ساعات اول جنگ خواهد بود .

« سی آی ۱۰ » (سپا) و وزارت خارجه امریکا به شدت نسبت به مقاصد شوروی در مورد ساختن راکت مذکور اظهار نگرانی میکنند پیشرفت حیرت انگیز شوروی در ساختن « اس اس - ۹ » دلیل اصلی و مهم تصمیم امریکا دایر بر ایجاد سیستم « آی . بی . ام » بود . « اس . ال . بی ام »

راکت های بالستیک تحت البحری ایالات متحده امریکا ۴۱ تحت البحری

اتومی پولاریس مجهز به راکت های برو متوسط تحت البحری (حداکثر ۲۸۰۰ میل) دارد .

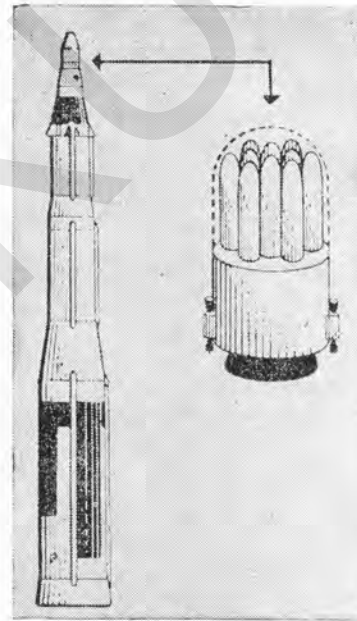
در ۳۱ عدد از این تحت البحری ها در حال حاضر مشغول دادن تغییراتی هستند . تا بجای راکت های پولاریس راکت های بابرذ زیاد موسوم به « هوزیدون » را که قادر به حمل ۴۰ کیلو تن سر گلوله اتمی « میرو » هستند ، در آنها تعویض کنند . توسعه احتمالی در این رشته ، ایجاد « شبکه راکت های دو پرواز تحت البحری » (المس) است که به ایالات متحده اجازه خواهد داد راکت های قاره پیمارا از تحت البحری های اتمی نزدیک سواحل خود تسلیک کند .

شوروی دارای ۱۰۵ تحت البحری است که میتواند راکت های بابرذ کم بسوی هدف پرتاب کنند (حداکثر برد ۷۰۰ میل) ولی در عین حال هشت تحت البحری « پانکی » مجهز به راکت های شبیه پولاریس دارد . پنتاگون معتقد است شوروی مطابقی برنامه برای جلوگیری از عقب ماندگی بیشتر در این زمینه سالانه ۸ تا ۲۲ تحت البحری « یانکی » خواهد ساخت .

سیستم فراکسیون بمباران مداری . در این سیستم راکت های قاره پیمای بالستیکی بکار میرود که مسیر دایروی شکل را طی میکنند ارتفاع پرواز آن حدود ۱۰۰۰ میل از سطح زمین و نسبت به یک راکت قاره پیمای بالستیک معمولی - اوج پرواز حدود ۶۰۰ میل در ارتفاع کمتری پرواز میکنند . تشخیص آن بوسیله رادار بسیار مشکل است . وقت هدف گیری راکت « فابیس » کم و سر گلوله آن نسبت به یک راکت قاره پیمای کوچک است بنابراین ایالات متحده سالها قبل طرح مربوط بدان را مسکوت گذاشت ولی متخصصین عسکری اظهار عقیده میکنند که شوروی دارای راکت های از نوع « فابیس » و حتی پیشرفته تر از آن است . بنابراین امریکا باید در سیستم « ای - بی - ام » خود تجدید نظر کند .

« میرو »

وسيله چند تائی مستقل قابل هدف گیری این وسیله



دارای چند سر گلوله قابل پرتاب به سوی هدفی جداگانه است . « میرو » معمولاً در نوك راکت قاره پیمای بالستیک « آی - سی - بی - ام » قرار میگیرد . این وسیله دارای ارزش فوق العاده است چرا که ارزش عسکری هر راکت را دو

برابر میکند و ضمناً در گمراهی دشمن فوق العاده اثر دارد .

« سی نیت من ۴ »

که اکنون در آخرین مراحل ساختمانی است قادر به حمل « میرو نمره ۱۲ » باسه سر گلوله اتمی بوزن ۱۷۰ کیلو تن (هر کیلو مساوی هزار تن ماده منفجره ثنی - ان - نی است) می باشد .

شوروی در حال حاضر « میرو » را بصورت کامل آن در اختیار ندارد . در حالیکه قرار است امریکا درین اواخر آرمایش ها را به پایان رسانده صاحب این سلاح مؤثر شود . دفاع در مقابل راکت دارای « میرو » بسیار مشکل است . منتقدان اظهار میدارند که این وسیله نظامی تعادل و موازنه کنونی امریکا و شوروی را برهم خواهد زد .

دستگاه تازه برای جلوگیری

از سقوط طیاره

تشخیص علت سقوط طیاره تاکنون مسئله بفرنجی بوده است. پیدا کردن علت انفجار ویا ویا اشتعال طیاره از بین قطعات بشمار پرزه های طیاره کارآسانی نیست و در موارد عدیده کشف علت اصلاً ممکن نگردیده است بالخاصه در مورد مدل‌های نوین طیارات بی بردن با اینکه سانحه در اثر نقص فنی ویا کمبود انسانی بوقوع پیوسته - جنبه بسیار فوری دارد زیرا ممکن است تا کشف علت سانحه پیشین - سانحه‌ای تازه ای بوقوع پیوندد .

این واقعیت‌های محرک ابداع و ساختن دستگاه های بنام نظیاط سقوط گردیده که پیر و تصحیم گروه تحقیقات هوائی المان فدرال از ین پس در کلیه طیارات المان فدرال نصب خواهد شد .

دستگاه تازه در محفظه‌ای مصئون در برابر حرارت و ضربه قرار میگیرد و هر چه هم که بسر طیاره بیاید سالم بدست بازرسان خواهد رسید .

دستگاه ضبط کننده سقوط مسیر قطب نما - ارتفاع - وضع موتور ها - حرکت فرمان و حالت محفظه چرخهای فرود آمدن را منظم و مداوم ضبط مینماید .

بنا بر توصیه اداره طیاره رانی المان فدرال بدستگاه یاد شده یک ضبط صوت افزوده خواهد شد تا اظهارات پیلوت و پرسونل طیاره در باره احتمال سانحه نیز ضبط شود و بجا ف^۲ بماند .

راکت قاره پیمای اصلی امریکا که هم اکنون ساخته شده است . راکتی است چند طبقه با برد نزدیک به ۸ هزار میل . امریکا ۱۰۴۵ « آی . سی . بی . ام » در اختیار دارد در حالیکه شوروی ۱۳۰۰ عدد از این نوع راکت ها را دارد و چون راکت های شوروی سر گلوله های بزرگتری حمل میکند بنابراین کرملین دارای نوع بهتری است، در حالیکه اگر « می نیت من ۳ » امریکا ساخته شود استفاده از « میرو » به قدرت ایالات متحده خواهد افزود .

« گالوش »

نامی است که ناتو بر راکت های ضد بالستیک شوروی نهاده است . در حال حاضر ۶۷ پایگاه این راکت ها در اطراف مسکو واقع است و اطلاعاتی که از دقت و برد این راکت ها در اختیار امریکا است رهبران ایالات متحده امریکا را بر آن داشته که در پی ساختن راکت های تهاجمی بیشتر و مؤثرتری باشند .

« دلیو . اس ۹۳۰ »

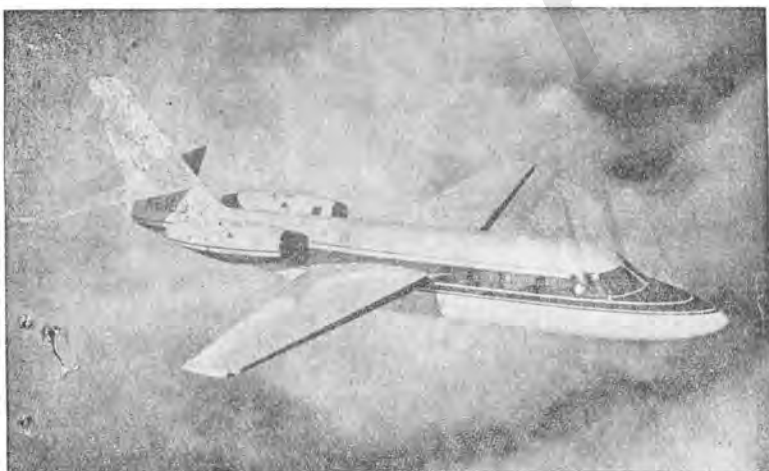
سلاح امریکائی که گمان میرود بزودی جای « مینیت من » را بگیرد . این راکت دارای برد بیشتر و وقت کافی خواهد بود و احیاناً همراه با سیستم هدایتی که دقت هدف گیری را از یارده فوت خواهد رساند . اگر موافقت نامه تجدید سلاحها به امضا نرسد وجود چنین راکت قاره پیمای شوروی را و ادار به تقویت سیستم ضد راکت بالستیک خواهد کرد .

راکت‌های زیر زمینی

در سایه پاره‌های از متخصصین شوروی راکت زیر زمینی جالب توجهی ساختند که يك ماشین پنوماتیک میباشد این دستگاه حفره‌هایی برای کشیدن کابل‌های زیر زمینی بوجود میآورد کار راکت بدینقرار است که هوای فشرده کمپرسور از طریق شیلنگ به قسمت انتهایی ماشین میرسد و به پیستون ضربتی که راکت را وارد خاک میکند ضربه میزند پیستون ضربتی بوسیله ضربات کوتاه تونل باریکی در زیر زمین بقطر ۲۵ سانتی متر و بطول ۵۰ متر حفر میکند سرعت این راکت زیر زمینی يك متر در دقیقه است پس ازین کایل الکتریك یا کایل تلفن و همچنین نل های آب و نلهای گاز و غیره را وارد کال میکنند .

این راکت میتواند از زیر جاده ها و خطوط راه آهن و از زیر جاده رد شود بطوریکه هیچ لازم نیست که با کندن زمین سد معبر شود .

اکنون دانشمندان در زمینه تکمیل راکت زیر زمینی کار میکنند باید براکت آموخت که از تونل خارج شود ، چاههای آرتزین بکند و در کار مینور ها و زمین شناسان کمک کند .



طیارات جت (AC) ساخت ایالات متحده امریکا که اکثر ممالک امریکای لاتین برای پیشبرد امور دفاعی خویش از آن خریداری نموده اند .



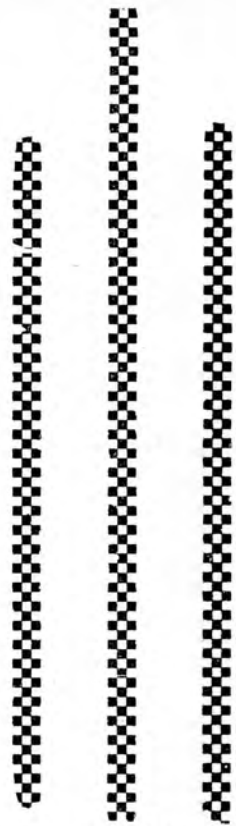
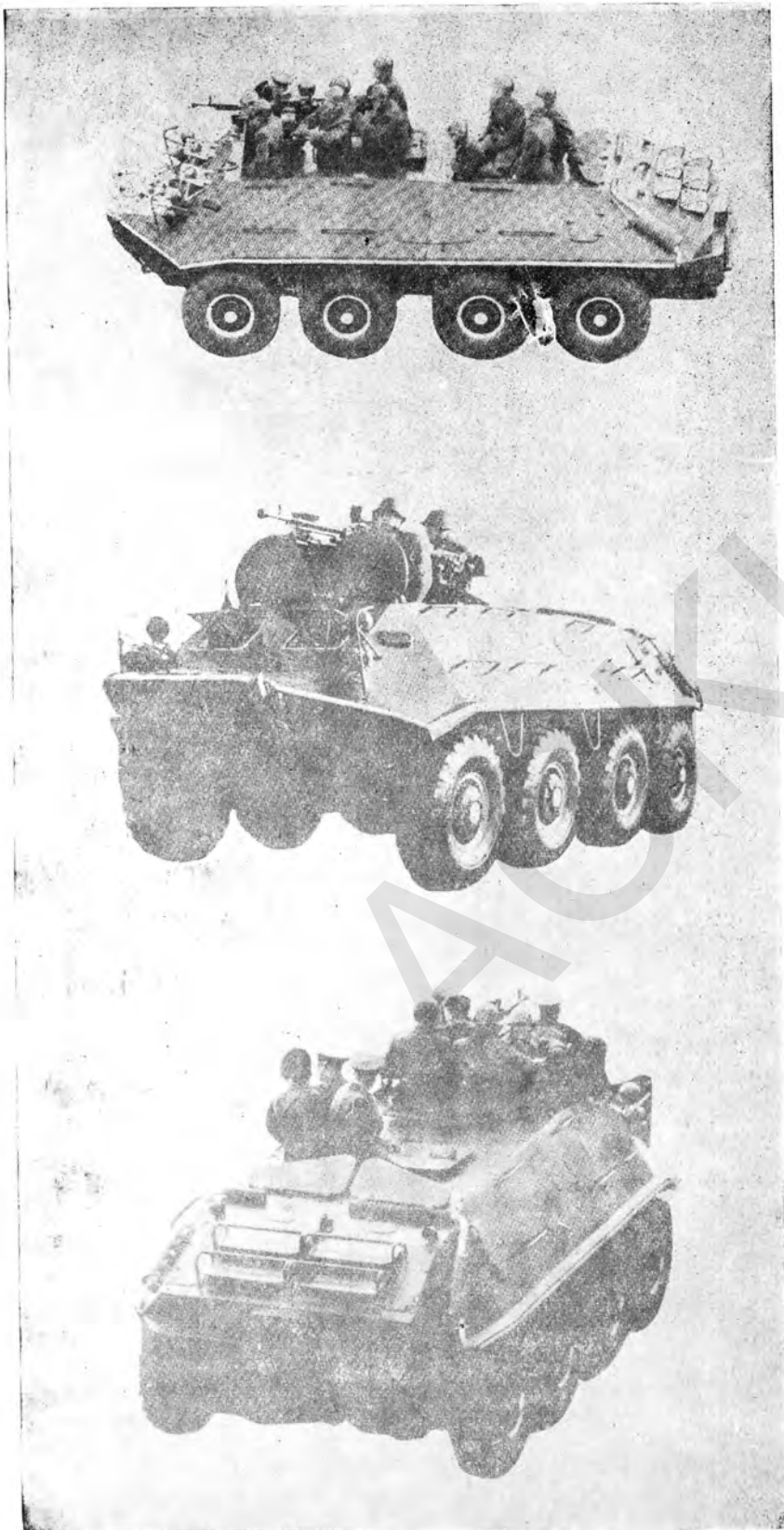
موترزره پوش *BTR-40* سرباز چهار عرابه نئی فرانسوی
گنجایش با دریور ۱۰ نفر
طول ۵' ۵۲ m
عرض ۲' ۲۰ m
بلندی ۱' ۸۰ m
وزن بدون پرسونل ۴ ، ۲ تن
وزن با پرسونل ۵ ، ۷ تن
منزل رفتار ۲۴۰ کیلومتر
سرعت رفتار ۸۰ کیلو متر



موترزره پوش *BTR-152* سرباز چهار عرابه نئی فرانسوی
گنجایش با دریور ۱۵ نفر
طول ۶' ۸۰ m
عرض ۲' ۳۰ m
بلندی ۲' ۱۱ m
وزن بدون پرسونل ۶ ، ۷ تن
وزن با پرسونل ۹ تن
منزل رفتار ۴۰۰ کیلو متر
سرعت رفتار ۷۰ کیلو متر در ساعت



موترزره پوش *BTR-60P* سرباز چهار عرابه نئی فرانسوی
گنجایش با دریور ۱۶ نفر
طول ۸ m
عرض ۲' ۴۰ m
بلندی ۲' ۶۰ m
وزن بدون پرسونل ۸ تن
سرعت اعظمی ۸۰ کیلو متر در ساعت
سرعت اصغری ۱۰ » »



موتور امفی بی BTR-60PK فرانسوی

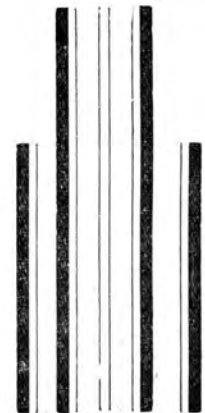
طول	8 متر
عرض	2 ، 90 متر
بلندی	2 ، 20 متر
وزن	8 تن

سرعت در بالای سرک

80 کیلومتر در ساعت

سرعت در بالای آب

10 کیلومتر در ساعت





هلیکوپتر *CH-34 CHOCTAW* آمریکا

سرعت اعظمی آن	۲۱۶ km در ساعت
« رفنار »	۱۸۰ km
ارتفاع پرواز	۳۵۰۰ متر
منزل اعظمی	۳۰۰ کیلومتر
وزن اعظمی (باردار)	۵۷۶۰ کیلوگرام
وزن اصغری (خالی)	۳۴۶۰
قوه حمل و نقل اعظمی	۱۵۰۰ کیلوگرام و یا ۱۲۲ عسکر
قطر پروانه های آن	۱۷،۱ متر
طول تنه	۱۴،۴
ارتفاع	۴،۸
پرسونل (عمله)	۲ نفر

قوه انجن پستون دار ۱۵۲۵ قوه اسپ آور
 هلیکوپتر مذکور در تجهیزات حربی قوای آمریکا ، کانادا
 ایتالیه ، برطانیه و المان غرب که به مارک *H-34* و *H-58*
 نشان داده شده وظیفه اصلی آن انتقال مواد تخنیکي
 پرسونل حربی و یا زخمی که در آن ۸ تذکره جاگزين شده
 است هلیکوپتر مذکور را نیز در مقابل اهداف زمينی به راکت
 رهبری شده مجهز گردانیده استعمال مینماید که در این اواخر
 استحصال آن در فرانسه و برطانیه نیز شروع شده است .

ارتفاع طیاره	۲۴۱ متر
وزن طیاره	۱۳۰۰۰ کیلوگرام
پرسونل (عمله)	یک نفر
کش قوه انجن توربوجت	۷۴۰ کیلو پوند با مواد سوخت کمکی به ۷۲۶۰ کیلو پوند میرسد .

دارای ۶ میل توپ ۲۰ میلی متر دو یا چهار راکت رهبری
 شده *Sidewinder* و چندین بم اتومی بوزن ۱۸۰۰ کیلو-
 گرام و یا یک بم به وزن ۱۰۰۰ کیلوگرام برای کشف اهداف
 هوائی به کمره عکاسی برای فاصله زیاد به تانکی کمکی
 مجهز گردیده است .



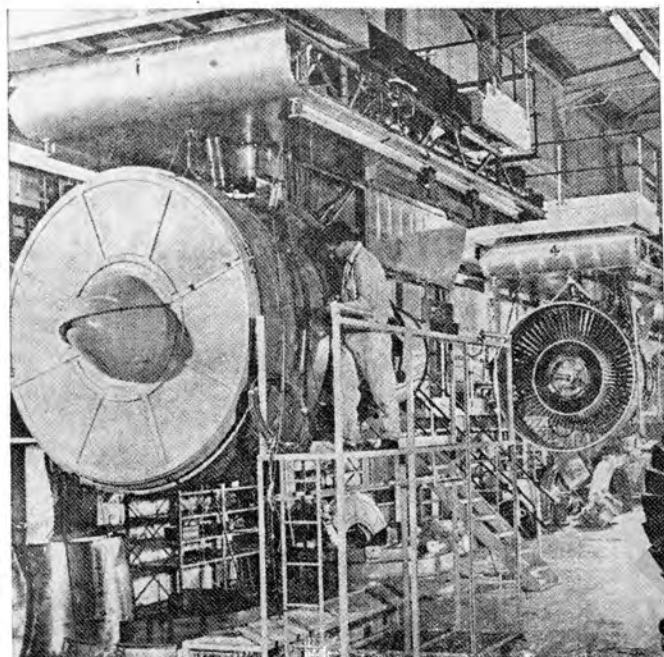
توپ ذات الجر که دافع هوا *M42 40x2* ملی متر آمریکا

وزن حربی توپ مذکور	۱۹،۴ تن
سرعت اعظمی	۶۰ km در ساعت
منزل رفنار	۱۵۰ km
قوه انجن	۵۰۰ قوه اسپ آور
طول آن	۶۴۰۰ میلی متر
عرض	۳۰۰۰ میلی متر
ارتفاع آن	۲۸۰۰ میلی متر
ضخامت زره آن	۴۰ میلی متر
دارای دو توپ به چاپ	۴۰ ملی متر
انداخت اعظمی عمودی	۹۸۰۰ متر
سرعت ابتدائیه	۸۵۰ متر در ثانیه
سرعت انداخت	۱۲۰×۲ فیر در دقیقه
حدود وسطی نورم توپ	۴۸۰ عدد
ماشیندار	۷،۶۲ ملی متر
حدود وسطی نورم ماشیندار	۱۷۰۰ عدد
پرسونل (عمله)	۶ نفر



طیاره *F-104G STARFIGHTER* المان غرب

سرعت اعظمی	۲۲۵۰ km در ساعت
ارتفاع پرواز	۲۰۰۰۰ متر
زمان صعودی طیاره	۲۰۰ متر در ثانیه
فاصله اعظمی بدون تانکی کمکی	۳۰۰۰ کیلومتر
عرض طیاره	۶،۷ متر
طول طیاره	۱۶،۷ متر



یک انجن جت که ۷۰۰۰۰ پوند قوه کشش دارد و توسط کمپنی *Roller - Royce* انگلیسی ساخته شده و دریکی از دستگاه های فابریکه تحت آزمایش قرار میگیرد .



طیاره مقاصد مختلفه *DO - 27* المان غرب

۲۶۰ کیلومتر	سرعت اعظمی
۲۰۰ کیلومتر	سرعت رفتار
۵۵۰۰ کیلومتر	ارتفاع پرواز
۸۷۰ کیلومتر	منزل اعظمی
۱۵۷۰ کیلوگرام	وزن اعظمی (بار دار)
۱۰۱۰ کیلوگرام	وزن اسغری (خالی)
۴ نفر	طاقات حمل
۱ - ۲ لفر	پرسونل (عمله)
۱۲ ، ۱ متر	عرض آن
۹ ، ۶ متر	طول تنه
۳ ، ۵ متر	ارتفاع آن
۲۷۰ قوه اسپ آور	قوه انجن

این طیاره در اردوی المان غرب و سویز شامل خدمت بوده برای حمل و نقل افراد وزن های خفیفه و هم طیاره مترصد مخابره صحیحه استعمال می گردد



طیاره (*F - 28*) که امثال آن در قوای هوایی کشورهای امریکای لاتین به مقاصد حربی استفاده میشود .

سفر و الاحضرت سردار عبدالولی به اتحاد شوروی



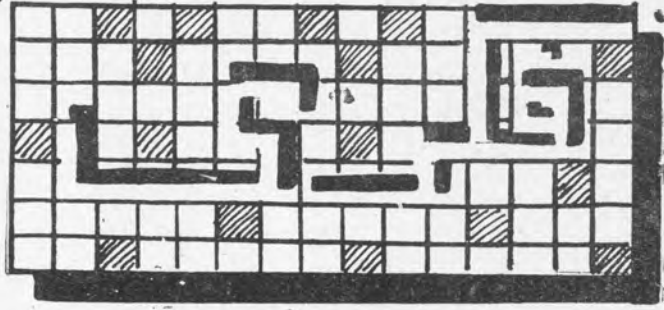
والاحضرت سردار عبدالولی هنگام بازگشت بامستقبلین مصافحه میکنند

۲۷ حوت ۱۳۴۸ بکابل مواصلت کردند.
والاحضرت شاهدخت بلقیس، والاحضرت شهزاده محمد نادر، والاحضرت مارشال شاه ولیخان غازی فاتح کابل عده دیگر از اعضای خاندان جلیل سلطنتی، بعضی از جنرالها وصاحبمنصبان اردوی شاهانه، پناغلی واحدی والی کابل پناغلی نورستانی پناغلی سرفرست کابل، پناغلی کیکیف سفیر کبیر اتحاد شوروی و آتشه نظامی سفارت کبیر آن کشور مقیم کابل در میدان هوایی بین المللی کابل از آنها پذیرایی بعمل آوردند.

طبق یک خبر دیگر بتاریخ سه شنبه ۱۹ حوت د گروال ار کانجرب والاحضرت کفیل قوماندان قوایم کز از جریان مانور قطعات عسکری اتحاد شوروی دیدن کردند.
قوماندانی این مانورها را مارشال اندری گریچکوزیر دفاع اتحاد شوروی بعهده داشت و مانور مذکور از طرف قطعات تمام مسلکهای عسکری اردوی آن مملکت اجرا گردید.
والاحضرت سردار عبدالولی کفیل قوماندان قوایم کز بعد از گذشتاندن ده روز مسافرت رسمی وبازدید از جریان تطبیقات و مانور قوای اتحاد شوروی ساعت یازده قبل از ظهر روز چهارشنبه

د گروال ار کانجرب والاحضرت سردار عبدالولی کفیل قوماندان قوایم کز بدعوت مارشال اتحاد جماهیر شوروی اندری گریچکوزیر دفاع اتحاد شوروی در رأس هیأتی ساعت یازده قبل از ظهر روز یکشنبه ۱۷ حوت ۱۳۴۸ عازم آنکشور گردیدند.
والاحضرت شاهدخت بلقیس، عده از خاندان جلیل سلطنتی، جنرالهای اردوی شاهانه، پوهاند عبدالله واحدی والی کابل، پناغلی محمد کبیر نورستانی پناغلی سرفرست، پناغلی کیکیف سفیر کبیر اتحاد شوروی مقیم کابل و آتشه نظامی سفارت آنکشور در کابل حاضر بودند.

بشغولتیبائی



آنہائیکہ موفق بہ حل شماره (۱۱) مجلہ اردو گردیدہ اذد



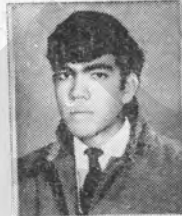
محمد نسیم متعلم
صنف نہم شپی ایسہ



نصر الدین
(دلسوز)



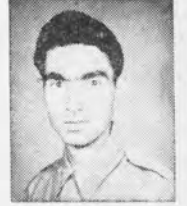
محمد کبیر انور زادہ
مرتب شعبہ حر و فچینی
مطبعہ دفاع ملی



شیر ہوس «فقیری»
متعلم صنف یازدہ
ایسہ رحمن بابا



مالی شاہ خورد
ضابطہ قطعہ نمبر
۲۶۱ دانع ہوا



خواجہ محمد طالب
خورد ضابطہ
فرقہ نمبر ۱۱



عبدالقدیر متعلم
صنف دہم



عبدالکریم «برزی» متعلم
صنف ششم مکتب شہید
بلخی از مزار شریف



محمد کامل دلازادہ متعلم
صنف ہشتم ایسہ حبیبہ



شاہ میر
«اکاخیل»



نور محمد «فیضی»
متعلم صنف نہم
از مکتب شیوہ کی



عبدالستار افراد
مطبعہ دفاع ملی



محمد انور حسن زادہ
عضو شعبہ حر و فچینی



محمد قدیر
(تفریح زادہ)



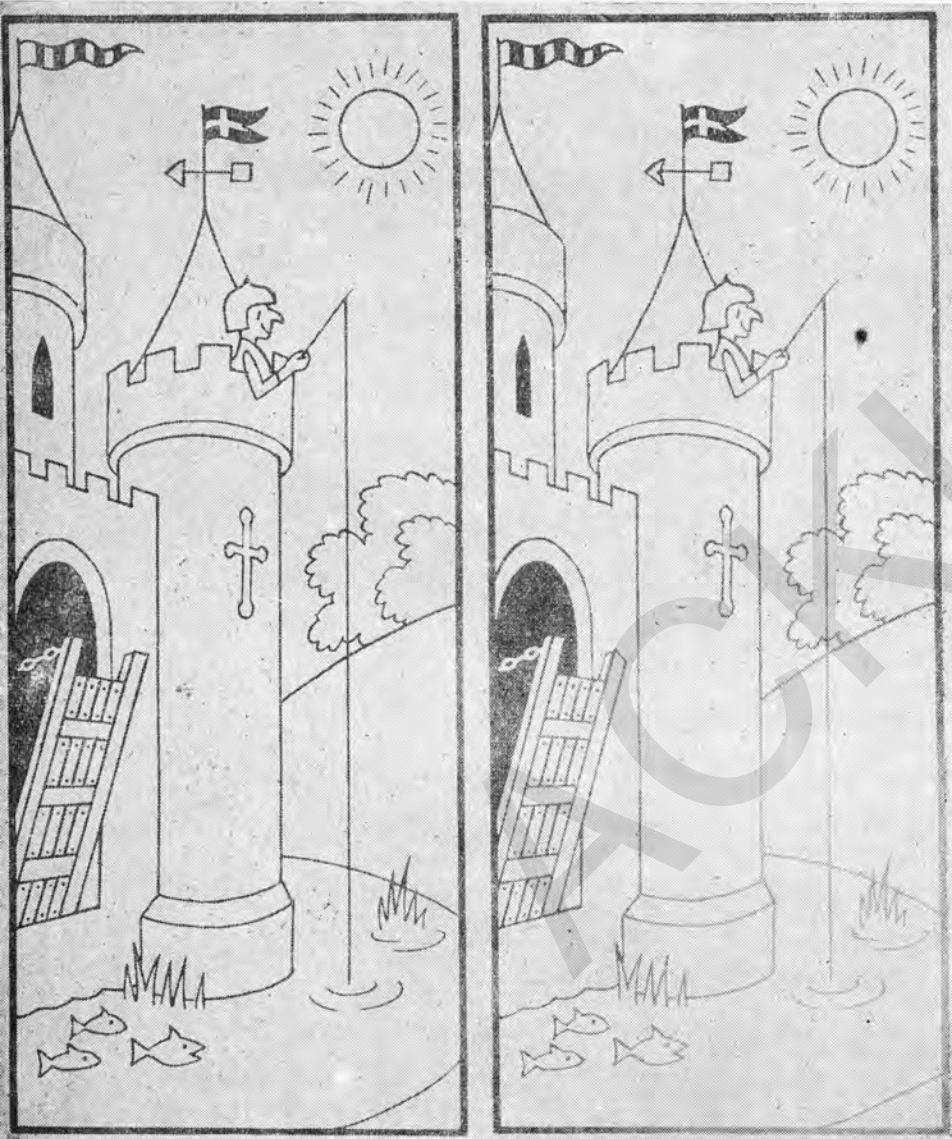
محمد نعیم صالحی
متعلم صنف پنجم (ب)



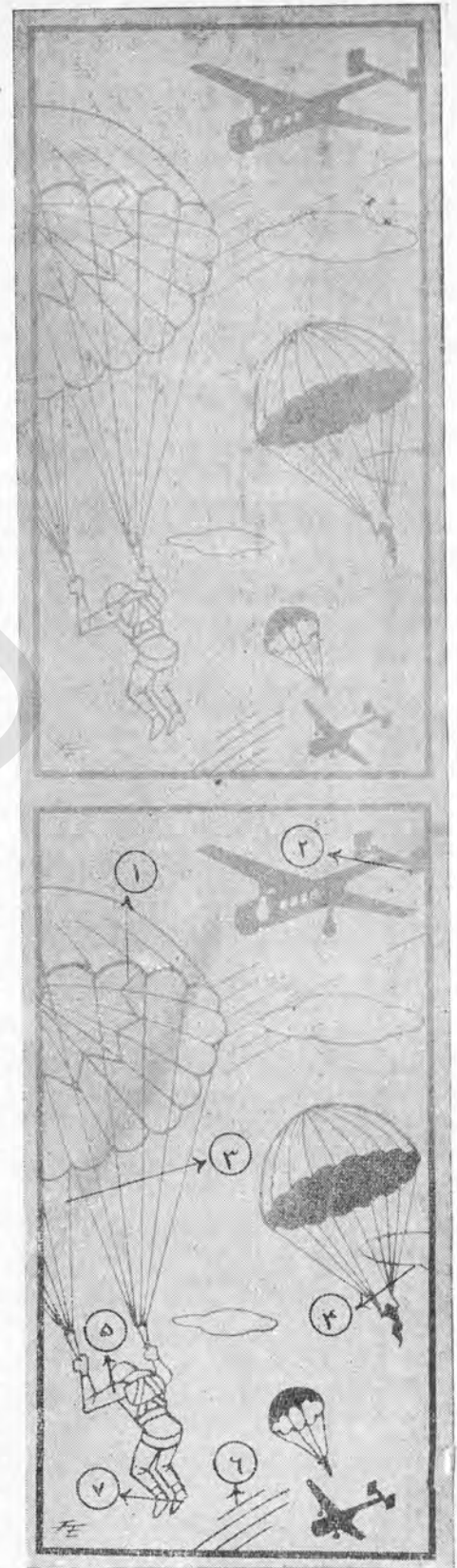
احمد ضیا متعلم
صنف دہم ح ایس



حسین علی «متین»
پریدگی لوژستیک



این دو فوتو در ظاهر باهم بکلی شباهت دارند اما اگر بدقت ملاحظه کنید چند اختلاف در اینها موجود است در صورتیکه موفق شدید جواب این اختلاف را با فوتوی خود به امریت مجله اردو بفرستید تا نشر شود.



حل اختلافاتیکه در شماره قبلی از خوانندگان ارجمند تقاضا کرده بودیم اینک ذریعه عدد نشان داده شده است.

سوانح مرحوم ، محمد داود دگر من اعزازی



مرحوم در سنه ۱۳۱۷ قمری در میرزا که جنوبی تولد یافته ! بعد از تحصیلات مقدماتی به حیث سر معلم به جاجی اجرای وظیفه مینمود بعداً همراه اعلیحضرت شهید سعید (رح) هم کاب گردیده قرار فرمان نمبر ۴۵۶۷-۲۸-۱۰-۱۳۰۸ حضور مبارک شاهانه بحیث کندکشر در قوماندانی فرقه ۳ غزنی مقرر گردید در سال ۱۳۱۲ بفرقه اول قول اردو تبدیل در سال ۱۳۱۳ بدوره سوم تعلیمگاه شامل و در بست احتیاط پذیرفته شد در سال ۱۳۱۶ بفرقه شاهی مقرر بعداً شامل کورس عالی گردیده در سال ۱۳۱۷ از کورس فارغ و به کمبود فرقه اول قول اردوی جنوبی مقرر بعداً قرار فرمان نمبر ۱۶۷۶ برتبه دگر من

مرحوم محمد داود دگر من اعزازی

از اینکه در انقلاب خدمت نموده از حضور اعلیحضرت معظم همایونی قرار فرمان نمبر ۱۲۰۵-۱-۱۰-۱۳۲۶ به رتبه سابقه اش به جمله صاحب منصبان اعزازی منظور و مقرر گردیده و تا کنون درست اردوی شاهی بود.

به کمال تأسف اطلاع گرفتیم که دگر من موصوف به اثر مریضی که عاید حال آن بوده به عمر ۷۳ سالگی داعی اجل را لبیک گفته پدر و دحیات نمود. (انالله وانا الیه راجعون)

وزارت دفاع ملی از فوت مرحوم که یک تن از صاحب منصبان سابقه دار اردو بوده متأثر و متالم گردید از بار گاه خداوند یکتا برای مرحومی طلب مغفرت و برای بازماندگان شان صبر جمیل میخواهد.

ار تقاء جسته در سال ۱۳۲۲ در بست احتیاط پذیرفته شده بعداً در همان سال به کفالت فرقه ۲ تعیین و بعداً به کمبود غند ۲۱ فرقه فراه مقرر شده در سال ۱۳۲۶ حسب ایجابات اصولنامه ترفیع و تقاعد از حضور اعلیحضرت معظم همایونی به تقاعد سوق گردیده

سوانح مرحوم غلام سخنی

تورن، پیلوت قوای هوایی



مرحوم غلام سخنی تورن

مرحوم در سنه ۱۳۱۷ در قریه شالیز غزنی تولد یافته تحصیلات مقدماتی خویش را در مکتب ابتدائیه غزنی اكمال و در سال ۱۳۳۱ به حربی بیوونگی داخل و در سال ۱۳۳۸ از حربی بیوونگی فارغ گردیده جهت تحصیلات عالی در شق هوا بازی به شوروی اعزام و در عقرب ۱۳۴۰ موقفانه بوطن عودت و به مسلک پیلوتی طیارات شکاری تقرر حاصل کرد در سال ۱۳۴۱ به رتبه دوهم برید منی نایل آمده و در میدان هوایی بگرام ایفای وظیفه می نمود و در سال ۱۳۴۴ به رتبه لمپی برید منی ترفیع و در سال ۱۳۴۵

جهت تحصیلات عالی دوباره به شوروی اعزام گردید و بعد از مدت شش ماه موقفانه بوطن عودت نمود و در میدان هوایی بگرام به حیث معلم پیلوت ایفای وظیفه می نمود و در سال ۱۳۴۷ به تورنی ترفیع نمود.

مرحوم در دوره خدمت خویش موفق باخذ نشان و رتیا برنز گردیده است.

به کمال تأسف اطلاع گرفته ایم که تورن مذکور به اثر سقوط طیاره به عمر ۳۱ سالگی بتاريخ ۱۳۴۸/۲/۸ در میدان هوایی بگرام فوت گردید. وزارت دفاع ملی از فوت تورن مذکور که یکتن از صاحب منصبان جوان

و زحمت کش و لایق اردوی شاعانه بود متأثر و متالم گردیده از بار گاه خدای توانا به آن مرحوم طلب مغفرت و به بازماندگان شان صبر جمیل می طلبد.

خلص سوانح ح، عبدالواحد

دگرمن قوای قندهار



مرحوم دگرمن عبدالواحد

اخذ نموده: ۱- نشان طلائی ۲- مدال نکلی ۳- مدال رشتین نکلی
به کمال تأسف اطلاع گرفتیم که دگرمن مذکور به اثر مریضی که عاید حال آن بوده به عمر ۴۵ سالگی بتاريخ ۴۸/۱۲/۹ داعی اجل رالبیکه گفته پدرود حیات گفتند انالله وانا الیه راجعون .

وزارت دفاع ملی از فوت دگرمن مرحوم که بکتن از صاحب منصبان صادق زحمت کش و سابقه دار اردو بوده و تا آخرین لحظه حیات در راه اجرای وظیفه جدیت و فعالیت قابل قدر نموده متاثر و متالم گردیده از بارگاه خداوند برای مرحومی طلب مغفرت و برای باز مانده گانش صبر جمیل میخواند آمین .

مرحومی در سنه ۱۳۰۳ در دروازه تاشقرغان ولایت مزار شریف تولد یافت .-

بعد از تحصیلات مکتب ابتدائیه شامل حربی بنوونخی گردیده بعد از فراغت از حربی بنوونخی داخل مکتب حربیه گردیده در سال ۱۳۲۳ به رتبه کفیل ضابط نشست و در بست فرقه اول مقرر گردید. در سال ۱۳۲۴ به رتبه دوهم بریدمن ترفیع و در سال ۱۳۲۸ به لمری بریدمن ترفیع و بحیث ضابط مخایره ق ۱ م تعیین و در سال ۱۳۲۹ در بست مدیریت اسلحه ق ۱ م مؤظف و در سال ۱۳۳۰ به رتبه تورنی ترفیع در سال ۱۳۳۵ به رتبه جگتورن ترفیع در سال ۱۳۳۷ از بست قوای مرکز در بست قوای پکتیا تبدیل گردیده در سال ۱۳۴۰ به رتبه جگپونی ترفیع و در بست قوای قندهار مقرر شده در سال ۱۳۴۲ شامل کورس تکامل گردیده بعد از فراغ کورس دوباره به قطعه اصلی اش اعزام در سال ۱۳۴۵ به حیث آمر مخایره قوای ۱۷ قندهار مقرر و در سال ۱۳۴۶ به رتبه دگرمنی ارتقا جسته و تا کنون در بست قوای قندهار اجرای وظیفه مینمود. نشانهاییکه در دوره ماموریت خود

دملی دفاع وزارت - ستردرستیز

دنشریاتو لوی مدیریت - دار دو مجله

دتاسیس کال ۲۱ حمل ۱۳۹۹

شماره دوازدهم حوت - ۱۳۴۸

AFGHAN MILITARY REVIEW

Address: De Urdu Mudjella Kabul - Afghanistan

Subscription rate for abroad 5 dollars

FEB. 1970

Tel. 24574 - 23208

نمبر نیلفون مدیر مجله : ۲۳۲۰۸